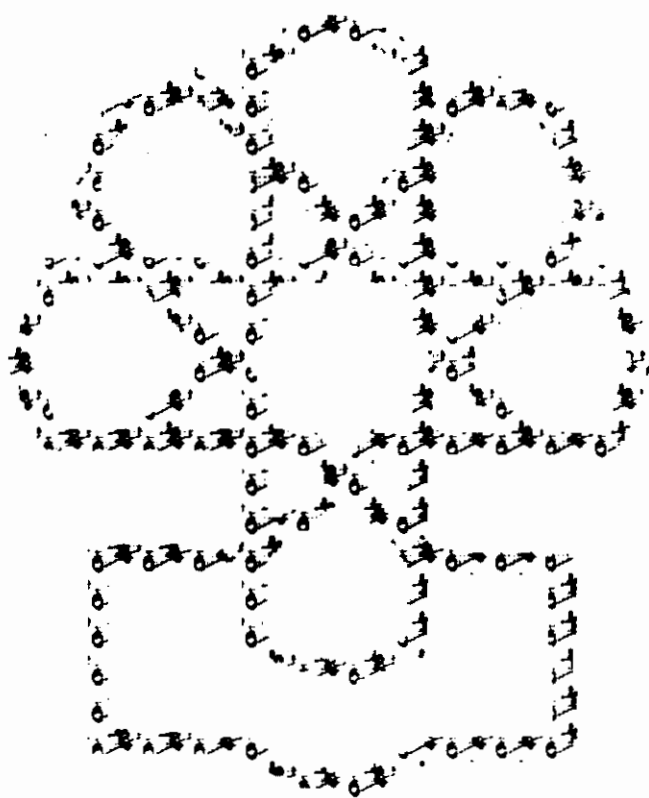




گزارشی از سمینار علمی

برنامه ریزی اقتصادی و توسعه صنعتی

۱۹ تا ۳۱ مارس ۹۹ - سنول



کد گزارش: ۲۴۰۴۴۶۲

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
کتابخانه و واحد اسناد و اطلاع رسانی
شماره: ۱۱۹۶۶
تاریخ: ۱۳۷۸ / ۴ / ۲۰

بسمه تعالی

گزارشی از سمینار علمی برنامه ریزی اقتصادی و توسعه صنعتی

۱۹ تا ۳۱ مارس ۹۹ - سنول

کد گزارش: ۲۴۰۴۴۶۲

فهرست مطالب

○ به عنوان مقدمه	II
○ مجموعه مقالات سمینار	۱
۱- تجربه توسعه اقتصادی کره در دوره ۶۲-۹۸ (سخنران: Sang Bong oh)	۲
۲- سیاست صنعتی کره برای دستیابی به توسعه اقتصادی (سخنران: Kyoung- Hwie Mihn)	۲۱
۳- بحران مالی کره و درس هایی برای کشورهای در حال توسعه (سخنران: Toung Sae Lee)	۴۲
۴- سیاست تجاری کره در مقابله با بحران اقتصادی (سخنران: Nakgyoon Choi)	۵۷
۵- راهبردهای رشد بنگاه های کره ای (آشنایی با چبال ها) (سخنران: Yong Gu Suh)	۷۴
۶- تکامل صنایع عمده کره: مروری بر صنایع اتومبیل و شیمیایی (سخنران: Boung Jun Song)	۹۳
۷- تحولات اقتصادی ایران (سخنران: محمد حسین ملایری)	۱۱۳
۸- صنعت ایران در طول دو برنامه توسعه ۸۹-۹۷ (سخنران: محمد حسین ملایری)	۱۲۲

○ به عنوان مقدمه

۱- در فاصله ۱۹ مارس تا ۳۱ مارس ۱۹۹۹ (۳۰ اسفند ۱۳۷۷ تا ۱۲ فروردین ۱۳۷۸) یک سمینار علمی تحت عنوان «برنامه‌ریزی اقتصادی و توسعه صنعتی» در سنول پایتخت جمهوری کره (کره جنوبی) برگزار شد. برگزارکننده سمینار مؤسسه^۱ KIET بود و تأمین کننده بودجه آن^۲ ICTE و KOICA^۳ بودند. این دو مؤسسه اخیر اکثر ارتباطات با بدنه کارشناسی دولت‌های جهان سوم با کره را شکل می‌دهند. KOICA مستقیماً زیر نظر وزارت خارجه اداره می‌گردد.

۲- در این سمینار علاوه بر کره جنوبی ۸ کشور شرکت داشتند و از هر کشور خارجی یک کارشناس توسعه صنعتی و اقتصادی، تجارب کشور خود را ارائه می‌کرد. کره‌ای‌ها در این سمینار ۶ مقاله ارائه کردند. ارائه کنندگان کره‌ای مقالات، همگی عضو هیئت علمی مؤسسه KIET بودند.

۳- اگر چه عنوان سمینار تبادل نظر کشورهای مختلف در مورد برنامه‌ریزی توسعه صنعتی بود، با این حال مقالات ارائه شده از سوی کشورهای خارجی شرکت‌کننده اکثراً از کیفیت چندانی برخوردار نبود. مباحثی که کارشناسان کره‌ای به جلسه ارائه کردند، من حیث المجموع واحد درس‌ها و تجارب ارزنده‌ای بود که بنابر اظهار خودشان، نخستین بار بود که پس از بحران ۹۷ به این شکل جامع، ارائه می‌دادند.

راقم این سطور مطالعه مقالات مذکور (که در این مجموعه آمده است) را به دست‌اندرکاران سطوح مدیریت عالی و برنامه‌ریزی صنعت کشور توصیه می‌نماید.

۴- کره‌ای‌ها در این سمینار علاوه بر تمایل به انتقال درس‌های توسعه اقتصادی خود به، انگیزه دیگری نیز داشتند و آن تبیین ریشه‌های بروز بحران در این کشور بود. کره‌ای‌ها تأکید داشتند که عوامل بحران را به خوبی شناسایی کرده و بر آنها غلبه کرده‌اند و بنابراین درست نیست که به چشم یک کشور بحران‌زده به آن نگاه شود. مع الوصف تردیدی نیست که کره جنوبی هنوز از بحران ۱۹۹۷ به طور کامل بیرون نیامده است و اگر چه گام‌هایی را در جهت برون رفت از بحران برداشته با این حال تارسیدن به موقعیت قابل قبول، چندسالی کار لازم است.

۵- انگیزه دیگر کره‌ای‌ها نشان دادن پتانسیل‌های فنی و صادراتی‌شان بود. آنها به کمک ارقام و اعداد از قابلیت‌های پیشرفته خود برای نخبگان کشورهای جهان سوم، سخن گفتند. در یک گفتگوی خصوصی، مدیر مؤسسه KIET تأیید کرد که دعوت از کارشناسان بخش‌های دولتی کشورهای جهان سوم (در حوزه‌های مختلف فنی و تجاری)، اگر چه در نگاه اول قدری هزینه به همراه دارد، اما در یک ارزیابی علمی، بسیار کارآمد و ثروت‌زا است. او تأیید کرد که آشنایی کارشناسان دولتی در بخش‌های مختلف کشورهای جهان سوم با پتانسیل‌های صادراتی (کالایی - خدماتی) کره، به معنای باز کردن بزرگ‌راهی است که در یک سوی آن کره قرار دارد. احتمالاً برگزاری دوره‌های مشابه (طبق یک برنامه جامع) می‌تواند در بخش صنعت کشور واجد اثرات ارزنده‌ای باشد. این دوره‌ها می‌تواند در قالب برنامه‌های همکاری بین‌المللی نیز تدارک گردد.

۶- ساختار و ساز و کار مؤسسه KIET تقریباً مشابه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی است با این

۱. مؤسسه اقتصاد صنعتی و تجارت کره.

۲. مرکز بین‌المللی همکاری‌های آموزشی

۳. انستیت همکاری‌های بین‌المللی کره

تفاوت که صرفاً روی موضوع توسعه صنعتی متمرکز است. پژوهش‌هایی که آنان به ویژه ظرف ۵ سال اخیر منتشر کرده بودند، نشان از توانمندی آنان داشت که در این مختصر جای معرفی آنان نیست. راقم این سطور توصیه می‌کند که یک مرکز مطالعات راهبردی توسعه صنعتی توسط وزارت صنایع تشکیل بشود. مدیر مؤسسه مذکور و همچنین آقایان «ناکویون چو» و «یونگ گوسو» اعضای هیئت علمی این مؤسسه آمادگی خود را برای همکاری با طرف ایرانی جهت رشد و توسعه مرکز مورد اشاره اعلام داشتند.

۷- در گزارش حاضر مقالات سخنرانان کره‌ای به همراه مقالات ارائه شده از سوی راقم این سطور، منعکس می‌باشد. متأسفانه به دلیل ضیق وقت، مقالات کارشناسان دیگر کشورها در ایام برگزاری سمینار، چاپ نشد و لهذا امکان درج آن مقالات در این مجموعه میسر نگردید. ان شاء... پس از وصول، در تعاقب این گزارش ارائه خواهد گردید.

۸- اینجانب در دو نوبت به سمینار مقاله ارائه نمودم. مقاله اول در روز دوم تحت عنوان «مروری بر تحولات اقتصادی ایران» ارائه شد و مقاله دوم تحت عنوان «کارنامه صنعت ایران در دو برنامه توسعه» در روز پنجم ارائه شد.

۹- لازم می‌داند از برنامه‌ریزی‌های مطلوب جناب مهندس باقریان رئیس سازمان امور اداری و استخدامی و دیگر همکاران ایشان که منجر به پویایی چشمگیر سازمان مورد اشاره در بهره‌گیری مؤثرتر از دوره‌های علمی خارج از کشور شده است قدر دانی نمایم. مضافاً لازم است از همکاری‌های سفیر محترم جمهوری کره، در تهران سپاسگزاری نمایم.

محمد حسین ملابری

۱۳۷۸/۲/۲۰

○ مجموعه مقالات سمینار

موضوع سخنرانی:

تجربه توسعه اقتصادی کره در دوره

۱۹۶۲ - ۱۹۹۸

سخنران*: Sang Bong oh

* عضو هیئت علمی مؤسسه اقتصاد صنعتی و تجارت کره.

ریاست محترم، خانم‌ها، آقایان

ضمن تشکر از فرصتی که در اختیار اینجانب قرار گرفته است، اینجانب می‌کوشم در این فرصت به تجارب کره در طول ۱۹۶۲ تا ۱۹۹۸ بپردازم. من ابتدا روند تحولات و سپس تاریخچه آن را مرور خواهم کرد و سپس برنامه پنج ساله ۱۹۹۳-۱۹۹۷ را مورد توجه قرار خواهم داد و در نهایت می‌کوشم نقش دولت و درس‌هایی که از تجربه توسعه صنعتی کره به دست می‌آید خدمتتان تقدیم بدارم.

۱- تجربه توسعه اقتصادی کره

هنگامی که توسعه اقتصادی کره در دهه ۱۹۶۰ آغاز گردید، جامعه در وضعیت دشوار اقتصادی قرار داشت به طوری که شباهت زیادی به کشورهای در حال توسعه امروزی که از سطح پایینی از منابع و درآمد برخوردارند شبیه بود. منابع طبیعی وجود نداشت، جمعیت دارای نرخ رشد سالانه ۳ درصد و نرخ بیکاری در حال افزایش بود. تولید ناخالص ملی سرانه تنها ۸۰ دلار و نرخ پس انداز داخلی بسیار پایین بود. به علاوه پایه صنعتی بسیار ضعیف و صادرات صنایع کارخانه‌ای ناچیز بود.

با این وجود اقتصاد کره براساس راهبرد صادرات صنعتی به توسعه سریع اقتصادی در چند دهه اخیر دست یافته است. میانگین رشد واقعی تولید ناخالص ملی ۹ درصد و سرانه آن از مقدار قلیل ۸۷ دلار در سال ۱۹۶۲ به ۹۵۱۱ دلار در سال ۱۹۹۸ افزایش یافته است. سهم بخش‌های کشاورزی، جنگلداری و شیلات از ۳۷ درصد تولید ناخالص داخلی به ۵٫۷ درصد تنزل یافته است در حالی که سهم بخش صنایع از ۱۴/۴ درصد به ۲۵٫۷ درصد در سال ۱۹۹۷ رسیده است.

به ویژه صادرات از رشد قابل ملاحظه‌ای برخوردار بوده است. صادرات از ۶۰ میلیون دلار در سال ۱۹۶۲ با میانگین نرخ رشد سالانه ۳۵ درصد در مدت ۱۹۶۱ تا ۱۹۸۰ و ۱۴ درصد طی دهه ۸۰ به ۱۳۶٫۱ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۷ افزایش یافت و سبب شد کره به عنوان دوازدهمین ملت بزرگ تجاری دنیا محسوب گردد.

جدول ۱- شاخص‌های مهم اقتصاد کره

۱۹۹۷	۱۹۸۲	۱۹۶۲	*
۴۴۲٫۶	۷۱٫۳	۲٫۳	تولید ناخالص ملی (میلیارد دلار)
۱۳۶٫۱	۲۱٫۹	۰٫۰۶	صادرات (میلیارد دلار) الف
۱۴۴٫۶	۲۲٫۳	۰٫۴	واردات (میلیارد دلار) الف
۹۵۱۴	۱۸۳۴	۸۷	تولید ناخالص ملی سرانه (دلار)
			ساختار صنعتی (درصد) -
۵۷	۱۴٫۴	۳۷	کشاورزی، جنگلداری و شیلات
۲۵٫۷	۲۸٫۱	۱۴٫۴	صنایع کارخانه‌ای
۶۸/۲	۵۶/۱	۴۶/۶	کل خدمات
۳۸/۹	۳۵/۵	۶	نسبت صادرات به تولید ناخالص ملی (درصد)
۳۲٫۳	—	—	سهم بازار در تجارت جهانی (درصد)

یادداشت الف - براساس آمار کمرک

ب - به قیمت جاری

- ۱۹۹۵

منبع: بانک کره، سالنامه آمار اقتصادی (Economic Statistic yearbook)، سایر انتشارات

۱. نرخ رشد صادرات در سال‌های اخیر به نسبت کاهش یافته است در آغاز دهه ۹۰ در مدت زمانی ۱۹۹۱-۱۹۹۳ میانگین نرخ رشد سالانه کمتر از ده درصد بود تا این همه، صادرات با نرخ رشد سالانه ۱۶٫۸، ۳۰٫۳ و ۳۷ درصد در سال‌های ۱۹۹۴، ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶ فروشی یافته است

این رشد قابل ملاحظه در بخش صادرات با تغییرات عمده‌ای در ترکیب کالاهای صادراتی همراه شد. در سال‌های نخستین دهه ۶۰، کره بر راهبرد جایگزینی واردات در بخش‌هایی نظیر کود شیمیایی و سیمان تمرکز نمود. در میانه دهه ۶۰، صادرات محصولات صنایع سبک و کاربر نظیر، کلاه گیس، پارچه بافی، پای افزار، فراورده‌های چوبی را با برخورداری از نیروی کار ماهر و ارزان و همچنین پشتیبانی‌های دولتی به عنوان بخش اصلی صادرات آغاز نمود. سپس در دهه ۷۰ به جایگزینی واردات با تأکید بر مواد پایه و کالاهای سرمایه‌ای نظیر، صنایع پتروشیمی، فولاد و ماشین‌آلات و از این طریق توسعه صنایع سنگین و شیمیایی مبادرت نمود. در این بین کشتیرانی و صنایع مصرفی برقی به عنوان بخش‌های صادراتی مهم پدیدار شد. که در میانه دهه ۸۰، توسعه صنایع «فن‌آوری بر»^۱ مانند نیمه‌هادی‌ها و رایانه را به عنوان بخش اصلی صادرات دنبال نمود.

(واحد: درصد)

جدول ۲- ترکیب کالاهای صادراتی

۱۹۹۱	۱۹۷۵	۱۹۶۱
محصولات الکترونیکی (۲۸)	منسوجات (۳۶/۲)	سنگ آهن (۱۳)
منسوجات (۲۱/۵)	محصولات الکترونیکی (۸/۹)	تنگستن (۱۲/۶)
فولاد (۶/۳)	فولاد (۴/۶)	الیاف (۶/۷)
کشتیرانی (۵/۷)	فراورده‌های چوبی (۴/۱)	زغال سنگ (۵/۸)
پای افزار (۵/۳)	پای افزار (۳/۸)	نرم‌تنان دریایی (۵/۵)
محصولات شیمیایی (۴/۲)	ماهی‌های دریایی با عمق زیاد (۳/۶)	سایر ماهی‌ها (۴/۵)
ماشین‌آلات (۳/۳)	کشتیرانی (۲/۷)	کرافیت (۴/۲)
خودرو (۳/۲)	محصولات فیزی (۲/۴)	فراورده‌های چوبی (۳/۳)
فراورده‌های دریایی (۲/۳)	فراورده‌های نفتی (۱/۹)	حبوبات (۳/۳)
فراورده‌های نفتی (۲)	رزین‌های ترکیبی (۱/۷)	پوستین (۳)
۸۱/۹ درصد کل	۶۹/۹ درصد کل	۶۲ درصد کل

۱- دانش اعداد داخل پرانتز نشانگر سهم از کل صادرات است.

منبع: ساکنگ، II، کره در اقتصاد جهانی، انستیتو اقتصاد بین‌الملل.

در مراحل اولیه توسعه اقتصادی، کره با بهره‌مندی از نیروی کار فراوان و نرخ‌های دستمزد پایین به تمرکز بر روی مونتاژ کالاهای نهایی یا به طور کلی کالاهای مصرفی پرداخت. سپس در مرحله بعدی، توسعه صنایع کالاهای سرمایه‌ای مانند، ماشین‌آلات کالاهای واسطه‌ای دنبال نمود. برای مثال کره، در صدد توسعه صنایع پیشرو، نظیر پارچه بافی، پای‌افزار و کالاهای مصرفی از طریق در ابتدا واردات مواد خام و سایر تجهیزات از خارج و ترکیب و تولید این اجزا با استفاده از نیروی کار ارزان و سپس صادرات کالاهای نهایی به خارج درآمد. برای انجام این امر، کره کالاهای سرمایه‌ای مورد نیاز را مانند ماشین‌آلات و تکنولوژی از کشورهای پیشرفته وارد نمود. با توجه به اتخاذ راهبرد بازار، به علت این که تولیداتش در بازار جهانی

شناخته شده نبود، به جای ورود مستقیم به تولیدات OEM روی آورد.

جدول ۳- نحو تغییر ترکیب کالاهای صادراتی کره (واحد: درصد)

۱۹۹۴	۱۹۹۰	۱۹۸۰	۱۹۷۰	
۲۶	۳۴	۶۶	۸	غذا و کالاهای مصرفی بلا واسطه
۳۰.۷	۲۵.۱	۳۵.۸	۳۹.۸	عرضه محصولات صنعتی
۴۴.۵	۳۰.۴	۱۸.۵	۷.۳	کالاهای سرمایه‌ای
۹.۵	۲۱.۷	۲۵.۱	۲۹.۲	کالاهای مصرفی بی‌دوام
۱۲.۷	۱۹.۵	۱۳.۹	۱۵.۸	کالاهای مصرفی بادوام
۴.۹	۵.۶	۹.۱	۱۷.۶	غذا، مواد معدنی و سوخت
۲۹.۳	۴۱.۱	۲۹.۴	۶۹.۶	محصولات صنایع سبک
۶۵.۷	۵۳.۶	۴۱.۵	۱۲.۸	تولیدات صنایع سنگین

منبع: اتحادیه تجارت خارجی کره، مری تجارت خارجی و انتشارات دیگر

بازتاب این تحولات ساختاری، کاهش سهم صادرات محصولات ابتدایی از ۷۳ درصد در سال ۱۹۶۲ به تنها ۴/۹ درصد در سال ۱۹۹۴ و افزایش سهم شگرف تولیدات صنعتی از ۲۷ درصد به ۹۵ درصد بوده است. سهم صنایع سنگین نیز در صادرات از ۱۲.۸ درصد در سال ۱۹۷۰ به ۶۵.۷ درصد در سال ۱۹۹۴ افزایش یافت، در حالی که سهم صنایع سبک از ۶۹.۶ به ۲۹.۳ تقلیل نمود. در مورد واردات، سهم مواد خاوه صنعتی شامل نفت خام، در سطح ۵۰ درصد باقی مانده است در حالی که سهم کالاهای سرمایه‌ای از ۲۹.۷ درصد در سال ۱۹۷۰ به ۳۹/۷ درصد در سال ۱۹۹۴ افزایش یافته است.

جدول ۴- تغییر ترکیب کالاهای وارداتی

۱۹۹۴	۱۹۹۰	۱۹۸۰	۱۹۷۰	
۵/۴	۵/۳	۹/۱	۱۶/۴	غذا و کالاهای مصرفی مستقیم
۴۹/۴	۵۳/۶	۶۵/۰	۵۰/۶	تولیدات صنعتی
۳۹/۷	۳۶/۵	۲۳	۲۹/۷	کالاهای سرمایه‌ای
۲/۱	۱/۳	۰/۴	۰/۶	کالاهای مصرفی بی‌دوام
۳/۴	۳/۴	۲/۶	۰/۳	کالاهای مصرفی بادوام

منبع: اتحادیه تجارت خارجی کره، مری تجارت خارجی و سایر انتشارات.

جهت تدوین و اجرای راهبرد پرونگرا که بر حداکثر رشد از طریق صادرات تأکید داشت، هیئت برنامه‌ریزی اقتصادی (EPB)- متشکل از شورای مرکزی برای برنامه‌ریزی و هماهنگی اقتصادی- در دولت تأسیس شده بود. هیئت مذکور تا هنگامی که به وزارت امور مالی و اقتصادی در دسامبر ۱۹۹۴ انتقال یافت، نقشی پیشرو در طراحی بلندمدت و کوتاه‌مدت توسعه و هماهنگی سیاست‌های اقتصادی ایفا نموده است. هیئت همچنین اقدامات سترگی فراتر از حیطه نظارتی وزارت‌های اقتصادی دیگر نظیر تغییرات نهادی گوناگون انجام داده است. به علاوه صنایع پیشرو صادراتی پیشرفت نمودند و از طریق اهرم‌هایی نظیر

معافیت‌های مالیاتی و تأمین مالی با نرخ بهره پایین مورد پشتیبانی قرار گرفتند. از آنجا که کره، از سرمایه، تکنولوژی و منابع طبیعی برخوردار نبود، به ورود سرمایه خارجی و تکنولوژی هنگام ارتقا صادرات دست یازید.

بیش از همه، کره به دلیل این که از کمبود پس انداز داخلی و کسری تجاری در بیشتر مراحل توسعه اقتصادی رنج می‌برد، جهت تسریع در صنعتی کردن اقتصاد، مبادرت به ورود سرمایه‌های خارجی نمود. این نکته جالب توجه است که کره به وام‌های خارجی که از ریسک بالایی برخوردار بودند و با توجه به فقدان سرمایه توسعه یافته زیربنایی اجتماعی، بیشتر از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی وابسته بود. از آنجا که بنگاه تولیدی قرض از خارج را بدون مجوز دولت نداشتند، دولت سرمایه‌گذاری را بین آنها تخصیص می‌نمود. برای مثال، وام‌های خارجی ۱۶ درصد کل ورود سرمایه خارجی را در دوره ۱۹۹۰-۱۹۹۲ تشکیل می‌داد. در سرانجام این سی سال توسعه، بدهی خارجی با شتاب رشد نمود. نسبت بدهی ناخالص خارجی به تولید ناخالص داخلی کمتر از ۳ درصد در سال ۱۹۶۲ به نزدیک ۳۱ درصد در سال ۱۹۷۱، ۳۷ درصد در سال ۱۹۷۶ و بیش از ۵۰ درصد تا اوایل دهه ۹۰ افزایش یافت. با این وجود، بازتقای سریع نرخ پس انداز ملی از ۱۱ درصد در سال ۱۹۶۲ به ۲۷/۵ درصد در سال ۱۹۷۷ و ۳۴/۶ درصد در سال ۱۹۹۷ باعث شد بر این مشکل چیره گردد.

جدول ۵- ورود سرمایه خارجی به کره ۱۹۹۰-۱۹۶۲ (واحد: میلیون دلار، درصد)

B/A	وام‌های خارجی (C)	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (B)	جریان ورود سرمایه خارجی (A)	
۵/۵	۲۹۲	۱۷	۳۰۹	۱۹۶۶-۱۹۶۲
۴/۲	۲۱۶۶	۹۶	۲۲۶۲	۱۹۷۱-۱۹۶۷
۹/۳	۵۴۳۲	۵۵۷	۵۹۸۹	۱۹۷۶-۱۹۷۳
۱۱/۳	۱۳۱۳۲	۱۶۶۶	۱۴۷۹۸	۱۹۸۱-۱۹۷۷
۸	۱۲۰۱۹	۱۰۴۰	۱۳۰۵۹	۱۹۸۶-۱۹۸۲
۳۳/۷	۶۳۴۳	۳۲۲۸	۹۵۷۱	۱۹۹۰-۱۹۸۷
۱۴/۴	۳۹۳۸۴	۶۶۰۴	۴۵۹۸۸	کل ۱۹۹۰-۱۹۶۲

منبع: ساکنگ II کره در اقتصاد جهانی، انستیتوی اقتصاد بین‌الملل، ۱۹۹۳.

علاوه بر افزایش پس انداز، کره هم‌زمان با توسعه درونزای تکنولوژی به ورود تکنولوژی پیشرفته که تنها در اختیار کشورهای توسعه یافته بود، جهت ارتقای سطح آن اقدام نمود. کشوری با منابع طبیعی محدود همچون کره، باید بر دستیابی به مزیت‌های نسبی از طریق تحصیل تکنولوژی نوین به صورت داخلی و خارجی ابرام ورزد. از این رو کره تأکید زیادی بر استفاده از تکنولوژی خارجی همانند توسعه تکنولوژی بومی داشت.

جدول ۶- هزینه تحقیقات و توسعه (R&D) و ورود تکنولوژی ۱۹۶۳-۱۹۹۳

	هزینه های R&D		ورود تکنولوژی	
	میلیارد ون	R&D/GNP	تعداد موارد	میلیون دلار
۱۹۶۳	۱۲	۰.۲۵	۳۳-	۰.۸
۱۹۶۶	۳.۲	۰.۳۱	۲۸۵ج	۱۶.۲
۱۹۷۱	۱۰.۷	۰.۳۲	۴۳۴=	۴۳.۴
۱۹۷۷	۱۰۸.۳	۰.۶	۱۶۸	۵۸.۱
۱۹۸۱	۲۹۳.۱	۰.۶۴	۲۴۷	۱۰۷.۱
۱۹۸۶	۱۵۲۳.۳	۱.۶۸	۵۱۷	۴۱۱
۱۹۹۰	۳۳۴۹.۹	۱.۸۸	۷۳۸	۱۰۷۸
۱۹۹۳	۶۱۵۳.۰	۲.۳۳	۷۰۷	۹۴۶.۴
نرخ رشد (۱۹۹۳-۱۹۶۳)	۳۲.۹۴	۷.۷۲	۱۰.۷۵	۵۴.۷۲

یادداشت الف- به قیمت های جاری

ب- براساس پایه تحمیمی (۱۹۶۳-۱۹۶۵)

ج- براساس پایه تحمیمی (۱۹۶۶-۱۹۷۰)

د- براساس پایه تحمیمی (۱۹۷۱-۱۹۷۶)

ه- میانگین نرخ رشد سالانه

منبع: وزارت مالی و اقتصادی کره

هزینه های تحقیق و توسعه کره که بالغ بر ۰/۲۵ درصد تولید ناخالص ملی براساس قیمت های جاری در سال ۱۹۹۳ بوده با میانگین نرخ رشد ۳۲.۹ درصد در دوره ۱۹۹۳-۱۹۹۶ به ۲.۳۳ درصد رسید. در ضمن تعداد تکنیک های وارداتی از ۳۳ در سال ۱۹۶۳ به ۷۰۷ در سال ۱۹۹۳ فزونی یافت.

اجرای موفقیت آمیز راهبرد صادرات صنعتی به تغییرات عمده ای در ساختار صنعتی کره منجر شد. پس از آغاز توسعه اقتصادی در اوایل دهه ۶۰ فرایند یکنواختی از تغییرات ساختاری صنعتی از صنایع سبک و کار بر به سمت صنایع سرمایه و تکنولوژی بر سنگین و شیمیایی وجود داشته است. برای مثال، سهم ارزش افزوده صنایع سنگین و شیمیایی مانند، صنایع شیمیایی، فلزات پایه، فولاد و ماشین آلات به طور شگرفی افزایش پیدا کرده در حالی که سهم صنایع سبک نظیر، پارچه بافی، پوشاک و چرم خیلی سریع کاهش یافت. به بیان روشن تر، صنایع پیشتازی مانند پارچه بافی، پای افزار و فرآورده های چوبی از طریق صنایع پتروشیمی، فولاد، خودرو، کشتی سازی و ماشین آلات که می تواند به عنوان صنایع فرعی با بر خورداری از رشد سریع مشخص گردد در نهایت به صنایع مصرفی و الکترونیکی شامل، تلویزیون رنگی، نیمه هادی ها، VTRS رایانه و تجهیزات ارتباطی تبدیل یافته است.

تغییرات ساختاری متوازی در بخش های عمده اقتصادی مهم بوده است. همان طور که یاد شده سهم بخش کشاورزی در اقتصاد کره به یک باره از زمان خیزش فرایند توسعه اقتصاد کاهش یافته است. سهم بخش کشاورزی از جمله شیلات و جنگلداری که در سال ۱۹۶۲، ۳۷ درصد تولید ناخالص داخلی بوده به ۱۵ درصد در سال ۱۹۸۰ و ۵.۷ درصد در سال ۱۹۹۷ تقلیل یافت. در مقابل کاهش یک باره سهم بخش کشاورزی، سهم بخش های کارخانجات و خدمات با شتاب از ۱۴/۴ و ۴۶.۶ درصد تولید ناخالص ملی در سال ۱۹۶۲ به ۲۵.۷ و ۶۷/۲ درصد در سال ۱۹۹۷ فزونی یافت. یادآوری می شود که سهم بخش کارخانجات

متداوماً از ۱۴۴ درصد در سال ۱۹۶۲ به ۳۲/۱ درصد در سال ۱۹۸۸ رشد یافت و پس از این، سهم بخش یاد شده به طور آهسته به سطح حدود ۲۷ درصد کاهش یافت.

جدول ۷- تغییرات ساختاری در بخش صنعت (واحد: درصد)

۱۹۹۳	۱۹۸۳	۱۹۷۳	۱۹۶۳	
۱۲/۳۷	۱۸/۳۰	۲۲/۱۴	۳۳/۵۶	غذایی، نوشیدنی‌ها و توتون
۹/۴۴	۱۵/۶۵	۲۶/۸۸	۲۲/۷۷	پارچه‌بافی، پوشاک و چرم
۰/۷۴	۱/۰۴	۳/۵۲	۴/۰۷	چوب و فراورده‌های آن
۴/۳۶	۴/۳۷	۴/۸۷	۶/۲۲	کاغذ و فراورده‌های آن
۱۸/۴۳	۱۷/۴۹	۱۲/۹۸	۱۱/۲۹	شیمیایی
۵/۷۱	۴/۹۱	۴/۳۹	۴/۲۶	تولیدات معدنی غیر فلزی
۸/۵۹	۷/۵۵	۴/۳۰	۳/۹۳	فلزات پایه
۳۷/۹۵	۲۷/۶۲	۱۷/۸	۱۲/۳۹	تولیدات فلزی و ماشین‌آلات
۲/۴۲	۲/۸۷	۳/۱۲	۱/۰۵	سایر تولیدات صنعتی
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	

منبع: استنبوی توسعه کره.

جدول ۸- تحولات ساختار صنعتی (واحد: درصد)

۱۹۹۷	۱۹۸۸	۱۹۸۵	۱۹۸۰	۱۹۷۵	۱۹۷۰	۱۹۶۲	
۵/۷	۱۰/۲	۱۲/۵	۱۴/۷	۲۴/۹	۲۶/۶	۳۷	کشاورزی، جنگلداری و شیلات
۲۵/۷	۳۲/۱	۲۹/۳	۲۸/۲	۲۵/۹	۲۱	۱۴/۴	صنایع
۶۸/۲	۵۶/۹	۵۷	۵۵/۶	۴۷/۶	۵۰/۹	۴۶/۶	خدمات

یادداشت: به قیمت‌های جاری
منبع: بانک کره، سالنامه آماری اقتصادی و سایر انتشارات

۲- بررسی تاریخ توسعه اقتصادی کره در دوره ۱۹۶۲ - ۱۹۹۸

در این قسمت تلاش می‌شود، فرایند توسعه اقتصادی را به چهار مرحله متمایز تفکیک و در هر مرحله سیاست‌های دولت را بررسی کنیم. چهار مرحله عبارتند از: دوره جهش صادرات (۱۹۶۲-۱۹۷۲)، مرحله توسعه صنایع شیمیایی و سنگین (۱۹۷۳-۱۹۷۹) تثبیت و آزادسازی اقتصادی در مرحله سوم (۱۹۸۰-۱۹۹۲) و برنامه نوین پنج ساله اقتصادی (۱۹۹۳-۱۹۹۷).

۲-۱- جهش صادرات (۱۹۶۲-۱۹۷۲)

مرحله نخست توسعه اقتصادی، دوره‌ای اساسی و برجسته در موفقیت اقتصادی کره به شمار می‌رود. پایه صنعتی کره با وسعت زیادی شکل گرفت، فقر گسترده از میان برداشته شد و دولت کره اجرای سیاست‌های

سامانه‌ای را جهت اصلاحات نهادی و توسعه اقتصادی آغاز نمود. یکسال قبل از شروع اصلاحات در سال ۱۹۶۱، پایه روی کار آمدن دولت پارک چونگ - هی، تأکید اصلی سیاست‌های اقتصادی از بازسازی دوران پس از جنگ^۱ و جایگزینی واردات به توسعه اقتصادی از طریق ارتقای صادرات تغییر یافت. طی دهه ۵۰ کمره سیاست صنعت‌گرایی را از طریق جایگزینی واردات کالاهای مصرفی بی‌دوام و واسطه با کمک تعرفه‌ها و سهمیه‌ها بالای وارداتی دنبال نمود. با این همه راهبرد توسعه براساس جایگزینی واردات با توجه به اندازه کوچک بازار داخلی و نیاز شدید سرمایه، موفقیت‌میز نبود. نرخ میانگین رشد در سال‌های ۱۹۵۳ تا ۱۹۶۱ سالانه تولید ناخالص منی و صادرات ۲۰۷ و ۳۷ درصد بود. در حالی که واردات با نرخ ۱۴۰ درصد افزایش داشت. تجربه نامطلوب رشد اقتصادی در دهه ۵۰ موجب درک تازه‌ای از اهمیت نقش صادرات در توسعه اقتصادی و اتخاذ راهبرد توسعه پرونگرا توسط دولت شد.

راهبرد جدید توسعه با تأکید بر جهش صادرات در اولین برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی تدوین یافته توسط دولت، نمود یافت. هدف اصلی اولین برنامه، ارتقای صادرات از طریق صنایع سبک‌کاربر مانند، پارچه بافی و پای افزار به عنوان صنایع پیشتر صادراتی بود. کمره به علت بهره‌مندی از نیروی کار ارزان، مزیت نسبی خوبی در این زمینه داشت.

به منظور تحقق این اهداف، دولت همه کوشش خود را بر گسترش صادرات متمرکز نمود. در سال ۱۹۶۴ ارزش ون را حدود ۱۰۰ درصد از ۱۳۰ به ۲۶۵ ون در برابر هر دلار کاهش داد و هم زمان سامانه چندگانه نرخ ارز را به سامانه ساده تک نرخ تبدیل کرد. به دنبال تعدیل نرخ ارز، دولت جهت تشویق و نهادینه نمودن پس انداز خصوصی از طریق سامانه بانکی، نرخ بهره سپرده‌های بانکی را از ۱۵ درصد به ۳۰ درصد در سال ۱۹۶۵ افزایش داد.

سپس، دولت کمره از طریق یارانه‌های مستقیم صادراتی به بنگاه‌های صادراتی، کاهش تعرفه‌های مواد و تجهیزات وارداتی برای تولید محصولات صادراتی، کاهش مالیات بر شرکت‌ها، نرخ بهره پایین، استهلاک ویژه دارایی‌ها و تسهیل در عملکرد گمرک و بازگذاشتن دست بنگاه‌های بازرگانی جهت به کارگیری سرمایه‌های خارجی در موارد مورد نظر، آهار یاری رساند. از آنجا که سامانه بانکی زیر نظر دولت بود، ارائه مشاوره‌های بانکی به بنگاه‌های صادراتی به عنوان معیاری برای ارزیابی اعتبارات به شمار می‌رفت. این عوامل انگیزشی بدون توجه به صنعت خاصی، برای همه بخش‌های صادراتی فراهم بود، بدین معنی که سیاست‌های دولت نسبت به صنعت یا اقلام صادراتی خاصی بی‌طرف بود.

به علاوه، دولت آزادسازی واردات را در سال ۱۹۶۷ بالغو محدودیت‌های مقداری و کاهش تعرفه‌ها دنبال نمود. البته سیاست آزادسازی واردات، اساساً برای تسهیل واردات مواد خام، نهاده‌های وارداتی و کالاهای سرمایه‌ای مورد نیاز تولید محصولات صادراتی در نظر گرفته شد، در حالی که ورود کالاهای مصرفی به سبب کمبود ارز خارجی به شدت جلوگیری می‌شد.^۲

در کنار کوشش‌هایی از این دست، دولت اهدافی سالانه به صورت شاخص‌های عددی برای پیشرفت صادرات در نظر می‌گرفت و جلسات ماهانه با حضور رئیس جمهور، وزیر و مدیران برای بهبود عملکرد صادرات تشکیل می‌شد.

دستاوردها راهبرد توسعه مبتنی بر صادرات، رشد صادرات با میانگین ۴۰ درصد از ۵۵ میلیون دلار در سال

^۱ کمره در سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۳ در جنگ بود.

^۲ Ki-Hong Park, Trade Policies in Korea, Korea Institute for Industrial Economics and Trade, 1996.

۱۹۶۲ به ۱۶۴۴ میلیون دلار در سال ۱۹۷۲ بوده است. بازتاب رشد سریع صادرات به صورت رشد میانگین سالانه ۹ درصدی تولید ناخالص ملی پدیدار شده است.

۲-۲- توسعه صنایع شیمیایی و سنگین (۱۹۷۳-۱۹۷۹)

در مرحله دوم توسعه (۱۹۷۳-۱۹۷۹)، راهبرد صادرات صنعتی ادامه یافت. با این تفاوت که تمرکز از صنایع سبک کاربر به صنایع سنگین و شیمیایی سرمایه و تکنولوژی بر مانند ماشین آلات و پتروشیمی تغییر کرد. سه دلیل برای این تغییر می توان ارائه نمود.

اولین دلیل، کمک به صادرات صنایع راهبردی که کره را در ادامه رشد اقتصادی مبتنی بر صادرات قادر سازد، بود. به علت افزایش کشورهای در حال توسعه که از کارایی بیشتری در هزینه نسبت به کره در صنایع سبک کاربر برخوردار و به رقابت در صنایع مذکور برای خارج ساختن کره از بازار سنتی صادراتی خویش پرداخته بودند، این امر اجتناب پذیر بود. به علاوه، به علت تورم بالا، دستمزد واقعی در کره از نرخ بهره وری کار سریع تر فزونی یافت و در نتیجه رقابت پذیری قیمتی محصولات صادراتی کره را در مقابل کشورهای در حال توسعه دیگر تضعیف نمود.

دومین دلیل تسهیل جایگزینی واردات کالاهای واسطه ای و سرمایه ای بود که کره به طور فزاینده ای از خارج وارد می نمود. ارتقای صادرات محصولات صنعتی سبک که نیاز فزاینده ای به واردات تجهیزات و ماشین آلات سرمایه ای و واسطه ای داشت، مشکل مزمن تراز پرداخت ها را در کره ایجاد کرد. این امر باعث شد، دومین مرحله سیاست جایگزینی واردات،^۱ و جهش در تولید کالاهای مصرفی بسادوام و نهاده های واسطه ای را دنبال نماید.

دلیل آخر، کمک به توسعه صنایع دفاعی کره جهت اهداف امنیتی بود. در اوایل دهه ۷۰، نیکسون، بخشی از پایگاه نظامی ایالات متحده را از کره خارج نمود که هراس ناشی از فقدان امنیت بین مردم کره، توسعه صنایع شیمیایی و سنگین را تسهیل نمود.

دولت کره، هفت صنعت از جمله، فولاد، کشتی سازی، ماشین آلات، پتروشیمی، الکترونیک، فلزات آلیاژی و غیر آلیاژی به عنوان صنایع راهبردی و مورد نظر، گزینش نمود. این صنایع مورد نظر، ویژگی های متفاوتی با صنایع سبک دارد. آنها به سرمایه گذاری های بزرگ-مقیاس نیازمندند و از امتیاز بازده فزاینده نسبت به مقیاس و تکنولوژی استاندارد تولیدی برخوردارند.

دولت جهت تأمین مالی توسعه صنایع شیمیایی و سنگین، سیاست پرداخت وام توسط بانک های دولتی نظیر، بانک توسعه کره و بانک های تجاری که شدیداً تحت نظارت دولت بودند، استفاده کرد. وام های مذکور، با شرایط بلندمدت و نرخ بهره اندک پرداخت می شد. از این رو، سهم پرداخت وام از سپرده های پولی بانکی از ۲۹/۳ درصد در سال ۱۹۷۲ به ۳۵/۱ درصد در سال ۱۹۷۹ افزایش یافت.^۲ همچنین، صندوق ملی سرمایه گذاری در سال ۱۹۷۴ جهت افزایش عرضه و جوه با بهره اندک به صنایع راهبردی، تأسیس شد. به علاوه دولت کره برخی انگیزش های مالیاتی را نیز ارائه نمود. بر اساس قوانین جدید کاهش مالیات در

۱ اولین مرحله جایگزینی واردات در دهه ۵۰ توسعه صنایع کالاهای بی دوام مصرفی و واسطه در کره اجرا شد.
۲ وام های پرداختی توسط بانک های دولتی تخصصی نظیر بانک توسعه کره و همچنین قروض خارجی تعیین شده توسط دولت مورد احتساب قرار گیرد. سهم سیاست پرداخت وام بیشتر از این خواهد بود و تک بخشی، سیاست صنعتگرایی در کره، انبساطی کره ای اقتصاد صنعتی و تجاری، را بسطید.
۱۹۹۶

سال ۱۹۷۵، بنگاه‌های فعال در بخش صنایع راهبردی جهت سرمایه‌گذاری، از مالیات بر شرکت‌ها، اعتبارات و استهلاک تصاعدی معاف بودند. به فعالیت برخی انحصارات در تولید اجازه داده شد و مؤسسات دولتی در برخی صنایع راهبردی نظیر فولاد و پتروشیمی پدیدار شدند. با توجه به واردات، پشتیبانی از رقابت خارجی صنایع شیمیایی و سنگین مورد تأکید قرار گرفت.

جدول ۹- میزان و سهم سیاست وام‌دهی از طریق سپرده پولی بانکی
(واحد: میلیاردی)

سال	کل	وام‌های عمومی	وام‌های تخصیصی	وام‌های ویژه صادرات
۱۹۷۰	۷۲۲/۴	۵۱۰/۵ (۷۰/۷)	۲۱۱/۹ (۲۹/۳)	۵۵/۹ (۷/۷)
۱۹۷۱	۹۱۹/۵	۶۴۷/۲ (۷۰/۴)	۲۷۲/۳ (۲۹/۶)	۸۰/۱ (۸/۷)
۱۹۷۲	۱۱۹۸/۰	۸۴۶/۴ (۷۰/۴)	۳۵۱/۶ (۲۹/۳)	۱۰۸/۴ (۹/۱)
۱۹۷۳	۱,۵۷۸/۵	۱,۰۵۲/۴ (۶۶/۳)	۵۳۵/۱ (۳۳/۷)	۲۲۴/۱ (۱۴/۱)
۱۹۷۴	۲,۴۲۷/۸	۱,۶۳۷/۲ (۶۷/۴)	۷۹۰/۶ (۳۲/۶)	۳۶۰/۲ (۱۴/۸)
۱۹۷۵	۲,۹۰۵/۵	۲,۱۱۷/۹ (۷۲/۹)	۷۸۷/۶ (۲۷/۱)	۳۳۹/۲ (۱۱/۷)
۱۹۷۶	۳,۷۲۴/۹	۲,۴۹۷/۹ (۶۷/۱)	۱۲۲۷ (۳۲/۹)	۴۶۱/۸ (۱۲/۴)
۱۹۷۷	۴,۷۰۹	۳,۱۱۵/۴ (۶۶/۲)	۱,۵۹۳/۱ (۳۳/۸)	۵۶۷/۴ (۱۲)
۱۹۷۸	۶,۶۰۹	۴,۱۵۴/۷ (۶۲/۹)	۲,۴۵۴/۳ (۳۷/۱)	۸۸۳/۲ (۱۳/۴)
۱۹۷۹	۸,۹۷۷/۸	۵,۸۲۷/۱ (۶۴/۹)	۳,۱۵۰/۷ (۳۵/۱)	۱,۲۲۷/۲ (۱۳/۷)
۱۹۸۰	۱۲,۲۰۴/۴	۷,۹۰۴/۸ (۶۴/۸)	۴,۲۹۹/۶ (۳۵/۲)	۱,۷۲۰/۸ (۱۴/۱)
۱۹۸۱	۱۵,۹۵۵	۱۰,۵۵۵ (۶۶/۳)	۵,۳۶۹/۴ (۳۳/۷)	۲,۱۹۷/۲ (۱۳/۸)
۱۹۸۲	۲۰,۲۲۵/۸	۱۳,۸۰۱/۶ (۶۸/۲)	۶,۴۲۴/۲ (۳۱/۸)	۲,۲۷۸/۴ (۱۱/۳)
۱۹۸۳	۲۴,۱۵۰/۳	۱۶,۱۹۰/۸ (۶۷)	۷,۹۵۹/۵ (۳۳)	۲,۶۲۰ (۱۰/۸)
۱۹۸۴	۲۷,۹۷۸/۹	۱۱,۱۰۱/۶ (۶۸/۳)	۸,۸۷۷/۳ (۳۱/۷)	۲,۷۶۵/۴ (۹/۹)
۱۹۸۵	۳۳,۸۱۰/۷	۲۳,۳۸۲/۶ (۶۹/۲)	۱۰,۴۲۸/۱ (۳۰/۸)	۳,۱۲۹/۹ (۹/۳)

یادداشت: الف - General Loans

ب - Policy Loans

ج - of which Export Loans

منبع: بانک کره، ارائه مجدد توسط بانک گول‌لی.

در نتیجه پشتیبانی قوی از سوی دولت کره، سرمایه‌گذاری داخلی در صنایع راهبردی به یکباره در پایان دهه ۷۰ افزایش یافته و موجب جهش در توسعه صنایع شیمیایی و سنگین شد. از این رو ساختار صنعتی به نفع صنایع شیمیایی و سنگین در دهه ۷۰ تغییر یافت. سهم صنایع شیمیایی و سنگین در ارزش افزوده محصولات صنعتی از ۳۶ درصد در سال ۱۹۷۰ به ۵۱ درصد در سال ۱۹۸۰ افزایش و این در حالی است که سهم صنایع سبک از ۶۴ درصد به ۴۸/۶ درصد کاهش یافت. همچنین سهم صنایع مذکور در صادرات از ۱۸/۲ درصد در سال ۱۹۷۰ به ۴۷/۶ درصد در سال ۱۹۸۰ ارتقا پیدا کرد و در مقابل، سهم صنایع سبک از ۸۱/۸ درصد به ۵۲/۴ درصد تنزل کرد.

با این وجود، با پایان آمدن دهه ۷۰، توسعه بسیار قابل توجه صنایع شیمیایی و سنگین کره، موجب اثرات یک طرفه‌ای نظیر، عدم کارایی در سرمایه‌گذاری، فعالیت با ظرفیت بیش از حد صنایع راهبردی، تمرکز توان

اقتصادی در تعداد اندکی از مؤسسات بزرگ و تقلیل نسبی مؤسسات متوسط و کوچک اندازه شد. به ویژه به علت پشتیبانی شدید مالی دولت از صنایع شیمیایی و سنگین سرمایه‌بر، در نیمه دوم دهه ۷۰ عرضه پول سریعاً افزایش یافته و به پیدایش سطوح بالای تورم و دستمزد منجر شد.

(واحد: درصد)

جدول ۱۰- تحولات ساختاری در صنایع

تولید ناخالص				ارزش افزوده				صادرات			
۱۹۷۰	۱۹۷۵	۱۹۸۰	۱۹۸۳	۱۹۷۰	۱۹۷۵	۱۹۸۰	۱۹۸۳	۱۹۷۰	۱۹۷۵	۱۹۸۰	۱۹۸۳
۷۰/۵	۵۸/۵	۴۸/۴	۴۴/۲	۶۴	۵۵/۵	۴۸/۶	۴۶/۱	۴۳/۵	۵۲/۴	۶۶/۱	۸۱/۸
۲۹/۵	۴۱/۵	۵۱/۶	۵۵/۸	۳۶	۴۴/۵	۵۱/۴	۵۳/۹	۵۶/۵	۴۷/۶	۳۳/۹	۱۸/۲

منبع: بانک کره، ارائه محدود توسط ریگ کول لی (۱۹۹۶).

در اثر از این، تمرکز بر سرمایه‌گذاری‌های بزرگ مقیاس در صنایع شیمیایی و سنگین که کره هنوز از مزیت نسبی برخوردار نبود، باعث شد سرمایه‌گذاری‌ها در صنایع سبک کاهش یافته و از این طریق رقابت‌پذیری در صنایع صادراتی کاربر تضعیف گردد. در همان زمان سرمایه‌گذاری بیش از حد در صنایع شیمیایی و سنگین موجب بدهکاری شدید مؤسسات شد و از توسعه بنیانی سامانه بانکی جلوگیری نمود.

۲-۳- تثبیت و آزادسازی اقتصادی (۱۹۹۲-۱۹۸۰)

در نخستین سال‌های دهه ۸۰ اقتصاد کره، اساساً با توجه به اثرات یک جانبه رشد سریع اقتصاد نظیر، سرمایه‌گذاری بیش از حد در صنایع شیمیایی و سنگین، بسط اعتبارات داخلی، تورم بالا، دستمزدهای بالا و نرخ پایین بازدهی سرمایه با مشکل رو به رو شد. بحران دوم نفتی و متعاقباً رکود گسترده جهانی و کاهش زراعت در شالیزارهای برنج ناشی از تابستان سرد در سال ۱۹۸۰ شرایط را وخیم‌تر ساخت و در نتیجه به کسری وسیع در تراز پرداخت‌ها، نرخ رشد منفی ۵/۲ درصد و افزایش شتابنده در شاخص قیمت عمده فروشی منجر شد.

در برخورد با این شرایط دگرگون اقتصادی، دولت تازه که در سپتامبر ۱۹۸۰ تشکیل شد، سیاست اقتصاددانش را به سمت تثبیت و آزادسازی اقتصادی بر اساس اصول بازار تغییر داد. به منظور تحقق این اهداف، نخست دولت سیاست‌های تثبیت قیمت، آزادسازی بازار و رشد متوازن اقتصادی در بخش‌های مختلف را اتخاذ نمود.

در نخستین قدم، دولت اقدامات چندی جهت تنزل تورم به کار بست. تکیه اصلی اقدامات بر تثبیت دستمزدها و به طور عمده‌تر کنترل افزایش تقاضای کل به وسیله انقباض در عرضه پول بود. پس پشتیبانی‌های ترجیحی مالی و از این رو کسری بودجه دولت کاهش یافت.

در سال ۱۹۸۴، بودجه به سطح قبلی انقباض و حقوق کارمندان نیز کاهش یافت. همچنین دولت بدون وارد ساختن خللی در توسعه پایدار اقتصادی، اهتمام زیادی جهت سازگاری با شرایط سختگیرانه عرضه کل پول (M۲) ورزید.

نرخ رشد عرضه پول (M۲) از ۳۰ درصد در سال‌های پایانی دهه ۷۰ به ۱۵/۲ درصد در سال ۱۹۸۳ کاهش

یافت. در سال ۱۹۸۴ به نظر می‌رسید اقتصاد کره در حال جبران است. جهت پایین نگه داشتن فشارهای تورمی هنگام گسترش سریع اقتصاد، دولت در کم کردن نرخ رشد عرضه پول در سطح ۷۷ درصد موفق بود. دستمزدها که با توجه به سطوح عمومی قیمت‌های پرنوسان و بحران‌های شدید سیاسی - اجتماعی به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته بود، تا اندازه‌ای در نتیجه سیاست‌های قوی دولت از ثبات برخوردار شد. به علاوه نرخ رشد قیمت برنج خریداری شده توسط دولت به عنوان بخشی از برنامه کمک‌های درآمدی عمده به کشاورزان، در تلاش جهت سهمیه ساختن آنها در برنامه سیاست تثبیت ملی قیمت، کاهش یافت. با توجه به حصول شناخت نسبت به عدم کارایی ایجاد شده توسط مقررات دولتی در دهه قبل، دولت جدید، مداخله‌های فراگیر خویش را در اقتصاد کاهش داد و از این طریق به ساز و کار بازار و نقش بخش خصوصی در اقتصاد میدان داد. از این رو یک سری اصلاحات نهادی جهت ارتقای رقابت بیشتر در اقتصاد ارائه گردید.

لذا، در اوایل دهه ۸۰ دولت سامانه انگیزی صنعتی و عملکرد ترجیحی خویش را از کمک‌های غیرمستقیم به صنایع مورد نظر و مختص به پشتیبانی‌هایی غیرمستقیم کارکردی تغییر داد. برای نمونه، دولت ایجاد انگیزش و تشویق را از طریق پشتیبانی مالی از فعالیت‌های تحقیق و توسعه (R&D) و آموزش فنی نیروی انسانی، علی‌رغم اهمیت راهبردی آن صنعت، اجرامی نمود.

دولت کره به منظور ارتقای رقابت بین بنگاه‌های داخلی از طریق ایجاد محدودیت بر تمرکز توان اقتصادی در دسته مؤسسات بزرگ، به اقداماتی نظیر تجارت آزاد و عملیات ضد انحصاری دست یازید. از این رو، تمرکز توان اقتصادی با توجه به گسترش طبیعی اقتصاد کره و اجرای مؤثر سیاست ضد انحصاری روندی نزولی نشان داد. با این وجود در ارتباط با مقادیر فروش و دارایی‌های ثابت، سهم دسته ۳۰ مؤسسه بزرگ^۱ از کل مؤسسات هنوز بالاست. اشکال اصلی عملیات ضد انحصاری و تجارت آزاد به صورت زیر است. نخست، سرمایه‌گذاری‌های ناخالص بین شرکت‌هایی که به دسته مؤسسات بزرگ متعلقند، کاملاً ممنوع شد. دوم، از تضمین بدهی‌های فراتر از ۲۰۰ درصد سرمایه سهام بین همان دسته شرکت‌ها جلوگیری شد. سوم، هر نوع سرمایه‌گذاری فراتر از ۲۵ درصد کل دارایی‌های خالص شرکت‌های سرمایه‌گذاری که متعلق به یکی از دسته مؤسسات مذکور باشد، نیز منع شد.

به علاوه، دولت قوانین توسعه صنایع^۲ برگزیده را کنار گذاشت و به جای آن قوانین جدید توسعه صنایع را در سال ۱۹۸۵ تصویب نمود. این قانون به بهره‌مندی صنایع خاصی از پشتیبانی‌های مالی و سایر حمایت‌ها به استثنای صنایع در حال نزولی که قصد عقلایی نمودن عملکرد را و صنایع جدیدی که نیاز به افزایش رقابت‌پذیری داشتند، اجازه نمی‌داد.^۳

در امتداد این سیاست‌ها، دولت سیاست آزادسازی واردات را نیز آغاز نمود.^۴ در واقع سیاست مذکور از مراحل اولیه توسعه اقتصادی شروع شده بود ولی در فاصله زمانی ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۷ متوقف گردید و دوباره در سال ۱۹۷۸ پی‌گیری شد. دولت جهت رقابت با محصولات خارجی در بازار داخلی، ورود کالاها و محصولات نهایی صنعتی و مصرفی را که تا پیش از این ممنوع بود آزاد کرد. در نتیجه، نرخ آزادسازی

۱. دولت کره ۳۰ مؤسسه بزرگ از لحاظ فروش و دارایی ثابت را برای تنظیم عملیات تجارت آزاد و ضد انحصاری در نظر گرفته بود.

۲. این قوانین جهت توسعه هفت صنعت شامل، ماشین‌آلات، الکترونیک، فرایک، فولاد و فرات غیر جازی، پتروشیمی و کشتی‌سازی اجرا شده بودند.

۳. هشت صنعت از جمله پارچه بافی و پای افزار جهت عقلایی نمودن عملکرد گرایش شده بودند.

۴. حالت تجارت آزادسازی واردات بر اساس مقررات کی‌هنگ بارک است، سیاست تجاری در کره، استثنای کره‌ای اقتصاد صنعتی و تجاری

واردات. از ۵۲۷ درصد در سال ۱۹۷۷ به ۹۴ درصد در سال ۱۹۸۸ افزایش یافت. آزادسازی واردات پس از سال ۱۹۸۸، محصولات کشاورزی، شیلات، دام و فراورده‌های آن و تقریباً همه محصولات را در سال ۱۹۹۷، هدف قرار داده بود.

جدول ۱۱- روند آزادسازی تجاری

(واحد: درصد)

۱۹۹۵-۱۹۶۸

۱۹۹۵	۱۹۸۸	۱۹۸۲	۱۹۷۷	۱۹۶۸	
۹۹	۹۴۸	۷۶۶	۵۲۷	۶۱۷	نرخ آزادسازی واردات

منبع: وزارت تجارت، صنعت و انرژی.

از آنجا که دولت آزادسازی در بخش مالی را گسترش داد، سیاست اعطای وام، کاهش یافت و پرداخت نرخ‌های بهره ترجیحی تا سال ۱۹۸۲ لغو شد. به علاوه تأسیس نهادهای مالی جدید شامل بانک‌های تجاری که تا آن زمان ممنوع بود اجازه داده شد.

همراه با تلاش‌هایی از این دست، دولت حمایت مؤسسات کوچک و میان‌اندازه را که از سودآوری کمتری در مدت توسعه صنایع شیمیایی و سنگین برخوردار بودند، آغاز نمود. سهم مؤسسات مذکور که در سال ۱۹۶۳، در ارزش افزوده بخش صنایع، اشتغال و کل تعداد مؤسسات به ترتیب، ۵۲/۸، ۶۶/۴ و ۹۸/۷ درصد بود در سال ۱۹۹۸ به ۳۵/۲، ۹۶/۶ و ۹۹/۶ درصد بالغ گردید. با این وجود این سهم‌ها به تدریج از آن به بعد فزونی گرفت.

از آنجا که مؤسسات کوچک و میان‌اندازه با توجه به عوامل سرمایه، تکنولوژی، نیروی انسانی، مهارت‌های مدیریتی و پردازش اطلاعات که برای عملکرد آنها حیاتی است، نسبت به مؤسسات بزرگ مقیاس از مزیت نسبی برخوردارند، دولت کمره سیاست‌های پشتیبانی گوناگونی برای مؤسسات کوچک و میان‌اندازه نظیر وام‌های با بهره کم، یارانه‌های مالی و حمایت نسبت به مؤسسات بزرگ مقیاس به اجرا گذاشت.

جدول ۱۲- سهم مؤسسات کوچک و میان‌اندازه

(واحد: درصد)

در بخش صنایع

۱۹۹۳	۱۹۸۰	۱۹۶۳	
۵۰/۳	۳۵/۲	۵۲/۸	ارزش افزوده
۶۸/۹	۴۹/۶	۶۶/۴	اشتغال
۹۸/۷	۹۶/۶	۹۸/۹	تعداد مؤسسات

منبع: مؤسسه ارتقای صنایع کوچک و میان‌اندازه.

مشخصاً، مؤسسات کوچک و میان‌مقیاس از مزایایی همچون یک «بخش انحصاری بازرگانی»^۱ که

1. Exclusive business sectors

مؤسسات بزرگ مقیاس اجازه فعالیت در آن حیطه را نداشتند و «سامانه قراردادهای فرعی»^۱ برخوردار شدند. سپس دولت، سه قانون جهت رونق در خریدهای بنگاه‌های کوچک و میان اندازه و افزایش تولیدات صنعتی بنگاه‌های کوچک به اجرا گذاشت.

متعاقب اقدامات یاد شده، از میانه دهه ۸۰ به بعد عملکرد اقتصاد کره رو به بهبود گذاشت. فشارهای تورمی کنترل و توسعه صنعتی از طریق رونق صادرات کالاهای صنعتی با ارزش افزوده بالا مانند، نیمه‌هادی‌ها، ریخته، خودرو و ماشین‌آلات ادامه یافت. در سال ۱۹۸۶ کره برای اولین بار از هنگام اجرای توسعه صنعتی مبتنی بر صادرات، به مازاد حساب جاری دست یافت. اقتصاد کره دوره‌ای از شکوفایی و رونق را با مازاد تجاری بالغ بر ۲۶۶ میلیارد دلار تجربه نمود.

با این وجود، نشانه‌هایی از بد شدن وضعیت اقتصادی در اوایل سال ۱۹۸۹ آشکار شد. در فرایند سیاسی مردمی شدن حکومت، دستمزد در بخش صنایع با توجه به رسمیت یافتن اتحادیه کاری به طور سریع و گسترده افزایش یافت. سطح دستمزدها در بخش صنایع با میانگین نرخ سالانه ۲۲ درصد در دوره ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۰ که فراتر از نرخ رشد بهره‌وری بود افزایش یافت. در نتیجه با توجه به افزایش ارزش و ن کره رقابت‌پذیری این کشور رو به تضعیف گذاشت و تراز حساب جاری با کسری ۸/۷ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۱ روبه‌رو شد. در اوایل دهه ۹۰ نرخ رشد تولید ناخالص ملی به ۵ درصد پایین‌ترین نرخ از سال ۱۹۸۰، در سال ۱۹۹۲ کاهش یافت و نرخ تورم در بخش کالاهای مصرفی شتاب گرفت. همچنین رشد محصولات صنعتی تقلیل یافت و به کاهش سهم آنها در تولید ناخالص منی از ۳۲/۱ درصد در سال ۱۹۸۸ به ۲۹/۲ درصد در سال ۱۹۹۰ و به ۲۷/۸ درصد در سال ۱۹۹۲ منجر گردید.

جدول ۱۳- مقایسه بین‌المللی دستمزدها در بخش صنایع (واحد: دلار آمریکا، درصد)

کره	تایوان	هنگ‌کنگ	سنگاپور	چین	ژاپن
۱۲۷۳	۱۱۶۵	۹۷۸	۱۲۴۰	۶۱	۳۷۰۵
۱۶	۱۰	۱۱	۱۰	۱۴	۲
۱۱	۶	۱۲	۷	۱۵	۰

یادداشت: الف - ۱۹۹۳

منبع: انستیتوی کره‌ای اقتصاد صنعتی و تجاری (KIET)

تحت این شرایط به نظر می‌رسد، اقتصاد کره با مسائل بنیانی نظیر رشد بطنی اقتصادی، تضعیف رقابت‌پذیری در صادرات محصولات صنعتی و تداوم کسری حساب جاری روبه‌رو بود.

جدول ۱۴- مقایسه بین‌المللی شاخص قیمتی کالاهای مصرفی

کره	ژاپن	سنگاپور	آلمان	تایوان	امریکا	
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۹۸۸
۱۱۴/۸	۱۰۵/۴	۱۰۵/۵	۱۰۵/۸	۱۰۸/۷	۱۱۰/۵	۱۹۹۰
۱۳۳/۸	۱۱۰/۷	۱۱۳/۵	۱۱۲/۲	۱۱۷/۷	۱۱۸/۶	۱۹۹۲
۱۴۸/۵	۱۱۲/۹	۱۲۱/۷	۱۱۸	۱۲۶	۱۲۵/۳	۱۹۹۴

منبع: اداره آماره ملی، مرصه اقتصاد کره و ۱۹۹۵، ارائه مجدد توسط بانک جهانی

۲-۴- برنامه نوین پنج ساله اقتصادی (۱۹۹۳-۱۹۹۷)

در رویارویی با رشد اندک اقتصادی، دولت جدید که در فوریه سال ۱۹۹۳ بر روی کار آمده بود، یک سری اصلاحات بنیانی را که به برنامه نوین پنج ساله اقتصادی (۱۹۹۳-۱۹۹۷) مشهور است، آغاز نمود. برنامه براساس این استدلال تدوین یافته بود که مؤسسات و نهادهای گوناگونی که در مراحل اولیه توسعه تشکیل شده بودند، تحت شرایط تحولات سریع اقتصادی دیگر کارایی ندارند. از این رو دولت، تصمیم به اصلاح همه نهادهای ضروری جهت پیش قدمی آزادانه بخش خصوصی و جان بخشیدن به رقابت پذیری بین‌المللی بخش صنایع کره گرفت. لذا برنامه، ایجاد سازوکاری نوین برای توسعه اقتصادی را براساس مقررات زدایی و رقابت آزاد، مدنظر قرار داد.

در مراحل اولیه توسعه اقتصادی کره، فرایند توسعه در چارچوبی سرمایه‌داری توسط دولت، مدیریت می‌شد. دولت با جهت دادن منابع به بخش‌های راهبردی مورد نظر و جلوگیری از اختصاص آنها به سایر بخش‌های اقتصادی نقشی حساس در تخصیص منابع ایفا نمود. با این وجود، این راهبرد توسعه سنتی مبتنی بر نقش دولت دیگر همانند گذشته کارایی نداشت و حتی ناکارآمدی آن به میزانی که اقتصاد کره با شتاب گسترش می‌یافت و ساختار اقتصادی بیشتر پیچیده و غامض می‌شد، فزونی می‌یافت.

با شناخت این تحولات، دولت جدید در بخش‌های مالی، مالیه و اجرایی مقررات زدایی را آغاز نمود و در نهایت از تقا توانایی رشد اقتصادی را از طریق آزاد نمودن بخش خصوصی از دوره طولانی اداره و کنترل دیوان‌سالارانه هدف اصلی قرار داد. از این رو انتظار می‌رود، اقتصاد کره به‌طور گسترده‌ای براساس پیشسازی بخش خصوصی و عملکردی مستقل، مدیریت شود.

در کنار اصلاحات نهادی، تلاش‌های سیاست‌گذاری به افزایش رقابت پذیری صنعتی معطوف خواهد بود. به‌طوری‌که فعالیت‌های تحقیق و توسعه (R&D) در بخش خصوصی پشتیبانی مالی می‌شود، توسعه تکنولوژی و نیروی انسانی مورد تأکید قرار می‌گیرد، سرمایه‌گذاری در زیر ساخت‌های اجتماعی افزایش و صنایع راهبردی پردازش اطلاعات نیز ارتقا می‌یابد. سپس جهت گسترش فعالیت‌های بازرگانی کوچک و میان اندازه دولت اداره فعالیت‌های اقتصادی کوچک اندازه را با هدف پشتیبانی از مؤسسات کوچک و میان‌اندازه تأسیس نمود.

پس از آغاز برنامه نوین پنج ساله اقتصادی، اقتصاد کره رو به رونق می‌گذارد. با بهبود یافتن صادرات و سرمایه‌گذاری، تولید ناخالص داخلی با نرخ ۸/۶ درصد در سال ۱۹۹۴، ۸/۹ درصد در سال ۱۹۹۵ و ۷/۱ درصد در سال ۱۹۹۶ رشد نمود. تقویت بین ژاپن که در سال‌های اخیر تضعیف شده بود و بهبود وضعیت

اقتصادی کشورهای پیشرفته به رشد صادرات کمک نمود و واردات کالاهای سرمایه‌ای و مواد خام نیز افزایش یافت.

با این وجود، در سال ۱۹۹۶، اقتصاد کره پس از سه سال پیاپی رونق با توجه به رشد بطنی صادرات، که از تضعیف ین ژاپن ناشی می‌شد، به وخامت گرایید. به نظر می‌رسد که تضعیف ین باعث می‌شود محصولات صادراتی کره نسبت به محصولات ژاپن گران‌تر شود و از این رو به افزایش بیشتر کسری تجاری منجر می‌شود. به ویژه، صنایع نظیر، نیمه‌هادی‌ها، الکترونیک، پارچه‌بافی، کشتی‌سازی و خودرو که از نقش مهمی در رشد اقتصاد کره در سال‌های اخیر برخوردار بودند، صدمات قابل توجهی از کاهش ارزش ین متحمل شدند. در نتیجه رشد بالای صادرات و سرمایه‌گذاری رو به کاهش گذاشت و نرخ تورم نیز کاهش یافت.

به علاوه اقتصاد کره که با مشکلات مالی و ارزی ناشی از بدهی شدیداً فزاینده مؤسسه‌های مالی داخلی در سال‌های اخیر روبه‌رو بوده است، در نوامبر سال ۱۹۹۷ از صندوق بین‌المللی پول تقاضای کمک مالی نمود. مشکلات یاد شده هر چند به سبب کمبود ذخایر ارزی خارجی وخیم‌تر می‌شد، از سوی دیگر در نهایت به بروز مسائل ساختاری نظیر هزینه بالا و کارایی پایین در اقتصاد منجر می‌گشت.

پس از آغاز بحران، دولت قدم‌هایی جهت رفع فوری بحران مالی و ابقای اعتماد بین‌المللی برداشت. برای این منظور دولت سر رسید بدهی‌های خارجی کوتاه مدت را تمدید نمود که این به‌طور اساسی به ایفای ثبات در بازار معاملات خارجی انجامید. همگام با چنین تلاش‌هایی، دولت جدید که در فوریه ۱۹۹۸ تشکیل شده بود، درک روشنی از برنامه تجدید ساختاری از جمله، اصلاحات ساختاری بخش‌های مالی و شرکت‌ها همانند اصلاحات بازار نیروی کار به‌دست داد.

تحت این شرایط نرخ واقعی رشد اقتصادی در سال ۱۹۹۷ نزدیک ۵/۵ درصد و کسری حساب جاری منی به تقریباً ۸۰۴ میلیارد دلار رسید. با این حال نرخ رشد اقتصادی در سال ۱۹۹۸ انتظار می‌رود به ۵-۵ درصد با توجه به رکود اقتصاد برسد و تراز حساب جاری به مازاد ۴۰ میلیارد دلار به سبب کاهش شدید واردات بالغ گردد.

جدول ۱۵- شاخص های کلیدی اقتصاد کره

۱۹۹۷	۱۹۹۶	۱۹۹۵	۱۹۹۴	۱۹۹۳	
۴۴۲.۶	۴۸۴.۴	۴۵۶.۵	۳۸۰.۷	۳۳۲.۸	تولید ناخالص داخلی (میلیارد دلار)
۹۵۱۱	۱۰۵۴۳	۱۰۰۳۷	۸۴۶۷	۷۴۸۴	تولید ناخالص ملی سرانه (دلار)
					نرخ رشد (درصد)
۵۵	۷۱	۸۹	۸۶	۵۸	● تولید ناخالص داخلی
۴۹	۶۹	۸۷	۸۴	۵۸	● تولید ناخالص ملی
					نرخ رشد (درصد)
۶۱	۷۲	۹۱	۸۸	۶۴	● کل صنایع
۲۵	۴	۳۷	۱۶	-۳۹	● کشاورزی، شیلات و جنگلداری
۶۲	۷۵	۱۰۸	۱۰۴	۵	● صنایع کارخانه‌ای
۶۵	۷۹	۱۰۱	۱۰۸	۷۶	● خدمات
۱۳۶/۱	۱۲۹.۷	۱۲۵	۹۶	۸۲.۲	صادرات عمده (میلیارد دلار)
(۵)	(۳۷)	(۳۰.۳)	(۱۶.۸)	(۷.۳)	نرخ تغییرات (درصد)
۱۴۴.۶	۱۵۰.۳	۱۳۵.۱	۱۰۲.۳	۸۳.۸	واردات (میلیارد دلار)
(-۳.۸)	(۱۱.۳)	(۳.۲)	(۲۲.۱)	(۲.۵)	نرخ تغییرات (درصد)
-۸.۴	-۲۰.۶	-۱۰	-۶.۳	-۱.۵	تراز تجاری (میلیارد دلار)
-۸.۱	-۲۳	-۸.۵	-۳.۸	۰.۹	تراز جاری (میلیارد دلار)
۲.۶	۲	۲	۲.۴	۲.۸	نرخ بیکاری (درصد)

یادداشت الف - صادرات براساس قیمت
ب - واردات براساس قیمت
ج - تغییرات درصدی نسبت به سال گذشته
منبع: وزارت اقتصاد و دارایی

۳- نقش دولت کره و درس هایی از تجربه کره

۳-۱- نقش دولت کره

عملکرد قابل ملاحظه اقتصاد کره در مدت سه دهه گذشته ممکن است اساساً به ترکیب کارای سه عامل یعنی نیروی کار ارزان با تکنولوژی و سرمایه بهره‌مند از هزینه پایین، متناسب باشد. به علاوه راهبرد توسعه گرای مبتنی بر دولت با ابفای نقشی حساس در تخصیص منابع جهت توسعه اقتصادی، حتی اگر چه میزان کارایی بخشی آن هنگامی که اقتصاد گسترش یافت و ساختار صنعتی پیچیده تر شد، کاهش یافت، نتایج خوبی در برداشته است. بر پذیرش این که دولت کره با تدوین یک سلسله برنامه های پنج ساله توسعه اقتصادی از سال ۱۹۹۲، رشد پدیدموار^۱ بخش های خاص صادراتی را با فراهم آوردن انگیزش های خاصی نظیر کاهش مالیات ها، یارانه، تأمین مالی با نرخ بهره اندک، تعرفه و موانع غیر تعرفه ای و نرخ های ارز معین، مهندسی نمود. اتفاق نظر وجود دارد.

تجارب تاریخی نشان می دهد که توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه توسط دولت، سازماندهی و هدایت شده است. برای مثال، کره، تایوان، و چین نسخه ای از رشدهای دولت گرا که گرچه از رهیافت های

خیلی متفاوتی در برخی جوانب بهره گرفته‌اند، برگزیده‌اند.^۱

در مراحل اولیه توسعه اقتصادی، دولت‌ها تمایل به پیشرفت صنایع از طرق گوناگون نظیر، مداخله در تخصیص اختیارات، اعطای یارانه، کنترل نرخ دستمزد در جهت منافع کارفرما و توسعه بخش‌های پیش‌تاز دارد. به‌طور عمده‌تر در یک سامانه ابتدایی بازار که در آغاز توسعه اقتصادی ممکن است در تخصیص منابع کارا نباشد، مداخله دولت را ایجاب می‌نماید.

تا اوایل دهه ۸۰ هنگامی که مداخله دولت در اقتصاد دیگر امکان نداشت دولت سیاست‌های اقتصادی را به سمت تثبیت و آزادسازی براساس اصول بازار تغییر داد. دهه‌های ۶۰ و ۷۰ شرایط اقتصادی برای مداخله دولت در اقتصاد نه تنها در رابطه با میزان بلکه از نظر نوع سیاست‌گذاری‌ها بسیار متفاوت بود با سال‌های پس از آن به سخن دیگر، در دهه ۱۹۶۰ سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در تطابق با صادرات بود در حالی که در دهه ۷۰ اهداف سیاست‌های اقتصادی علاوه بر اولویت‌های گذشته، جایگزینی واردات نهاده‌های واسطه‌ای و کالاهای سرمایه‌ای بوده است. از سوی دیگر دو دهه ۸۰ و ۹۰ به‌صورت دوره‌ای متفاوت از دو دهه قبل به علت افزایش درجه کارکرد سامانه بازار، دسته‌بندی می‌گردد.

یادآوری می‌گردد که طی دهه ۷۰، دولت کره سیاست‌های هدفمند صنعتی را به‌منظور توسعه صنایع سنگین و شیمیایی نظیر، ماشین‌آلات، کشتی‌سازی، خودرو و صنایع پتروشیمی، ارائه نمود. در واقع، سیاست‌های مورد نظر صنعتی تنها در پیشرفت تعداد اندکی از صنایع مشخص می‌تواند مؤثر باشد و از این‌رو می‌تواند به ناکارایی بیشتر سامانه بازار منجر گردد. طبیعی بود، دولت توسعه محصولات صنعتی که به‌طور فزاینده از خارج وارد می‌شود در دستور کار قرار دهد. اما آنچه که مسئله برانگیز بود، بدیهی انگاشتن موفقیت در بخش عمده‌ای از سرمایه‌گذاری‌های مخاطره‌آمیز بود و از این‌رو سرمایه‌گذاری‌های کلانی در صنایع شیمیایی و سنگین تشویق و به انجام رساند. این امر منجر به دسترسی کمتر سایر بخش‌ها به منابع شد و سرمایه‌گذاری در صنایع کاربر به شدت کاهش یافت.

با این وجود نقش غیر قابل انکار دولت کره این بوده است که توسعه اقتصادی را با تأکید بر مقررات‌زدایی کنترل‌های دولتی در فعالیت بخش خصوصی و خصوصی‌سازی حساب شده و با جدید مؤسسات عمومی، از نخستین سال‌های دهه ۸۰ دنبال نموده است. این سیاست‌ها به ایجاد محیطی رقابتی، بسیاری ضروری برای فرایند کارایی صنعت‌گرایی وزیر ساخت‌های صنعتی در کره منجر شد. در واقع، هنگام قرار گرفتن ترجیحی مؤسسات در شرایط رقابت بازار آزاد به جای مداخله دولت در پشتیبانی از آنها، گزینشی انجام نمی‌گیرد و تنها به افزایش کارایی از طریق دخیل داشتن عقلانیت در فعالیت‌ها منجر می‌گردد. بنابراین، دولت آزادسازی واردات و ایجاد محیطی رقابتی را از طریق کاهش موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای در بین سایر اقدامات، شتاب بخشید.

۲-۳- درس‌هایی از تجارب کره

در مدتی کوتاه، کره به یکی از اقتصادهای پیشرفته با برخورداری از سریع‌ترین رشد و به‌طور یکنواخت در جهان، به کشوری در جرگه کشورهای صنعتی، پس از سپری شدن سه دهه دست یافت. با وجود این جهت بهره‌گیری از تجارب کره، به‌منظور اجتناب از خطاها و اشتباهات ناشی از فرایند

^۱ I. Cho soon, "Government and Market in ECONOMIC Development", Asian Development, vol. 12, no.2, 1994.

توسعه اقتصادی آن و نسخه‌برداری از راهبرد موفقیت‌آمیز توسعه و سیاست‌های اقتصادی آن برای سایر کشورهای در حال توسعه برخوردار از شرایط متفاوت اجتماعی - اقتصادی، تجارب مذکور باید کاملاً تجزیه و تحلیل و مورد بررسی قرار گیرد. در این صورت، سایر کشورها قادر خواهند بود مسیر توسعه اقتصادی خویش را کوتاه‌تر نمایند. در ادامه، نکات مهم در تجارب ارزنده‌کره مورد بررسی قرار می‌گیرد.

نخستین مورد، ابرام بر اهمیت راهبرد توسعه برون‌گراست. موفقیت عملکرد اقتصادی در دوره ۱۹۶۳-۱۹۹۷ دستاورد یک راهبرد توسعه درون‌گرا نبوده است. اگرچه راهبرد برون‌گرا در مقابل تکانه‌های خارجی آسیب‌پذیرتر است، اما ثابت شده است که از راهبرد مقابل برای کشوری نظیر کره سودمندتر بوده است. از آنجاکه کره با فقدان سرمایه، تکنولوژی، منابع طبیعی و همچنین با بازار محدود داخلی روبه‌رو بود، گزینش دیگری مگر دادن اجازه ورود جریان اساسی سرمایه خارجی و تکنولوژی، هنگام گسترش صادرات، نداشت. به علاوه راهبرد رشد برون‌گرای یک کشور را به بهره‌برداری مناسب از فرصت‌های جدید در تحولات سریع مقتضیات جهانی توانا می‌سازد.

دومین درس از تجارب کره، اهمیت سازوکار، بازار در تخصیص کارآمد منابع است. در مراحل اولیه توسعه اقتصادی درجه بالایی از مداخله دولت جهت سازماندهی و تخصیص منابع ضروری است. از آنجاکه بازار در آغاز توسعه وجود نداشت، دولت می‌باید از طریق تدبیرهای اجرایی به تخصیص منابع بپردازد. با گسترش اقتصاد و افزایش تجارب بخش خصوصی، زمان تخصیص از طریق بازار هنگامی که مداخلات دولت، کارآمدی گذشته‌اش را از دست می‌دهد، فرامی‌رسد. این است علت این که چرا مدیریت کنونی اقدام به یک سری اصلاحات اقتصادی با تأکید زیاد بر مقررات‌زدایی و پیشقدمی بنگاه‌های خصوصی در سال ۱۹۹۳ نمود.

سومین درس آموزشی تأکید بر آموزش و پرورش است. قضاوت در مورد تجارب توسعه‌کره مبین این موضوع است که یکی از عوامل مهم رشد موفقیت‌آمیز اقتصادی، توسعه سرمایه انسانی از طریق سطوح بالای آموزش و پرورش بوده است. در این زمینه، کره از نسبت بسیار خوب جمعیت و نیروی انسانی آموزش دیده در مراحل اولیه توسعه، برخوردار بوده است.

چهارمین درس توافق اجتماعی برای توسعه ملی بین آحاد مردم است که از اهمیت بسیاری نیز برخوردار است. به منظور تحقق موفقیت‌آمیز توسعه اقتصادی و بهبود سطوح زندگی، نیل به توافقی ملی در مورد توسعه اقتصادی ضروری بوده این امر بدین دلیل است که توسعه اقتصادی به طور اجتناب‌ناپذیری به از خود گذشتگی و اراده ملی، دست کم در مراحل اولیه نیاز دارد. کره تا اندازه زیادی در برآوردن این خواست و توافق در آغاز موفق عمل کرد.

پنجمین درس اهمیت ثبات نسبی سیاسی است. روشن شده است که ثبات نسبی سیاسی برای دوری از تنش‌های اجتماعی ناشی از مخاطرات بعدی توسعه اقتصادی لازم است. بدون ثبات سیاسی، دولت کره توانایی توسعه و اجرای سیاست‌های اقتصادی سازگار را نداشت.

درس نهایی و دست کم نه به عنوان آخرین درس مرتبط است با تأکید بر همگنی فرهنگی و قومی. این امر کشور را در جهش از مراحل ساخت و یکپارچگی ملی که در سایر کشورهای در حال توسعه، زمان و منابع بسیاری مصروف آن می‌گردد، قاد می‌سازد. کره در این زمینه کره هرگز مشکلی نداشته است.

موضوع سخنرانی:

سیاست صنعتی کره برای دستیابی به
توسعه اقتصادی

سخنران*: Kyoung- Hwie Mihn

Email:

*. عضو هیئت علمی مؤسسه اقتصاد صنعتی و تجارت ک. ه.

ریاست محترم، خانم‌ها، آقایان

در بررسی مشکلات اقتصادی اخیر که برای کشورهای آسیای شرقی پیش آمده است، به خصوص باتوجه به این که کره اکنون یکی از بحرانی‌ترین کشورهای روبه توسعه محسوب می‌شود، جای تعجب نیست که این سؤال را مطرح کنیم که تجربیات توسعه اقتصادی کره تا چه حد با دیگر کشورهای روبه توسعه مرتبط هستند. اگرچه کره در ابتدای بحران ارزی اواخر سال ۱۹۹۷، توانست خود را از تحقیر سقوط حاکمیت نجات دهد. اما حقیقت آن است که این کشور هنوز همچنان با چالش‌های اقتصادی بی‌سابقه‌ای روبه‌روست.

بسیاری از صاحب‌نظران در داخل و خارج کشور عامل عمده بحران کره و مشکلات ناشی از آن را الگوی توسعه اقتصادی «کره‌ای» می‌دانند. ماهیت اصلی الگوی کره‌ای به اعتقاد این منتقدان، دخالت گسترده دولت در اقتصاد با هدف تقویت توسعه صنایع برگزیده از طریق اولویت‌های تأمین سرمایه و یارانه‌های مالی می‌باشد. با این حال این انتقاد نابه‌جاست. این اصلاً منطقی نیست که الگوی توسعه کره‌ای را مقصر بدانیم. حال آن که در واقع به کار بردن این الگو در طول سه دهه گذشته تا وقوع بحران ارزی منجر به رشد اقتصادی شایان توجه شد. نقش اساسی رهیافت‌های صنعتی شدن کره را در خلق دگرگونی بنیادی اقتصاد کره از یک اقتصاد عمدتاً کشاورزی و توسعه نیافته به یک اقتصاد به سرعت بالنده جدیداً صنعتی شده را نمی‌توان به آسانی نفی و انکار کرد.

با این حال لازم به یادآوری است که سیاست‌های توسعه کره می‌باید طوری تعدیل شود که بازتابنده شرایط تغییر یافته و در حال تغییر اقتصادهای ملّی و جهانی از اواسط دهه ۱۹۸۰ به این طرف باشد. اصلاحات گوناگون ساختاری که دولت هم‌اکنون در حال انجام آنهاست، می‌باید دست کم ۱۰ سال پیش‌تر آغاز می‌شد. علاوه بر این، تجربیات کره در زمینه سیاست‌های صنعتی در طول ربع قرن از اوایل دهه ۱۹۶۰ به این سو و همچنین بعد از وقوع بحران درست به اندازه پیش از آن برای دیگر کشورهای روبه توسعه آموزنده می‌باشد.

۱- ویژگی‌های اصلی توسعه صنعتی

در جریان رشد اقتصادی بالا و پایدار بیش از ۳۰ ساله، اقتصاد کره دگرگونی‌هایی بنیادین را از سر گذرانده است. این دگرگونی‌ها فقط به اندازه تولید ناخالص ملّی (GNP) و سطح درآمد سرانه محدود نمی‌شود. تغییرات مهم‌تر در ساختار صنعت و تجارت این کشور روی داده است. ویژگی‌های عمده این‌گونه تغییرات را می‌توان به طور خلاصه به صورت زیر برشمرد:

۱- نرخ‌های رشد پایدار و خیلی بالای کل اقتصاد کره واقعاً شگفت‌انگیز هستند. فقط چند کشور دیگر - که تمام آنها هم در آسیا هستند - دارای کارکردهای رشد قابل مقایسه با کره هستند، اما کره از این نظر منحصر به فرد است، زیرا تنها کشور «بزرگ» - از نظر اندازه جمعیت - در میان این کشورهاست. همچنین لازم به یادآوری است که در بخش عمده این دوره ۳۰ ساله رشد بالا، بخش تولید نقش پیش‌برنده ایفا کرده است. در نتیجه بخش تولید به تدریج و پیوسته سهم خود را در تولید کل اقتصاد افزایش داده است. با این حال نقش نسبی آن از اواسط دهه ۱۹۸۰ به این طرف به نحو چشمگیری کاهش یافت.

۲- صادرات موتور رشد بخش تولید و در نتیجه کل اقتصاد در طول دو دهه اول بود. واردات پایه پای صادرات، اما با نرخ های بسیار پایین تر افزایش می یافت و به این ترتیب کسر تجاری ها که در ابتدا بسیار هنگفت بود، رو به کاهش گذاشت. وابستگی این اقتصاد به اقتصاد جهانی برای صادرات و واردات خود به نحو فاحشی افزایش یافت (جدول شماره ۱ و ۲).

۳- در داخل بخش تولید، ساختار ترکیبی زیر مجموعه های تشکیل دهنده این بخش به طور چشمگیر دگرگون شده است. جایگاه برتر صنایع نساجی و پوشاک در دهه ۱۹۶۰، که نمونه ای از صنایع سبک و کاربر می باشند، به تدریج تحت الشعاع صنایع سنگین و شیمیایی قرار گرفت و این در حالی بود که روند صنعتی شدن در دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ وارد مرحله میانه خود می شد. به این ترتیب پایه صنعتی اقتصاد کره تدریجاً و پیوسته گسترش و تنوع یافت (جدول شماره ۳).

۴- به موازات این دگرگونی ساختاری بخش تولید، ساختار صادرات نیز دچار دگرگونی های مهم شد. از اواخر دهه ۱۹۷۰ به این سو فراورده های صنایع سنگین و شیمیایی سهم خود را در کل صادرات به سرعت افزایش داده، جایگزین کالاهای صنایع سبک به عنوان بزرگ ترین اقلام صادرات شدند.

جدول ۱- شاخص های توسعه صنعتی رشد واقعی میانگین سالانه (..)

۱۹۹۸ ^۱	۱۹۹۷-۱۹۹۰	۱۹۸۹-۱۹۸۱	۱۹۷۹-۱۹۷۰	۱۹۶۹-۱۹۶۱	
-۵/۹	۷/۱	۹/۶	۹/۵	۸/۸	تولید ناخالص داخلی
۶/۲	۷/۷	۱۲/۲	۱۷/۹	۱۸/۱	تولید
-۲/۲	۱۵/۸	۱۱/۳	۲۴/۴	۳۸/۰	صادرات
-۳۵/۵	۱۳/۴	۱۱/۴	۱۷/۲	۲۴/۵	واردات

۱: مقدماتی

برآورد

جدول ۲- تغییرات در ساختار صنعتی (قیمت های جاری، بر حسب درصد GDP)

۱۹۹۶	۱۹۸۵	۱۹۷۵	۱۹۶۲	
۶/۳	۱۲/۵	۳۴/۹	۳۷/۰	کشاورزی ^۱
۲۵/۹	۲۹/۳	۲۵/۱۹	۱۴/۴	تولید
۵۶/۷	۴۷/۶	۳۹/۲		خدمات ^۲

۱- شامل ماهیگیری و جنگل داری

۲- شامل برق، آب و ساختمان

جدول ۳- تغییرات در ساختار بخش تولید* بر حسب درصد

صنعت	۱۹۶۳	۱۹۷۰	۱۹۷۹	۱۹۹۴
نساجی و پوشاک	۱۹/۵	۱۶/۶	۱۷/۹	۹/۹
مواد شیمیایی	۹/۶	۱۷/۹	۱۲/۲	۱۱/۳
آهن و فولاد	۲/۹	۳/۵	۶/۸	۵/۸
ماشین آلات عمومی	۲۰/۳	۱۰/۸	۴/۴	۸/۹
ماشین آلات الکترونیکی و الکتریکی	۲/۴	۴/۰	۸/۸	۱۴/۹
وسایل حمل و نقل	۳/۳	۵/۱	۵/۹	۱۰/۶
(صنایع سنگین و شیمیایی)	(۲۰/۵)	(۳۲/۲)	(۳۸/۱)	(۵۱/۴)

* درصد سهم در ارزش افزوده کل تولید

جدول ۴- وابستگی تجارت بر حسب درصد

	۱۹۶۲	۱۹۷۰	۱۹۷۹	۱۹۸۸	۱۹۹۶
صادرات / GDP	۵/۱	۱۴/۱	۲۷/۸	۳۸/۴	۳۲/۴
واردات / GDP	۱۶/۸	۲۳/۸	۳۴/۵	۳۰/۵	۳۶/۳
مانده تجاری / GDP	-۱۱/۷	-۹/۷	-۶/۷	۷/۹	-۳/۹

جدول ۵- ترکیب صادرات بر حسب درصد

	۱۹۶۵	۱۹۷۰	۱۹۸۰	۱۹۸۸	۱۹۹۶
کالاهای صنایع سبک	۵۱/۷	۶۹/۶	۴۹/۴	۴۱/۸	۲۴/۳
کالاهای سنگین و شیمیایی	۱۳/۷	۱۲/۸	۴۱/۵	۵۲/۱	۶۸/۴
سایر کالاها	۳۴/۶	۱۷/۶	۹/۱	۶/۱	۷/۳

* شامل غذا، کالاهای مصرفی (بی واسطه)، مواد خام و سوخت

۲- چرا سیاست‌های صنعتی ممکن است لازم آید؟

سیاست صنعتی در مورد توسعه اقتصادی را می‌توان به عنوان سیاست‌هایی تعریف کرد که برای تقویت توسعه و دگرگونی ساختاری صنایع به ویژه بخش تولید به کار گرفته می‌شوند. به بیان دقیق‌تر سیاست صنعتی به مجموعه سیاست‌هایی اطلاق می‌شود که با تأثیرگذاری و مداخله در تخصیص منابع میان صنایع یا سازماندهی صنایع منفرد برای دستیابی به چنین اهدافی طراحی شده‌اند. در واقع امر، سیاست صنعتی یک اصطلاح عمومی برای طیف گسترده‌ای از سیاست‌ها، نهادها و مدیریت‌هایی است که بر یک تولید، سرمایه‌گذاری و توسعه تکنولوژیکی اقتصاد تأثیر می‌گذارند، به طریقی که زمینه را برای دگرگونی ساختاری اقتصاد و توسعه دراز مدت فراهم می‌سازند.

در یک کشور بازار آزاد سرمایه‌داری؛ دخالت دولت در اقتصاد نیازمند توجیه است. یکی از نقش‌های اساسی دولت در توسعه اقتصادی تحرک بخشیدن، هدایت و یاری دادن ابتکارات و فعالیت‌های بخش خصوصی است، به گونه‌ای که بتوانند تا آخرین حد امکان به اهداف ملی و نیز هدف‌های خصوصی دست

بایند. این گونه دخالت دولت ممکن است به دنبال ناکامی های بازار از چشم انداز توسعه اقتصادی ضرورت یابد.

ابتدا توسعه اقتصادی چنانچه بیشترین استفاده از منابع استفاده نشده موجود (کار، پس اندازها و زمینه بالقوه کارآفرینی) و نیز در صورتی که منابع جدید تا حد امکان ایجاد شوند، آسان خواهد بود چنانچه دولت محرک ها و انگیزه های مناسب را فراهم کند، چنین کاری را می توان انجام داد. چون بازارها در کشورهای روبه توسعه، که توسعه یافته هستند و قیمت ها اغلب بازتابنده هزینه فرصت واقعی استفاده از منابع نمی باشند، با عدم اشتغال گسترده نیروی کار و به کار نگرفتن منابع طبیعی، هزینه فرصت آنها ممکن است بسیار پایین یا حتی صفر باشد. معنی این سخن آن است که هزینه دخالت دولت در تخصیص منابع پایین تر از آن است که از سوی طرفداران تجارت آزاد ادعا می شود.

دوم این که به خاطر وابستگی متقابل میان صنایع، توسعه یک صنعت غالباً به رشد هم زمان یا مقدم سایر صنایع بستگی دارد. با این حال تصمیم گیری غیر متمرکز بازار اغلب از منعکس کردن این نقش تکمیلی دینامیک میان سرمایه گذاری ها ناتوان می ماند. برعکس، دولت می تواند اشراف بهتری بر روابط درون صنعتی و کل اقتصاد نسبت به صاحب کار منفرد داشته باشد، بنابراین دولت می تواند خود را سوا سرمایه گذاری های مهمی انجام دهد یا بنگاه های خصوصی را به وسیله انگیزه های مالیاتی یا مالی به انجام سرمایه گذاری های مهم ترغیب کند.

سوم این که، در بازارهای جهان بسیاری از صنایع تحت تسلط شمار اندکی تولیدکنندگان بزرگ از کشورهای توسعه یافته قرار دارند و در نتیجه تولیدکنندگان خرد از یک کشور روبه توسعه نمی توانند با این تولیدکنندگان بزرگ رقابت کنند. در چنین موقعیتی یک دولت حاکم بر یک کشور روبه توسعه ممکن است در سوسپید دادن رقابتی بودن تولیدکنندگان خود، توجیه لازم را داشته باشد.

آنچه با این موضوع ارتباط دارد، مشکل صنعت نوپاست. بسیاری از صنایع در کشورهای روبه توسعه در آغاز صناعی نوپا هستند که تا وقتی قادر به رقابت شوند و بتوانند با صنایع کشورهای توسعه یافته، در سطح منطقه ای یا خارجی رقابت کنند، به حمایت دولت احتیاج دارند.

باز زمانی که تعداد بسیار زیادی تولیدکننده در یک صنعت برای یک بازار کوچک داخلی وارد عمل می شوند و در نتیجه هیچ کدام از آنها از نظر اقتصادی به حد رقابت در برابر رقبای بزرگ خارجی نمی رسند، نیز مشکل دیگری پیش می آید. در این حالت دولت ممکن است ورود شرکت ها به این صنعت داخلی را برای مدت معینی محدود کند.

مشکل چهارم، مشکل تضاد و ناسازگاری بین هدف های اجتماعی و خصوصی است. مقدم ترین هدف بنگاه خصوصی بهینه کردن سود است. حال آن که دولت سعی دارد توسعه اقتصادی دراز مدت ملی را در اولویت درجه اول قرار دهد. در چنین موقعیتی ممکن است، تضاد منافع خصوصی با منافع اجتماعی پیش آید و دولت ممکن است در تصمیم نهایی برتری را به منافع اجتماعی دهد.

۱- مرحله ۱: تقویت صادرات و صنایع اساسی

سیاست های صنعتی کره در دوره توسعه اقتصادی سریع این کشور در دهه های ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ را می توان به

آسانی به سه مرحله تقسیم کرد: تقویت صادرات و صنایع اساسی در دهه ۱۹۶۰، تنوع بخشی و تعمیق صنعت در دهه ۱۹۷۰ و مقررات زدایی و آزادسازی شتابان در دهه ۱۹۸۰.

۱- تقویت صادرات

مزیت های جهت گیری صادرات

استراتژی دولت برای صنعتی کردن در طول مرحله اولیه توسعه اقتصادی قویاً صادرات محور بود. به طور تجربی اثبات شده است که به طور کلی رهیافت صنعتی شدن برون نگرانه بر رهیافت درون نگرانه یا -جایگزینی واردات- از نظر کارکرد کنی اقتصادی برتری دارد. نیرومندترین استدلال برای محوریت صادرات آن است که این امر تولیدکنندگان داخلی را برمی انگیزد تا با گسترش دادن اندازه بازار از صرفه های مقیاس بهره ببرند. برتری دیگر و مهم تر این شیوه آن است که رقابت از سوی بازار جهانی بر صنایع داخلی فشار آورده آنها را رقابتی می کند.

این استدلال ها برای برتری شیوه صادرات محور توجیه دیگری نیز برای کره همراه داشت. زیرا این کشور دارای منابع طبیعی محدود، اما یک جمعیت بزرگ، تحصیل کرده و پرکار و سخت کوش است. دلیل آن است که در این مرحله آغازین صنعتی شدن، تولید برای صادرات عمدتاً شامل پردازش و مونتاژ مواد خام وارداتی، ابزارها و قطعات با استفاده از ماشین آلات وارداتی بود؛ برای این نوع تولید، شرط ضرورت تکنولوژی و نیروی کار ماهر زیاد ضروری نبود.

انگیزه های صادرات

دولت انگیزه های گوناگون صادرات از جمله موارد زیر را فراهم کرد:

- ۱- وام های تأمین سرمایه صادراتی با نرخ های بهره مناسب؛
- ۲- معافیت های تعرفه ای بر صادرات تجهیزات و کالاهای واسطه برای استفاده در تولید صادرات؛
- ۳- معافیت مالیات غیرمستقیم (نظیر مالیات بر کالاهای اساسی و مالیات بر کسب و کار) بر نهاده های واسطه و فروش های صادرات؛
- ۴- کاهش مالیات بر درآمد تا ۵۰ درصد بر سودهای حاصل از صادرات؛
- ۵- استفاده از سرمایه های ذخیره، که از درآمد مشارکتی معاف از مالیات برای توسعه بازارهای جدید صادرات و نیز برای جبران خسارات ناشی از صادرات ایجاد شده است؛
- ۶- استهلاك پر شتاب ماشین آلات و تجهیزاتی که مستقیماً در تولید صادرات به کار می رفتند؛
- ۷- تخصیص جبران برای اتلاف مواد خام (که در واقع مقدار بیشتری از واردات معاف از تعرفه مواد خام را از آنچه که برای تولید صادرات ضروری بود، فراهم می کرد)؛
- ۸- سیستم ارتباط صادرات - واردات که واردات را با توجه به نیاز صادرات مجاز می کرد؛
- ۹- اعمال تخفیف بر نرخ قیمت برق و حمل و نقل راه آهن.

وام های تأمین بودجه صادرات

نمادی ترین و نیز نیرومندترین مؤلفه انگیزه های صادرات همانا وام های تأمین بودجه صادرات بود. براساس این سیستم، شرکت های صادرکننده، تولیدکنندگان کالاهای صادراتی و واردکنندگان مواد خامی که در تولید صادرات به کار می رفت، به طور خود به خود از اعتبارات بانکی معادل با صادرات یا واردات

«نسبت قابل وام» خود بهره‌مند می‌شدند. این نسبت «قابل وام» متغیر بود، زیرا دولت بر حسب سیاست خود در کارکرد صادرات آن را تغییر می‌داد. نسبت متوسط «قابل وام» در طول سال‌های ۱۹۶۲ تا ۱۹۷۱ حدود ۸۰ درصد بود. نظام تأمین بودجه صادرات علاوه بر خودکار بودن شامل یک انگیزه نیرومند دیگر بود. نرخ بهره اعتبارات صادراتی نسبت به دیگر وام‌های تجاری تا حد قابل توجهی پایین‌تر نگاه داشته می‌شد (شکل ۱). هنگامی که این سیستم بار اول در ۱۹۶۲ به مرحله اجرا درآمد، ما به تفاوت نرخ بهره فقط ۱۳/۴ درصد بود، اما نرخ مذکور در طول این دوره به تدریج افزایش یافت تا جایی که در سال ۱۹۶۲ به ۷۶/۲ درصد رسید. حمایت انتخابی از واردات

از آنجا که کره در این مرحله آغازین توسعه اقتصادی شدیداً گرفتار کمبود انواع ارز خارجی بود و برای وارد کردن ماشین‌آلات و دیگر تجهیزات صنعتی و نهاده‌های واسطه به ارز خارجی احتیاج داشت، ناچار بود محدودیت‌های کمیته شدیدی بر واردات وضع نماید که مهم‌ترین آنها تعرفه‌های سنگین بر واردات بود. حمایت از واردات به ویژه در دهه ۱۹۵۰ به طور گسترده اعمال می‌شد و در نیمه اول دهه ۱۹۶۰ نیز با درجه کمتری اجرا می‌گردید. با این حال با تصویب «نظام فهرست منفی» در سال ۱۹۶۷ که فقط شامل اقلام محدود شده وارداتی بود، به جای نظام فهرست مثبت پیشین که فقط در برگیرنده اقلامی بود که وارد کردن آنها محدودیتی نداشت، کنترل بر واردات برای صنایع و تولیدات محدودتر شده به طوری که حمایت وارداتی با توسعه صنایع ترجیحی دولت هماهنگی بیشتری پیدا کرد.

شکل ۱- بارانه نرخ بهره به وام‌های صادراتی

در حالی که تأثیر حمایتی کنترل‌های انتخابی واردات بر صنایع نوپای داخلی را باید به خوبی شناخت، اما تأثیر منفی آنها بر تخصیص منابع را نباید زیاد عمده کرد. سه عامل به کاهش تأثیرات منفی محدودیت‌ها بر

واردات کمک می‌کرد. اول، استثنای متعددی برای صادرکنندگان مستقیم و غیرمستقیم منظور می‌شد: بندهای ۲، ۷ و ۸ فوق را نگاه کنید. به علاوه، نظام تأمین بودجه صادرات که قبلاً شرح آن رفت، شامل اعتبارات کم بهره برای واردات مواد خام، چنانچه این مواد برای تولید صادرات به کار می‌رفتند، بود. دوم، محدودیت‌های واردات بر کالاهای صرفاً مصرفی نسبت به کالاهای واسطه و سرمایه‌ای شدیدتر بود و از این رو تأثیر منفی آن بر کارایی تولیدی کمتر بود. سوم، تعرفه‌های اسمی بالا به خصوص نرخ‌های «مؤثر» (یعنی بعد از منظور کردن کاهش نرخ‌ها و معافیت‌ها) به وسیله استانداردهای بین‌المللی تعدیل می‌شد.

۲- وام‌هایی برای صنایع اولویت‌دار

عنصر مهم دیگر در سیاست صنعتی دهه ۱۹۶۰ تقویت صنعتی بود که دولت آنها را برای توسعه صنعتی کره ضروری و بنیادی می‌دانست. این صنایع در طرح‌های ۵ ساله توسعه اقتصادی که اولین آنها در سال ۱۹۶۲ به مرحله اجرا درآمد و تا دهه ۱۹۹۰ همچنان ادامه داشتند، مشخص شدند. در مورد این صنایع دولت پروژه‌های ویژه‌ای تعیین کرد و اجرای این پروژه‌ها را توسط بخش خصوصی تضمین نمود. برای بعضی از صنایع پایه، خود دولت اجرای پروژه‌ها را در چارچوب شرکت‌های دولتی بر عهده می‌گرفت که نمونه آن احداث یک کارخانه عظیم فولاد و مجتمع‌های بزرگ پتروشیمی بود. در صنایع دیگر و آنجا که دخالت مستقیم دولت نقش کمتری ایفا می‌کرد، انگیزه‌های گوناگون صنعتی برای سوق دادن منابع لازم به سوی صنایع مقدم و برتر فراهم می‌شد.

در نیمه دوم دهه ۱۹۶۰ با تصویب قوانین حمایتی جداگانه امتیازات ویژه‌ای برای صنایع اولویت‌دار منظور گردید. برای ماشین‌آلات (۱۹۶۷)، کشتی‌سازی (۱۹۶۷)، الکترونیک (۱۹۶۹)، آهن و فولاد (۱۹۷۰)، پتروشیمی (۱۹۷۰) و فلزات غیرآهنی (۱۹۷۱) قوانین جداگانه‌ای تصویب شد. نیرومندترین ابزار سیاست‌گذاری که برای تقویت و توسعه صنایع مقدم به کار گرفته شد، «وام‌های سیاست اعطا» بود. دولت نظام بانکی را شدیداً تحت کنترل می‌گرفت تا اعتبارات بانکی را به سوی بخش‌های اولویت‌دار سوق دهد. به علاوه حقیق قوانین ویژه بودجه‌هایی برای ارائه وام‌های ویژه بیشتر برای صنایع مشخص تعیین شد. حجم این وام‌های ویژه نسبت به اعتبارات صادراتی فوق‌الذکر کم بود، اما این وام‌ها، «تأثیر شاخص» مهمی داشتند؛ خود این واقعیت که یک صنعت در فهرست صنایع دارای اولویت از نظر دولت جای می‌گرفت، شرکت‌های آن صنعت دسترسی آسان‌تری نسبت به بقیه شرکت‌ها به اعتبارات بانکی معمولی پیدا می‌کردند.

نرخ بهره وام‌های سیاست اعطا بسیار پایین‌تر از نرخ بهره وام‌های تجاری عادی بود (شکل ۲). با توجه به این که دسترسی به وام بانکی در وضعیت عمومی کمبود شدید پس‌اندازهای ملی، خود یک امتیاز بود. وام‌های سیاست اعطا همراه با نرخ بهره‌های تخفیفی یک سوبسید مهم برای صنایع ترجیحی فراهم می‌کرد. با این حال نرخ‌های بهره نسبت به استفاده‌های گوناگون از این وام‌ها متغیر بود. به غیر از وام‌های تأمین بودجه صادرات که دارای پایین‌ترین نرخ‌های بهره بودند، وام‌گیرندگان «صنایع مهم» از تخفیف‌های فراوان بهره‌بر و وام‌هایی که از بانک توسعه کره ارائه می‌شد، برخوردار بودند. بانک نام‌برده یک بانک ویژه دولتی برای تأمین بودجه پروژه‌های صنعتی درازمدت بود. در مورد وام‌های لازم برای تهیه تجهیزات صنعتی، نسبت سوبسید نرخ بهره برای بخش بزرگی از این دوره کمتر از ۵۰ درصد نبود.

۲- مرحله ۲: تنوع بخشی و ژرفادهی صنعتی

۱- دلایل گرایش ژرفادهی صنعتی

نماد مشخص سیاست‌های صنعتی در طول دهه ۱۹۷۰ گرایش دولت برای تحقق ژرفادهی صنعتی بود - احداث یک ساختار صنعتی متکی بر خود که بر پایه یک مبنای نیرومند صنایع سنگین و شیمیایی (HCI) نظیر فولاد، کشتی‌سازی، ماشین‌آلات عمومی و الکتریکی، الکترونیک و صنایع پتروشیمی استوار بود. اهمیت صنایع سنگین و شیمیایی در این واقعیت نهفته است که این صنایع تولیدکننده مواد خام صنعتی، کالاهای واسطه و تجهیزات سرمایه‌ای می‌باشند که نهاده‌های اصلی در بسیاری از صنایع دیگر هستند. با توسعه ژرفادهی صنعتی، روابط بین صنعتی به طور فزاینده‌ای نیرومندتر و متنوع‌تر می‌شود. مفهوم دیگر ژرفادهی صنعتی نیز آن است که صنایع به تدریج از وابستگی به تأمین خارجی برای مواد واسطه و کالاهای سرمایه‌ای مانند فولاد، انواع موتور، انواع ژنراتور و ابزارهای ماشینی رها می‌شوند. بنابراین دولت ژرفادهی صنعتی را مترادف با خودکفایی صنعتی می‌داند.

دلیل برانگیزنده دیگری برای تغییر در تأکید سیاست صنعتی نسبت به صنایع سنگین و شیمیایی وجود داشت. در طول دهه ۱۹۶۰ صادرات کره که عمدتاً شامل تولیدات سبک کاربر بود به صورتی چشم‌وار افزایش یافت که سودهای حاصل از آن بیشترین تأثیر را در رشد بالا و پایدار تولید ناخالص ملی (GNP) بر عهده داشت. با این حال در اوایل دهه ۱۹۷۰ شاخص‌هایی پدیدار شد، حاکی از این که برتری نسبی کره در این گونه

صادرات رو به افول است. یکی از علل آن افزایش سریع دستمزدها و علت دیگر تشدید رقابت از جانب دیگر کشورهای رو به توسعه بود. آگاهی از این موضوع به این نتیجه گیری انجامید که به خاطر داشتن رشد اقتصادی و صادرات پایدار کره باید سریعاً به سوی ایجاد توان رقابت در صنایع صادراتی نسل بعدی آورد.

۲- تقویت صنایع استراتژیک

در ترکیب صنایع ترجیحی در برنامه صنعتی دولت تغییر جهت مهمی روی داد. دولت در سال ۱۹۷۳، ۶ صنعت استراتژیک را برای تقویت و توسعه فعال مشخص کرد: فولاد، فلزات غیر آهنی، کشتی سازی، ماشین آلات، الکترونیک و مواد شیمیایی. معیارهای این انتخاب عبارت بودند از:

- ۱- تأثیرات روابط صنعتی مثبت و منفی؛
 - ۲- تأثیر ایجاد ارزش افزوده؛
 - ۳- تأثیر کسب یا پس انداز کردن ارز خارجی؛
 - ۴- درجه بهره برداری از منابع داخلی؛
 - ۵- فراهم بودن سرمایه خارجی برای سرمایه گذاری در صنعت انتخابی مورد نظر.
- این صنایع طبعاً به سرمایه گذاری های کلان و بسیار مخاطره آمیزی نیاز داشتند که بخش خصوصی بدون رهبری و حمایت مالی نیرومند دولت حاضر به پذیرش آنها نبود. این صنایع می باید دارای حجمی بزرگ و قبل توجه باشند تا بتوانند از حمایت دولت و استفاده از صرفه جویی های مقیاس برخوردار شوند.
- با شروع و اجرای برنامه تقویت صنایع سنگین و شیمیایی، قوانین ویژه حمایتی برای صنایع استراتژیک که پیش تر در اواخر دهه ۱۹۶۰ به تصویب رسیده بود، به صورت گسترده به مرحله اجرا گذاشته شد. انگیزه های ویژه صنعتی که با این قوانین خاص فراهم می شد، دارای انواع، گستردگی و دامنه ای بود که نسبت به نوع صنعت مورد نظر متغیر بود، اما ویژگی های مشترک این انگیزه ها شامل موارد زیر بود:

- ۱- وام های بانرخ بهره های ترجیحی؛
- ۲- وام های مربوط به بودجه های خاص مانند «صندوق سرمایه گذاری ملی»؛
- ۳- کاهش های مالیاتی برای دوره های آغازین؛
- ۴- معافیت های تعرفه ای، کاهش ها یا تخفیف ها نسبت به واردات غیر رقابتی تجهیزات سرمایه ای قطعات، لوازم یدکی، یا مواد خام؛
- ۵- استهلاك سریع در تجهیزات سرمایه ای.

۳- محدودیت ورود و دیگر مقررات مربوطه

شاید عامل نیرومندتر از این انگیزه ها اعمال محدودیت شدید بر رقابت بالقوه داخلی از طریق محدودیت های ورود به شکل های مختلف بود. این محدودیت ها با صراحت در قوانین حمایتی صنعت مربوطه بیان شده بود. هر صاحب صنعت که قصد ورود به صنایع سنگین و شیمیایی ترجیحی را داشت، باید ابتدا پذیرش دولتی (در بیشتر موارد از وزارت تجارت و صنعت) دریافت می کرد. در برخی موارد کسب چنین مجوزی رسماً ضروری نبود و به جای آن داوطلب ملزم بود که شرح فعالیت مورد نظر خود را برای دولت بیان کند. با این حال این گونه شرح برنامه در این موارد تقریباً همان کسب تأییدیه از سوی دولت بود.

زیرا وزارت تجارت و صنعت دارای این اختیار بود که پیشنهاد ارائه شده را نپذیرد. تصور فعالیت اجاره‌خواهی‌ای که این محدودیت ورود می‌توانست از سوی صاحب‌کار اقتصادی و دیوان سالاران برانگیزد، دشوار نیست.

این‌گونه محدودیت ورود، زمانی مستقیم‌ترین وسیله محدود کردن رقابت و نیرومندترین نفی‌کننده بازار آزاد بود. این سیاست بر پایه این داوری قرار داشت که برخلاف باور معمول علم اقتصاد، پیگیری آزاد از مقررات منافع شخصی خصوصی ممکن است همیشه به وسیله «دست نامرئی» آدام اسمیت به سوی بهترین منافع درازمدت جامعه هدایت نشود. دولت اعتقاد داشت که رقابت ممکن است در برخی موارد بسیار شدید و در نتیجه برای توسعه صنعتی در درازمدت زیانبار باشد.

علاوه بر محدودیت ورود در مرحله اول، مقررات متعدد دیگری در ادامه هنگامی که یک شرکت عملیات خود را آغاز می‌کرد، پیش‌روی او قرار داشت. صاحب‌کار اقتصادی باید برای برخی از اهداف مدیریتی خود از جمله افزایش در امکانات تولید، واردات تجهیزات عمده سرمایه‌ای، انجام تغییر در تولیدات و بهای کالاهای تأییدیه دولتی دریافت می‌کرد.

در بسیاری موارد، دولت همچنین نسبت‌های تعیین محل بسیار محدودیت‌آوری به منظور تشویق جایگزین واردات کالاهای و قطعات سرمایه‌ای اعمال می‌کرد. گاهی شرکت‌ها حتی می‌باید واجد شرایط و کیفیت‌های استاندارد تعیین شده از سوی دولت باشند. توجیه این‌گونه مقررات جلوگیری از کالاهای غیراستاندارد بود، اما آشکارا این برداشت از آن حاصل می‌شد که دیوان سالاران از خود صاحب‌کار مربوطه از جزئیات فنی بیشتری آگاه بودند.

۴- تهیه منابع خارجی

علاوه بر سیاست اعطا وام، صنایع سنگین و شیمیایی از امتیاز دسترسی ترجیحی به وام‌گیری از خارج نیز برخوردار بودند. پروژه‌های بلندپروازانه HCL (صنایع سنگین و شیمیایی) به تزریق هنگفت سرمایه احتیاج داشتند که در نتیجه با توجه به محدود بودن پس‌اندازهای داخلی، دولت کره ناچار بود به وام‌گیری گسترده خارجی متوسل شود. وام‌گیری از خارج توسط بخش خصوصی نیازمند تصویب دولت در زمینه استفاده از بودجه‌ها، مبلغ وام، نرخ بهره، دوره بازپرداخت، واردات مربوطه و غیره بود. اگر چه گسترش اعتبارات خارجی کره در نتیجه رشد اقتصادی بالا و پیوسته این کشور و به ویژه موفقیت در بخش صادرات رو به بهبود بود، با این حال مؤسسات خصوصی در اکثر موارد تنها می‌توانستند سرمایه خارجی با تضمین‌های بازپرداخت مورد حمایت دولت، وام بگیرند، لذا شرکت‌های خصوصی ملزم بودند، برای وام‌گیری‌های پیشنهادی خارجی مجوز دولتی کسب کنند. دولت نه تنها وام‌گیری از خارج را کنترل می‌کرد، بلکه کاربرد این‌گونه وام‌ها را نیز شدیداً تحت نظارت می‌گرفت تا به این وسیله پربارترین استفاده از آنها به عمل آید. غالباً خود دولت کار وام‌گیری از خارج را بر عهده می‌گرفت و سپس این وام را میان پروژه‌های دارای اولویت توزیع می‌کرد.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)

به طور کلی FDI (سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی) یک منبع گسترده دارای کاربرد وسیع دیگر از منابع خارجی است. ولی لازم به ذکر است که برخلاف وام‌گیری خارجی فعال کره و بسیاری از دیگر کشورهای

رو به توسعه، FDI به عنوان بخش غیر مهمی در استفاده کره از منابع خارجی باقی ماند.

دولت محدودیت‌های سختی بر جریان‌های ورودی FDI برحسب زمینه‌های سرمایه‌گذاری، نسبت مشارکت خارجی در کل سرمایه، بازگرداندن درآمدها و غیره اعمال می‌کرد. کمیته دولتی ناظر بر کاربردهای FDI در دادن تأییدیه برای FDI کاملاً انتخابی عمل می‌کرد. از سوی دیگر این سیاست شاخه‌ای از سیاست حمایت از صنعت داخلی در برابر رقابت خارجی بود و از سوی دیگر بازتابی از حساسیت نسبت به حضور منافع تجاری خارجی در کره با برخی عناصر نامطلوب محسوب می‌شد.

آمار FDI در کره نسبت به دیگر کشورهای رو به توسعه دلیلی روشن بر رعایت چنین سیاستی در کره است. نسبت جریان‌های FDI به تشکیل سرمایه ناخالص داخلی در طول سال‌های ۱۹۷۱ تا ۱۹۸۵ به طور میانگین برای کره حداقل ۰.۹ درصد بود که با ۱۶.۳ درصد برای سنگاپور، ۱۲.۶ درصد برای مالزی، ۲.۷ درصد برای اندونزی، ۲.۵ درصد برای تایلند و ۱.۴ درصد برای تایوان تفاوت فاحش دارد. طبق یک آمار دیگر مجموع سهام ذخیره FDI در سال ۱۹۸۷ در کره به عنوان نسبتی از GNP فقط ۲/۸ درصد بود. در مقایسه با نسبت FDI که برای سنگاپور ۵۴ درصد، برای هنگ‌کنگ ۲۵ درصد، برای مالزی ۲۰ درصد و برای مکزیک و برزیل ۱۰ تا ۱۴ درصد بود. این نگرش «ملی‌گرایانه» دولت کره به FDI با نگرش برون‌گرایانه استراتژی کلی توسعه آن کشور و تکیه سنگین بر استقراض سرمایه خارجی مغایرت آشکار دارد (سازمان ملل، «گزارش سرمایه‌گذاری جهانی»).

۵- حمایت از واردات

دولت برای پیشبرد و تقویت هدف ژرفادهی صنعتی خود تغییراتی در سیاست واردات خود انجام داد. اول این‌که برای ارائه حمایت بیشتر از صنایع سنگین شیمیایی که در ابتدا جایگزین واردات بودند، از رقابت واردات یک سیستم سپرده پیش سپرده برای واردات تجهیزات سرمایه‌ای و کالاهای واسطه ارائه کرد. با گوناگون کردن حد نصاب‌های پیش سپرده، برحسب کالاهای گوناگون و زمان‌های مختلف، دولت از نظام فوق به عنوان یک ابزار نیرومند برای کنترل حجم واردات و نیز جهت تشویق توسعه صنایع رقابتی وارداتی استفاده کرد. دوم این‌که اقدامات دیگری از جمله موارد زیر به مرحله اجرا گذاشت:

- ۱- واردات برخی کالاهای سرمایه‌ای ممنوع شد؛
- ۲- تسهیلات بزرگ کارخانه‌ای و تأسیساتی که می‌باید با سرمایه خارجی احداث شوند، ملزم بودند، حداقل شرایط داخلی را داشته باشند؛
- ۳- یک نظام اصلاح واردات پیش گرفته شد که طبق آن بعضی واردات لازم برای تولید صادرات فقط در صورتی اجازه ورود می‌یافتند که تفاوت قیمت بین این واردات و مشابه داخلی رقیب آنها از یک حدنصاب خاص فراتر باشد.

نرخ‌های تعرفه

نرخ‌های اسمی تعرفه در طول دوره ژرفادهی و زیرسازی صنعتی به طور میانگین نسبت به دهه ۱۹۶۰ بسیار پایین‌تر بود. یکی از علل این امر ناشی از کاهش تعرفه‌ها بر واردات صنعت سبک بود که کره در آن به حد رقابت رسیده بود. برعکس، نرخ عمومی تعرفه‌های «مؤثر» اندکی افزایش یافت که علت عمده این اندک افزایش، کاهش‌های فوق‌العاده در دامنه تخفیف‌های تعرفه‌ای بود که پیش‌تر به واردات وابسته به صادرات داده می‌شد (شکل ۳).

۱- تغییر جهت‌های رسمی در چشم‌انداز سیاست

ویژگی شاخص مرحله سوم تاریخ سیاست صنعتی کره یک سیاست آینده‌نگر جدید است که از اوایل دهه ۱۹۸۰ اتخاذ شد. این روش جدید بر مبنای دو سیاست استوار است: «مقررات زدایی» برای امکان دادن به بازار در ایفای یک نقش آزادتر با کاستن از دخالت دولت و «آزادسازی خارجی» برای گشودن درهای بازار داخلی به روی محرک‌ها و رقابت خارجی بیشتر.

شکل ۳- تغییرات در نرخ‌های تعرفه

سعی سیاست صنعتی جدید تأکید بر بهبود بخشیدن به محیط و فضا برای تمرکز زدایی از تصمیم‌گیری با ترویج تدابیری که برای آسان کردن ایفای نقش بازار طراحی شده‌اند، می‌باشد. این اقدام کارایی بیشتر در تخصیص منابع را تضمین خواهد کرد. مفهوم این سخن قبل از هر چیز دیگر آن است که اهداف صنعتی دوره گذشته دیگر در برنامه جدید سیاست صنعتی دولت نبود.

برای این تغییر سیاست رسمی و آشکار دو دلیل عمده می‌توان ذکر کرد. دلیل اول این که کره نه تنها دارای اقتصادی بود که از نظر حجم رشد فراوان کرده بود، بلکه پیچیدگی فعالیت‌های صنعتی و دگرگونی‌های فن‌آوری به حدی افزایش یافته بود که تصمیم‌گیری متمرکز و کنترل دولت بر اقتصاد دیگر موجه هم به نظر نمی‌رسید. تا چه رسد به این که مؤثر و کارآمد باشد. دلیل دوم این که سیاست صنعتی گذشته که بر مبنای حمایت تبعیضی از صنایع برگزیده و حمایت از بازار داخلی در برابر واردات مبتنی بود، عوارض جانبی وخیمی به همراه آورده بود که از جمله آنها تخصیص منابع ناکارآمد، آشفتگی و توسعه نیافتگی سیستم مالی و تمرکز قدرت اقتصادی در تعداد محدودی از شرکت‌های بزرگ و غیره را می‌توان نام برد.

در راستای این تغییر رسمی ساختار سیاست، دولت یک سلسله تغییرات در سیاست‌های خود در جهت هدف مقررات‌زدایی و آزادسازی انجام داد. با این حال در واقعیت عمل ادعاها نسبت به عملکردهای واقعی سر و صدای بسیار بیشتری داشت و غالب نگرش‌ها و سیاست‌های گذشته علی‌رغم سر و صداها و ادعاهایی که در جهت مخالف آنها می‌شد، همچنان پابرجا ماندند.

۲- مقررات‌زدایی و آزادسازی

مقررات‌زدایی یعنی آزادکردن اقتصاد از مقررات و کنترل‌های گسترده دولت و در برخی موارد حتی از کمک دولت. هدف مقررات‌زدایی بهبود بخشیدن به کارایی تخصیص منابع و تحرک دادن به فعالیت صنعتی از طریق اتکای بیشتر بر بازار می‌باشد. در جهت این هدف، دولت برنامه‌های مرحله‌ای مقررات‌زدایی و اصلاح نظام انگیزشی را پی گرفت.

القای «برندگان برگزیده»

بهترین نمونه سیاست صنعتی جدید، «قانون توسعه صنعتی» است که در سال ۱۹۸۴ مطرح شد و در سال ۱۹۸۶ به تصویب نهایی رسید. با تصویب این قانون، قوانین ویژه‌ای که پیش‌تر برای تقویت و توسعه هفت صنعت استراتژیک تدوین شده بودند، ملغی شدند.

این قانون فضایی را ایجاد نمود که بر اثر آن نظام در هم تنیده کنترل‌ها و مقرراتی که تا آن زمان شیرازه سیاست صنعتی را تشکیل می‌دادند، از هم گسست. بالاتر از همه، قانون فوق آن دسته از مقرراتی را لغو کرد که با محدود کردن ورود به بازار در مستقیم‌ترین کانال‌ها مانند تصویب وزارت و شرایط ثبت نام مانع از رقابت آزاد می‌شدند. ولی دیوان سالاران دولت این بار به جای ابزارهای قانونی در محدود کردن رقابت و برتری دادن یک صنعت بر صنعت دیگر به کنترل‌ها و مقررات اجرایی روی آورده بودند.

حذف تدریجی وام‌های سیاست صنعتی

لغو قوانین انفرادی توسعه صنعتی بنا بود به لغو تدریجی وام‌های سیاست صنعتی منجر شود. اگر چه تخفیف‌های نرخ بهره که تا آن زمان به صنایع برگزیده داده می‌شد، در سال ۱۹۸۲ لغو گردید، ولی تخصیص اعتبارات ترجیحی به شکل هدایت دولت همچنان ادامه داشت. چندین سال طول کشید تا سرانجام در سال ۱۹۹۱ صندوق سرمایه‌گذاری ملی برچیده شد.

انگیزه‌های کارکردی

انگیزه‌های خاص صنعتی به تدریج جای خود را به یک نظام جدید انگیزه‌های «کارکردی» داد. انگیزه‌های کارکردی به انگیزه‌های حقوقی و مالی (به عنوان مثال تخفیف‌های مالیاتی، یارانه‌های مستقیم و وام‌های کم بهره) اطلاق می‌شود که به تمامی صنایع بدون تبعیض به منظور تشویق تحقیق و توسعه، آموزش نیروی انسانی و کوشش در صرفه‌جویی از انرژی داده می‌شود.

هم‌زمان با این مقررات‌زدایی‌ها، دولت یک رشته اقدامات برای آزادسازی تجارت خارجی نیز به عمل آورد. این اقدامات عمدتاً شامل اقدامات مرحله‌ای برای افزایش گشودگی بازار داخلی به روی رقابت خارجی بود، زیرا باور بر این بود که رویارویی هر چه بیشتر با رقابت واردات و افزایش جریان نقد درون‌ریز سرمایه‌گذاری و فن‌آوری خارجی، شرکت‌های داخلی را ناچار می‌سازد توان رقابتی خود را در جنبه‌های مختلف استحکام بخشند.

آزادسازی واردات

مهم‌ترین اقدامات در گشودن درهای بازار همانا شتاب بخشیدن به سرعت آزادسازی واردات بود. در نتیجه این اقدامات، نسبت آزادسازی واردات - نسبت تعداد اقلامی که می‌توان بدون تصویب دولتی وارد کرد به تعداد کل اقلام قابل وارد کردن - از ۶۷/۶ درصد در ۱۹۷۹ به ۹۱/۵ درصد در سال ۱۹۸۶ و سپس به ۹۶/۳ درصد در سال ۱۹۹۰ افزایش یافت (شکل ۴). این نسبت اکنون به سطحی رسیده است که قابل مقایسه با کشورهای مهم توسعه یافته می‌باشد. در همین حال تعرفه‌ها نیز به صورت سالانه طبق برنامه‌ها و جداول از پیش اعلام شده کاهش یافته‌اند. نرخ میانگین تعرفه که در سال ۱۹۸۱، ۲۳/۷ درصد بود، در سال ۱۹۸۸ به ۱۸/۱ و در سال ۱۹۹۰ به ۱۱/۴ درصد کاهش یافت. شایان توجه است که برخلاف تغییر سیاست‌های پیشین، این بار از یک «نظام پیش آگهی» در آزادسازی واردات و برنامه‌های کاهش تعرفه به کار گرفته شد تا به این وسیله به مؤسسات داخلی و صادرکنندگان بالقوه خارجی به کره فرصت لازم جهت آمادگی برای باز کردن بازار کره داده شود.

اقدامات آزادسازی مشابهی نیز در جهت سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی (FDI) و واردات فن‌آوری خارجی صورت گرفت. یک «سیستم فهرست منفی» برای FDI در ژوئیه ۱۹۸۴ تصویب شد که جایگزین فهرست مثبت سابق شد و به این ترتیب شمار صنایع گشوده شده به روی سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی (FDI) را به نحو چشمگیری افزایش داد. محدودیت‌های وضع شده بر بازگردانی سرمایه و سرمایه‌گذاری مجدد عواید محفوظ نیز برداشته شد. به علاوه نظام مصوب پیشین برای واردات فن‌آوری خارجی به طور عمده‌ای با یک آیین‌نامه وارداتی آسان عوض شد و هدف از آن تقویت نقش فن‌آوری پیشرفته خارجی در بالا بردن توان و ظرفیت فن‌آوری صنعت کره بود.

شکل ۴- باز بودن بازار

یکی از مهم‌ترین تغییرات در فضای اقتصادی بین‌المللی در سال‌های اخیر آغاز به کار «سازمان تجارت جهانی» (WTO) بود. برابر مقررات WTO نوع حمایت ویژه صنعت - یا بخش - برای صنعت و تجارتی که دولت کره مدتی دراز برای تقویت توسعه صنعتی خود از آن سود جسته بود، می‌باید در جهت مقتضی دگرگون شود. همان‌طور که در بالا گفته شد، سیاست صنعتی کره پیش‌تر در دهه ۱۹۸۰ شاهد دگرگونی‌های بنیادین بود. با این حال این دگرگونی‌ها به‌طور کامل هماهنگ و پیوسته انجام نگرفته بود؛ دولت‌گه به‌گاه در نگرش‌ها و سیاست‌های خود در اعمال دخالت در بازار تغییر رویه می‌داد. اما طبق نظام WTO این‌گونه تغییر رویه‌ها و نوسانات در سیاست‌گذاری مجاز نبود. مهم‌تر آن‌که دولت در این زمان باور راسخ یافته بود که دخالت در بازار آزاد و تجارت بین‌المللی و سرمایه‌گذاری جهانی آزادانه‌تر بهترین منافع درازمدت را برای استحکام بخشیدن به توان رقابت صنعتی کره به همراه خواهد آورد. چون نظام WTO به دولت‌ها اجازه می‌دهد - طبق حدود از پیش بیان شده - در جهت پیشبرد تحقیق و توسعه، حفاظت از محیط زیست و توسعه منطقه‌ای یارانه‌هایی اعطا کنند، لذا کمک و حمایت دولت در این زمان تماماً بر تقویت پشتیبانی خود از این‌گونه فعالیت‌ها متمرکز شده است.

در واقعیت امر، ابزارهای سنتی سیاست صنعتی دولت کره مانند مالیات‌ها و وام‌های ترجیحی از اواسط دهه ۱۹۸۰ به این طرف تقریباً به‌طور کامل لغو شده است. در نتیجه دولت کره برای تطبیق دادن سیاست صنعتی خود با دستور کارهای هماهنگ با WTO موانع چندانی پیش پا ندارد. مضافاً این‌که، حال که کره به OECD پیوسته است انتظار می‌رود دخالت دولت در بازار را باز هم کاهش دهد تا به آن حد که در این جهت به سطح کشورهای پیشرفته عضو OECD برسد.

۶- میراث‌های سیاست‌های صنعتی

۱- عوامل دیگر در توسعه اقتصادی کره

توسعه اقتصادی گرچه اصولاً یک دگرگونی اقتصادی است، با این حال یک پدیده پیچیده و چند بعدی است که در آن عوامل غیراقتصادی هم نقش‌های مهمی بازی می‌کنند. موفقیت یا ناکامی در صنعتی کردن را نمی‌توان فقط به سیاست‌های دولت نسبت داد. در مجموع آمیخته‌ای از عوامل غیراقتصادی نظیر عوامل سیاسی، فرهنگی، دینی و قومی در ایجاد پیامدهای خاص اقتصادی در راستای سیاست‌های اقتصادی دولت یا راستای مخالف با این سیاست‌ها عمل می‌کند.

بسیاری از ناظران با این نکته موافقت می‌کنند که سیاست صنعتی یکی از مهم‌ترین عوامل یاری‌بخش به توسعه اقتصادی کره بوده است.^۱ در عین پذیرفتن این واقعیت نباید آن را به این معنی گرفت که سیاست صنعتی تنها عامل اصلی تعیین‌کننده پیامد صنعتی کره بود. با این حال ممکن است یک سیاست صنعتی هر چند که خوب طراحی شده باشد، چنانچه بخش خصوصی در راستای «درست» به آن واکنش ندهد، به شکست بیانجامد.^۲

۱ بحث آکادمیک بر سر این که آیا دخالت دولت به شکل سیاست صنعتی یک عامل یاری‌بخش مهم به موفقیت اقتصادی کره و تایوان بود یا این که موفقیت آنها عمدتاً به چنین دخالتی تحقق یافت، مدنی طولانی است که مطرح است، اما هنوز تا رسیدن به توافق نظر راه درازی نرفته دارد. تازه‌ترین نمونه آن بحث Amsden (1994) می‌باشد.

۲ ضرب المثلی است که می‌گوید شما می‌توانید اسی را با زور به سر آشخوَر بریزید، اما نمی‌توانید آن را به آب خوردن مجبور کنید.

در طول دوره تحولات شتابان اقتصادی کره، مردم کره عمدتاً از محدودیت‌های اجتماعی، فرهنگی و دینی که ممکن بود با گرایش نیرومند آنان برای بهبود بخشیدن به استاندارد زندگی خود مغایر باشد، آزاد بودند. نظام سلسله مراتب اجتماعی در کره که پیش‌تر قبل از پایان جنگ جهانی دوم به تدریج و کندی از هم گسسته شده بود، بر اثر اصلاحات ارضی سال‌های ۱۹۴۹ و ۱۹۵۰ ضربه‌ای کاری خورد و بر اثر جنگ کره (۱۹۵۰-۱۹۵۳) تقریباً به طور کامل از هم گسست. سلسله مراتب اجتماعی کره به صورتی بود که هر کس می‌توانست در جهت ارتقا بخشیدن به وضعیت اجتماعی خود به ویژه در زمینه اقتصادی به سعی و تلاش خود تکیه کند و این مهم‌ترین توضیح این پرسش است که چرا مردم کره در طول دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ ساعت‌های طولانی کار طاقت‌فرسا را در شرایط کاری نامطلوب تحمل می‌کردند.

دین و باورهای دینی در کره به صورتی نبود که چنانکه در برخی کشورهای دیگر معمول بود، در راه رشد اقتصادی کره مانعی ایجاد کند. به هر حال کره‌ای‌ها در مجموع مردمی عمیقاً مذهبی نیستند. از سوی دیگر فضای سیاسی به گونه‌ای بود که آزادی مطبوعات و بیانی را که ممکن بود به مردم زمینه‌ای برای بیان آرمان‌های سیاسی خود بدهد، نفی می‌کرد و دولت در عوض هدف اصلی خود را بهبود بخشیدن به سطح زندگی جامعه به کوتاه‌ترین و سریع‌ترین شیوه ممکن قرار داده بود. موضوع جالب و متناقض آن که به نظر می‌رسد چنین فضایی مردم را یاری کرد تا توان و انرژی خود را در استفاده از بیشترین فرصت از آزادی اقتصادی متمرکز کنند.

آخرین عامل که در عین حال کم اهمیت نیست این که کره از همگرایی پربرکت شرایط مطلوب خارجی سود فراوان برد. دهه ۱۹۶۰ دوران طلایی اقتصاد جهانی بود که در آن دوره اقتصادهای کشورهای ثروتمند در مجموع روند به نسبت مطلوبی داشت و در نتیجه این امر تجارت بین‌المللی پیوسته با آهنگی شتابان گسترش می‌یافت. هر چند که دهه ۱۹۷۰ دهه خوبی نبود. اما متغیر سیاست کشورهای پیشرفته در زمینه حمایت‌گرایی به شدت و گستردگی دهه ۱۹۸۰ نبود. این مجموعه شرایط مطلوب تا حدودی رشد چشمگیر صادرات کره در طول دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ را توجیه می‌کند. آنچه اهمیت کمتر از این نداشت، این بود که کره روی هم رفته در استقراض سرمایه خارجی برای سرمایه‌گذاری‌های HCI خود با دشواری زیادی روبه‌رو نشد که این خود باز به برکت چرخش مجدد به نسبت آسان و بی‌تنش دلارهای نفتی بعد از شوک نفتی بود.

۲- درس‌های مثبت از تجربیات کره

ساده‌پنداری است اگر فکر کنیم که سیاست‌های اقتصادی موفقیت‌آمیز یک کشور را می‌توان برای هر کشور روبه توسعه دیگر به‌طور کامل نسخه برداری کرد تا یک خط مشی صنعتی شدن کاملاً مشابه تدوین شود. بادر نظر داشتن این واقعیت بدیهی باز می‌توان یک مجموعه سرمشق‌ها و درس‌های مثبت از تجربیات توسعه صنعتی کره برای دیگر اقتصادهای روبه توسعه ارائه داد.

اول این که، موفقیت سیاست ژرفادهی صنعتی در دهه ۱۹۷۰ بیشتر مدیون موفقیت حرکت توسعه صادرات تولیدات سبک در دهه ۱۹۶۰ بود. در مسیر رقابت در بازارهای جهانی، انباشت تجربه شرکت‌های کره‌ای به عنوان یک دارایی گرانبها در مرحله بعدی تنوع بخشی صنایع سنگین خوش به کار آمد. مضافاً این که، رشد پیوسته صادرات صنعت سبک در دهه ۱۹۷۰ ارزش لازم برای پیشبرد HCI را

فراهم کرد.

دوم این که، در طول تمام دوره‌ای که در این بحث ما مطرح است، دولت درهای اقتصاد را نسبتاً باز گذاشت. افزون بر آن در راستای پیشرفت صنعتی شدن باز بودن اقتصاد به تدریج و پیوسته در نتیجه کاهش محدودیت‌های بر واردات، پایین آوردن تعرفه‌های واردات و گسترش یافتن پذیرش FDI (سرمایه گذاری مستقیم خارجی) تقویت می‌شد. به این ترتیب دولت با دقت صنعت داخلی را هر چه بیشتر به میدان فشار رقابت خارجی سوق می‌داد.

سوم این که اگر پشتیبانی مدیریت سالم اقتصاد کلان که در مجموع قیمت‌ها و نرخ‌های مبادله رقابتی را پایدار نگاه داشت، نبود، سیاست صنعتی کره با شکست رو به رو می‌گردید. سیاست‌گذاران اقتصادی کره همواره اولویت اول را به محدودیت پولی استحکام مالیاتی و ارزهای واقع‌گرایانه می‌دادند. این را باید با مورد برخی کشورهای رو به توسعه مقایسه کرد که در آنها سیاست‌های اقتصاد کلان در حفظ کنترل رشد پولی و کسر بودجه‌ها عاجز ماند که این عوامل منجر به تورم بالا و افزایش فوق‌العاده نرخ ارز شده توان رقابتی بین‌المللی صنعت آنها را از بین برد.

چهارم این که، دخالت دولت در صنعت و تجارت به احتمال زیاد سبب فعالیت‌های رانت‌جویی از سوی بخش خصوصی و دیوان سالاران شد. بنابراین در کنترل داشتن این مسئله امری ضروری است. ناظران خارجی عموماً توافق نظر دارند که کره جنوبی الگوی شاخصی در این زمینه است و این امر بیشتر به خاطر کارکرد تکنوکرات‌های بلندپایه منضبط و فوق‌العاده کارآمد و وفادار به یک رئیس جمهور خودکامه است که از سیاسی کردن امور اقتصادی اجتناب کرد و این برخلاف بعضی دیگر از کشورهای رو به توسعه است که در آنها «مباشر‌پروری سیاسی»^۳ بر منطق و استدلال اقتصادی در سیاست‌گذاری اقتصادی غلبه شد.

آخرین موضوع که اهمیت آن از بقیه مسائل کمتر نیست، این که سه مرحله سیاست‌های صنعتی کره نشانگر ماهیت بالنده و تکامل‌یافته سیاست صنعتی هستند. برای تضمین حداکثر کارایی، سیاست صنعتی باید به طور پیوسته و هماهنگ با الگوهای رو به تحول برتری‌های مقایسه‌ای اقتصاد وفق داده شود. به دیگرگونی فضای اقتصادی بین‌المللی نیز باید با دقت توجه کرد تا به این ترتیب سیاست صنعتی با سیاست تجاری وابسته به آن با محدودیت‌های اعمال شده بر اثر شرایط اقتصاد کلان خارجی، تجاری و شرایط مالی و فرصت‌هایی که به وسیله این شرایط پیش می‌آید، هم جهت شود.

۳- مشکلات مربوط به سیاست‌های صنعتی کره

با مدنظر داشتن و قبول درس‌های مثبت فوق‌الذکر، حقیقت آن است که دولت کره در سیاست‌های مداخله خود در امور اقتصادی، مصون از خطا نبوده است. اگر چه باور عمومی آن است که کره در مجموع بسیار موفق‌تر از دیگر کشورهای رو به توسعه‌ای بود که سیاست‌های توسعه مشابه با آن پیش گرفتند ولی این کشور نیز به سهم خود دارای اشتباهات و ناکامی‌هایی در جریان عمل بوده است که می‌توان آنها را به طور اختصار به صورت زیر برشمرد:

اول، مداخله دولت کره در توسعه اقتصادی متکی بر مقررات گسترده مستقیم و غیرمستقیم بود. مداخله عملی دولت در فعالیت‌های صنعتی و تجاری به مدت سی سال نظام گسترده‌ای از مقررات کارآمد و سودمند را به وجود آورد که این مجموعه مقررات با همه کارایی و سودمندی در این دوره شدت یافتن رقابت جهانی

و فشار برای هماهنگ‌سازی سیاست بین‌المللی به نحو چشمگیری ادامه توسعه صنعتی را کاهش دادند و حتی می‌روند که مانع از ادامه توسعه اقتصادی شوند. در سال‌های اخیر، سیاست‌گذاران برجسته تلاش کردند، بلکه مقررات فوق‌العاده را کاهش دهند یا لغو کنند، ولی این کوشش‌های آنها با مقاومت سرسختانه و خصمانه انواع گروه‌های نفع طلب و نیز توسط دیوان‌سالارانی که نمی‌خواهند قدرت فزون طلبانه خود را از دست دهند، رو به رو شده است.

دوم، مداخله همه جانبه دولت در عملیات مؤسسات مالی مانع از توسعه بخش مالی به صورت یک سازمان بازرگانی شده است. بانک‌های کره به طور کلی از نظر توانایی در تحلیل ریسک و اعتبار، مدیریت سهام، توسعه فراورده‌های جدید مالی و غیره به شدت واپس مانده هستند. در نتیجه این بانک‌ها اکنون بار سنگینی از وام‌های بد به تعداد اندکی از شرکت‌های بزرگ را بر دوش دارند و در حال حاضر برخی از این بانک‌ها فقط با پشتیبانی دولت سر پا مانده‌اند.

سوم، بخش شرکت‌ها در زیرآوار سنگینی از استقراض گرفتار آمده است. بیشتر شرکت‌های بزرگ سخت بدهکار هستند و فعالیت آنها بسیار نابسامان است. علت عمده این وضعیت، سیاست دولت است که بانک‌ها را واداشته برای پروژه‌هایی که ارزش بازرگانی مشخصی ندارند، وام‌های «آسان» اعطا کنند. بدهکاری سنگین شرکت‌ها آنها را در زمان‌های دشوار مانند موقعیت کنونی آسیب‌پذیر می‌سازد.

چهارم، دخالت گسترده دولت در اقتصاد مشکل خطر اخلاقی از سوی بخش‌های بانکداری و بازرگانی را به همراه آورده است: این بخش‌ها هر جا با دشواری رو به رو می‌شوند، به جای آن که خود به جنگ آن روند، از دولت چشم‌پاری دارند.

آخرین دلیل که اهمیت آنها از دلایل دیگر کمتر نیست این که، سیاست توسعه اولویت دهنده پروژه‌های بزرگ به دلایل صرفه‌جویی‌های اقتصادی سبب تمرکز قدرت اقتصادی شده است و به وضعیتی انجامیده است که در آن شمار معدودی مجتمع‌های بزرگ بر بخش بزرگی از سرمایه‌گذاری، تولید کل، اشتغال، صادرات و اعتبارات بانکی کشور دست یافته‌اند. مشکلات ناشی از این تمرکز فراوانند. اول این که کل اقتصاد به شدت به کارکرد مؤسسات بزرگ وابسته است؛ در چنین موقعیت‌هایی هرگاه این شرکت‌های بزرگ با دشواری رو به رو شوند، تمام کشور را همراه خود گرفتار مشکل خواهند کرد. دوم این که فرصت دولت برای مانور سیاست به نحو فزاینده‌ای محدود می‌شود؛ اثر بخشی سیاست‌های دولت به صورتی فزاینده به همیاری و همکاری این شرکت‌های بزرگ وابسته می‌گردد. آخر این که، مؤسسات بزرگ برای کارایی خود بیش از حد بزرگ شده‌اند؛ آنها به حدی بزرگ شده‌اند که نمی‌توانند به نحوی انعطاف‌پذیر و سریع با شرایط رقابتی مدام در تغییر وفق یابند.

۴- سیاست‌های اصلاح ساختاری جدید

برای مقابله با چالش‌های عظیم اقتصادی ناشی از کمبود ارز و بحران مالی اواخر سال ۱۹۹۷ و برگرداندن اقتصاد به مسیر رشد عادی خود، دولت از تاریخ فوق به این طرف اصلاحات ساختاری همه جانبه‌ای را در تمام ابعاد اقتصاد پی گرفته است. مهم‌ترین و فوری‌ترین اصلاح ساختاری مربوط به «بخش مالی» می‌باشد. زیرا اصلی‌ترین علل بحران سال گذشته، نبود شدید نظارت و مقررات مدیرانه بر مؤسسات مالی و نیز برخورد و نگرش فوق‌العاده بی‌در و پیکر آنها نسبت به وام‌دهی به شرکت‌ها بود. دولت با تمام توان

دست‌اندر کار یک سیستم نظارتی اصلاح شده و سفت و سخت می‌باشد. سازمان دهی مجدد مؤسسات مالی ناکارآمد نیز در دست انجام است. به عنوان مثال، ۵ بانک بازرگانی که نتوانستند حد نصاب سرمایه کافی ۸ درصد مقرر شده توسط «بانک پرداخت‌های بین‌المللی» (BIS) دارا باشند، تاکنون بسته شده‌اند و ۶ بانک دیگر نیز در هم ادغام شده‌اند. ذکر این نکته ضروری است که دو تا از بزرگ‌ترین بانک‌های بازرگانی فوق به خارجیان فروخته شدند و علاوه بر آن مشارکت سرمایه‌ای توسط سرمایه خارجی در دیگر بانک‌های بزرگ کره افزایش فراوان یافته است. به علاوه، دولت یک صندوق عمومی ویژه برای خریداری وام‌های هنگفت ناکارآمد بانک‌های بحران زده تأسیس کرده است. «کمیسیون نظارت مالی» نیز بر برنامه‌های تجدید ساختار داوطلبانه مؤسسات مالی غیربانکی نظیر بانک‌های بازرگانی و شرکت‌های بیمه نظارت دقیق دارد.

دولت نیز دست‌اندر کار اصلاح ساختاری بخش شرکت‌هاست. فوری‌ترین مسئله در این زمینه کاهش دادن نسبت فوق‌العاده بالای بدهی به سرمایه مؤسسات بزرگ می‌باشد. کمیسیون نظارت مالی با دقت ارائه اعتبارات بانکی جدید یا برگشتی به صاحبان شرکت‌ها را کنترل می‌کند تا به این طریق شرکت‌های شدیداً بدهکار فعالیت‌های خود را سریعاً تغییر ساختار دهند تا بتوانند با کاهش بدهی و برنامه‌های ترمیم خود به خودی وفق یابند.

یکی از پرسر و صداترین مسائل مورد بحث در اصلاح شرکت‌ها در زمان حاضر تجدید ساختار پنج مجتمع بزرگ کشور می‌باشد. این پنج مجتمع عبارت از گروه‌های مؤسسات بزرگ دارای مالکیت خانوادگی هستند که سهام عمده بازار را در اختیار دارند و در نتیجه دارای قدرت اقتصادی فوق‌العاده‌ای می‌باشند. تجدید ساختار آنها علاوه بر کاهش هنگفت وام مستلزم تجدید ساختار واحدهای اقتصادی و صنعتی فوق‌العاده متنوع می‌باشد. شاید مسئله مهم‌تر آن است که این ۵ مجتمع با تشویق و حمایت نیرومند دولت در طول چند ماه گذشته سرگرم تقسیم فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی میان خود بوده‌اند. هدف عمده این تقسیم فعالیت، حذف فعالیت‌های همپوش و کاستن از ظرفیت مازاد تولید در چند صنعت تولیدی از جمله اتومبیل، نیمه‌رساناها، ماشین‌آلات تولید نیرو و تجهیزات لوله و نورد است.

در زمینه اصلاح مقررات، دولت از اوایل دهه ۱۹۹۰ به این طرف تلاش گسترده‌ای را برای کاهش دادن یا ملغی کردن مقررات فوق‌العاده بر فعالیت‌های مؤسسات در زمینه سرمایه‌گذاری، تولید، مالیات، فن‌آوری، تعیین محل، ساختمان و غیره آغاز کرده است. برای این منظور دولت کمیسیون‌های خاصی را مأمور کرده است که مقررات موجود را بررسی کنند و جریان مقررات زدایی را زیر نظر گیرند، ولی حجم مقررات زدایی که تاکنون انجام گرفته ناچیز بوده و در نتیجه تأثیر و کارایی چندانی نداشته است. از این رو دولت فعلی به دنبال بحران سال گذشته تلاش‌های خود را برای مقررات زدایی همه‌جانبه دو چندان کرده و این بار نتایجی عینی به دست آمده است.

علاوه بر این سیاست‌های اصلاح زیربنایی که تأثیرات مثبت آنها را می‌توان در میان مدت و درازمدت انتظار داشت، دولت کره طیفی از اقدامات کنترل بحران را برای ثبات بخشیدن به اقتصاد کلان در پیش گرفته است که موفقیت آن در این راستا قابل توجه است. تثبیت اخیر اقتصاد کره شاهدی عینی بر کارایی اساسی و قدرت و استحکام اقتصاد این کشور می‌باشد. کره با سرعتی بیشتر از همه اقتصادهای بحران زده آسیا در حال بیرون آمدن از بحران می‌باشد. به عنوان مثال، ذخایر ارز خارجی کره از کمتر از چهارده میلیارد دلار در زمان بحران به ۵۰ میلیارد دلار در پایان ژانویه سال جاری افزایش یافته است که این بهبودی عمده‌تأ حاصل تغییر

جهت فوق‌العاده در تراز حساب جاری از یک کسری $8/2$ میلیارد دلاری در ۱۹۹۷ به ۴۰ میلیارد دلار در ۱۹۹۸ بوده است. نرخ‌های بهره که در اوایل این بحران به شدت بالا رفت، اکنون به حدود ۱۰ درصد سقوط کرده و نرخ ارز نیز تثبیت شده است. در مجموع انتظار می‌رود نرخ رشد اقتصادی از منفی ۶ درصد سال گذشته به حدود مثبت ۲ درصد در سال جاری افزایش یابد. اما لازم به یادآوری است که این دستاوردهای اصلاحی تماماً بدون هزینه حاصل نشده است، بلکه بزرگ‌ترین و دردناک‌ترین هزینه آن افزایش سه برابر در تعداد بیکاران بوده است که از $0/6$ میلیون در نوامبر ۱۹۹۷ به $1/8$ میلیون در ژانویه امسال افزایش یافته است. جلوگیری از افزایش بیشتر در میزان بیکاری و سپس کاهش دادن بیکاری احتمالاً فوری‌ترین و بزرگ‌ترین چالشی است که دولت کره با آن روبه‌رو است.

وام‌های معمولی وام‌های صادراتی

تورم وام‌های تجاری وام‌های ترجیحی

تغییرات در نرخ‌های تعرفه اسمی مؤثر

نسبت آزادسازی واردات نرخ میانگین تعرفه

وام‌های معمولی وام‌های صادراتی

تورم وام‌های تجاری وام‌های ترجیحی

تغییرات در نرخ‌های تعرفه اسمی مؤثر

نسبت آزادسازی واردات نرخ میانگین تعرفه

وام‌های معمولی وام‌های صادراتی

تورم وام‌های تجاری وام‌های ترجیحی

تغییرات در نرخ‌های تعرفه اسمی مؤثر

نسبت آزادسازی واردات نرخ میانگین تعرفه

موضوع سخنرانی:

بحران مالی کره و درس‌هایی برای
کشورهای در حال توسعه

سخنران*: Toung Sae Lee

* عضو هیئت علمی مؤسسه اقتصاد صنعتی و تجارت کره.

ریاست محترم! خانم‌ها، آقایان

اجازه می‌خواهم مباحث خود را با ذکر یک مقدمه آغاز نمایم.

۱- مقدمه

از سال گذشته که بحران مالی به اقتصاد کره صربه سختی وارد کرد تاکنون بحث‌های بسیاری درباره آنچه موجب بحران شد و نحوه معالجه آن وجود داشته است. من هم شخص دیگری هستم که به این مباحث پیوسته‌ام، اما مایل‌م درباره مطلبی بحث کنم که می‌تواند برای کشورهای در حال توسعه‌ای که مایلند براساس شرح و تحلیل بحران مالی کشور کره، از بحران اجتناب کنند درس‌هایی داشته باشد.

بحران‌های مالی هرگز برای اقتصادهای آسیایی و برای کشورهای در حال توسعه پدیده عجیبی نبوده است بیش از ۲۰ کشور وجود دارند که متأثر از بحران‌های مالی‌اند و پیش از این تعداد از آنها از «صندوق بین‌المللی پول» (IMF) برای رهایی این بحران‌ها تقاضای وام کرده‌اند در میان این کشورها حتی کشورهای توسعه یافته‌ای نظیر بریتانیا نیز دیده می‌شود. ماشکی وجود ندارد که کشورهای در حال توسعه نسبت به تکانه‌های (شوک‌ها) مالی بیشتر آسیب‌پذیرند و به همین علت هم کشورهای در حال توسعه ناچارند به بحران مالی دیگر کشورها توجه ویژه‌ای بکنند.

بخش بعدی این مقاله درباره موضوع بحران مالی در کره بحث خواهد شد. دو رویکرد برای بحث درباره علل بحران مالی آسیایی وجود دارد: یکی رویکرد «بنیادگرایان» به مسئله است و دیگری رویکرد «آشفته‌گی مالی». در مسئله کره ما به بحثی خواهیم پرداخت که مناسب با اوضاع و احوال آن باشد و در بخش بعدی درباره آنچه راه حل درستی برای علاج بحران به شمار می‌آید می‌پردازیم و سیاست‌های جاری اجرا شده دولت کره را ارزیابی می‌کنیم؛ سیاست‌هایی که براساس تشخیص علل بحران اجرا شده است. در آخرین بخش مقاله درباره درس‌هایی که می‌توان از بحران مالی کره برای کشورهای در حال توسعه استنتاج کرد بحث خواهد شد. درباره چگونگی اجتناب کشورهای در حال توسعه از شیوع بحران مالی نیز بحث خواهیم کرد.

۲- علل بحران

۱- مباحثی درباره علل بحران

بحران اقتصاد کره را در هم کوبید، بحث‌های بسیاری را در میان کارشناسان درباره اینکه آیا این فاجعه مالی اجتناب‌ناپذیر بود یا نه ایجاد کرده است.

اقتصاددانان بسیاری چه در داخل و چه خارج از کشور بر این باورند که این بحران اجتناب‌ناپذیر بود، اما سایرین معتقدند که اگر دولت کره سیاست‌های مناسبی را اجرا می‌کرد می‌توانست مانع آن شود. این رویکردهای متفاوت در مورد توانایی اقتصاد کره برای مقابله با تکانه مالی ریشه در دیگر مسائل مربوط به علل بحران مالی دارد.

رویکرد «بنیادگرایانه» به علل بحران آسیایی، را کروگمن و کورستی^۱ مطرح کرده‌اند؛ بحران را به عوامل فی‌نفسه ساختاری در «سرمایه‌داری آسیایی» و فساد غیرقابل تحمل در زمینه اقتصاد کلان نسبت می‌دهند. بنابراین، آنان معتقدند شیوع بحران مالی غیرقابل اجتناب بود. رویکرد «آشفته‌گی مالی» به بحران مالی را تأیید «ساجز» و «رادلت»^۲ مطرح کرده‌اند و معتقدند که اقتصاد آسیایی در اصل درست و بدون مشکلات بنیادی نظام‌مند است. آنان معتقدند که بحران به علت خرد شدن و عدم استطاعت مالی برای پرداخت دیون که ناشی از تغییرات ناگهانی در انتظارات و اعتماد بازار داشت آغاز گردید. هر دو رویکرد تشخیص می‌دهند که واکنش‌های اشتباه سیاستی را باید برای فروپاشی اقتصادهای مبتلا به بحران مسئول دانست. اما، تفاوت نظرات بنیادگرایان در آن است که آنان دولت‌ها را در مقام مسئول اصلی بحران عامل اصلی می‌دانند. در حالی که طرفداران آشفته‌گی مالی معتقدند که سیاست نامناسب صندوق بین‌المللی پول را باید برای به وجود آمدن چنین بحران‌هایی مقصر دانست.

برای پرداختن به این دو دیدگاه، باید گفت که «بنیادگرایان» معتقدند که علل بحران ناشی از موارد زیر است:

- ۱- افزایش قیمت رز به دنبال رشد کسری حساب جاری؛
 - ۲- وام‌گیری و وام‌دهی بیش از اندازه در بخش مالی به علت آثار خطر اخلاقی و ضمانت‌های صریح و غیر صریح دولت؛
 - ۳- سرمایه‌گذاری مغرط در پروژه‌های پرخطر و کم‌بازده.
- به طور خلاصه، نظر «بنیادگرایان» این است که بحران مالی فقط به علت مشکل مالی نبود بلکه به علت مشکل بخش واقعی از جمله بخش دولتی نیز بود. با مشخص کردن عوامل مذکور، آنان معتقدند بحران فی‌نفسه ریشه‌های عمیق‌تری در سرمایه‌داری آسیایی، که آنان آن را «سرمایه‌داری دوست صمیمی» می‌نامند دارد و ویژگی‌های این الگو عبارت است از: خط‌مشی صنعتی ارزی دولتی، عدم شفافیت در سیستم شرکت‌های سهامی و نظام مالی ضعیفی که بالفعل و به طور غیررسمی توسط دولت اداره و اجرا می‌شود. برعکس، طرفدار رویکرد آشفته‌گی مالی «بحران آسیایی را بحران ناشی از موفقیت می‌دانند، آنان معتقدند که در هسته بحران آسیایی، جریان‌های ورودی سرمایه خارجی بزرگ مقیاس، وارد سیستم مالی که شدند ناگهان با خروج آنها، به علت اورشکستگی بازار سهام و عدم قطعیت سیاسی، ماشه بحران کشیده شد. مطابق با نظر آنان، تنها عوامل ساختاری یا اصول اقتصاد کلان نبود که آتش بحران را دامن زد بلکه خود بحران بود که سبب مسائل ساختاری و عدم تعادل اقتصادی کلان گردید. خروج ناگهانی سرمایه‌های خارجی به نرخ بهره بالا و تنزل نرخ ارز واقعی منجر شد که همین امر موجب وام‌های غیرقابل پرداخت در بخش‌های بانکداری و ورشکستگی عمده بخش سهامی گردید.

همان‌طور که تشخیص علل بحران متفاوت است، همین‌طور تجویز برای درمان آن نیز متفاوت است. «بنیادگرایان» معتقدند که کشورهای بحران زده برای بازسازی اقتصادشان باید و سیاست‌های دقیق اقتصاد کلان را به منظور حصول اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی و رونق مجدد اقتصاد اتخاذ کنند. بر طبق نظر آنان، سیاست پولی و مالی محکم به منظور انقاي سرمایه خارجی با حفظ نرخ بهره بالا و تثبیت بازار ارز خارجی امری الزامی است. و بازار سهام همچنین برای تقویت رقابت‌پذیری بخش‌ها مالی و بازار و سهام اصلاح

1. Krugman & Corsetti.

2. Sachs & Radelet.

ساختاری لازم آن مورد نیاز است.

به هر حال، طرفداران «رویکرد» آشفته‌گی می‌بیان می‌دارند که به عوض سیاست سخت کلان، خط‌مشی آسان دستیابی به پول برای شرکت‌های ناتوان از لحاظ مالی لازم است. تا آنان دچار ورشکستگی نشوند. به علاوه، هیچگونه نیازی به بازسازی محدوده اقتصادی نیست زیرا هیچگونه مشکل ساختاری وجود ندارد.

در بخش بعدی و از آنجابه بعد، ایجاد بحران مالی در کره و علل واقعی‌اش را به تفصیل بازخواهیم گفت. بر این اساس ارزیابی خواهیم کرد که کدام بحث در مورد کره صحت دارد.

۲- علل اقتصاد کلان

بانگهی به گذشته، از زمانی که بحران مالی در پایان سال ۱۹۹۷ در حال شکل‌گیری بود، مشاهده می‌کنیم که هیچ‌گونه عدم تعادل عمده از لحاظ اقتصاد کلان در اقتصاد کره وجود نداشت به جز آنکه کسری حساب جاری بیشتر می‌شد. متوسط میزان رشد اقتصادی حدود ۷ درصد، میزان تورم حدود ۵ درصد بود. هیچگونه کسری مالی، چنانکه ما می‌توانیم در کشورهای آمریکای جنوبی - کشورهای که در آنها بحران مالی امری عادی به شمار می‌آید - مشاهده کنیم وجود نداشت. خط‌مشی پولی به نسبت محافظه‌کارانه بود. سیاست پولی با نرخ رشد ۱۵ درصد و نرخ بهره شناور مدیریت شده در حدود ۱۲ درصد نگه‌داشته شده بود. اما، کسری حساب جاری ۸/۶ میلیارد دلار بود که ۵ درصد تولید ناخالص داخلی (GDP) به حساب می‌آمد. بر مبنای این کسری حساب جاری بزرگ، مباحثه‌ای در این باره که آیا این کسری عامل جریان خروج سرمایه قبل از بحران بوده یا نه، وجود دارد.

برخی اقتصاددانان بیان می‌دارند که کسری عظیم ناشی از اضافه ارزش‌گذاری پول کره است و این چنین نرخی بود که با برانگیختن پیش‌بینی‌هایی مبنی بر آن که ارزش پول کره زودی تنزل خواهد کرد، جریان خروج سرمایه را تسریع بخشید.

در چند عموماً پذیرفته شده که نرخ ارز برای مدت زمانی قبل از بحران بیش از اندازه بود، نظر دیگری هم وجود دارد مبنی بر آن که نرخ ارز به اندازه‌ای اضافه ارزش‌گذاری نشده بود که به خروج سرمایه دامن زند. رهی^۱ (۱۹۹۸) و جوا^۲ (۱۹۹۸) بیان می‌دارند که پول رایج برحسب نرخ ارز واقعی و نرخ ارز مؤثر هنگامی که بحران شیوع یافت ارزش اضافی نداشت. آنان بحث می‌کنند که کسری حساب جاری از ۱۹۹۶ تاکنون بر لبه نقصان بود که در آن زمان کسری در اوج خودش یعنی ۲۳/۴ میلیارد دلار بود. به علاوه، ارزش پول کره «وُن» از آن زمان تاکنون کاهش یافت و در زمانی که بحران آغاز شد اگر هم ارزشی اضافه داشت اندک بوده است. آنان بحث می‌کنند که جریان خروج سرمایه دقیقاً قبل از بحران، اکثراً در طول اکتبر و دسامبر ۱۹۹۷، به علت ارزش بیش از اندازه پول نبوده بلکه به دلایل دیگری بوده است. در عوض، آنان بیان می‌دارند که ارزش اضافی پول ناشی از واکنش احمقانه مقامات پولی کشور است که در زمانی که سرمایه شروع به خارج شدن می‌کرد در بازار ارز خارجی دخالت کرده و بدون فایده از ارزش «وُن» پول کره دفاع کردند.

درست است که ارزش پول جاری کره افزایش یافت، اما آنقدر نبود که در زمان بحران سبب جریان خروج سرمایه نبوده گردد. از باب مقایسه، پول جاری هنگ‌کنگ عموماً نسبت بیش از، به‌هنگام هجوم

1. Rhee.

2. Jwa.

سفته‌بازان در اکتبر ۱۹۷۷، ارزش داشت. تفاوت بین دو کشور آن است که ذخایر خارجی عظیم هنگ‌کنگ می‌توانست در مقابل هجوم سفته‌بازان از پول جاری دفاع کند، در حالی که کره قادر به چنین کاری نبود. به هر حال، مسئله واقعی در اینجا آن نیست که آیا کره آماده بود تا هجوم را با ذخایر غنیمت خارجی رفع کند یا نه، بلکه پاسخ در سیاست‌های اقتصادی خوب عمل‌کننده از جمله خط‌مشی ساختاری اصلاحی نهفته است. کسری حساب جاری و ارزش‌گذاری بیش از اندازه نرخ ارز منبع مستقیم و عمده‌ای بود که بحران را دامن زد، اما اینها تنها مشکلاتی نبودند که سبب بحران شوند.

۳- علل ساختاری

با تعمق عواملی که بحران را دامن زدند، ما باید نسبت بدهی کوتاه‌مدت را بر کل بدهی خارجی مورد ملاحظه قرار دهیم. در کره این نسبت بسیار بالا بود. مجموع بدهی خارجی در پایان سال ۱۹۹۷ بالغ حدود ۱۵۰ میلیارد دلار می‌شد. بخش وام کوتاه‌مدت در میان کل بدهی تقریباً درست بیش از ۵۰ درصد بود. این رقم با مقایسه سایر کشورهای بحران‌زده نظیر تایلند و اندونزی و دیگر کشورهای نظیر چین و مالزی که نسبت به حمله مالی مصون بودند بسیار بالاست. شکی نیست که سرمایه‌گذاران خارجی به آسانی می‌توانند این وام‌های کوتاه‌مدت را در صورت تمایل خارج کنند. من بر این باورم که این انگیزه واقعاً وجود داشت و از بخش حقیقی اقتصاد کره ناشی می‌شد.

درست اوایل ژانویه ۱۹۹۷، شرکت پولاد «هانپو»، هشتمین شرکت بزرگ کره دچار ورشکستگی شد. به دنبال «هانپو»، گروهی از شرکت‌ها «هایتی»، «جیزو» و «دونگ»، که جز شرکت‌های در میان گروه‌های بزرگ هستند یا ورشکسته یا به تعویق افتادن پرداخت دیون وام‌ها را از بانک‌ها خواستار شدند. در خلال سال ۱۹۹۷، هشت شرکت از ۳۰ شرکت بزرگ با ورشکستگی مواجه شدند یا در آستانه ورشکستگی قرار گرفتند. همراه با «کیام‌تورز» که مجموعه‌ای از ورشکستگی‌ها را در اوت ۱۹۹۷ در برداشت. دولت علیل و ناتوان وقت نتوانست به طور مؤثر از عهده مشکل شرکت «کیا» برآید. در نتیجه اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی به بازار تضعیف شد.

در ۱۲۴ اکتبر ۱۹۹۷، زمانی که حکومت کره اعلام کرد شرکت «کیا» را از طریق بانک توسعه کره ضمانت خواهد کرد، استانی و پورز^۱ اعتبار اقتصاد کره را با درجه‌بندی دو درجه از الف- تا الف+ بسیار اندک دانستند. این دست‌کم گرفتن اولین و آخرین درجه‌بندی اعتبار خارجی به مقتدرانه‌ترین شرکت قبل از بحران بود که می‌رساند حادثه «کیا» نقش قاطعی در از دست دادن اعتماد سرمایه‌گذاری خارجی بازی می‌کند. زمان خروج ناگهانی سرمایه خارجی دقیقاً با حادثه «کیا» انطباق دارد. به علاوه، جریان خروج سرمایه عظیم خارجی تصمیم دولت‌های کره به منظور ضمانت شرکت «کیا» را به دنبال داشت.

ورشکستگی شرکت «کیا»، چنانکه معلوم شد، تنها قطعه کوچکی از کوه یخ بحران مالی کره را تشکیل می‌داد. باید پذیرفت که در زیر، مسائل ساختاری عظیمی در بخش حقیقی از جمله بخش مالی وجود داشت. به طوری که «بنیادگرایان» بیان می‌دارند، سرمایه‌گذاری مازادی در پروژه‌های پرخطر و غیرسودمند شرکت‌های سهامی وجود داشت که تأمین مالی برای آنها از نظام مالی صورت می‌گرفت که به علت مشکل مخاطرات اخلاقی بود. یعنی، روابط ساخت و پاخت پنهانی سه جانبه میان دولت، بانکداری و بخش

شرکت‌های مختلط وجود داشت. همان‌گونه که «کروگمن» متذکر می‌شود، واسطه‌های مالی که تعهدات‌شان در بیشتر موارد به طور حتمی توسط دولت ضمانت می‌شد در معرض مسائل پرخطر اخلاقی شدید قرار می‌گرفتند. بانک‌ها بیش از اندازه پول به شرکت‌های مختلط بزرگ وام می‌دادند که آنها نیز در عوض بر سرمایه‌گذاری بی‌پروا در پروژه‌های پرخطر و غیرسودمندی نظیر اتومبیل‌سازی، نیمه‌هادی‌ها، آهن و فولاد و پروژه‌های پتروشیمی رقابت می‌کردند.

شایان ذکر است که تا میزان بازگشت در مورد بین‌بخش‌ها در طول آخرین دهه نزول کرده است و بخش‌ها از ظرفیت بیش از اندازه رنج برده‌اند. واکنش عمده آن بود که این بخش‌ها رقابت را در بازارهای بین‌المللی از دست دادند و کسری‌های ناشی از تجاری و بدهی خارجی را دامن زدند. عدم پرداخت بهره در پروژه‌های پرخطر و غیرسودمند به وسیله شرکت‌های مختلط بزرگ به انباشته شدن وام‌های غیرقابل پرداخت به نظام بانکی منجر شد.

در پایان سال ۱۹۹۷ بنا به گفته وزارت امور مالی و اقتصادی وام‌های از عهده برنیامدنی در تمامی نظام بانکداری به بیش از ۱۰۰ میلیون دلار بالغ می‌شد.

چنانکه در بالا بیان شد، مسائل ساختاری در کره در دو منبع ریشه دارد: شرکت‌های مختلط و نظام بانکداری؛ مسائل شرکت‌های مختلط عبارت است از: ۱- آنها ساختار بسیار ضعیفی دارند. نسبت میانگین بدهی سهام ۵ شرکت بزرگ مختلط در پایان ۱۹۹۷، ۱۸۵ درصد بود که بالاتر از میانگین تمامی مؤسسات است. ۲- شرکت‌های مختلط مدیریتی اختاپوس مانند دارند. از آنجایی که شرکت‌های تابعه به وسیله سرمایه‌گذاری دو طرفه و ضمانت‌های پرداخت وام دو طرفه به طور محکمی به هم وابسته‌اند، یک شرکت تابعه‌ای که ضعیف عمل کند نمی‌تواند به سبب تابعیت از سایر شرکت‌های تابعه از بازار خارج شود. این نوع نظام مختلط به ابقای شرکت‌ها در بازار کمک کرد اما به طور کلی بخش صنعت را از ترقی باز می‌دارد و آن را به تعویق می‌اندازد.

مسائلی که نظام بانکداری را دچار تحقظه می‌سازد عبارت است از:

- ۱- فقدان شدید شفافیت مؤسسات مالی؛
 - ۲- فقدان آیین‌نامه مبتنی بر احتیاط و نظارت بر مؤسسات مالی است؛
 - ۳- مسئله وجود مسئله خطر عادی اخلاقی به علت نظام بانکداری تحت کنترل دولت این ویژگی‌ها، باعث کشاندن بیش از اندازه شرکت‌های مختلط به سمت پروژه‌های اسراف‌کارانه و غیرسودمند شد که همین امر به ساختار مالی ضعیف شرکت‌های مختلط و پایین ماندن سرمایه نظام بانکداری منجر شد.
- بنابراین، وام‌های غیرقابل پرداختی انباشته شده که به شدت اقتصاد را در برابر شوک خارجی آسیب‌پذیر ساخت.

۴- علل خارجی

در اینجا، لازم است رابطه بین مسئله بخش حقیقی و بحران مالی مورد ملاحظه قرار گیرد. آیا مسئله بخش حقیقی علتی واقعی در بحران مالی کره بود؟ من برای چنین قضاوتی دچار تردید هستم. مسائل در بخش واقعی در طول فرایند طولانی توسعه اقتصادی در کره تقلیل یافته است. هیچگونه مسئله جدیدی به ظهور نرسیده است و این مسائل مسائلی بودند که برای سرمایه‌داری آسیایی معمول است. چرا باید این مسائل در

بخش حقیقی به بحرانی مالی در آن زمان به خصوص و تنها در کره تبدیل شود؟ به نظر می‌رسد که دو توضیح برای این مسئله وجود دارد که یکی داخلی و دیگری خارجی است. من معتقدم که نقطه‌ای بحرانی وجود دارد که تجمع مسائل ساختاری تبدیل شده به بحران سبب عدم اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی شده و نظرشان را نسبت به اقتصاد کره از مثبت به منفی تغییر داده است. قبل از ورشکستگی «کیامو تورز» و برخورد بی‌ثری که دولت کره با آن کرد، سرمایه‌گذاران خارجی نظر مثبت خودشان را از اقتصاد کره برنگرداندند؛ ورشکستگی‌های پی‌درپی و در شرف وقوع شرکت‌های بزرگ از ابتدای ۱۹۹۷، به حد کافی نبود که فرار سرمایه را موجب شود. همان‌طور که انتخابات ریاست جمهوری در پایان سال ۱۹۹۷ به اوج خود می‌رسید و دولت وقت بی‌کفایتی خود را نشان می‌داد، سرمایه‌گذاران درباره امکان عدم توانایی پرداخت وام‌های کوتاه‌مدتی که به شرکت‌های مالی کره‌ای و بانک‌ها قرض داده بودند نگران شدند و سعی کردند تا وام‌ها را برگردانند. واقعه «کیا» انفجاری را که به بحرانی مالی تبدیل شد دامن زد. آتش بحران اساساً به علت عوامل دیگری شعله‌ور شد که به تایلند نیز سرایت کرد ولی آسیبی به هنگ‌کنگ نرسانید اما کره را مشتعل ساخت. ابتدا به بحران اقتصاد کره را محکوم به فنا ساخت. هر چند که نقش بحرانی حادثه کیا و واکنش بی‌اثر سیاستی در منفجر ساختن بحران نقش بازی کرد، ولی فقط مسائل ساختاری اقتصاد کره را نمی‌توان به آشکار مورد انتقاد قرار داد. هر چند که مسائل ساختاری اقتصاد کره اگر با موفقیت قبل از بحران رفع شده بود، دولت می‌توانست مانع بحران شود. با توجه به موقعیت کره در دوره قبل از بحران، هر دو دیدگاه‌های «بنیادگرایان» و «آشفته‌نگی مالی» نواقصی دارد که نیاز به توضیح است. دیدگاه «آشفته‌نگی مالی» از مسئله بخش واقعی داخلی غافل است در حالی که دیدگاه «بنیادگرایان» حاکی از آن است که بحران مالی در کره «غیرقابل اجتناب» بود زیرا، ساختار و بنیاد اقتصاد کره فی‌نفسه و از درون اشتباه است. حقیقت این است که چنانچه موازین سیاستی مقتضی و اصلاحات ساختاری قبل از بحران برقرار می‌شد، امکان اجتناب در بحران وجود داشت. به طور خلاصه، عدم قطعیت سیاسی ناشی از انتخاب رئیس‌جمهور و دولت غلیل و ناتوان سوخت آتش بحران را فراهم ساخت.

۳- خط‌مشی اصلاحی به عنوان علاجی برای بحران

۱- برنامه صندوق بین‌المللی پول و خط‌مشی اصلاحات دولت
به مجرد آن‌که بحران در دسامبر ۱۹۹۷ شیوع یافت، بازار ارز خارجی تا حد بسیاری بی‌ثبات شد و نرخ ارز خارجی تقریباً به ۲۰۰۰ برابر بالغ شد. ذخایر خارجی بانک کره به ۳/۹ میلیارد دلار سقوط کرد که برای ۲ یا ۳ روز دفاع از ارزش «وُن» کفایت می‌کرد. دولت کره عملاً راه دیگری جز درخواست وام‌های نجات‌بخش از صندوق بین‌المللی پول نداشت. صندوق بین‌المللی پول برنامه‌ای برای اصلاح اقتصادی به عنوان وضعیتی تعهدآور برای وام‌ها به دولت کره پیشنهاد کرد. بسته برنامه مالی پیشنهادی مؤسسات بین‌المللی از جمله، صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و بانک توسعه آسیا و کشورهای گروه ۷ جمعاً بالغ بر ۵۷ میلیارد دلار می‌شد که از میان آن صندوق بین‌المللی پول ۲۱ میلیون دلار سهم داشت.

موازین مورد توافق صندوق بین‌المللی پول و دولت کره شامل دو بخش می‌شد. سیاست سخت اقتصاد کلان و یک خط‌مشی اصلاح ساختاری. صندوق بین‌المللی پول خط‌مشی‌های پولی و مالی محکمی توصیه کرد. قرار شد سیاست پولی به گونه‌ای باشد که نرخ تورم تا پایان سال یک رقمی شود. در صورتی که در مورد خط‌مشی محکم مالی تصور می‌شد که با این سیاست‌ها هزینه‌های بهره‌بازسازی مالی و تراز نامطلوب از بابت اوضاع نامساعد اقتصادی تأمین مالی شود. مازاد حساب جاری قرار شد که در سطح ۷ درصد تولید ناخالص داخلی (GDP) حفظ شود که بالغ بر ۲۱/۳ میلیارد دلار می‌شود. قرار شد که ذخایر خارجی قابل استفاده به ۳۲ میلیارد دلار تا پایان ژوئن سال ۱۹۹۹ و ۴۱ میلیارد دلار تا پایان دسامبر ۱۹۹۹ مطابق با قرارداد منعقدۀ موز (MOW) میان دولت کره و صندوق بین‌المللی پول، افزایش یابد.

در چارچوب سیاست اصلاح ساختاری بر اصلاحات مالی در شرکت‌های بزرگ و بازار سهام تأکید شد. توصیه شد که مؤسسات مالی مشکل‌ساز تعطیل شوند یا مورد بازسازی قرار گیرند و دو بانک تجاری، بانک مسئول و بانک «جیل» به وسیله سرمایه‌گذاران خارجی، خصوصی شوند. کنار گذاشتن وام‌های غیر ضروری مورد تأکید قرار گرفت. تمامی مؤسسات مالی مجبور شدند که حداقل ۸ درصد سرمایه را خود تأمین کنند. چنانچه بانک تجاری با معیار بانک تصفیه بین‌المللی (BIS) عمل نکنند، کمیسیون نظارت مالی دستور بررسی‌هایی را خواهد داد و بانک موظف خواهد بود تا طرح سرمایه‌گذاری مجدد را ارائه نماید.

با توجه به اصلاح شرکت‌های بزرگ توصیه شد که تمامی این شرکت‌ها داوطلبانه و براساس محور قرار دادن بازار بازسازی شوند و اعتبارات عمومی باید برای ایجاد شرکت‌های سهامی به کار گرفته شوند. تمامی شرکت‌های بزرگ مجبور شدند تا شفافیت استانداردهای حسابداری از جمله برگه‌های تراز شرکت‌های مختلط و حساب‌های سود و زیان را از لحاظ مالی تأمین کنند. شرکت‌های مختلط همچنین موظف شدند تا باینه منسجمی را برای تمامی واحدهای تجاری‌شان منتشر سازند. به منظور کاهش بدهی‌های زیاد و برای برابری نسبت‌ها قرار شد نظام ضمانت‌های دو طرفه درون شرکت‌های بزرگ اجرا شود و مقررات و موازین مورد ملاحظه قرار گیرد. همچنین برای اصلاح بازار کار، انعطاف‌پذیری بیشتر شامل مقررات رفاهی تعلیق خدمت کارگران به وسیله کارفرما، تقویت نظام بیمه‌های کار و گسترش نظام شبکه‌ای امنیت اجتماعی مورد توصیه قرار گرفت.

۲- آثار روی اقتصاد ملی

بحران مالی و متعاقباً برنامه تحمیلی صندوق بین‌المللی پول به طور کئی هیچگونه آثار و شدیدی بر اقتصاد ملی نداشت. تولید صنعتی حدود ۷/۸ درصد در ربع اول ۱۹۹۸ فوراً پس از بحران پایین آمد و در سه ماهه دوم، در مقایسه با سال قبل، به ۱/۶ درصد سقوط کرد. کساد اقتصادی به وجود آمده از بابت بحران، شدیدترین اوضاعی بود که کره از سال ۱۹۸۰ تا کنون بدان مواجهه شده بود. علایم کساد اقتصادی از جمله سقوط نسبت ظرفیت بهره‌برداری در بخش صنعت به ۶۷/۳ درصد در سه ماهه اول سال ۱۹۹۸ و کاهش بیشتر آن تا ۶۵/۵ درصد در سه ماهه سوم، پایین‌تر از ۷۹/۹ درصد در سال ۱۹۹۷ بود.

کساد اقتصادی در تولید صنعتی هم از بابت تقاضا و هم از بابت عرضه به وجود آمد. در مورد طرف تقاضا، مصرف خصوصی در فصل اول سال ۱۹۹۸ حدود ۱۰/۶ درصد کاهش یافت و تقریباً در سراسر تمامی دوره در همان سطح باقی ماند. کاهش مصرف خانوارها برای کالاهای بادوام نظیر ماشین‌های سواری،

کالاهای الکترونیکی و مبلمان شدیدتر از کالاهای بی دوام بود. مصرف خصوصی کالاهای بادوام پس از بحران در فصل اول ۳۸/۵ درصد، در فصل دوم ۴۷/۴ درصد و در فصل سوم ۴۴/۳ درصد کاهش یافت. مصرف خصوصی کالاهای بی دوام حدود ۸/۲ درصد در فصل اول پایین آمد و تقریباً در سراسر بقیه سال ۱۹۹۸ در همان سطح باقی ماند. تقاضا برای صادرات حدود ۸/۹ درصد، برحسب وزن کمره، طی سه فصل متوالی در سال ۱۹۹۸ افزایش یافت. اما برحسب دلارهای امریکا به علت تنزل شدید وزن حدود ۲/۶ درصد کاهش داشت. نرخ ارز وون-دلار ۹۵۶/۱۰ وون در پایان اکتبر سال ۱۹۹۷، درست قبل از بحران، با افزایش سرسام آور به تقریباً ۲۰۰۰ وون در اوج بحران رسید و در طول ۱۹۹۸ در حد ۱۲۵ وون تثبیت شد.

نقصان شدیدتر در تقاضای محلی مرتبط با صادرات به انقباض حادتر صنایع سنگین وابسته به صنایع سبک منجر شد. به عبارت دیگر، صنایع سنگین بیشتر به بازار محلی بستگی داشت، در حالی که صنایع سبک بیشتر به بازار صادرات متکی بود. از بابت طرف عرضه، کاهش سرمایه گذاری در تسهیلات و تجهیزات ضروری بود که تقریباً بعد از بحران به نیمه نقصان یافت. در سه ماهه اول سال ۱۹۹۸ حدود ۴۰/۷ درصد، در سه ماهه دوم حدود ۵۲/۴ درصد و در سه ماهه سوم حدود ۴۶/۳ درصد کاهش فاحش سرمایه گذاری که بدون تردید به علت جهش ناگهانی نرخ های بهره بود با فروپاشی اعتبار و کساد اقتصادی غیرمنتظره همراه بود.

نرخ تعهد قانونی (اوراق قرضه) شرکت سهامی سه ساله موعد پرداخت همانند پایان سال ۱۹۹۶، ۱۲/۵۷ درصد بود، اما در پایان سال ۱۹۹۷ به ۲۴/۳۱ درصد افزایش یافت. هرچند از سه ماهه دوم سال ۱۹۹۸ شروع به سقوط کرد ولی به سطح قبل از بحران در سه ماهه سوم سال ۱۹۹۸ ابقا گردید. این نرخ برای ویران کردن بسیاری از مؤسسات کوچک و متوسط کافی بود. نرخ قصور در پرداخت بدهی مؤسسات در سه ماهه اول سال ۱۹۹۸ از میانگین ۴۰ درصد، قبل از بحران در ۱۹۹۷، به ۵۴ درصد افزایش یافت. به علت قصور مؤسسات، نرخ بیکاری در ژوئن ۱۹۹۸ به ۷/۶ درصد افزایش یافت. در حالی که این نرخ در خلال دوره قبل از بحران زیر ۳ درصد بود.

به رغم کساد، سطح قیمت ها طی یک سال، برحسب شاخص قیمت خرده فروشی حدود ۷/۹ درصد و برحسب شاخص قیمت عمده فروشی ۱۱ درصد افزایش یافت. در حالی که در سال ۱۹۹۷ (پیش از بحران) ۴/۵ درصد رشد داشت. منبع عمده افزایش قیمت ها، افزایش قیمت فرآورده های کشاورزی و کالاهای وارداتی و مواد خام بود. کالاهای صنعتی و کالاهای بادوام، در تثبیت قیمت ها نقش داشتند. بانک کره نرخ رشد اقتصادی را در نیمه اول سال ۱۹۹۸ برآورد کرده بود که ۵/۳- درصد باشد، که در تاریخ توسعه اقتصادی کره، به استثنای یک سال ۱۹۸۰، بدترین مورد به حساب می آید.

۳- ارزیابی خط مشی اصلاحات

در باره خط مشی اصلاحاتی که صندوق بین المللی پول تحمیل کرد و دولت کره آن را اجرا کرد، چند بحث وجود دارد. اولین و مهم ترین موضوع آن است که بسته پیشنهادی صندوق بین المللی پول، برای اقتصاد مهلک است.

موضوع «بسیار کشنده» مستقیماً از بحث جفری ساچز^۱ مبنی بر آن که علت بحران مالی آسیایی «آشفته گی

1. Jeffrey Sachs.

مالی است و نه «ساختاری» گرفته شده است. همچنانکه در بخش قبلی بیان شد. هسته سیاست اقتصاد کلان در برنامه صندوق بین‌المللی پول انقباض اقتصاد با حفظ عمده‌ی خط‌مشی نرخ بهره بالا است. بانگه داشتن نرخ بهره بالا، مقصود آن است که: اولاً، بازار ارز خارجی با تسریع جریان ورودی سرمایه و جلوگیری از فرار سرمایه، تثبیت شود. ثانیاً، حساب جاری با عدم تشویق سرمایه‌گذاری و تشویق پس‌انداز بهبود یابد و سرانجام، تجدید ساختار بنگاه‌ها از طریق وادار کردن آنها به پایین آوردن نسبت برابری - بدهی‌شان که در غیر این صورت دچار ورشکستگی خواهند شد، به هر حال بحث انتقادی درباره‌ی سیاست نرخ بهره بالا همان‌طور که ساجز (۱۹۹۸) و چونگ (۱۹۹۸) بیان می‌دارند آن است که: اولاً، مشوق زیادی برای جریان ورودی سرمایه وجود ندارد حتی اگر نرخ بهره بالا باشد زیرا خطر عدم پرداخت مؤسسات بسیار بالاست و بازار سرمایه توسعه نیافته است. ثانیاً، سیاست اعمال نرخ بهره بالا، رشد بانقوه اقتصاد را از طریق عدم تشویق سرمایه‌گذاری که زمانی به عنوان موتور آسیایی رشد بازی می‌کرد، کاهش می‌دهد و سرانجام توانایی تأذیه بدهی خارجی را تضعیف می‌کند. ثالثاً، به ایجاد دور باضی گرایش دارد که ورشکستگی شرکت‌های بزرگ را به ورشکستگی نظام بانکداری می‌کشاند. به واسطه نباشته شدن بدهی غیر قابل پرداخت نظام بانکداری که مآلاً بازسازی شرکت‌های بزرگ را دچار شکست می‌کند همچنین شکاف میان ثروتمندان و فقیران را وسیع می‌کند.

بانگاهی به گذشته، سیاست شدید بهره بالا تحمیلی بر اقتصاد کرده بعد از بحران غیر قابل اجتناب بود و در جلوگیری از جریان خروج سرمایه و تثبیت بازار ارز نقش داشت. همچنین در تسریع بازسازی کسب و کار نقش داشت. بی‌تردید تقاضا برای واردات را تحت کنترل درآورد و در نتیجه این امر در مازاد عظیم تجاری مؤثر بود. در سال ۱۹۹۸ مازاد به ۳۹/۹ بیلیون دلار، بالاترین حد ثبت شده در تاریخ توسعه اقتصاد کرده رسید. مازاد حجیم تجاری سرانجام در جلوگیری از دومین بحران مالی مؤثر بود. به علاوه این مورد، تمامی اهداف کلان همان‌طور که در قرارداد بین صندوق بین‌المللی پول و حکومت کرده منعقد شده بود، عملی شد، البته به جز نرخ رشد اقتصادی و نرخ کسری بودجه.

اما ممکن است ارزیابی مبحث مزبور در این لحظه که درست فقط ۱۵ ماه از شیوع بحران تاکنون می‌گذرد و اصلاح ساختاری تازه در مرحله آغازین است مقتضی نباشد. به هر حال، واضح است که صندوق بین‌المللی پول خود را با محیط وفق داده و از زمانی که برنامه آن بر اقتصاد کرده تحمیل شده وضع خود را تغییر داده است. برنامه صندوق بین‌المللی پول چهار بار اصلاح شده و هر بار دولت کرده را به نرخ بهره پایین‌تر ترغیب کرده است؛ به هر حال اقتصاد از آنچه صندوق بین‌المللی پول در آغاز تدوین برنامه طرح‌ریزی کرده است بدتر بوده است. در ۵ دسامبر، ۱۹۹۷ زمانی که اولین موافقت‌نامه بین دولت کرده و صندوق بین‌المللی پول به عمل آمد صندوق نرخ رشد اقتصادی و نرخ تورم در سال ۱۹۹۸ را ۳ و ۵ درصد تعیین کرد. هدف این بود که حساب جاری در سطح ۱ درصد GDP محدود شود. براساس این پروژه و هدف، صندوق بین‌المللی پول اجازه داد حجم پول؛ به هر حال تا ۹ درصد رشد کند و تراز بودجه حفظ شود. به هر حال در چهارمین اصلاح، صندوق موافقت کرد که تولید ناخالص داخلی (GDP) حقیقی سال جاری در حد ۴ درصد و نرخ تورم در حد ۹ درصد تعیین شود. صندوق هدف مازاد حساب جاری را در حد ۳۳ الی ۳۵ بیلیون دلار بودن در پایان سال جاری اصلاح کرد. باز این تشخیص که رکود اقتصادی در حوزه کسب و کار شدیدتر و ممدتر از آنچه پیش‌بینی شده است می‌باشد، صندوق حمایت از باز یافت تقاضای محلی و تقویت

نظام شبکه امنیت اجتماعی را آغاز کرد. به منظور نیل به این هدف، سیاست پولی مجدداً طراحی شد تا میدان کافی برای کاهش تدریجی نرخ‌های بهره بدون تأثیر بر هدف تورم فراهم شود. صندوق همچنین تصدیق کرد که کسری بودجه در سال ۱۹۹۸ حدود ۴ درصد GDP باشد. به هر حال، تقاضا برای صادرات از جمله تقاضای داخلی در سطح پایین است و هیچ علامتی از بهتر شدن وضع در این لحظه دیده نمی‌شود. با قضاوت از عملکرد اقتصادی در نیمه اول سال جاری، ما می‌توانیم سیاست اقتصاد کلان برنامه صندوق بین‌المللی پول را به قرار ذیل ارزیابی کنیم. بازار ارز خارجی تثبیت شده است، اما هیچگونه جریان قوی ورود سرمایه خارجی آنچنانکه انتظار می‌رفت وجود ندارد. حساب جاری به طور اساسی بهبود یافته است، اما نه با رشد صادرات بلکه با کاهش واردات. ارزیابی آثار اصلاح ساختاری برای ارزیابی بسیار زود هنگام است و برای ارزیابی هنوز باید منتظر ماند. هنوز مشخص نیست سیاست نرخ بهره بالا، رشد بالقوه اقتصاد را محدود خواهد کرد یا نه، زیرا اصلاح ساختاری ادامه دارد.

به هر حال، درست است که با سیاست نرخ بهره بالا بسیاری از مؤسسات بی‌تقصیر دچار ورشکستگی شدند که در غیر این صورت می‌توانستند از بحران جان سالم به در برند؛ همچنین نرخ بهره بالا باعث شد که بانک‌های عمده کره و ام‌های کلان غیرقابل پرداخت را نباشته کنند. مؤسسات کره‌ای هرگز این نوع کسادی را در گذشته تجربه نکرده بودند و نمی‌دانستند چگونه با این وضع سازگاری یابند. اقتصاددانان بسیاری در کره معتقدند که سیاست نرخ بهره بالا، به طور غیرضروری کسادی را عمیق کرد و آن را بیش از اندازه طول داد. از این رو تلاش‌های باز یافت اقتصادی را فرونشاند.

دومین موضوع آن است که آیا اصلاح ساختاری که هم‌اکنون در جریان است موفق خواهد بود یا خیر. درباره این موضوع به نظر می‌رسد اجماع نظری وجود دارد. مبنی بر آن که اصلاح ساختاری در چهار بخش نظام بانکداری، شرکت‌های بزرگ، دولت و بازار کار در جهت صحیح قرار دارد. اما در مورد سرعت و شیوه‌های چگونگی پرداختن به آنها بحث‌هایی وجود دارد. موضوع اصلی این است که نقش دولت در اصلاح شرکت‌های بزرگ چیست و چه مقدار دولت به خصوص در اصلاح شرکت‌ها پادرمیانی می‌کند.

با توجه به اصلاح شرکت‌های بزرگ، دولت هنوز اصرار دارد که این شرکت‌ها نسبت بدهی‌هایشان به سهام را تا پایان سال ۱۹۹۹ از ۵۱۸ درصد به ۲۰۰ درصد کاهش دهند و کسب و کارهای غیرضروری در میان خود را در برنامه‌ای به نام «معاملات بزرگ» مبادله کنند. برای مثال، «سامسونگ» موافقت کرد که شرکت اتومبیل‌سازی خود را به «دوو» در عوض واحد الکترونیک «دوو»، بفروشد. گروه ال.جی. موافقت کرد شرکت نیمه‌هادی‌های خود را به «هیوندای» بفروشد و «هیوندای» و «سامسونگ» موافقت کردند تا کارخانه پتروشیمی تأسیس کنند. به هر حال، مالکان شرکت‌های بزرگ و اتحادیه‌های کارگری شرکت‌های مربوطه، به مبادلات تجاری تعابلی ندارند و برخی موارد در برابر این اقدامات مقاومت کردند. نگرانی‌هایی در میان اقتصاددانان وجود دارد که این سیاست ممکن است پس از این برخی آثار جانبی منفی ایجاد کند.

به هر حال، دولت می‌ترسد که شرکت‌های بزرگ هرگز مایل نباشند که بدون فشار دولت، خود را بازسازی کنند. دولت معتقد است که این شرکت‌ها با منطق اقتصادی برانگیخته نمی‌شوند، آنها با خود محوری و توسعه بی‌امان در زمانی که تصمیم به سرمایه‌گذاری می‌کنند بدون تردید به رقابت افراطی میان خود دامن می‌زنند. اگر ما مسئله «معامله بزرگ» را درست براساس پیشینه اقتصادی بدون در نظر گرفتن عوامل غیر اقتصادی ارزیابی کنیم، به نظر می‌رسد که منفعت اقتصادی فروش‌های درونی شرکت‌های بزرگ

از هزینه‌های اقتصادی فزونی یابد. ما می‌توانیم دو اثر «معاملات بزرگ» را انتظار داشته باشیم، اثری مثبت ناشی از تخصص‌گری و دیگری آثار منفی ناشی از انحصارگرایی و تمرکزگرایی در بازار. به نظر می‌رسد که آثار مثبت از آثار منفی تفرق دارد. به رغم مسائل توان امکان‌پذیر بازار، رقابت مؤثر هنوز حتی بعد از «معاملات بزرگ» غلبه دارد. به هر حال، بازاری که در آن شرکت‌های بزرگ فعالیت می‌کنند اکثراً در حوزه بخش صنایع سنگین است که صفره‌های مقیاس دارد. به سبب این ویژگی‌ها، دخالت دولت در این بازار را می‌توان توجیه کرد. برای مثال، زمانی که «سامسونگ» چهار سال پیش تلاش داشت که وارد صنعت اتومبیل سازی شود اگر دولت می‌توانست مانع آن شود، برای ملت مفیدتر می‌بود. یا اگر دولت در سال گذشته می‌توانست تسهیل خروج «کیاموتورز» از بحران دخالت کند، وضعیت صنعت اتومبیل سازی اکنون بسیار بهتر می‌شد. در این ارتباط، اصلاح این شرکت‌ها توسط دولت ممکن است توجیه‌پذیر باشد. به همین علت، اصلاح نظام بانکداری نیز باید توسط دولت آغاز شود.

سیاست اصلاح مالی، در دست اقدام است. پنج بانک منطقه‌ای در دیگر بانک‌های تجاری ادغام شدند. دو بانک بزرگ، بانک تجارت و «هنیل» بانک در یک ابربانک دیگر به نام «هالویت» بانک ادغام شدند. دولت ۴۰ میلیارد دلار از اعتبارات عمومی را به بانک‌های دارایی‌های سرمایه‌ای از دست رفته به علت وام‌دهی‌های غلط، احیا شود تزریق کرد. بانک «مسئول» به بانک هنگ کنگ شانگ‌های فروخته شد.

به علاوه اصلاحات مالی و شرکت‌های بزرگ، بازسازی بخش دولتی با بازخرید ۱۰ درصد کارمندان دولت و کم کردن ۱۰ درصد بودجه اجرا شد. بسیاری از شرکت‌های سهامی عمومی اکنون در جریان خصوصی سازی می‌باشند. دو وزارتخانه دولتی، وزارت امور عمومی (رفاه) و وزارت کشور (امور داخلی) در هم ادغام شدند. دور دیگری از بازسازی دولت در سال جاری هنوز در شرف وقوع است.

به هر حال، ما هنوز منتظریم ببینیم که آیا سیاست نرخ بهره بالا همراه با سیاست اصلاح ساختاری موجبات گسترش بهره‌دهی و توسعه فن‌آوری در صنعت را در درازمدت فراهم خواهد کرد یا نه. برای آن‌که این تجربه سخت به درس‌های مفیدی تبدیل شود، دولت و بخش خصوصی باید در جهت گسترش بهره‌دهی و رقابت در عرصه اقتصاد ملی خوب عمل کنند.

۴- درس‌هایی برای کشورهای در حال توسعه

همان‌طور که در اول مقاله متذکر شدم، بحران مالی پدیده خاصی در آسیا و همین‌طور در کشورهای در حال توسعه نیست. معمولاً بحران‌ها بیشتر و غالباً در کشورهای شیوع می‌یابد که با اقتصاد جهانی بیشتر ادغام شده‌اند. کشورهای بیشتر در معرض عدم قطعیت‌ها و آسیب‌ها قرار می‌گیرند که اقتصادهای آنها جهانی است. همان‌طور که دکتر «ژوزف استیگلتز»^۱ معاون ارشد بانک جهانی بیان کرده است، ممکن است در آینده صرف‌نظر از آن‌که چگونه اقتصاد جهانی اداره شود، باز هم بحران‌های مالی وجود داشته باشد. موضوع اصلی آن است که چگونه بحران‌ها کمتر شوند و چگونه تحت کنترل در آیند. کره سال گذشته به بحران مالی مبتلا و آلوده شد؛ پاکستان و روسیه امسال دچار دردسر مالی شدند. تصور می‌رود که کشورهای اروپای شرقی و کشورهای امریکای جنوبی نظیر ونزوئلا، برزیل، آرژانتین متعاقب روسیه قربانیان بعدی

بحران‌های مالی باشند.

برای آن‌که از تجربه‌ها درس‌هایی بیاموزیم، رهیافت معمولی می‌تواند به قرار ذیل باشد. تصور کنید که عاملی به نام «X» علت بحران باشد. آنگاه کشوری که عوامل «X» بیشتری داشته باشد، احتمال بیشتری وجود دارد که نسبت به کشورهای دیگر بیشتر در معرض بحران مالی قرار گیرد. بهترین اقدام برای دیگر کشورها آن است که بارفع این عامل «X» از بحران اجتناب کنند تا کشور هایشان دچار بحران نگردد. برای مثال، اگر کشوری، نظام ضعیف مالی یا نظام شرکت‌های بزرگ و فاسد داشته باشد، بهترین علاج برای دیگر کشورها به منظور اجتناب از بحران آن است که حساب جاری را به منظور تقویت نظام مالی و به منظور جلوگیری از فساد در مدیریت سهام و غیره بهبود بخشند. اما، همان‌طور که دکتر «استیگلیتز» بیان کرد، جهان پیچیده‌تر از نظریه است و این نوع رهیافت ممکن است همیشه بهترین راه‌حل برای کشورهای دیگر نباشد. مردم بسیاری معتقدند که فقدان شفافیت در نظام بانکداری یکی از علل بحران است. اما اسکاندینا و یا هم دچار بحران شد به رغم این که در میان کشورهای پیشرفته شفافیت بسیار خوبی در نظام بانکداری داشت.

علاوه بر موضوع مذکور، برای فراگیری درس‌هایی از دیگر کشورها، ما می‌توانیم درس‌ها و نتایجی چند و محتاطانه براساس تجاربی که در بحران مالی داشته‌ایم استخراج نماییم.

اولین و مهم‌ترین درسی که ما ناچاریم فراگیریم آن است که باید از مسئله مخاطرات اخلاقی در نظام بانکداری از جمله شرکت‌های بزرگ اجتناب نماییم. همانند بیشتر کشورهای آسیایی که به بحران‌های مالی مبتلا شده‌اند، نظام بانکداری به طور غیررسمی با مدیریت بالفعل و غیررسمی دولت تنظیم و حفظ می‌شد. در این نوع جو مالی، انگیزه اندکی برای مدیران بانک‌ها برای اداره مدیریتی مسئولانه وجود دارد. یعنی نوعی مسئله نمایندگی در نظام بانکداری وجود دارد. آنان وام‌های بسیار مسرفانه‌ای را در پروژه‌های پرمخاطره یا شرکت‌های بزرگ، تحت فشار سیاسی ارائه می‌کردند. نظام اعتباری غیر مسئولانه و به هم پیوسته اکثراً موجب بحران مالی می‌شد. بدهی غیر قابل پرداخت دیون ناشی از این نوع سوء مدیریت و سوء اختصاص منابع، انباشته می‌شد. هرگاه بدهی‌های غیر قابل پرداخت انباشت شده در نظام بانکداری غیر قابل تحمل می‌شد، دولت پا در میانی و آن را با پول مالیات دهندگان حل می‌کرد. این نوع رفتار بحران را تشدید می‌کند و ارتباط بین دولت و نظام بانکداری طبق معمول پابرجا بوده است. کشورهای در حال توسعه باید قبل از آن‌که این مشکل بسیار پیچیده و غیر قابل حل گردد مسئله وام‌های غیر قابل پرداخت را حل کنند. سپس تلاش کنند روابط بیمارگونه بین دولت، نظام بانکداری و شرکت‌های بزرگ را از بین ببرند.

دومین درسی که ما می‌توانیم از تجربه بحران مالی کره کسب کنیم آن است که باید وقتی اقتصادمان را باز می‌کنیم این عمل همراه با تفکر و اندیشه انجام گیرد. به منظور جلوگیری از بحران، بسیار اهمیت دارد که خطرات و آسیب‌پذیری‌های اقتصادی را کاهش دهیم. این بدان معنی نیست که ما نباید اقتصادمان را باز نکنیم، بلکه موضوع آن است که باید تمامی برنامه محتمل الوقوع ضروری را پیش‌بینی کرده و قبل از بازکردن اقتصاد ساز و کار آن را محکم کرده باشیم. زمانی که کره در سال ۱۹۹۶ به (سازمان همکاری اقتصادی و توسعه) (OECD) پیوست، به هر حال، چنین مقرراتی وجود نداشت. به علاوه دولت کره شرکت مالی بدون صلاحیتی را تأسیس کرد. بعد از آن‌که این دولت به OECD پیوست، آنان وام‌های بی‌ملاحظه بسیار زیادی از سرمایه‌گذاران خارجی قرض گرفتند و آنها را در شرکت‌های بزرگ غیر سودمند یا پروژه‌های پرخاطر در کشورهای دور دست سرمایه‌گذاری کردند.

همان‌طور که دکتر «استیگلیتز» در بانک جهانی خاطر نشان کرد، بین آزادسازی سرمایه و رشد اقتصادی و بین آزادسازی تجارت و رشد که همبستگی نزدیکی وجود ندارد. این بدان معنی است که چیزی با محدود کردن جریان سرمایه برای از دست دادن وجود ندارد. هر چند سرمایه‌گذاری خارجی آثار مثبت و منفی دارد، معلوم نیست که سود جریان ورودی سرمایه کوتاه مدت چه قدر باشد. بنابراین، ممکن است محدود کردن جریان سرمایه به وسیله کنترل ارزی یا وضع کردن مالیات بر جریان سرمایه به اضطراب ضروری باشد. سوم، دولت ناچار است نظامی هشدار دهنده اولیه برای جلوگیری از بحران مالی تنظیم نماید. اگر کشوری کسری بودجه بسیار زیادی داشته باشد، حساب جاری آن به علت نرخ ارز بیش از اندازه ارزش‌گذاری شده، انباشته شود، و از وام‌های غیر قابل پرداخت بسیار زیاد رنج برد، بدین معناست که نظام مالی ضعیف دارد یا اگر ذخایر خارجی‌اش نسبت به تولید ناخالص داخلی (GDP) کاهش یافته باشد. بنابراین احتمال زیاد دارد که آن کشور نسبت به تکانه خارجی آسیب‌پذیر شود و در معرض بحران قرار گیرد. به ویژه، برای مقابله با حملات بورس بازان، لازم است که دولت ذخایر ارزی کافی داشته باشد. شاخص‌های هشدار اولیه، عبارت است از: نسبت بدهی کوتاه مدت به بدهی دراز مدت، نسبت بدهی - سهام کوتاه مدت به بدهی دراز مدت، مقدار کل بدهی خارجی، نسبت وام‌های غیر مفید به کل وام‌های داده شده به مؤسسات از طریق نظام بانکی، نسبت کسری حساب جاری نسبت به تولید ناخالص ملی و میزان ذخایر خارجی؛ این شاخص‌ها باید به‌طور دوره‌ای و متناوب بررسی شوند.

علاوه بر نصب سیستم هشدار دهنده اولیه، باید سیاست درست و باثباتی از اقتصاد کلان را به منظور نگه داشتن اصول اقتصادی سالم داشت. اگر کشوری بتواند همیشه محیط اقتصاد کلان را ثابت و سالم اداره کند، امکان آن که مورد حمله تکانه‌های خارجی قرار گیرد کمتر خواهد شد.

چهارم، هر کشوری باید محیط سیاسی را باثبات نگه دارد. برای کره متأسفانه بدبختی بزرگ این بود این که به هنگام انتخابات ریاست جمهوری بحران مالی آغاز شد. طی سال قبل از بحران، رئیس جمهوری وقت نمی‌توانست کشور را به نحوی مؤثر کنترل و اداره کند، زیرا قبلاً به علت آن که پسرش در ارتباط با واقعه رشوه‌خواری «هانبو» زندانی شده بود، در مانده و ضعیف شد. در این جو سیاسی، لایحه اصلاح کار و لایحه اصلاح امور مالی، دو لایحه بسیار مهم برای اصلاح اقتصاد، در مجلس قانون‌گذاری تصویب شده آشکار است که این اتفاق‌ها بر اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی تأثیر گذاشت. با این فضای سیاسی گل‌آلود و تیره و تار، بخش بوروکراسی اداری کمک کرد تا اقتصاد به مرحله بحران برسد. تقریباً برای تمامی سال، بانک کره برای استقلال خود با وزارت امور دارایی و اقتصادی در جنگ و نزاع بود و در امر بسیار مهمی همچون گزارش تراز صحیح ذخایر خارجی همکاری نکرد. وزارت امور دارایی و اقتصادی در مورد خط‌مشی‌های مرتبط با امور مالی بین‌المللی، اطلاعات سری را به بانک کره ارائه نکرد و هر نوع عقاید متفاوتی را درباره آینده اقتصادی کره ابراز نداشت و تنها به این مطلب که اصول اقتصادی کره در وضع خوبی قرار دارد اکتفا کرد. نبود گفتگو و ارتباط میان هیئت حاکمه قبل از بحران بسیار علنی بود به طوری که این موضوع مانع هرگونه همکاری سازنده در میان اندیشمندان حکومت، بانک کره و وزرای کابینه گردید.

بالاخره، لازم است بیشتر درباره موقعیت مالی بازار بین‌المللی بدانیم. بازار مالی جهانی به سرعت در حال جهانی شدن است و بسیار سریع رشد می‌کند حجم یک شب از مبادلات جهانی مالی در طول مرز بیش از دو تریلیون دلار است که معادل ۲ یا ۳ ماه تولید ناخالص داخلی (GDP) امریکا است. این حجم از مبادلات

مالی برای خرد کردن تقریباً هر کشوری چنانچه کشور معینی را مورد تهاجم قرار دهد کفایت می‌کند. بنابراین، هر کشوری که نسبت به تکانه خارجی آسیب‌پذیر باشد ناچار است همیشه نسبت به حرکت در بازار مالی بین‌المللی هوشیار باشد. چنانکه مادر بحران مالی روسیه ملاحظه می‌کنیم. هیچ کشوری نسبت به این نوع تکانه (شوک) مصون نیست. اگر بحران مالی در کشورهای متعددی در یک زمان شیوع یابد، حتی صندوق بین‌المللی پول دچار ناتوانی خواهد شد و توانایی مقابله با این بحران‌ها را نخواهد داشت و این بدان علت است که بحران مالی نوعی اثر زنجیری یا سرایتی دارد. به همین علت، بسیار ضروری است که شبکه‌های بین‌المللی از خط‌مشی یا هماهنگی خط‌مشی رانه تنها در کشورهای گروه هفت بلکه همچنین در کشورهای در حال توسعه بسازیم.

بحران‌های مالی به تازگی پدیده‌ای جهانی بوده است. مسئله‌ای که نه تنها از مسئله ساختاری و مدیریت کشورهای مورد نظر بلکه از مسئله ساختاری ذاتی در بازار مالی بین‌المللی ریشه می‌گیرد. به ویژه نظام صندوق بین‌المللی پول که بازار نرخ ارز شناور را حمایت می‌کند. مسئله‌ای دارد که می‌توان آن را موجب بحران‌های مداوم مالی دانست. اگرچه در توسعه بازار مالی بین‌المللی در گذشته سهیم بوده است. تحت نظام نرخ ارز شناور شکی وجود ندارد که نرخ ارز همان‌طور که بازار مالی جهانی می‌شود فرارتر و غیرقابل پیش‌بینی می‌شود. اگر نرخ ارزی بی‌ثبات تر و غیرقابل پیش‌بینی تر شود، منابع مالی به سمت محل‌های امن‌تر سوق پیدا می‌کنند؛ اگر بازدهی منابع مالی در آن محل‌ها یکسان باشد. ایالات متحده نقش «بهشت امن» را برای سرمایه‌گذارهای بین‌المللی ایفا می‌کند؛ و این در حالی است که کشورهای در حال توسعه و کشورهای که به تازگی موجودیت پیدا کرده‌اند مجبورند حق بیمه بیشتری را برای ریسک بپردازند تا سرمایه‌های بین‌المللی را جذب کنند. هر چه سرمایه‌های بین‌المللی بیشتر به شکل نامنظم از کشورهایی که ریسک آنها بیشتر است یعنی معمولاً کشورهای در حال توسعه، به کشورهایی که ریسک آنها کمتر است یعنی معمولاً کشورهای توسعه‌یافته، حرکت کنند احتمال این که بحران مالی شیوع پیدا کند بیشتر است. به منظور کاهش ریسک نهفته در معاملات بین‌المللی سرمایه، مطلوب آن است که نظام نرخ ثابت ارز برقرار شود، نظامی که در آن در بازار ارز خارجی هیچ‌گونه عدم اطمینان و ریسکی وجود نداشته باشد.

موضوع سخنرانی:

سیاست تجاری کره در
مقابله با بحران اقتصادی

سخنران*: Nakgyoon Choi

* عضو هیئت علمی مؤسسه اقتصاد صنعتی و تجارت کره.

۱- بحران اقتصادی در برنامه نجات IMF

۱-۱- بحث درباره علل بحران اقتصادی در آسیا

علل بحران اقتصادی آسیا در مجامع مالی و تجاری بین‌المللی به شدت مورد بحث قرار گرفته‌اند به گونه‌ای که این معضل یکی از مهم‌ترین مسائل سیاست‌گذاری شده است.

در این راستا، به چهار علت اصلی برای بروز بحران جاری اشاره آشکار می‌شود:

اولاً، ناکارایی بخش مالی و ورشکستگی بنگاه‌های خصوصی اثر منفی بر مکانیزم (ساز و کار) بازار داشته است. این مکانیزم به واسطه دخالت بیش از حد دولت از هم پاشیده بود. همان‌گونه که نماینده صندوق بین‌المللی پول IMF در کره جنوبی اظهار داشت، وجود یک رشته از پرداخت‌ها نکول نشده Defaulted بدهی‌های بنگاه‌های بزرگ و نیز بحران ارزی در شرق آسیا، به صورت عامل واسطه در فرایند فروپاشی بازار ارز و سهام در کره جنوبی عمل کرد.

ثانیاً، تضعیف پرمانه قدرت رقابت در صنایع آسیای یکی از علل اصلی کسری شدید در حساب جاری بوده است که آن هم به نوبه خود عامل بحران در بازار ارز محسوب می‌شود. کسری حساب جاری کره از اوایل دهه ۱۹۹۰ به سرعت در حال افزایش بوده است.

ثالثاً، اعتماد بین‌المللی به دولت‌های آسیایی کاهش یافته است. زیرا این دولت‌ها به شکل نامناسبی به بحران‌های اقتصادی عکس‌العمل نشان داده‌اند. نتیجه آن‌که ارزیابی نامطلوب انجام شده از سوی سرمایه‌گذاران اصلی خارجی به سرعت موجب تقلیل جریان ورودی ارز به کشورهای آسیایی شده است. رابعاً، عامل روانشناختی چنان تأثیر منفی شدیدی بر بازارهای مالی جهانی داشته است که مشارکت‌کنندگان در بازار بین‌المللی پول به شدت دچار هراس و نگرانی شده‌اند. این امر نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاران در بازارهای مالی نگران احتمال ورشکستگی کشورهای آسیایی هستند.

۱-۲- برنامه نجات IMF و اصلاحات ساختاری

هدف نهایی برنامه IMF، که در ازای پرداخت وام‌های نجات از بحران مالی (Bailout) بر کشور کره تحمیل می‌شود، عبارت است از افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی به توان اقتصادی آن که در اواخر سال ۱۹۹۷ به سرعت تقلیل یافته بود. به کمک این برنامه بدهی‌های خارجی کره در سال‌های ۱۹۹۸ و ۱۹۹۹ به میزان قابل ملاحظه‌ای کاهش یافت و سطح تورم پایین‌تر از ۱۰ درصد قرار گرفت و روند کاهش رشد GDP واقعی به ۱/۰ درصد در سال ۱۹۹۸ محدود شد.

بدین منظور، ضروری بود که سیاست پولی انقباضی اعمال شده تا سود انتظاری سرمایه‌گذاران خارجی تأمین شده و از اثر کاهش ارزش رسمی پول بر تورم جلوگیری شود. در سال ۱۹۹۸، سیاست مالی انقباضی به منظور تخفیف فشار وارد بر سیاست پولی و نیز آماده شدن برای مقابله با هزینه‌های پیش‌بینی نشده تجدید ساختار بخش مالی به کار گرفته شد.

سپس از طریق ابزارهای درآمدی و هزینه‌ای، تعادل حداقلی در میزان بودجه برقرار شد. از جمله افزایش مالیات بر ارزش افزوده (VAT) و کاهش مخارج معافیت‌های مالیاتی، گسترش پایه مالیاتی از طریق کاهش معافیت‌های مالیاتی و ایجاد برخی انگیزه‌های مالیاتی دیگر و گسترش پایه مالیات بر درآمد از طریق

محدود کردن کسورات و معافیت‌های مالیاتی.

در کنار سیاست‌های کلان اقتصادی دولت، تجدید ساختار بخش مالی به گونه‌ای صورت گرفت که کارکرد آن به صورت شریان حیاتی اقتصاد بهبود یابد. این کار از طریق نظارت بر تمام نهادهای مالی، از جمله بانک‌های بزرگانی، بنگاه‌های خرید و فروش اوراق قرضه و شرکت‌های بیمه صورت گرفت. اقدامات ساختاری در بخش‌های مختلف به اجرا درآمدند از جمله آزادسازی تجاری، آزادسازی حساب سرمایه، تجدید ساختار و مدیریت شرکت‌ها و اصلاحات در بازار نیروی کار. اولاً، آزادسازی تجاری شتاب بیشتری گرفت و در نتیجه جدول زمانی برای حذف یارانه‌های پرداختی در بخش تجارت، محدود ساختن حق لیسانس برای واردات و برنامه‌های تنوع واردات، مطابق قوانین WTO به اجرا درآمدند.

ثانیاً، روند آزادسازی حساب سرمایه با استفاده از روش‌های ذیل تسریع شد. افزایش سقف مالکیت کل (aggregate ownership) از ۲۶ درصد به ۵۰ درصد تا پایان سال ۱۹۹۷ و ۵۵ درصد تا پایان سال ۱۹۹۸، افزایش سقف مالکیت افراد خارجی از ۷ درصد به ۵۰ درصد در اواخر سال ۱۹۹۷، مجاز دانستن بانک‌های خارجی در خرید سهام از بانک‌های داخلی بیش از حد فعلی ۴ درصد، که مستلزم کسب نظر موافق مقامات مسئول می‌باشد.

ثالثاً، شفافیت ترازنامه شرکت‌ها و نیز بهبود حساب سود و زیان آنها از طریق اجرای معیارهای پذیرفته شده حسابداری.

رابعاً، ظرفیت نظام بیمه نویسی اشتغال چنان افزایش یافت که به کارگیری مجدد نیروی کار به همراه اجرای سیاست‌هایی برای افزایش انعطاف‌پذیری بازار کار، تسهیل شود.

تامه مارس ۱۹۹۸، پرداخت یارانه‌های مربوط به بخش تجارت قطع شد و این کار زودتر از موعد مقرر برای دسامبر همان سال صورت گرفت. در قوانین WTO در مورد یارانه‌ها چنین گفته می‌شود که از پرداخت یارانه در موارد ذیل باید جلوگیری شود:

الف - یارانه‌هایی که عملاً یا به لحاظ قانونی، مشروط به نحوه عملکرد صادرات باشند؛

ب - یارانه‌های مشروط به استفاده از کالاهای داخلی در مقایسه با کالاهای وارداتی و تفاوتی هم ندارد که این یارانه‌ها به طور منفرد یا همراه با سایر یارانه‌ها پرداخت شوند.

همچنین، قانون فوق‌الشرار می‌دارد که یارانه‌های ممنوعه فوق‌الذکر، باید طی دوره زمانی معین به طور کامل قطع شوند. در سال ۱۹۹۸، دولت کره به منظور حمایت از ورود بخش خصوصی به بازارهای خارجی و آماده شدن برای تعدیل کسری صادرات، دو یارانه مختلف برای صادرات پرداخت نمود. سپس اعلام شد که این یارانه‌ها مطابق تصمیمات کمیته بررسی یارانه‌ها در WTO که در اکتبر ۱۹۹۶ به تصویب رسید، در سال ۱۹۹۸ قطع خواهد شد. در برنامه IMF نیز به نوبه خود، طرحی برای حذف یارانه‌های ممنوعه تنظیم گردید. انتظار نمی‌رفت که حذف یا تقلیل (Rescission) یارانه‌ها، به استثنای یارانه‌های اندک یا متوسط، تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر اقتصاد کره داشته باشد.

نظام تنوع واردات کره که از سال ۱۹۷۸ به اجرا درآمد، هدفش کاستن از واردات این کشور از ژاپن بود. نظام متنوع‌سازی (Diversification) یکی از مسائل بحث‌انگیزی بود که شرکای تجاری عمده کره، از جمله ایالات متحده و کشورهای اروپایی، چه رسد به کشور ژاپن، آن را رویه‌ای ناعادلانه در تجارت می‌دانستند.

موضع رسمی ژاپن آن بود که باید تجدیدنظری در این نظام صورت گیرد. کشورهای دیگر نیز چنین استدلال می کردند که صادرات محصولات مختلف به کره که در آنها از لوازم ژاپنی استفاده شده بود به آسانی میسر نبود.

قبلاً دولت کره در نظر داشت تا نظام تنوع واردات را از طریق کنار گذاشتن تدریجی ممنوعیت واردات ۸۸ قلم کالا در ژانویه ۱۹۹۸، ملغی سازد. ولی، در نتیجه مشورت با IMF، دولت کره متقاعد شد که نظام متنوع سازی واردات را تا ژوئن ۱۹۹۹، یعنی زودتر از موعد مقرر اولیه، کنار بگذارد. به ویژه، دولت کره این نظام را تا ژوئیه ۱۹۹۸ در مورد ۴۰ قلم کالا و تا ژانویه ۱۹۹۹ در مورد ۳۲ کالا اعمال نکرده بود و نظام فوق را در مورد ۱۶ قلم کالا، از جمله اتومبیل و قطعات مربوط به آن تا ژوئن ۱۹۹۹ اعمال نخواهد کرد. انتظار می رفت که الغای زودتر از موعد این نظام تأثیر قابل ملاحظه ای بر آن دسته از بخش های صنعتی کشور کره که قدرت رقابت به نسبت کمتری داشتند - از جمله اتومبیل های بزرگ، تلفن همراه، رادیو ضبط برای اتومبیل ها و دوربین ها داشته باشد.

دولت کره می تواند برای به حداقل رساندن آثار منفی وارد بر صنایع داخلی، به نظام تخفیف واردات (WTO (Import Relief System متوسل شود، گرچه این کار، به واسطه دایره عمل محدود زمانی آن، فقط یک راهبرد (strategy) کوتاه مدت محسوب خواهد شد. بنابراین، قدرت رقابت بازارهای سرمایه در کره و صنایع تولیدکننده قطعات واسطه، با در نظر گرفتن ملاحظات بلندمدت، به میزان قابل توجهی بهبود خواهد یافت.

مطابق برنامه IMF، دولت کره، به منظور حذف مقررات محدودکننده واردات، اقدام به تنظیم یک جدول زمانی، مطابق خواسته های WTO خواهد نمود. علاوه بر این، دولت کره اقدامات تدریجی را برای شفاف تر شدن روش های تنظیم واردات در پیش خواهد گرفت. برنامه های مفصل عملی برای اجرای چنین هدفی به تازگی مطرح شده اند ولی احتمالاً بحث و مشورت بیشتری در این خصوص با مقامات IMF صورت خواهد گرفت.

یکی از موضوعات احتمالی عبارت است از نظام هشدار واحد (Unified Notification) کره، که روش های مورد نیاز برای واردات محصولات خاص را چنان تنظیم می کند که دستیابی به اهداف سیاستی، از قبیل بهداشت عمومی، بهداشت (Sanitation)، ایمنی (Safety) و حفاظت از محیط زیست تضمین شود. این نظام به منظور تحکیم آن دسته از رویه های تجاری برقرار شد که در قوانین و مقررات هر کشوری جنبه لازم الاجرا داشتند. دولت کره، در صورت ضرورت، باید قوانین خود را اصلاح کند تا به سطح معیارهای بین المللی دست یافته و در ضمن شرط شفافیت قوانین مربوط به واردات را چنان به اجرا درآورد که توصیه، پذیرش، اخذ گواهینامه (Certification) اعطای مجوز (authorization) اطلاعیه یا اخطاریه (Notification) و آزمون کیفیت کالاهای وارداتی را به همراه داشته باشد.

۲- ساختار صنعت و تجارت کره

بحران جاری اقتصادی در کره را فقط تا اندازه ای می توان با رجوع به مسائل کلان اقتصادی از جمله کمبود نقدینگی بین المللی و پرهزینه بودن، سطح نازل کارایی و افزایش مصرف توضیح داد.

بنابراین نتیجه می‌شود که سیاست‌گذاران نباید تثبیت هزینه‌های تولید و صرفه‌جویی مردم را بیش از حد مورد تأکید قرار دهند. در عوض، اقدامات سیاستی برای تجدید ساختار سازمان صنعت و نیز ساختار آن باید به اجرا درآیند.

چشم‌انداز وضعیت اقتصاد خرد، که در آن قیمت‌ها حجم تجارت را تحت تأثیر قرار می‌دهد، نشانگر آن است که عدم تعادل در حساب جاری ناشی از تغییرات عرضه و تقاضا و قیمت کالاهای خاص است. یک نمونه از این مسئله، عرضه مازاد کالاهای عمده صادراتی کره از قبیل نیمه رساناها، فولاد و منسوجات در بازار جهانی است که به کاهش قیمت فروش آنها انجامید. کاهش قیمت این محصولات (Staples) صادراتی عامل عمده کسری حساب جاری کره طی سال‌های ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۷ بود.

برای اقتصاد کوچکی چون کشور کره تقریباً غیرممکن است که بتواند تولید خود را با قیمت‌ها و عرضه و تقاضای بازار منطقه سازد زیرا از قدرت کافی در بازار برخوردار نیست و بنابراین باید بازار را به عنوان یک متغیر برون‌زا بپذیرد. علاوه بر این، قدرت عمل این کشور محدود است بدین معنا که مدیریت دولتی تقاضا برای واردات داخلی در نظام WTO مجاز نیست. بنابراین راه علاج موجود برای کشور کره از دیدگاه اقتصاد خرد عبارت است از تقویت قدرت رقابت‌پذیری با توجه به قیمت‌ها و کیفیت محصولات از طریق افزایش کارایی تولید و ارزش افزوده محصولات ارائه شده.

از سوی دیگر، بهبود اقتصادی کره بستگی به میزان کارایی سازماندهی برای ساختار صنعت داخلی آن و نیز نحوه عکس‌العمل مناسب آن به تغییرات حاصله در بازار جهانی دارد. ساختارهای صنعتی ژاپن و تایوان، که با توجه به کارایی استفاده از انرژی و وابستگی به واردات، محرک واردات نمی‌باشد، نشانگر صدق این اصل عام است.

اجازه دهید که به اختصار ویژگی‌های اصلی ساختار صنعت و تجارت در کره را مورد بحث قرار دهیم: اولاً - صنعت کره به گونه‌ای است که واردکننده کالاهای سرمایه‌ای و واسطه از ایالات متحده و ژاپن است و در مراحل بعد، پس از پردازش و مونتاژ، آنها را به سایر کشورها صادر می‌کند. تحلیل آماری نشان می‌دهد که وابستگی بخش‌های کالاهای واسطه و سرمایه‌ای به منابع خارجی اخیراً تشدید شده است. برای سهولت بحث، در این تحلیل کالاهای مبادله‌ای کارخانه‌ای را برحسب نوع استفاده، مثلاً به کالاهای مصرفی بی‌دوام، کالاهای بادوام، کالاهای واسطه‌کاربر و کالاهای سرمایه‌بر تقسیم می‌کنیم.

شاخص تخصص تجاری (TSI) (Trade Specialization Index) که به صورت (صادرات منهای واردات) صادرات به اضافه واردات محاسبه می‌شود، برای این سه گروه کالا به شکل جدول زیر فهرست‌بندی می‌شود. زمانی که TSI به ۱ نزدیک‌تر باشد، نشان‌دهنده آن است که کالاهای مورد نظر جزو کالاهای تخصصی صادراتی (export-Specialization) محسوب می‌شوند. از سوی دیگر، زمانی که TSI به ۱- نزدیک‌تر باشد، نشان‌دهنده آن است که کالاهای مورد نظر جزو کالاهای تخصصی وارداتی هستند.

این تحلیل نشان می‌دهد که مشخصه تجارت در کره عبارت است از تخصص صادراتی برای کالاهای بی‌دوام، کالاهای بادوام و کالاهای واسطه‌کاربر و تخصص وارداتی برای کالاهای سرمایه‌ای و کالاهای واسطه سرمایه‌بر. تحلیل آماری نشان می‌دهد که TSI برای کالاهای تخصصی صادراتی کاهش یافته است. میزان کالاهای بی‌دوام و کالاهای بادوام به ترتیب از ۰/۸۹ و ۰/۰۶ در سال ۱۹۹۰ به ۰/۴۵ و ۰/۵۲ در سال ۱۹۹۶ رسید.

شاخص تخصص در تجارت برحسب موارد استفاده

کشور	کره			ایالات متحده		ژاپن	
	۱۹۸۵	۱۹۹۰	۱۹۹۶	۱۹۸۵	۱۹۹۴	۱۹۸۵	۱۹۹۴
کالاهای مصرفی بی دوام	۰/۹۶	۰/۸۹	۰/۴۵	-۰/۷۸	-۰/۵۸	-۰/۲۱	-۰/۶۷
کالاهای مصرفی بادوام	۰/۵۶	۰/۶۰	۰/۵۲	-۰/۵۶	-۰/۳۷	۰/۹۱	۰/۶۳
کالاهای سرمایه‌ای	-۰/۰۹	-۰/۱۴	-۰/۰۵	۰/۰۷	-۰/۰۱	۰/۶۹	۰/۶۲
کالاهای واسطه	۰/۲۷	۰/۰۳	۰/۱۱	-۰/۲۷	-۰/۱۵	۰/۷۲	۰/۲۷
کالاهای کاربر	۰/۴۰	۰/۲۸	۰/۳۳	-۰/۴۵	-۰/۲۷	۰/۴۳	۰/۰۷
کالاهای سرمایه‌بر	-۰/۱۳	-۰/۲۵	-۰/۲۲	-۰/۲۲	-۰/۱۰	۰/۲۹	۰/۲۰

Source: OECD, Trade Database

شاخص تخصصی تجاری برای کالاهای تخصصی وارداتی در حال بهبود بوده است. برای واردات کالاهای سرمایه‌ای، TSI در سال ۱۹۹۶ حدود ۰/۰۵- بود در حالی که این رقم در سال ۱۹۹۰، ۰/۱۴- بود. ضمن آن‌که این میزان برای کالاهای واسطه سرمایه‌بر، اندکی افزایش یافت و از ۰/۲۲- به ۰/۲۵- در همان دوره رسید. رقم TSI برای کالاهای واسطه کاربر در سال ۱۹۹۶، ۰/۳۳- بود که این رقم نسبت به سال ۱۹۹۰، افزایش یافت.

ثانیاً، صنایع بزرگ تولیدکننده تجهیزات مختلف، از جمله صنایع شیمیایی بخش عمده تولید صنعتی کره را به خود اختصاص می‌دهند. بدین دلیل است که صادرات کره، به همراه افزایش مداوم تقاضای جهانی، شکوفا شده ولی نمی‌تواند با آهنگ تغییرات سریع در تقاضای مصرف‌کنندگان هماهنگ شود.

مقایسه بین‌المللی سهم تولیدی هر صنعت

صنعت	کره		ایالات متحده		ژاپن
	۱۹۸۵	۱۹۹۵	۱۹۹۳	۱۹۹۳	
مواد غذایی و نوشابه	۸۰	۸۲	۱۴۴	۱۱۲	
منسوجات، پوشاک و خانیاات	۱۵۱	۹۹	۵۰	۴۰	
مبلمان و محصولات چوبی	۱۴	۰۹	۴۶	۲۴	
کاغذ و چاپ	۳/۶	۴۵	۹۸	۶۳	
محصولات شیمیایی	۲۲۲	۱۷۶	۱۸۵	۱۵۱	
مواد معدنی غیر فلزی	۳/۶	۴/۲	۲۱	۲۹	
محصولات فلزی	۱۴/۱	۱۳/۲	۴۴	۱۳۶	
ماشین‌آلات عمومی	۳۳	۹۹	۱۰۱	۱۱۲	
تجهیزات برقی و الکترونیک	۹/۱	۱۶/۰	۸۷	۱۴۴	
تجهیزات حمل و نقل	۷/۴	۱۲/۶	۷۶	۱۳۱	
دیگر بخش‌های تولیدات کارخانه‌ای	۴۴	۳۱	۱۳۶	۹۷	

Source: Bank of Korea, OECD Input - Output Database.

آمار مربوط به تولید صنعتی نشان می‌دهد که ساختار صنعت سنگین مواد شیمیایی در کره از دهه ۱۹۹۰ به این سو استحکام یافته است زیرا سهم تولید آن در ماشین‌آلات عمومی، تجهیزات برقی و الکترونیک، محصولات فلزی، صنایع تولید تجهیزات حمل و نقل از اواسط دهه ۱۹۸۰، به طور یکنواخت در حال رشد بوده است.

سهم تولید در صنایع تولیدکننده مواد غذایی، نوشیدنی‌ها، منسوجات، پوشاک و تنباکو که صنایع قدیمی و کهنه (Sunset) قلمداد می‌شدند، همچنان به ترتیب ۸۰/۲ درصد و ۹۰/۹ درصد را به خود اختصاص می‌دهند. بنابراین برای افزایش قدرت رقابت‌پذیری بین‌المللی، باید ساختار آنها را دگگون ساخت.

در ایالات متحده و ژاپن، سهم تولید هر صنعت طی بیست سال گذشته ثابت بوده است. به هنگام بررسی دقیق صنایع ایالات متحده، مشاهده می‌شود که بخش‌های تولید مواد شیمیایی، مواد غذایی و نوشیدنی‌ها و سایر محصولات کارخانه‌ای سهم به نسبت بالایی داشته‌اند. این امر نشان‌دهنده آن است که صنایع سنتی و صنایع دارای تکنولوژی پیشرفته به میزان یکسانی توسعه پیدا کرده‌اند. داده‌های مربوط به کشور ژاپن نشان می‌دهند که صنایع تولیدکننده کالاهای سرمایه‌ای و کالاهای واسطه از جمله صنایع شیمیایی، برق و الکترونیک، محصولات فلزی و ماشین‌آلات عمومی - همگی سهم بالایی در تولید داشته‌اند.

ثالثاً، ساختار صنعت کره مشوق واردات است زیرا برای صنایع سنگین مواد شیمیایی و صنایع پردازش و مونتاژ اولویت قائل است، که البته واردات آنها نیز مستلزم وارد کردن کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای است. شاخص تشویق واردات برای صادرات کره، که میزان افزایش واردات به ازای هر واحد تولید اضافی را اندازه‌گیری می‌کند، طی سال‌های گذشته چندان بهبود نیافته است. علاوه بر این، واردات نفت و مواد خام نیز قابل ملاحظه بوده است زیرا مصرف انرژی در صنایع کره بسیار زیاد است.

شاخص تشویق واردات برای صنایع کره

صنعت	۱۹۸۵	۱۹۹۰	۱۹۹۵
کشاورزی، جنگلداری، ماهیگیری	۰/۱۰۹۷	۰/۱۰۸۹	۰/۱۰۹۶
معادن	۰/۱۰۴	۰/۱۰۷۳	۰/۱۰۷۰
بخش تولیدات کارخانه‌ای	۰/۳۶۵	۰/۳۱۲	۰/۳۰۴
مواد غذایی و نوشابه‌جات	۰/۱۸۹	۰/۱۷۴	۰/۱۹۶
چرم و منسوجات	۰/۳۷۵	۰/۳۴۷	۰/۳۲۸
محصولات شیمیایی	۰/۴۲۲	۰/۳۶۳	۰/۳۳۹
محصولات فلزی	۰/۳۵۳	۰/۲۸۶	۰/۲۶۱
ماشین‌آلات عمومی	۰/۳۳۸	۰/۲۹۸	۰/۲۸۲
تجهیزات برقی و الکترونیک	۰/۴۳۰	۰/۳۸۳	۰/۳۴۹
تجهیزات حمل و نقل	۰/۳۵۲	۰/۲۶۵	۰/۲۸۰

Source: Bank of Korea, Input - Output Table 1998.

شاخص تشویق واردات برای بخش تولیدات کارخانه‌ای ۰/۳۰۴ است که در مقایسه با کشاورزی.

حکمداری، ماهیگیری (۰/۰۹۶) و معدن (۰/۰۷۰) به میزان قابل ملاحظه‌ای بالاتر است. در بخش تولیدات درخانه‌ای، شاخص‌های مربوط به صنایع مواد غذایی و نوشیدنی‌ها، محصولات فلزی، ماشین‌آلات عمومی و تجهیزات حمل و نقل به نسبت اندک بوده است و شاخص‌های مربوط به صنایع تولیدکننده مسوجات، چرم، محصولات شیمیایی، تجهیزات برقی و الکترونیک، بین ۰/۳۲ و ۰/۳۴ بوده است. این بدان معناست که افزایش ۱۰ درصدی صادرات این محصولات مستلزم افزایش واردات به میزان ۳/۲ تا ۳۰ درصد است.

۳- وضعیت اقتصادی کره پس از وقوع بحران

۳-۱- روندهای اقتصادی اخیر

همان‌گونه که در بالا توضیح داده شد، کره اقدامات قاطعی را برای تحکیم مبانی تثبیت اقتصادی در پیش گرفته است. ضمن آن‌که اقدام به اصلاح کل ساختار اقتصادی و افزایش ذخایر ارزی خود نموده است. در این راستا، اخبار خوب و بدی به گوش می‌رسد. بهبود تراز حساب جاری و تثبیت نرخ ارز و نرخ بهره برای اقتصاد کره موهبتی تلقی می‌شوند. مع‌هذا، رشد منفی GDP، کاهش اعتبارات هنگام تجدید ساختار نهادهای مالی و افزایش بیکاری را باید از اخبار ناگوار موجود دانست.

پیش از وقوع بحران مالی، پول کره یعنی وُن^۱ حول و حوش ۹۰۰ وُن در مقابل هر دلار امریکانوسان دشت، اما پس از آن ارزش وُن به سرعت کاهش یافت. در پایان سال ۱۹۹۷، نرخ برابری ارزها، ۱۹۶۰ وُن در ری هر دلار بود. یعنی کاهش ارزش پول به میزان ۵۰ درصد طی دو ماه. از آغاز سال ۱۹۹۸، نرخ برابری این ارز در یک ضیف به نسبت یکنواخت حول و حوش ۱۲۰۰ وُن در مقابل هر دلار بوده است. در دسامبر سال ۱۹۹۸، نرخ‌های بهره بازار سریعاً به حدود ۴۰ درصد افزایش یافتند که این امر ناشی از افزایش شدید خطر و مدهی شرکت‌ها Hike بانک کره در میزان دخالت آن در بازار بود که قبلاً در مورد آن با IMF توافق حاصل شده بود. از آن زمان به بعد، اندازه وام عندالمطالبه^۲ حول و حوش ۱۲ درصد تثبیت شده است.

میزان رکود، به واسطه عدم تعادل مصرف کنندگان به مصرف بیشتر و شرکت‌ها به سرمایه‌گذاری، در حل افزایش است. در ربع اول سال ۱۹۹۸، نرخ رشد GDP نشان‌دهنده ارقامی منفی (۳/۸- درصد) برای وین بار طی ۱۸ سال گذشته بود. در سه ماهه دوم، شاخص‌های مربوط به تولید، مصرف و سرمایه‌گذاری باز هم کاهش یافتند. در این مدت، میزان بیکاری به ۶/۹ درصد رسید که این رقم سه برابر رقم مشابه قبل از بحران اقتصادی بود. تا پایان سال ۱۹۹۸، تعداد بیکاران به ۱/۷ میلیون نفر رسید.

1. Won.

2. Overnight Call Rates.

روندهای اقتصادی اخیر در اقتصاد کره

۳Q	۲Q	۹۸IQ	۲Q	۳Q	۲Q	۹۷IQ	
							شاخص های بخش واقعی
-۶.۸	-۶.۶	-۳.۹	۳.۹	۶.۱	۶.۶	۵.۷	نرخ رشد GDP
-۸.۲	-۱۱.۶	-۷.۸	۵.۵	۸.۸	۷.۷	۵.۴	تولید صنعتی
-۴۵.۰	-۵۴.۲	-۲۴.۵	-۱۷.۸	-۴.۳	۲۹.۳	۳۴.۴	سفارش های دریافتی برای ساختمان در داخل
-۲۲.۵	-۴۴.۲	-۳۹.۳	-۱۵.۲	۱۱.۳	۱۰.۴	۷.۷	سفارشات دریافتی برای ماشین آلات
۷.۴	۶.۹	۵.۷	۲.۶	۲.۲	۲.۵	۳.۱	میزان بیکاری
۶.۹	۷.۵	۹.۰	۵.۱	۴.۰	۴.۰	۴.۷	قیمت های کالاهای مصرفی
							شاخص منی بخش خارجی
۹.۶	۱۰.۹	۱۰.۸	-۳.۹	-۲.۰	-۲.۶	-۷.۳	تراز حساب جاری به میلیارد دلار
-۱۰.۴	-۱.۶	۸.۵	۳.۶	۱۵.۶	۷.۱	-۵.۶	صادرات
۳۹.۸	-۳۶.۷	-۳۵.۵	-۱۴.۸	-۳.۸	۰.۸	-۳.۹	واردات
۱۳۹۱.۰	۱۳۸۵.۲	۱۳۷۸.۸	۱۴۱۵.۲	۹۰۰.۸	۸۸۸.۱	۸۹۷.۱	نرخ ارز وون کره (₩ / \$) (۵)
							شاخص های مالی
۵.۷	۷.۵	۹.۶	۱۳.۷	۱۴.۳	۱۵.۳	۱۸.۲	MCT (M _۲ + C _D + Trust) ^{۱ و ۲}
۱۱.۹	۱۲.۳	۱۸.۳	۱۶.۳	۱۲.۳	۱۲.۲	۱۱.۹	نرخ یک شبه عندالمطالبه (۳)
۳۱۰.۳	۲۹۷.۸	۴۸۲.۳	۴۸۹.۵	۷۲۳.۱	۷۲۴.۲	۶۷۴.۸	شاخص قسمت سهام مرکب کره

Source: Bank of Korea, Ministry of Commerce, Industry and Energy

یادداشت ها:

۱- مقایسه شود با همین دوره در سال قبل

۲- متوسط ارقام روزانه

۳- متوسط دوره

۴- ارقام فصلی متوسط ماهانه هستند.

۵- ارقام پایان فصل

مازاد تجاری در سال ۱۹۹۸ به ۳۹/۹ میلیارد دلار رسید که بسیار بیش از میزان مازاد هدف گذاری شده ۲۵ میلیارد دلار بود. مع هذا، میزان صادرات در مقایسه با سال گذشته ۲/۲ درصد کاهش یافت و این کاهش پس از افزایش ۸/۵ درصدی در ربع اول سال ۱۹۹۸، به وقوع پیوست. میزان واردات همچنان از ربع سوم سال گذشته به این طرف کاهش یافت. در سال ۱۹۹۸ میزان واردات در مقایسه با سال گذشته، ۳۵/۴ درصد تقلیل یافت.

شاید برای کشورهای پیشرفته ای چون ایالات متحده و آلمان تعیین هدفی برای مازاد تجاری کار بیهوده ای باشد، ولی دستور کار عاجل اقتصاد کره معطوف به دستیابی به نقدینگی بین المللی کافی، یعنی افزایش ذخایر ارزی بوده است. دلیل وجود چنین اولویتی آن است که بدهی خارجی و بهره آن می باید پرداخت شود تا اعتبار این کشور در بازارهای مالی بین المللی حفظ شود. در صورت عدم دستیابی به میزان قابل ملاحظه ای از مازاد تجاری یا عدم کفایت سرمایه گذاری خارجی ممکن است وضعیت حاد مشابه با

کشورهای بدهکار در حال توسعه در کره پدیدار شود.

با ارزیابی آمار فوق‌الذکر، به نظر می‌رسد که اقتصاد کره در مسیر بهبود اقتصادی باشد. به ویژه آن‌که، داده‌های مربوط به بخش خارجی گشایش مختصری در اقتصاد کره فراهم کرده‌اند. مع‌هذا، دستاوردهای اخیر رانه بر مبنای افزایش قدرت رقابت‌پذیری محصولات کره در بازار جهانی، بلکه براساس کاهش سریع واردات، می‌توان توضیح داد.

دلایل اصلی کاهش قابل ملاحظه واردات را به دو دسته می‌توان تقسیم کرد. اولاً، قیمت واردات برحسب کاهش ارزش وُن 'کره چنان بالاست که واردکنندگان نمی‌توانند فرصت‌های مناسبی در بازار برای فروش آنها پیدا کنند. ثانیاً، تقاضای خصوصی برای واردات به واسطه مصرف و سرمایه‌گذاری داخلی راکد و یکنواخت (Lacklustre) ثابت مانده است. تفسیر اوضاع فوق‌الذکر، نشان می‌دهد که کاهش واردات فی‌نفسه راهگشای افزایش قدرت رشد اقتصادی کره، علی‌رغم سهم آن در ایجاد مازاد تجاری، نمی‌باشد. به ویژه آن‌که، نگرانی‌هایی در مورد عرضه خارجی ناکافی مواد خام و کالاهای سرمایه‌ای وجود دارد که آنها به نوبه خود برای افزایش ظرفیت صادرات کره جنبه حیاتی دارند.

شاخص تخصص در تجارت برحسب موارد
استفاده از سال ۱۹۹۷

۱۹۹۸-۱۹۹۶	۱۹۹۷	
۰/۷۰	۰/۴۶	کالاهای مصرفی بی‌دوام
۰/۷۰	۰/۵۴	کالاهای مصرفی بادوام
۰/۱۹	۰/۰۲	کالاهای سرمایه‌ای
۰/۵۶	۰/۳۹	کالاهای واسطه‌کاربر
۰/۱۲	-۰/۱۴	کالاهای واسطه سرمایه‌بر

Source: OECD, Trade Database.

صنعت کره، همان‌گونه که قبلاً به آن اشاره کردم، محتاج دسترسی به کالاهای وارداتی واسطه و سرمایه‌ای، به ویژه از ایالات متحده در ژاپن است، که پس از پردازش و مونتاژ، در نهایت به سایر کشورها صادر می‌شوند. اخیراً، در شاخص تخصص تجاری، نشانه‌هایی از بهبود وضعیت رقابت‌پذیری محصولات کره مشاهده شده است ولی چنین بهبودی عمدتاً ناشی از کاهش شدید واردات بوده است.

۲- آثار برنامه IMF

عموماً می‌دانیم که رشد اقتصادی، سطح قیمت‌ها و تراز پرداخت‌ها از علایق بسیار مهم هر دولتی محسوب می‌شوند. در سال جاری، دستور کار دولت کره معطوف مسئله مهم تراز پرداخت‌ها بوده است. دلیل قائل شدن به چنین اولویتی آن است که اقتصاد کره، که عامل شکوفایی آن راهبرد توسعه برون‌نگر بوده است، با کاهش فعالیت‌های اقتصادی و رشد فعلی صادرات به میزان اندکی (Lukewarm) مواجه است. علاوه بر این،

مازاد تجاری ناکافی ممکن است به بروز وضعیت حادی مشابه سایر کشورهای بدهکار بینجامد. مع‌هذا، دستیابی به میزان بهینه مازاد در حساب جاری برای دولت کار بسیار دشواری است. دلایل این دشواری دوگانه است. اولاً، مدیریت و اداره حساب جاری در نظام تجارت جهانی که از سوی WTO (سازمان تجارت جهانی) هدایت و نظارت می‌شود، مجاز و میسر نیست. ثانیاً، قوانین OECD (سازمان توسعه و همکاری اروپا)، که کره در اواخر سال ۱۹۹۶ عضویت کامل آن را پذیرفت، اشعار می‌دارد که کشورهای عضو نمی‌توانند حرکت بین‌المللی سرمایه را به دلیل کسری در تراز پرداخت‌ها (BOP) محدود نمایند. چنین معضلاتی وظیفه بررسی سیاست‌های مناسب برای بهبود رقابت‌پذیری ملی محصولات کره را مطرح می‌سازند.

رقابت‌پذیری ملی (National Competitiveness) معمولاً برحسب منابع اصلی (Core) رقابت‌پذیری، نظام اقتصادی و کارایی عوامل اقتصادی، از قبیل دولت و بنگاه‌ها ارزیابی می‌شود. تضعیف قدرت رقابت‌پذیری ملی منجر به کسری در حساب جاری خواهد شد. در اکثر کشورهای در حال توسعه علت اصلی کسری در حساب جاری، نه عده تعادل در اقتصاد کلان و نه عدم کارایی ساختار صنعت، بلکه ضعف قدرت رقابت‌پذیری در سطح ملی می‌باشد.

برنامه نجات از بحران IMF (Bailout) در بلندمدت، فرصت‌هایی را برای اقتصاد کره جهت افزایش ظرفیت توسعه اقتصادی، از طریق اصلاحات ساختاری و برقراری توازن در حساب جاری، فراهم می‌آورد. ضرورت انجام اصلاحات اقتصادی در بازارهای مالی و نیروی کار، که در برنامه IMF جای داده شده بود، از سوی تمام گروه‌های ذی‌نفع به عنوان اصلاحاتی ضروری پذیرفته شد، ولی اجرای آنها به واسطه کشمکش میان کارگران، دولت و سرمایه‌داران به آسانی صورت نپذیرفت.

در کوتاه مدت، اجرای برنامه IMF موجب کاهش رشد اقتصادی در کره می‌شود. به ویژه آن که، با توجه به تجویز نرخ رشد بسیار اندک در این برنامه عملی، رشد فعالیت‌های اقتصادی داخلی، از جمله سرمایه‌گذاری در تسهیلات مختلف (Facility investments) محدود خواهد شد. متأسفانه، این برنامه احتمالاً موجبات تضعیف بازارهای مالی داخلی را فراهم خواهد ساخت زیرا امکان ورود سرمایه خارجی رقیب به بخش داخلی را فراهم می‌سازد. برخی محققان و متخصصان اقتصادی، براین باورند که تجویز سیاست مداخله حداقل دولت در بازار از سوی IMF، معادل صرف نظر کردن از سیاست صنعتی است که نقش حیاتی در موفقیت توسعه اقتصادی کره ایفا کرده است.

در مورد سیاست تجارت خارجی باید گفت که اقدامات مطروحه در برنامه IMF درخصوص پرداخت یارانه برای تجارت، برنامه‌های تنوع واردات و حق امتیاز آشکار برای واردات شوک‌چندانی بر اقتصاد کره وارد نخواهد کرد. زیرا برنامه‌هایی برای اجرای این اقدامات در جریان بودند. اما اگر اجرای برنامه‌ریزی شده آن زودتر از موعد و در مدت کوتاهی صورت پذیرد، این اقدامات به میزان قابل توجهی صنایع داخلی را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

به هر حال، کاسته شدن از میزان (Rollback) سیاست‌های گشایش درهای اقتصاد از سوی IMF مجاز شمرده نمی‌شود. زیرا در ازای دریافت اعتبارات ذخیره یا کمکی (Stand by) IMF، دولت کره تعهد کرد که نظارت خود را بر ارزش‌های خارجی افزایش ندهد. قراردادهای پرداخت دو جانبه که با بخش ۸ قوانین IMF ناسازگار باشد امضا نکند و از اعمال محدودیت بر واردات به منظور بهبود وضعیت تراز پرداخت‌ها خودداری کند.

۴- سیاست تجاری کره برای مقابله با بحران

۱- چالش‌ها و فرصت‌ها در دوران جهانی شدن

همان گونه که همگی می‌دانیم، هر کشوری در جهان بدون استثنا باید خود را با روند جهانی شدن سازگار نماید. در نتیجه، تا همین اواخر، اقتصاد کره به طور پیوسته، تحت لوای جهانی شدن اقتصاد در قلمرو محدودی اقدام به دگرگون سازی خویش نموده است. بنابراین، برنامه نجات IMF، اقتصاد کره را با وظایف دشواری مواجه ساخت که خود ضربه‌ای سنگین بر آن وارد ساخته‌اند.

در این زمینه، وظایف آتی اقتصاد کره عبارت است از تنظیم و اجرای راهبردهای مؤثر برای غلبه بر بحران مالی و اقتصادی و شتاب بخشیدن به روند آزاد سازی اقتصادی و جهانی شدن. کره‌ای‌های باید با ذهن بازتری اقدام به آزاد سازی نظام ارزی و تجارت نمایند و برای مقابله با بحران اقتصادی جاری، بیشترین استفاده را از سیاست آزاد سازی به عمل آورند.

در دوران جهانی شدن، عوامل تولید از قبیل سرمایه، تکنولوژی و نیروی کار در عرصه بین‌المللی بدون برخورد با هیچ گونه مانعی جریان خواهند یافت و این بدان معناست که تمام سیاست‌های دولتی، که هدف‌شان کاستن یا محدود ساختن روند جهانی شدن اقتصاد است، بلااثر خواهند بود. برخلاف بخش تجاری، آزاد سازی نظام مالی و ارز در کره، آشکارا خصلت ناکافی داشته و در نتیجه نتوانسته است بر قدرت رقابت‌پذیری بین‌المللی بخش مالی بیفزاید.

انتظار می‌رود که سرمایه خارجی ارزان (کم هزینه) هنگامی به درون بازارهای سرمایه کره جریان یابد که روند آزاد سازی حساب سرمایه (Capital account) به وسیله اقدامات ذیل تشدید شود: افزایش سقف مالکیت کل (aggregate ownership) و مالکیت افراد و اجازه دادن به بانک‌های خارجی برای خرید سهام بیشتر از بانک‌های داخلی. هرگاه چنین اقداماتی اعمال شوند، اقتصاد کره بهتر خواهد توانست بحران مالی جاری را حل کند. شتاب روند آزاد سازی حساب سرمایه و بازار ارز با افزایش خطرات ناشی از نوسانات متغیر و بی‌ثبات متغیرهای اقتصاد کلان - از قبیل تراز پرداخت‌ها بر نرخ ارز خارجی و نرخ بهره - همراه خواهد شد. سلب مالکیت (acquisition) و ادغام‌های (Merger) خصمانه نیز بیشتر صورت خواهد گرفت. در نتیجه شرکت‌های کره‌ای باید توانایی اصلی خود را برای مقابله با چنین معضلاتی افزایش دهند. برای این کار آنها باید مدیریت شرکت‌های خود را به جای افزایش حجم فروش، معطوف سودآوری بیشتر نمایند. سیاست شرکت‌ها مبنی بر اولویت میزان فروش، طریقه مؤثری برای دفع رقبا از بازار و حفظ موقعیت برتر در یک صنعت خاص بود. مع هذا، چنین راهبردی در نظام بازار آزاد تحمیل شده از سوی برنامه IMF موفق نخواهد بود. بنابراین، بنگاه‌های کره‌ای باید سرمایه‌گذاری خود در تحقیقات و توسعه (R&D) را افزایش دهند و تجدید ساختار شرکت‌ها را، برای مقابله با چالش رقابت‌های جهانی، آماده و تنظیم نمایند.

۲- تدارک دور هزاره

درست پس از امضای قرارداد نهایی دو را دور اوروگونه (UR)، خوش بینی شدیدی در مورد آینده نظام تجارت جهانی وجود داشت. مع هذا، این امکان هنوز وجود دارد که نظام تجارت چند جانبه از جانب سیاست‌های منطقه‌گرایی و یک جانبه‌گرایی (Unilateralism) به مخاصره افتد. علاوه بر این، کشورهای در

حال توسعه عضو چین استدلالت کرده اند که ابتکارات مربوط به آزادسازی تجارت که از سوی GATT/WTO اتخاذ شده اند، رفاه اقتصادی آنها را افزایش نداده اند. به عبارت دیگر، جهانی شدن فعالیت های اقتصادی آثار و تبعات مختلفی برای این کشورها داشته است.

شایان ذکر است که کشورهای در حال توسعه عضو، که مداخله و مشارکت اندکی در دوره های قبلی مذاکرات گات داشتند، در دوراوردگونه مشارکت فعال نمودند و با گشودن درهای بازار خود، سهم قابل ملاحظه ای در این روند داشتند. در مقابل توافق های متقابل مهمی در خصوص تمام قلمروهای مورد مذاکره حاصل شده است که امکان دسترسی بیشتر کشورهای در حال توسعه عضو و نیز استفاده از فرصت های صادرات کالا به بازارهای بین المللی را فراهم آورده است.

باتوجه به آنچه از زمان تشکیل WTO روی داده است، مذاکرات چند جانبه نوین که از سوی Eu (اتحادیه اروپا)، ژاپن و کانادا حمایت می شود و از سوی Eu، دور (Millennium Round) نام گرفته است، می باید به ضریق معقولی مورد بررسی قرار گیرد. اختلاف نظر شدید میان کشورهای عضو WTO، اتخاذ نگرش محتاطانه به روند آزادسازی بیشتر سرمایه گذاری و تجارت را الزامی می سازد. علاوه بر این، تقویت نظام چند جانبه تجارت از طریق همکاری نزدیک و مشارکت فعالانه میان کشورهای عضو مطلوب است.

باتوجه به تنوع موضوعات خاص دیگری که مذاکرات دور بعدی WTO را تحت تأثیر قرار خواهند داد، اقتصاد کره که وابسته به تجارت است، می باید این واقعیت را در یابد که طی چند دهه گذشته، شکوفایی آن در اقتصاد جهانی به نسبت آزاد صورت گرفته است. بنابراین، به نفع کره خواهد بود که انگیزه هایی برای آزادسازی بیشتر تجارت خود داشته باشد از جمله تعیین دستورکاری ویژه خود که اعضای WTO در مراکش در مورد آن به توافق رسیده و دولت سنگاپور نیز آن را تأیید کرده است.

در مورد مسئله پیوند میان معیارهای تجارت و نیروی کار و تجارت و محیط زیست، بر این اعتقاد هستیم که نباید از اقدامات تجاری در جهت اهداف غیرتجاری استفاده شود. از آنجایی که این اقدامات پیچیده، چند جانبه و به طور بالقوه تفرقه افکنانه (Divisive) هستند، ابتکارات WTO می باید مورد صلاح دید و نظرخواهی گروهی از متخصصان یا مجامع بین المللی مناسب قرار گیرند. سیاست های مربوط به سرمایه گذاری و تجارت یا رقابت و تجارت می باید در WTO به عنوان چالش های جدیدی برای آینده مطرح شوند و به ویژه، مابین ضرورت آغاز اصلاحات برای سیاست ضد دامپینگ (anti-dumping) به عنوان یکی از مسائل سیاست گذاری برای رقابت اصرار ورزیدیم. کشور کره همچنین از هرگونه اقدامی برای شفافیت خریدهای (Procurement) دولت استقبال می کند.

رویه ها و قوانین WTO در مورد توافق نامه های تجاری مطلوب می باید به دقت مورد بررسی قرار گیرند تا از این مسئله اطمینان حاصل شود که سیاست منطقه گرایی (Regionalism) با آزادسازی تجارت چند جانبه سازگار است. مابه ویژه خواهان مذاکرات سریع در مورد تصویب قوانین هماهنگ اصولی و بنیادی شدیم، زیرا قواعد مرجع مربوط به محصولات خاص، در زمینه تدوین توافق نامه های مطلوب تجاری بسیار مسئله ساز بوده اند.

۳- سیاست اصلی آزادسازی

مطوب تر آن است که سیاست تجاری در ابعاد دو جانبه و چند جانبه آن در راستای روندهای ذیل صورت

پذیرد. اولاً، سیاست اصلی آزادسازی تجاری، می‌باید بیشتر تقویت شود. به لحاظ نظری، فشارهای داخلی برای اتخاذ اقدامات حمایتی زمانی شدت بیشتری خواهند یافت که وضعیت اقتصادی در مقایسه با دوران شکوفایی اقتصادی را کد باشد. مع‌هذا، کاستن از سیاست آزادسازی، تأثیر منفی به شکل تشدید بحران مالی خواهد داشت که علت اصلی آن وابستگی شدید اقتصاد کره به بخش خارجی است.

در این زمینه، اقدام عاجل عبارت است از عکس‌العمل فعالانه نسبت به موضوعات نوین تجاری از جمله رابطه سرمایه‌گذاری و تجارت، رقابت و تجارت، فساد و تجارت و محیط زیست و تجارت. این مسائل اکنون در نشست‌های WTO، OECD و دیگر نهادهای چندجانبه مورد بحث قرار می‌گیرند.

ثانیاً، شفافیت عملکرد سیاست‌ها و نهادهای کره‌ای باید بیشتر شود و این یکی از موارد ملحوظ در برنامه IMF است. با توجه به این مسئله، دولت کره مشارکت فعالانه‌ای در مباحثات چندجانبه مربوط به مسئله فساد مالی خواهد داشت. بدین طریق کشورهای عضو OECD قصد دارند مقررات بین‌المللی را برای جلوگیری از رفتارهای آلوده به فساد در قلمرو تجارت بین‌الملل تنظیم نمایند. علاوه بر این، دولت کره باید مؤلفه‌های جزئی هرگونه چارچوب نهادین خاص و برنامه‌های ناظر بر اجرای آن را به اطلاع عموم برساند تا اعتماد بین‌المللی به عملکرد اقتصاد خود را جلب نماید.

ثالثاً، دولت کره باید ساز و کار مؤثری را برای مقابله با اختلافات تجاری احتمالی با شرکای تجاری خود تنظیم نماید. تعجب‌آور نیست که اقتصاد را کد و بیکاری شدید عکس‌العمل منفی بخش خصوصی نسبت به گشایش بیشتر درهای بازار و آزادسازی اقتصادی خواهد داشت. این دو سیاست احتمالاً به عنوان عامل هدایتگر مبارزه برای صرفه‌جویی عمل خواهد کرد.

سرانجام آن که، همکاری دوجانبه می‌باید معطوف ائتلاف‌های (alliances) صنعتی شود و نه معاملات کالایی (Commodity Transaction) به ویژه ضروری است که دولت شدیداً اقدام به اصلاح محیط زیست نماید تا بتواند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را به داخل این کشور جلب کند زیرا انتظار می‌رود که این سرمایه‌گذاری سهم مهمی در بهبود و گسترش اشتغال ایفا نماید.

۴- پیشبرد صادرات و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

سیاست تجاری معطوف جستجوی بازارهای جدیدی برای صادرات و سرمایه‌گذاری خواهد بود. این تقاضای خارجی و نه داخلی است که شرایط را کد اقتصادی را به تحرک و اعتماد داشت و از میزان فزاینده بیکاری انتظاری برای سال‌های بعد خواهد کاست. به ویژه، موانع خارجی بر سر راه تجارت و سرمایه‌گذاری باید مشخص شوند. دولت کره باید از دولت‌های خارجی بخواهد که از تعداد چنین موانعی بکاهند و در صورت عدم توجه به چنین درخواستی، فعالانه به روش‌های حل اختلافات که از سوی WTO ارائه شده‌اند، متوسل شود. دولت همچنین باید برنامه‌های عملی مفصلی به منظور حمایت از بخش خصوصی - که خواهان دسترسی بیشتر به بازار و افزایش فعالیت‌های صنعتی خود می‌باشد - ابداع کند.

بدین منظور، کمیته ملی ارتقای صادرات و سرمایه‌گذاری که ریاست جمهور در رأس آن قرار دارد، می‌باید با اشتیاق بیشتر به نظرات بخش‌های مختلف اقتصادی گوش فرا دهد. زیرا این کمیته مسئول بررسی و گزارش روندهای سرمایه‌گذاری و صادرات است و همچنین ارزیابی عمیق برنامه‌های عملی پیشنهادی و علاوه بر آن هماهنگی راهبردی خدمات دولت را عهده دار است. در این زمینه، رئیس جمهور کره و وزرای

اقتصادی می‌باید مسائل اقتصادی در خارج از کشور را مورد بررسی و هدایت خود قرار دهند. دولت کره باید ابزارهای سیاستی نوینی برای تقویت قدرت رقابت‌پذیری بین‌المللی صنایع پیشرو آن، از قبیل کشتی‌سازی، نیمه رساناها و اتومبیل تدوین کند. دولت کره باید به جای اتکاب بر وام‌دهی مالی، بر اجرای برنامه‌های دقیق از طریق پرداخت کمک‌های بلاعوض و نیز دریافت مالیات تکیه کند، بهتر است که بیشترین استفاده از یارانه‌های مساعد (green Light) که در نظام WTO پذیرفته شده است، صورت پذیرد. این یارانه‌ها عبارتند از کمک به فعالیت‌های تحقیقاتی و مناطق محروم، کمک به ارتقاء و پیشبرد سازگاری تسهیلات موجود با نیازهای جدید زیست محیطی.

۵- مسیرهای سیاست‌گذاری برای بهبود ساختار صنعت و تجارت

برای مقابله با بحران اقتصادی جاری می‌باید اقدام به تعدیل ساختار صنعت و تجارت و نیز بهبود وضعیت محیط زیست برای فعالیت بنگاه‌ها با استفاده از روش‌های اقتصاد کلان شد. این قلمروها باید دگرگون شوند زیرا افزاینده و نشیب‌های متعدد صنایع (Sunrise and Sunset) پیش‌بینی‌ناپذیر هستند و ساختار صنعت بی‌ثبات و ناکارآمد شده است.

هنگامی که روندهای اخیر متغیرهای عمده اقتصادی، از جمله تولید، اشتغال، صادرات و واردات را بررسی می‌کنیم، سهم هر یک از این متغیرها در هر صنعت طی دوره ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۸، بسیار سریع دگرگون شده است. برای مثال، سهم تولید و اشتغال در صنایع تولیدکننده محصولات غیرفلزی و ماشین‌آلات عمومی افزایش یافته است، در حالی که سهم صنایع تولید مواد غذایی و نوشابه‌ها، پوشاک، منسوجات، دخانیات، محصولات چوبی و شیمیایی و مبلمان و سایر محصولات کارخانه‌ای کاهش یافته است.

بنابراین، هر سیاست تعدیل صنعت، که هدفش حذف موانع موجود بر سر راه حرکت یکنواخت منابع اقتصادی، از قبیل سرمایه، نیروی کار و تکنولوژی است و در نتیجه مؤید حرکت هماهنگ منابع میان صنایع باشد، می‌باید به فوریت به اجرا درآید. در این زمینه، سیاست تعدیل صنعت در آینده می‌باید در مسیرهایی به اجرا درآید که ذیل به آنها اشاره می‌شود. اولاً، تولید کالاهای سرمایه‌ای و واسطه باید هر چه بیشتر افزایش یابد. تا بدین وسیله ساختار پردازش و مونتاژ صرف کالاهای کنار گذاشته شود. چنین راهبردهایی می‌باید با سیاست سرمایه‌گذاری خارجی پیوند یابد زیرا انتقال تکنولوژی از کشورهای پیشرفته سرشار از مشکلات است.

ثانیاً، صنایع تکنولوژی بر می‌باید مورد حمایت قرار گیرند تا بدین وسیله وابستگی شدید به صنایع کلان مقیاس تولیدکننده تجهیزات از بین برود. بدین منظور، شرکت‌های کوچک و متوسط با حمایت از سرمایه مخاطره‌آمیز (Venture Capital) فعال‌تر خواهند شد و در نتیجه، صنایع خدماتی مرتبط با تولیدات کارخانه‌ای، از جمله طراحی، مد، مهندسی و جهانگردی می‌باید به شکل نوین و مثبتی ارزیابی شوند.

ثالثاً، ساختار صنایع کهنه و قدیمی از قبیل صنایع سبک می‌باید از طریق افزایش ارزش افزوده این محصولات دگرگون شود. بدین منظور، توسعه نام‌های تجاری مشترک و توسعه تکنولوژی برای شرکت‌های کوچک و متوسط باید تقویت شود.

رابعاً، صنایع مساعد با محیط زیست می‌باید گسترش یابند تا جوانب منفی ناشی از عملکرد ساختار صنایع مصرف‌کننده انرژی به حداقل برسد. بدین جهت، نظام استانداردسازی و صدور گواهینامه

(Certification) می‌باید برقرار شود و اقدامات سیاستی برای صرفه‌جویی در مصرف انرژی باید با قدرت بیشتری به اجرا درآیند.

۵- نتیجه‌گیری

مطابق آماری که اخیراً به دست آمده است، بهره‌برداری ناقص از ظرفیت‌ها و کاهش اشتغال حاکی از خیرهای ناگواری برای اقتصاد کره بوده و به ویژه آن که اثرات بحران بر بنگاه‌هایی که بسیار (Leveraged) بودند ویرانگر بود.

مع هذا، ظرفیت‌های صادراتی کره از ناحیه بحران اقتصادی آسیب ندیده است. شواهد بیشتر این مسئله حاصل عملکرد صادرات این کشور در سال گذشته بود که میزان آن ۱۳۳/۲ میلیارد دلار آمریکا در سال ۱۹۹۸ بود. حجم صادرات درست ۲/۲ درصد کمتر از رقم مشابه در سال ۱۹۹۷ بود که عامل پیدایش مازاد شدید تجاری به میزان تقریبی ۴۰ میلیارد دلار آمریکا در سال ۱۹۹۸ بود. عملکرد صادرات و پویایی دوباره بخش‌های تولیدات کارخانه‌ای نشانه‌ای از شکوفایی اقتصادی کره در سال ۱۹۹۹ هستند.

با توجه به کاهش نرخ‌های بهره و ارزش افزایش شاخص‌های بازار سهام و بهبود حساب جاری، می‌توانیم چنین نتیجه‌گیری کنیم که اقتصاد کره به واسطه تجدید ساختار آن فعال‌تر خواهد شود. ملاحظه می‌شود که بخش آسیب‌دیده صنعت اتومبیل در این دوره، نشانه‌هایی از بهبود اقتصادی را در خود دارد.

تعجب‌آور نیست که بنگاه‌های کره‌ای از افزایش شدید نرخ‌های بهره که حاصل اجرای سیاست‌های سخت‌گیرانه پولی در سال ۱۹۹۸ بودند هراسان شدند.

در این مقاله تحلیل عمیقی از میزان تأثیر افزایش نرخ بهره بر تثبیت اقتصاد کره و فعال شدن سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ارائه نخواهیم کرد و به این مسئله نیز نخواهیم پرداخت که آیا افزایش نرخ‌های بهره موجب تشدید وخامت اقتصاد داخلی در مراحل اولیه بحران مالی شد یا خیر. مع هذا، کره اذعان داشت که سیاست‌های انقباضی پولی و مالی برای افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی به اقتصاد کره و احیای توان رشد اقتصادی آن در مراحل اولیه مدیریت بحران، ضروری بودند.

علاوه بر این، ملاحظه می‌شود که برنامه ریاضت‌طلبانه بخش خصوصی و برنامه‌های تقسیم بار مشکلات با بخش عمومی برای مقابله با بحران مؤثر واقع شدند. واردات کره در سال ۱۹۹۸ به میزان ۳۵ درصد کاهش یافت که این امر نشانگر تمایل مردم کره برای بهینه‌کردن فعالیت‌های اقتصادی‌شان بود. بخش عمومی نقش پیشرویی در ارتقاء و تجدید ساختار چهار کشور مهم آسیا به لحاظ مالی، صنفی، نیروی کار و مدیریت و اصلاحات در بخش عمومی ایفا کرد.

شاخص‌های اخیر اقتصاد کلان از جمله میزان رشد اقتصادی، نرخ ارز، نرخ بهره و نرخ تورم - نشانگر آثار بهبود در اقتصاد کره پس از بحران مالی دارند. در این مرحله، اقدامات ضد رکودی (anti-Recession) از قبیل کاهش عرضه پول و گسترش مخارج مالی مطلوب‌تر است تا اجرای بدون دلیل سیاست‌های انقباضی. نیازی به گفتن نیست که ابزارهای تجدید ساختار اقتصادی می‌باید با اعتقاد راسخ به اجرا درآیند. چنین اصلاحاتی همچنین با روحیه دموکراسی و اقتصاد بازار که از سوی دولت کیم دانه جونگ (Kim Dae Juny) به عنوان دستورالعمل کاری اتخاذ شده، سازگار است.

کشور کره مشتاق است تا درهای بازار خود را به روی تولیدکنندگان و سرمایه گذاران خارجی بگشاید. بدین منظور، این کشور می‌کوشد تا قوانین و نهادهای خود را در سطح متعارف بین‌المللی بهبود بخشد. دولت کره از طریق فرایند تجدید ساختار اقتصادی، اقدامات قاطعی را برای گشودن درهای بازار خود اعلام کرد که عبارتند از آزادسازی بازار سرمایه و ارز خارجی و حذف سیاست تنوع واردات. مع‌هذا، دولت باید برنامه‌های بلندمدتی برای رسیدن به سطح معیارهای جهانی به اجرا درآورد.

موضوع سخنرانی:

راهبردهای رشد بنگاه‌های کره‌ای
(آشنایی با چال‌ها)

سخنران*: Yong Gu Suh

* عضو هیئت علمی مؤسسه اقتصاد صنعتی و تجارت کره.

ریاست محترم! خانم‌ها، آقایان

تاریخچه صنعت کره در بنگاه‌های بسیار مهم کره‌ای موسوم به Chaebol حک شده است. Chaebol را می‌توان این گونه تعریف کرد: «گروهی تجاری مرکب از شرکت‌های بزرگ که اعضای یک خانواده یا فامیل، مالک و مدیر آن باشند و در قلمروهای تجاری متنوعی فعالیت کند».

هدف این مقاله آن است که [جریان] به وجود آمدن و شکل‌گیری Chaebol‌ها و دگرگونی‌های محیط تجاری در کره در طی چهار دهه گذشته را تجزیه و تحلیل کند و شناختی ارائه نماید که به فهم روال تجاری کره و رفتار Chaebol‌ها کمک کند.

در این مقاله محرک‌های اصلی رشد شرکت‌های کره‌ای و راهبردهای رشد Chaebol‌ها به اجمال بیان شده و فرایند توسعه ویژگی‌های Chaebol مورد ارزیابی قرار گرفته است. علاوه بر این پیامدهای عمده نقش Chaebol‌ها در اقتصاد کره، سیاست‌گذاری و مدیریت مرور شده است.

۱- تاریخچه شرکت‌های کره‌ای

۱- ظهور و افول شرکت‌های کره‌ای

بیشتر شرکت‌های صنعتی کره بر رشد کمی اقتصادی و سودآوری کوتاه مدت، تأکید می‌ورزند. هر چند نخستین مراحل طرح توسعه اقتصادی ملی کره در ۱۹۶۲ آغاز شد، بسیاری از صاحب‌نظران ترجیح می‌دهند سال ۱۹۶۵ را به منزله نقطه شروع سرنوشت‌ساز توسعه اقتصادی این کشور تلقی کنند. از آن سال به بعد و طی دهه‌های اخیر میزان عملکرد^۱ یکصد شرکت طراز اول کره به نحو قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است. یکی از ویژگی‌های روندهای اقتصادی دهه ۱۹۶۰ این واقعیت بود که اقتصاد کره به شدت به صنایع سبک^۲ وابسته بود. هر چند بعداً فعالیت‌های اقتصادی سنگین^۳ از قبیل صنایع شیمیایی، ساختمان‌سازی، صنعت بیمه و تأمین مالی جانبی^۴ جایگزین صنایع سبک شدند. برای مثال علی‌رغم این واقعیت که شرکت‌هایی از قبیل Cheil-Jedang و Cheil Mojik توانستند به حیات خود ادامه دهند، سودآوری آنها از اوایل دهه ۱۹۹۰ مسیر نزولی پیموده است.

از زمان شروع طرح توسعه اقتصادی، شرکت‌های متعددی در کمال قدرت سر برآورده‌اند. بیشتر شرکت‌هایی که از دهه ۱۹۶۰ به حیات خود ادامه داده‌اند بنگاه‌هایی هستند که مالکیت آنها در اختیار مجتمع‌های تجاری - صنعتی^۵ است. برای مثال: Samsung Electronics و Hyundai Motors با تکیه بر رشد سریع بازارهای داخلی و بین‌المللی کاملاً پیشرفت کرده‌اند. با این حال، نسبت ادامه حیات^۶ یکصد شرکت طراز اول کره به نسبت کم بوده است. بین سال‌های ۱۹۵۵ تا ۱۹۹۱ در مجموع ۳۴۲ شرکت مختلف، حداقل یکبار به تناوب در فهرست یکصد شرکت طراز اول کره جای داشته‌اند. Daerim, Cheil-Jedang, Samayansa تنها سه شرکتی هستند که به‌طور مداوم برای پنج سال جایی در فهرست یکصد شرکت نخست به خود

1. Performance Rate
2. Light Industries
3. Heavy Enterprises
4. By Finance
5. Conglomerate
6. Survival Rate

اختصاص داده‌اند. LG, Hankook Tyre (که قبلاً به نام Lucky Goldstar خوانده می‌شد)، Kia Industries, Daehan Electronics, Hyndai Construction ۴ سال به تناوب در این فهرست جای داشته‌اند. به طور کلی، اندازه‌گیری دوره متوسط حیات بنگاه‌های کره‌ای آسان نیست. همه شرکت‌ها تلاش می‌کنند موقعیت خود را تحکیم کنند و رقابتی بازار را زیر نظر داشته باشند. البته، آنچه مهم است پیشدستی است نسبت به طرف مقابل و رفتار انعطاف‌پذیر در مقابل شرایط اقتصادی متغیر و مفروض نیانگاشتن این که بقاء [بنگاه] تضمین شده است.

۲- شکل‌گیری و توسعه Chaebol‌ها

یکی از عوامل مؤثر در رشد اقتصادی سریع کره، مجتمع‌های تجاری - صنعتی یا Chaebol‌ها است. به علت خرابی‌های ناشی از جنگ کره در دهه ۱۹۵۰، بخش اعظم زیربنای صنعتی تخریب شد. فعالیت‌های صنعتی به تدریج شروع شدند تا کارخانه‌های بزرگ مقیاس^۱ دوباره ساخته و تجدید ساختار شوند. خصوصی شدن بانک‌ها در ۱۹۵۷ هرچه بیشتر به ساختار مجتمع‌های تجاری - صنعتی ای که تازه در آن زمان توسعه خود را شروع کرده بودند قوت بخشید. در دهه ۱۹۶۰ شرکت‌های Samsung Group, Samho Group, Gaepoong Group, Daehan Group, Lucky Group, Dongyang Group, Geukdong Group, Hanguk Glass دیگر توجه خود را به توسعه و بسط تجاری معطوف کرده بودند. توسعه صنایع سنگین در طول برنامه‌های سوم و چهارم اقتصادی (۱۹۷۲-۱۹۸۱) عامل اصلی تأثیرگذار بر رشد سریع Chaebol‌ها بود. عملکرد Hyndai Group در طی این دوره و میزان رشد آن مثال زدنی است. گردش موجودی کلی Hyndai در ۱۹۷۳ به ناگاه از ۵۱ میلیارد به ۳ هزار میلیارد دون افزایش یافت. تعداد زیادی از شرکت‌های جدید Hyndai Group در همان زمان تأسیس شدند و چند ادغام بسیار مهم انجام شد. (برای مثال (۱۹۷۳) Hyndai Heavy Industry, (۱۹۷۷) Hyndai -Lopment, (۱۹۷۵) Deve-Mipo Hyndai Steel, (۱۹۷۱) Shipping (Hyndai Heavy Industry)). علاوه بر این Hyndai Group شرکت‌هایی مرتبط با کار تأمین مالی حمل و نقل و خدمات پایه‌گذاری کرد.

اگر عملکرد را معیار بگیریم، برای مقایسه Chaebol‌ها با دیگر شرکت‌های خصوصی لازم است نگاهی بیاندازیم به رقابت بین مجتمع‌های تجاری - صنعتی و شرکت‌های خصوصی. لازم است بررسی کنیم که مدیریت مجتمع‌های صنعتی - تجاری و صنایع خصوصی تا چه حد کارآمدند و چه موقع بین آنها رقابت در می‌گیرد.

جدول ۱- تغییرات Chaebol طراز اول کره (بر مبنای فروش)

رتبه سال	۱۹۶۶	۱۹۷۲	۱۹۷۹	۱۹۸۷	۱۹۹۲	۱۹۹۸
۱	Samsung	Samsung	Hyundai	Hyundai	Hyundai	Hyundai
۲	Samho	LG	LG	Samsung	Samsung	Samsung
۳	Kaepoong	Hanjin	Samsung	LG	Daewoo	Daewoo
۴	Daejan	Sinjin	Daewoo	Daewoo	* LG	LG
۵	LG	Ssangyong	Hyosung	SK	SK	SK
۶	Dongyang	Hyundai	Kukje	Ssangyong	Hanjin	Hanjin
۷	Keukdoug	Daejan	Hanjin	Hanwha	Ssangyong	Ssangyong
۸	Korea-Glass	Hanwha	Ssangyong	Hanjin	Kia	Hanwha
۹	Dong-Rim	Kyuk Dong	Hanwha	Hyosung	Hanwha	Kumho
۱۰	taechang	Daejeong	SK	Lotte	Lotte	Lotte

SK: Sung-Kung,

LG: Lucky-Goldstar یادداشت:

مطالعات تجربی در مورد کارایی شرکت‌ها بر اساس معیار سودآوری نشان می‌دهد کارایی Chaebol‌ها، ۵۰ درصد از کارایی دیگر شرکت‌های خصوصی بیشتر است. به‌طور کلی، اگر چه میزان متوسط کارایی‌ها مدیریت بخش‌های مختلف صنایع با یکدیگر متفاوت است، اما ثابت شده که Chaebol کارا تر هستند.

مجتمع‌های تجاری - صنعتی در عوض مدیریت تخصصی در یک یا دو زمینه، به راهبرد موسوم به «گسترش اختاپوسی‌وار» تحقق بخشیده‌اند. به عبارتی شرکت‌های دیگر از طریق تنوع بخشیدن به کسب و کار تجاری رشد خود را تداوم بخشیده‌اند. از آنجا که بازارهای مالی کره، مدت‌ها بی‌ثبات بوده‌اند، راهبرد اختاپوسی‌وار عامل ضروری برای مهار جریان وجوه^۱ بوده است. ساختار مالی شرکت‌های کره‌ای، علاوه بر آن که به شدت به منابع دولتی وابسته بود، شکننده هم بود. برای مثال ارزش خالص ۳۰ Chaebol طراز اول در سال ۱۹۹۲ به‌طور تقریبی ۲۵ تریلیون دلار و [مجموع] دیون آنها ۹۳ تریلیون دلار بود.

هر چه میزان قرض بیشتر باشد، قدرت [نظارت] دولت بر مجتمع‌های تجاری - صنعتی بیشتر می‌شود. برای جلوگیری از چنین وضعیت خطرناکی، شرکت‌ها در صدد بر آمدن تا نظام تأمین مالی خود را مصون کنند. این وقتی بود که مجتمع‌ها تشخیص دادند لازم است در زمینه سهام، بیمه، تأمین مالی، سرمایه‌گذاری و اجازه‌داری شرکت‌هایی وابسته به گروه داشته باشند. بر خورداری از نظام مالی داخلی نه فقط به Chaebol‌ها امکان می‌داد از شرکت‌های خود حمایت کنند بقیه آنها را قادر می‌ساخت از اقدامات نظارتی بر امور مالی بگریزند. در نتیجه منطق «راهبرد اختاپوسی» به‌طور طبیعی پا گرفت.

برجسته‌ترین ویژگی Chaebol عبارت است از نخست، مدیریت خانوادگی و تنوع و گستردگی [تولید]^۱ در بیشتر گروه‌های Chaebol، مدیریت و مالکیت از یکدیگر مجزا نیستند. علاوه بر این غالباً از Chaebol‌ها به‌خاطر گسترش اختاپوس‌وار، تجاوز جسارت‌آمیز به قلمرو کسب و کارهای کوچک و فقدان اخلاق تجاری انتقاد می‌شود.

۱- ساختار مالکیتی

در کشورهای صنعتی، مالکیت شرکت‌های بزرگ از نظارت [مدیریت] آنها تفکیک شده است، به این نحو که مالکیت در اختیار سهامداران مختلف است و مهار [شرکت] بر عهده مدیران حرفه‌ای. اما در بیشتر Chaebol‌ها، سهامدار اصلی، که صاحب واقعی گروه است، از طریق نظارت رسمی و غیررسمی در جریان تصمیم‌گیری‌ها دخالت می‌کند. هر گروه ساختار منحصر به فرد خودش را دارد. تنها یک خانواده مالک بخش عمده‌ای از سهام است، هر چند در بعضی گروه‌ها از جمله LG، «خانواده» مورد نظر به‌طور دوجانبه نسل اندر نسل مالک بوده است.

در شرکت‌های کره‌ای نه فقط مالکیت به یک خانواده محدود می‌شود، بلکه مهار شرکت نیز در اختیار یک نفر است. بیشتر گروه‌ها را یک رئیس^۲ که نوعاً بنیان‌گذار یک بنگاه تکی^۳ بوده است هدایت می‌کند، به آن سرو سامان می‌دهد، بنگاه را به بستگان یا زبردستان قابل اعتماد واگذار می‌کند و به سراغ تأسیس بنگاه جدید می‌رود و همین‌طور الی آخر. معمولاً در این جور بنگاه‌ها با انگیزه فرار از مالیات، سهام به نحوی گسترده در بین اعضای خانواده پخش می‌شود، اما بنگاه به‌طور سلسله‌مراتبی و متمرکز اداره می‌شود. اما در Chaebol‌هایی که به نسل‌های دوم و سوم منتقل شده‌اند این الگو موارد استثنایی هم داشته است (از جمله LG و Ssangyong)، به این نحو که هرم اداره بنگاه به دو یا چند جانشین^۴ ختم می‌شود.

مالکیت تک خانواده‌ای و ساختار نظارت در Chaebol‌های کره‌ای تا حدی باز می‌گردد به تاریخچه کوتاه مدت همیاری^۵ در این کشور که با فروش محصولات نخستین نسل از کالایی شروع می‌شود که [تولید آن را] تنها یک کار آفرین درگیر در جریان رشد شرکت آن را هدایت می‌کند. حتی در نسل دوم، اداره بنگاه بی‌هیچ انعطافی به شکل سلسله‌مراتبی و خانوادگی انجام می‌شود و این شاید تا حدی به میراث فرهنگی کنفیوسی باز گردد. عامل محتمل دیگر، خاستگاه سرمایه اصلی شرکت است. داستان تأمین مالی Chaebol‌ها کاملاً با داستان گروه‌های تجاری در دیگر کشورها متفاوت است. در کره ثروت چندانی در مناطق روستایی یا به واسطه سوداگری^۶ متمرکز نشد؛ در دوره استعمار ژاپنی‌ها، جنگ کره و اصلاحات ارضی این ثروت‌ها محو شدند. Chaebol‌ها با جذب سرمایه‌های انباشته شده رشد نکردند، بلکه از کارهای کوچک شروع کردند، مازاد تولید کردند، به کمک وام‌گیری از بانک‌های تحت نظارت دولت [آن مازاد را] با

1. Diversification.

2. Chairman/President

3. Single Enterprise

4. Successor

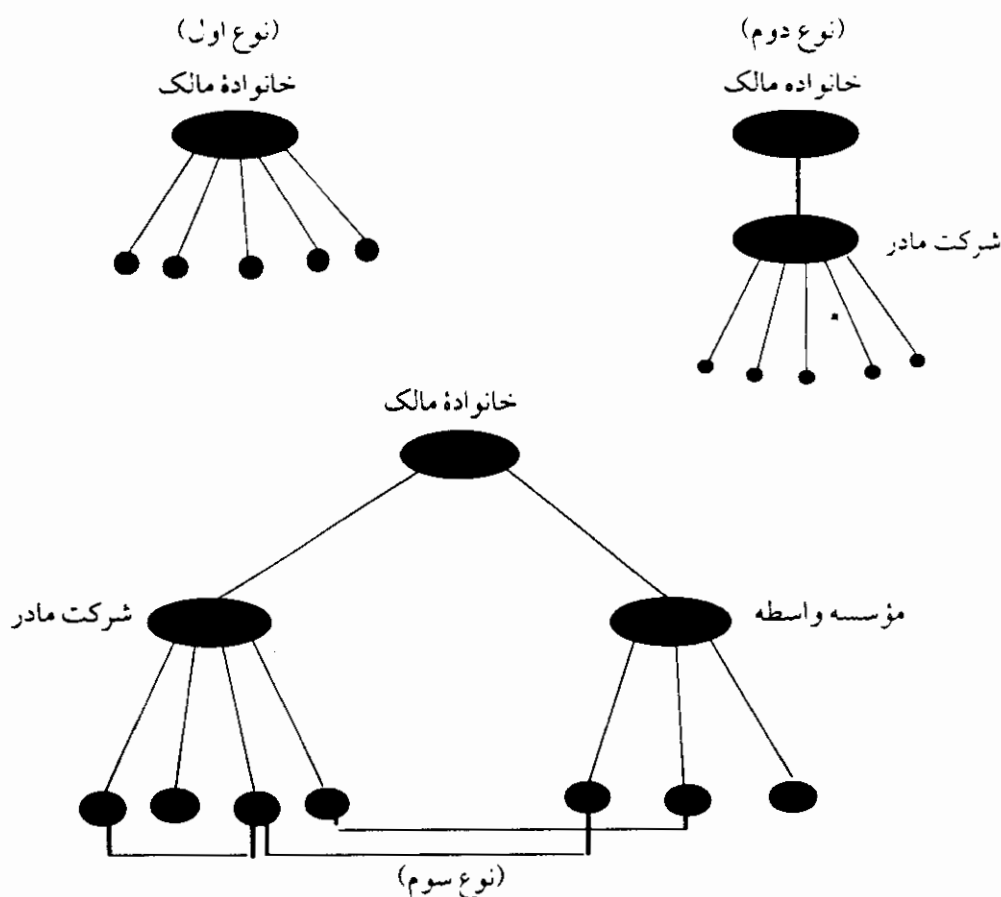
5. Cooperation

6. Merchantlist Wealth

قدرت تمام مجدداً سرمایه گذاری کردند. کارآفرین های کره ای روی پای خودشان ایستادند (البته پشت سر دولت و برخلاف کارآفرین های |مورد امریکای لاتین به دیگران تکیه نکردند).

مالکیت خانوادگی Chaebol را می توان به سه نوع طبقه بندی کرد (Hattori, 1989). نوع نخست، مالکیت مستقیم است، که در آن مالک یا خانواده اش به طور مستقیم شرکت های گروه تجاری را در تملک خویش دارند. گروه تجاری Hanjin یکی از نمونه های بارز این نوع است. نوع دوم، تملک توسط شرکت مادر^۱ است که در آن مالک یا خانواده اش شرکت مادر را در تملک دارند و شرکت مادر به نوبه خود مالک شرکت های گروه تجاری است. گروه Daewoo نمونه مناسب این نوع شرکت هاست. نوع سوم مالکیت مشترک^۲ (یا دو جانبه) است که در آن مالک یا خانواده اش شرکت مادر یا یک سازمان واسطه^۳، از قبیل بنیادهای فرهنگی را در اختیار دارد که مالکیت آن با شرکت های وابسته مشترک است. گروه Samsung نمونه ای از نوع سوم است Chaebol ها گرایش دارند به موازات گسترش از نوع دوم به نوع سوم تبدیل شوند. گذر از نوع اول به نوع دوم کند اما به نسبت بی دردسر است، هر چند برای یکنواخت کردن و یکی کردن^۴ علایق مالکیتی^۵ بین نوع دوم و سوم، چند جور ساز و کار باید ساخته پرداخته شود.

شکل ۱- ساختار مالکیت Chaebol



1. Holding Company.
2. Mutual Ownership
3. Intermediary Organization
4. Consolidate
5. Ownership Interest

۲- سبک مدیریت^۱

گذشته از ارزش‌های مدیریتی^۲، اهداف و راهبردهای سبک مدیریت یکی از جنبه‌های مهم رفتار تجاری است. بیشتر بنگاه‌های کره‌ای از حیث سازماندهی ملاک‌های روشنی برای ارزیابی تکالیف شغلی ندارند. به‌طور کلی مدیران سطوح میانی یا سطوح پایینی از اقتدار چندانی برای انجام کارآمد کارهایشان برخوردار نیستند. بنگاه‌ها بر اساس سلسله مراتب و رتبه‌بندی مشخص سازماندهی می‌شوند و ساختار سازمانی آنها شخص‌گراست. علاوه بر این رابطه بین اقتدار و مسئولیت به روشنی توصیف نمی‌شود. به زبان ساده، سبک تصمیم‌گیری از بالا به پایین، سبک خاص مدیریت بنگاه‌های کره‌ای است.

گروه‌هایی که قدرت مدیریت را در دست دارند بر اساس پیوندهای مدرسه‌ای^۳ یا پیوندهای منطقه‌ای^۴ تشکیل می‌شوند. مالکان مدیریت شرکت را بر عهده دوستان مدرسه‌ای یا همشهری‌های خود می‌گذارند. درست همان‌طور که اقوام و بستگان خود را به این کار می‌گمارند. در بعضی شرکت‌های کره‌ای مقامات اجرایی که همگی اهل یک منطقه هستند، مثلاً سنول یا Yeongnam (استان جنوبی)، مدیریت رده بالا را در اختیار دارند. در بعضی بنگاه‌های کره‌ای گروه اجرایی^۵ تحت سیطره فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌هایی خاص (دانشگاه سنول، گره یا Yonsei) یا دبیرستان‌هایی مشخص (مثلاً Kyunggi، سنول یا Kyungbook) است. نظام مدیریت کارکنان^۶ شرکت‌های کره‌ای چند ویژگی دارد. نخست در بسیاری از سازمان‌های کره‌ای استخدام مادام‌العمر مشهود است. به محض این که شخصی (معمولاً مردها) به استخدام یک شرکت در می‌آید، اشتغالش تا به هنگام بازنشستگی تضمین شده است، مگر آن که جرمی جدی مرتکب شود یا خطایی مدیریتی از وی سرزند. البته رسم اشتغال مادام‌العمر در مقایسه با ثبات کارکنان بنگاه‌های ژاپنی چندان فراگیر نیست. نظام استخدام کره همچنان که بیکاری به علت رکود اقتصاد اخیر جدی‌تر می‌شود، به سمت فروپاشی پیش می‌رود.

دوم آن‌که نظام پرداخت و پاداش در بنگاه‌های کره‌ای سنتاً مبتنی بر ارشدیت^۷ است. بالاخص دستمزدهای پایه^۸ تا حد زیادی مبتنی بر ارشدیت‌اند. اگرچه بسیاری از بنگاه‌ها شروع کرده‌اند به این که عملکرد^۹ را به عنوان عامل اصلی پاداش مدنظر قرار دهند. هنوز هم ارشدیت مهم‌ترین ملاک بیشتر بنگاه‌های کره‌ای است.

سوم آن‌که بیشتر بنگاه‌های کره‌ای، در نظام‌های ارزیابی‌شان نه فقط بر عملکرد، بلکه بر توانایی از عهده برآمدن فشار و طرز برخورد کاری تأکید می‌ورزند. در نتیجه قضاوت‌های ذهنی‌شان می‌تواند نقش بزرگی ایفا کند. بسیاری از مدیران مایل نیستند زیردستان خود را منفی ارزیابی کنند و به‌طور کلی پرهیز از مشکلات حاد بین افراد را به برخورد مستقیم با زیردستان خود ترجیح می‌دهند و بدین ترتیب بر هماهنگی، بیشتر تأکید می‌کنند تا بر کارایی. به همین دلیل نظام ارزیابی در بنگاه‌های کره‌ای داده‌های مفید چندانی که به

1. Management Style

2. Managerial Values

3. School Ties

4. Regional Ties

5. Executive Group

۶ در متن اصلی Personnel آمده که معادل انگلیسی واژه شخصی، یا خصوصی است. اما از موضوع مقاله چنین بر می‌آید که احتمالاً منظور نویسنده Personnel بوده است. عبارات بعدی متن حدس ما را تأیید می‌کند.

7. Seniority

8. Basic Wages

9. Performance

کار تصمیم‌گیری در مورد کارکنان نباید تولید نمی‌کند. در بسیاری موارد ارشدیت یا ارزیابی شخصی مدیران رده بالا نقش مهمی در تصمیمات مربوط به پاداش ایفا می‌کند. بنابراین هر چند در ارزیابی عملکرد بر موقعیت‌های گذشته تأکید می‌شود، کارکنان شرکت‌های کره‌ای عمدتاً بر اساس ارشدیت، احساس تعهد^۱ (سرپرستی) و نسبت خویشاوندی با مدیران رده‌ها بالا ترفیع می‌گیرند تا بر اساس سهم واقعی در پیشرفت بنگاه.

۳- تنوع^۲ تولید

شهرت Chaebol‌ها ناشی از اتکای آنهاست بر تنوع تولید. تحلیل‌های مقایسه‌ای که نشان می‌دهند کشورهای مختلفی این راهبرد را برای نیل به رشد برگزیده‌اند. حکایت از آن دارند که صاحبان کسب و کار در کره بیشتر از شرکت‌های ژاپنی یا آمریکایی به تنوع تولید تمایل دارند. علاوه بر دلایل متعارف تنوع [تولیدات] شرکت، از قبیل رشد، پرهیز از ریسک، تشدید موانع ورود، تنوع فعالیت Chaebol‌ها به شدت تحت تأثیر دو عامل محیطی قرار داشت. نخست، کاستی‌های بازاری^۳ که بنگاه‌های کره‌ای با آن روبه‌رو بودند هزینه‌های معاملاتی^۴ را افزایش می‌داد. دوم آن‌که خط مشی توسعه مبتنی بر صادرات دولت، حمایت‌ها و یارانه‌های مختلفی را برای گروه‌های Chaebol به ارمغان آورد و تنوع تولید را هر چه بیشتر تشویق کرد.

توزیع یارانه‌های سی Chaebol طراز اول بر اساس کدهای رده‌بندی صنعتی^۵ رقمی در ۱۹۸۷ در جدول ۲ نشان داده شده است. جدول نشان می‌دهد بیشترین یارانه‌ها را صنایع سنگین، صنایع شیمیایی، نساجی، صنایع پوشاک، صنایع غذایی و نوشیدنی دریافت کرده‌اند. پنج شرکت طراز اول یارانه زیادی دریافت می‌کنند که سهم صنایع فلزات ساختمانی^۶ ماشین‌آلات و صنایع حمل و نقل بسیار بیشتر است. هر چه Chaebol‌ها فعالیت‌های خود را متنوع‌تر کردند، تعداد بازارهایی که به آن وارد شدند به طرز قابل ملاحظه‌ای افزایش یافت.

جدول ۲- یارانه Chaebol بر حسب صنعت ۱۹۸۷

Chaebol / صنعت	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹
۵ تایی اول	۲	۱۰	۲	۴	۱۲	۴	۵	۵۷	۱
۱۰ تایی اول	۳	۱۸	۳	۶	۲۱	۶	۱۵	۷۴	۱
۲۰ تایی اول	۲۷	۲۲	۳	۱۳	۴۲	۱۰	۲۰	۹۰	۱
۳۰ تایی اول	۳۲	۳۹	۴	۱۴	۵۵	۱۴	۲۳	۹۹	۲

یادداشت: ۳۱- غذایی و نوشیدنی، ۳۲- نساجی، پوشاک و جرم، ۳۳- چوب و محصولات چوبی، ۳۴- کاغذ محصولات کاغذی، چاپ و نشر ۳۵- صنایع شیمیایی و نفتی، زغال سنگ، پلاستیک - محصولات پلاستیکی، ۳۶- محصولات کانی غیر فلزی، ۳۷- فرات پایه، ۳۸- محصولات فلزی ساختمانی، ماشین‌آلات و تجهیزات، ۳۹- غیره.

1. Dedication
2. Diversification
3. Market Imperfections
4. Transaction Costs
5. Fabricated Metal

اغلب Chaebol‌های کره‌ای که در حال حاضر شرکت‌های چند ملیتی هستند، کار خود را از فروشگاه یا کارخانه‌های کوچک در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ شروع کردند. بسیاری از این کارخانه‌ها را می‌توان به مثابه نیروی محرکه رشد به حساب آورد. [در ذیل نقش کارآفرینی، امور مالی، شرکت‌های تجاری کلی^۱ به مثابه خاستگاه رشد Chaebol‌ها بررسی می‌شود.

۱- کار آفرینی

از زمانی که شو مپتیر (۱۹۳۴) کارآفرینی را به تصویر کشید تا به امروز کارآفرینی به مثابه عامل کلیدی رشد اقتصادی تلقی شده است. در اصل باید بین کارآفرینی و مدیریت فرق قائل شد. به این نحو که از کارآفرینی شروع فعالیت‌های جدید اقتصادی مراد می‌شود و از مدیریت اداره امور جاری، تقریباً همه Chaebol‌ها را افرادی سخت‌کوش پایه‌گذاری کردند که در شرایط بسیار دشوار (ناشی از کمبود سرمایه، دانش فنی، تجربه و آموزش) کسب و کار پرخطر^۲ خویش را شروع کردند. تقریباً همه کسانی که خودشان بنیان‌گذار بودند تمام زندگی خویش را وقف کار کردند. اخلاق تحمل‌پذیری و مشکلات^۳ منجر به [شکل‌گیری] خصلت‌های کارآفرینی مشترکی در بین کره‌ای‌ها شده است. از قبیل سخت‌کوشی، قناعت، برخورداری از توان بالا برای انجام کار،^۴ صداقت، روحیه مثبت و ترجیح هماهنگی بین کارکنان [به کارایی]، تصمیم‌گیری از بالا به پایین، مدیریت غیر علمی و فقدان آموزش رسمی. این ویژگی‌ها هم تأثیراتی مثبت و هم تأثیراتی منفی بر سبک مدیریت Chaebol‌ها و رشد آنها بر جای گذاشته است.

استعداد کارآفرینی فقط در مرز فعالیت اقتصادی به کار تغییر می‌آید. فعالیت غیر مرزی صرفاً مستلزم استعداد مدیریتی است که آن را هم می‌توان به استخدام در آورد.

تا وقتی که واحد رشد یابنده^۵ توسعه، رشد نیافته باشد، بازدهی [مترتب بر کار] کارآفرین باعث می‌شود ری طرحی را شروع کند، به آرامی آن را به جریان بیاورد، آن را به زیردستانش تحویل دهد و به سراغ طرح دیگری برود. در نتیجه سهم کارآفرین در مالکیت مرتباً بیشتر می‌شود. اما بازدهی استعداد کارآفرینی در مرز فعالیت اقتصادی ثابت می‌ماند.

الگوی جابه‌جایی^۶ مداوم توجه کارآفرین به یقین می‌تواند رفتار رؤسای بسیاری از Chaebol‌های بزرگ، اگر نگوییم رفتار همه آنها را، توضیح دهد. Woo-Jung Kim بخش صنایع سبک Daewoo را ایجاد کرد، آنگاه برادرش را از دانشگاه فراخواند تا آن اداره کند و در همان زمان تلاش عمده خود را به ادامه کار در صنایع سنگین معطوف کرد. Joo-Young Chung بنیان‌گذار Hyndai مسیر مشابهی را پیمود. از ساختمان‌سازی به کشتی‌سازی و از کشتی‌سازی به اتومبیل‌سازی و سپس به صنایع سنگین، نقش کارآفرینی Chaebol‌ها به معنای دقیق کلمه از نقش اجرایی^۷ آنها مستقل است.

1. General Trading Company (GTC)
2. Enterprise
3. Sweatshop Ethics
4. Impellent Force
5. Incremental Unit
6. Shifting Pattern
7. Operational Role

علاوه بر این، بیشتر کارآفرین‌های Chaebol‌ها عمدتاً به گسترش دامنه فعالیت‌هایشان علاقه داشته‌اند. در طول سه دهه گذشته این کارآفرین‌ها از راهبردهای «تقدم رشد» و «حداکثرسازی درآمد» پیروی کرده‌اند. این راهبردها نقش بزرگی در کمک به کارآفرین‌های کره‌ای برای ایجاد امپراطوری‌های تجاری ایفا کرده‌اند. جسارت و ستیزه‌گری برای اجرای طرح‌های توأم با ریسک، از قبیل ساختن کارگاه کشتی‌سازی در سطح جهانی، یا توسعه کارخانه‌های اتومبیل‌سازی در مقیاس بزرگ ضروری بود. نکته علاقه به ایجاد امپراطوری‌های تجاری به بسط متوالی گروه‌های Chaebol منجر شده است که بیری توسعه اقتصادی - اجتماعی سالم مضراند.

در ارزیابی نقش کارآفرین‌ها در اقتصاد ملی خالی از فایده نیست اگر به پیروی از لیسن‌اشتاین بین کارآفرینی با «حاصل جمع صفر» با کارآفرینی با «حاصل جمع مثبت» تفاوت قائل شویم. براساس نظریه اقتصاد خرد سنتی در [جریان] تولید و مبادله آزاد مجموع [سودها و هزینه‌ها] مثبت است و [مبادله آزاد] برای طرفین آن منافع متقابل ایجاد می‌کند (حداقل هیچ ضرری به طرفین مبادله وارد نمی‌شود). از سوی دیگر لیسن‌اشتاین استدلال می‌کند در دنیای واقع [حوزه‌ای وجود دارد که در آن] مجموع سود فعالیت اقتصادی صفر است و آن جایی است که کارآفرین‌ها وقت و انرژی خود را صرف کارهایی کنند که به طور مستقیم یا غیرمستقیم ثروت و درآمد شخصی برخی را افزایش دهد و در عین حال مشتمل بر فعالیت‌هایی باشد که چیزی بر ظرفیت‌های تولیدی اقتصاد ملی اضافه نکند. هر چند کارآفرینی تأثیری مثبت بر رشد Chaebol‌ها بر جای گذاشته اما نشان داده شده که کارآفرینی با مجموع صفر هم در اقتصاد می‌وجود داشته است. کارآفرین‌های کره‌ای به فعالیت‌هایی اشتغال داشته‌اند که مستلزم صرف پس‌انداز خالص بوده‌اند و [این پس‌اندازها] در بنگاه‌هایی سرمایه‌گذاری شده‌اند با چنان طبیعتی که «ارزش اجتماعی»‌شان یا صفر است یا بسیار کمتر از «ارزش خصوصی»‌شان.

۲- تأمین مالی

تا اواسط دهه ۱۹۶۰، بانک‌های تجاری کره نقش واسطه‌ای چندان مهمی نداشتند چرا که ظرفیت پس‌انداز ملی ناچیز بود. هدف اصلی مؤسسات مالی آن بود که منابع کمک مالی^۱ را به سمت طرح‌های ترمیم^۲ و کشاورزی سوق دهند. دو بانک تخصصی - بانک توسعه کره و بانک کشاورزی کره - ۷۰ درصد کل وام‌ها را پرداختند.

کره طرح توسعه اقتصادی و صنعتی شدن بلند پروازانه‌ای را در اوایل ۱۹۶۰ شروع کرد. در جریان این طرح حکومت کره با شدت و جدت فراوان طیف گسترده‌ای از محرک‌ها^۳ را به کار گرفت تا متابعت بخش خصوصی از طرح‌های دولتی را تضمین کند. محرکی که احتمالاً بیش از بقیه مورد استفاده قرار گرفت دستیابی ناهمسان^۴ به منابع اعتباری بانک‌های تجاری و بانک‌های تخصصی تحت نظارت دولت است. علاوه بر این استقرار خارجی که منبعی جذاب برای وام‌گیری است منوط به کسب اجازه از دولت بود و دولت بیشتر مواقع بر توزیع وام‌ها نظارت می‌کرد.

1. Aid funds
2. Rehabilitation Projects
3. Incentives.
4. Differential Access.

بخش مالی، بالاخص بخش بانکی در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به شدت از جانب دولت مهار می‌شد. حکومت کره، به عنوان بخشی از فرایند توسعه اقتصادی خشن و تحت نظارت مرکزی، بر دستیابی بنگاه‌ها به اعتبارات بانکی و وام‌های تخفیف‌دار نظارت می‌کرد تا متابعت کامل بخش خصوصی از طرح‌های رسمی را تضمین کند. علاوه بر پایین بردن سقف بهره‌ها و منفی بودن نرخ‌های واقعی، انواع و اقسام سیاست‌های ناظر بر پرداخت وام به بانک‌ها تحمیل می‌شد. نرخ بهره واقعی این وام‌ها (به عنوان مثال اعتبار برای صادرات)^۱ از نرخ عمومی بهره، که آن هم از نرخ بازار کمتر بود، پایین‌تر بود.

در نیمه‌های دهه ۱۹۶۰، دولت کره با پذیرش راهبرد توسعه برون‌نگر که بر صادرات تأکید می‌کند، بر آن شد تا سهم بیشتری از منابع سرمایه‌گذاری را به بخش صنعتی تولیدکننده کالاهای صادراتی تخصیص دهد. بانک‌های کره‌ای به پیروی از این سیاست صنعتی، صادرکنندگان و آنهایی را که به فعالیت‌های مرتبط با صادرات اشتغال داشتند بر دیگران مرجع می‌شمردند. صادرکنندگان به وام‌های کوتاه مدتی که با حجم ناخالص فروش صادرات مرتبط بودند و وام‌های بلندمدت خاص سرمایه‌گذاری در صنایع مختص به صادرات^۲ دسترسی داشتند. همه وام‌های صادراتی یارانه دریافت می‌کردند و ترجیحی بودند به این ترتیب که نرخ‌های بهره آنها در مقایسه با نرخ عمومی وام بانکی کمتر بود و فقط به کسانی تعلق می‌گرفت که کالایی صادر می‌کردند. این نظام تأمین مالی صادرات انگیزه‌ای قوی به بنگاه‌ها می‌بخشید تا به محض شروع تولید آن را صادر کنند. این نظام در مقایسه با نظام صلاح‌دیدی^۳ پرداخت وام، فعالیت‌های وام‌دهی بانک‌های سپرده‌پذیر را از طریق بخش تولیدی گسترش داد. علاوه بر این نظام مزبور هزینه‌های دریافت وام‌های سهمیه‌ای^۴ از نظام بانکی را از بین برد.

تخصیص اعتبارات توسط دولت از طریق نظام بانکی، قدرتمندترین ابزار حمایت از صنایع نور چشمی بود. وقتی که معلوم شد صندوق سرمایه‌گذاری ملی^۵، که در سال ۱۹۷۳ با هدف حمایت از صنایع سنگین و صنایع شیمیایی تأسیس شد برای تأمین مالی طرح‌های سرمایه‌گذاری در مقیاس بزرگ کافی نیست، بانک‌ها بالاخص بانک‌هایی که در تملک دولت بودند به سمت پرداخت وام ترجیحی به صنایع راهبردی هدایت شدند. در طی نیمه آخر دهه ۱۹۷۰ سهم وام‌هایی که به پیروی از این سیاست پرداخت شدند به یکباره از ۴۰ درصد به ۵۰ درصد افزایش یافت. جنبه مهم‌تر این سیاست وام‌دهی، یکسان نبودن نرخ‌های بهره بود. در طی نیمه آخر سال ۱۹۷۰، نرخ بهره بانکی وام‌های گسترش صادرات و سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات و صنایع سنگین، در مقایسه با نرخ ۱۷ درصدی وام بانکی عمومی، نرخ ۴۱ درصدی بازارهای مهار شده^۶ و تورم ۱۷ درصدی برحسب شاخص بهای مصرف‌کننده (براساس یک متوسط پنج ساله) به طور متوسط بین ۸ تا ۱۳ درصد بود.

با این وصف، دولت از ۱۹۸۰ به بعد علاوه بر اجرای سیاست آزادسازی اقتصادی فراگیر، اصلاحات متعددی را برای آزادکردن نظام مالی آغاز کرد. برای انجام این کار راهبردی تدریجی اتخاذ شد که براساس آن زیربخش غیربانکی - که باتوجه به مدیریت دارایی‌ها و مقادیر نرخ بهره کمتر براساس مقررات^۷ عمل

1. Export Credit.

2. Export - Oriented.

3. Discretionary.

4. Rationed Loan.

5. National Investment Fund.

6. Curb Market.

7. Regulations.

می‌کرد - باز هم مقررات زدایی^۱ شد و مواع و ورود به زیربخش تاحد زبادی از میان برداشته شد. در مقایسه با بخش غیربانکی، آزادسازی در نظام بانکی کند و در سطحی محدود انجام گرفت.

جدول ۳- نرخ‌های بهره تنظیم شده و بازاری

(بر حسب درصد)

سال	نرخ وام بانکی عمومی	نرخ مهار شده	هزینه متوسط وام گیری	نورم قیمت مصرف کننده
۱۹۷۰	۲۴	۴۹/۸	۱۴/۷	۱۵/۴
۱۹۷۵	۱۵.۵	۴۱/۳	۱۱/۳	۲۵/۴
۱۹۸۰	۲۳.۴	۴۴/۹	۱۸/۷	۲۸/۷
۱۹۸۵	۱۱.۵	۲۴	۱۳.۴	۲۰.۵
۱۹۹۰	۱۱.۵	۱۸/۷	*	۸/۶

* غیر قابل دسترس

مع: بانک کره

۳- شرکت‌های تجاری چند منظوره^۲

شرکت‌های تجاری چند منظوره (GTC) پدیده‌ای به نسبت تازه در صحنه تجارت بین‌الملل هستند. در اواخر دهه ۱۹۵۰، بعد از آن که Mitsubishi و Mitsui از نوسازمان داده شدند روزنامه‌های ژاپنی کم‌کم شروع کردند به توصیف شرکت‌های تجاری بزرگ ژاپنی که به نام Sogoshosha معروفند و با مسامحه می‌توان آن را شرکت‌های تجاری چندمنظوره ترجمه کرد.

در طی دهه ۱۹۷۰، دولت‌های کشورهای تازه صنعتی شده از قبیل کره، تایوان، تایلند و ترکیه دست به کار توسعه نظام‌های شرکت‌های چندمنظوره‌شان شدند تا صادرات را در مقابل حمایت‌گرایی^۳ فزاینده تجاری کشورهای واردکننده عمده تشویق کنند. در نیمه‌های دهه ۱۹۷۰، صادرات کره به واسطه رکود جهانی و سیاست‌های تجاری حمایتی کشورهای پیشرفته در نتیجه بحران انرژی با مشکل مواجه شد. رقابت افسارگسیخته^۴ بین تولیدکنندگان کوچک - مقیاس صادرکننده، که در بازاریابی جهانی تخصصی نداشتند، این مشکل را تشدید می‌کرد. حکومت در ۱۹۷۵ برای آن که یک‌بار دیگر نرخ سریع رشد صادرات را که در دهه ۱۹۶۰ تجربه شده بود به دست آورد فرمانی صادر کرد که هدف از صدور آن ایجاد GTC به سبک کره‌ای بود. قرار بر این شد که این GTC‌ها آن قدر بزرگ باشند که صرفه‌های مثبت اقتصادی ناشی از مقیاس اقتصاد جهانی را جذب کنند. در صدور کالا تخصصی عمل کنند تا از رقابت بین‌المللی بهره‌برند و توانایی بازاریابی در خارج از کشور را داشته باشند. در پایان سال ۱۹۸۳، کره ۹ GTC داشت که در مجموع ۱۰۳ درصد کل صادرات این کشور را در آن سال بر عهده داشتند.

در طول دو دهه حضور، رشد سریع GTC‌های کره‌ای آنها را به نیروی غیرقابل چشم‌پوشی در تجارت جهانی مبدل ساخت. بعضی از GTC‌های کره‌ای سالانه بیش از ۵ میلیارد دلار امریکا صادرات دارند. سهم

1. Deregulation.

2. General Trading Company.

3. Protectionism.

4. Hyper - Competition.

آنها در اقتصاد ملی با Sogoshosha های ژاپنی قابل مقایسه است، چرا که مجموع صادرات آنها نزدیک به ۵۰ درصد کل صادرات ملی است. با توجه به این رقم تحسین برانگیز، GTC های کره ای در سطحی گسترده به عنوان یکی از موفق ترین اقتباس کنندگان الگوی GTC های ژاپنی شناخته شده اند.

وزارت تجارت و صنعت کره مجموعه ای از شرایط قانونی برای ارزیابی کیفیت GTC ها وضع کرده است. در ۱۹۷۵ این شرایط عبارت بودند از: ۱- حداقل یک میلیارد وُن ارزش سرمایه ای^۱ و حداقل ۵۰ میلیون دلار آمریکا ارزش صادرات سالانه؛ ۲- صادرات حداقل ۷ قلم کالا که ارزش هر یک بیش از نیم میلیون دلار آمریکا باشد؛ ۳- ارزش صادرات سالانه به هر یک از ۱۰ کشور یا بیشتر حداقل یک میلیون دلار آمریکا باشد؛ ۴- تشویق مالکیت عمومی GTC ها از طریق انتشار سهام در ۱۹۷۸، شرط حداقل سرمایه حذف شد مقررات مختلف مربوط به حداقل مقدار مشخص صادرات تغییر کرد. به نحوی که صادرات هر GTC باید به حداقل ۶۰ درصد کل صادرات کالایی کشور بالغ می شد. این بدان معنی بود که صادرات الزامی هر GTC به طور خودکار به موازات رشد سالانه صادرات افزایش یابد. شروط مربوط به تنوع منطقه ای صادرات در مورد GTC ها در ۱۹۸۱ لغو شد. بنابراین یکی از اصلی ترین وظایفی که در اصل برای GTC ها پیش بینی شد - یعنی گسترش بازارهای جدید برای صادرات - دیگر در اختیار دولت نبود. این تحول امکان افزایش تمرکز صادرات در بازارهای موجود برای صادرات، از قبیل آمریکا، ژاپن و اروپا را پدید آورد. تسامح در مورد مقررات ناظر تنوع کالا و سپس لغو آن در ۱۹۸۱ موجب شد هر شرکت تجاری که یک قلم کالا صادر کند که دو درصد ارزش کل صادرات کالایی کشور را تشکیل دهد بتواند مقام GTC را به دست آورد.

ظاهراً به نظر می رسد هدف از وضع مقررات قبلی در مورد «حداقل ۵۰ میلیون دلار صادرات ۷ قلم کالا یا بیشتر» آن بود که تنوع محصول تشویق شود. این شرط، که به ویژه با گروه های Chaebol بزرگ برخورددار از خطوط متعدد تولید تناسب داشت، موجی از «تصاحب شرکت از طریق خرید»^۲ راه انداخت که در آن گروه های Chaebol بزرگ تر، بنگاه های کوچک را می خریدند.

می توان انگیزه هایی را که با وضعیت GTC ها تطابق داشت چنین برشمرد: «حق» (منافع) موازنه برقرار کردن بین «تکالیف» (هزینه های) مربوط به احراز مقام GTC. این انگیزه ها را می توان از زاویه منافع اداری، مالی، ارزش خارجی و تجارت بین الملل در نظر گرفت.

شکی نیست که شکل گیری و رشد GTC ها در کره سهم بسزایی در رشد صادرات صنعتی کره و رشد گروه های Chaebol داشته است. جدول زیر سهم فروش GTC ها را در بین هفت GTC طراز اول کره ای نشان می دهد که مالکیت شان در اختیار Chaebol ها است. بیشتر GTC ها سهم خود را افزایش داده اند. سهم Samsung، Hyundai، Daewoo در بین هفت شرکت [مذکور در جدول] به نسبت زیاد تر است. سهم فروش هر هفت GTC نسبت به کل فروش هفت گروه بزرگ به سرعت از ۲۲/۴ درصد در سال ۱۹۸۲ به ۳۱/۵ درصد در سال ۱۹۸۶ افزایش یافت.

پس از آن اندکی از این سهم کاسته شد تا این که در سال ۱۹۹۰ به ۳۰/۴ درصد رسید. اگرچه این حقیقت دارد که GTC ها را دولت به عنوان یک رهیافت مصلحت آمیز برای تشویق صادرات ایجاد کرد، اما نمی توان این نکته را نادیده گرفت که ایجاد و رشد GTC ها ارتباطی نزدیک با راهبرد گسترش Chaebol ها دارد. روند موقعیت GTC های اقتصاد کره در جدول زیر نشان داده شده است. نسبت فروش کل GTC ها به GNP اسمی

1. Capitalization.

2. Take over.

به سرعت افزایش یافت و از ۵/۹ درصد در سال ۱۹۷۷ به ۲۱/۶ درصد در ۱۹۸۶ رسید. پس از آن این نسبت کاهش یافت و در ۱۹۹۱ به ۱۵/۹ درصد رسید.

جدول ۴- سهم فروش GTC ها در گروه شان

سال	۱۹۸۲	۱۹۸۶	۱۹۹۰
فروش ها	سهم (%)	سهم (%)	سهم (%)
۱ سامسونگ	۳۰.۷	۳۱.۲	۳۱.۶
۲ هیوندا	۱۵.۴	۳۰.۴	۲۸.۱
۳ ال جی (L.G)	۱۰.۳	۲۱.۴	۱۸.۷
۴ دوو	۳.۱	۴۴/۵	۴۶/۸
۵ سان کی یونگ	۲۴.۹	۳۲.۶	۲۷.۱
۶ Ssangnyong	۲۲.۱	۳.۲	۳۴.۷
۷ Hyosung	۳۳.۶	۳۶.۵	۴۷.۶
جمع کل	۲۲/۴	۳۱/۵	۳۰/۶

یادداشت: سهم (%) = کل فروش توسط گروه / فروش GTC ها
منبع: مؤسسه کارایی مدیریت

جدول ۵- موقعیت GTC ها در اقتصاد کره
(واحد: ۱۰۰ میلیون)

۱۹۷۷	۱۹۸۶	۱۹۹۱	
۲۲	۲۰۶/۱	۴۴۵/۷	الف- فروش GTC ها
۳۷۴.۳	۹۵۴.۴	۲۰۸۰	ب- GNP اسمی
۵۰.۹	۲۱/۶	۱۵/۹	درصد (الف) به (ب)
۲۴/۹	۱۴۰/۳	۳۰۳/۳	ج- صادرات GTC
۱۰۰۰/۵	۳۴۷/۱	۷۱۸/۷	د- صادرات کل
۲۴/۸	۴۰/۴	۴۲/۲	درصد (ج) به (د)
۳/۲	۳۴/۲	۱۰۸/۷	ذ- واردات GTC
۱۰۸.۱	۳۱۵.۸	۳۱۵.۳	ز- واردات کل
۳	۱۰۰/۸	۱۳/۳	درصد (ذ) به (ز)

منبع: مؤسسه کارایی مدیریت

اگر تعداد کمی از Chaebol های بزرگ به نحوی روزافزون مهار همه صنایع را در دست بگیرند و با تعداد زیادی از تولیدکنندگان کوچک در قلمروهای متعدد رقابت کنند، آنگاه GTC های یک Chaebol خاص صرفاً به بخش صادرات «ویژه» همه شرکت های فرعی^۱ گروه خاص تبدیل خواهد شد. بدین ترتیب GTC ها

1 Subsidiary.

ترجیح می‌دهند به جای آن که مکمل تولیدکنندگان صادراتی متوسط باشند با آنها رقابت کنند. به عبارتی دیگر، GTC ها نمی‌توانند دلال خنثی و شرافتمند صادرات دیگر تولیدکنندگان باشند.

خلاصه آن که تمرکز افراطی تولید صنعتی و قدرت اقتصادی اخیر در کره، که محور آن شرکت‌هایی است که به عنوان GTC تعیین شده‌اند، توسعه مناسب GTC ها را به عنوان صادرکنندگان تخصصی، به موازات همان مسیری که GTC های ژاپنی پیموده‌اند، با مانع روبه‌رو می‌کند.

۴- راهبردهای رشد بنگاه‌های کره‌ای

در جریان توسعه اقتصادی کره در چهار دهه گذشته، دولت به همان اندازه نقش مهمی ایفا کرده که شرکت‌ها. از منظر مدیریتی، Chaebol ها وقتی به آن رشد تحسین‌برانگیز دست یافتند که کارآفرین‌ها ماهرانه خود را با شرایط در حال تغییر کسب و کار وفق دادند. در این بخش سه راهبرد رشد بنگاه‌های کره‌ای مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. این راهبردها عبارتند از: پیوند دولت و [بخش] بازرگانی، راهبردهای رشد مبتنی بر همبازی و پیوندهای فن شناختی.

۱- پیوند با حکومت

نخستین عاملی که سهمی بسزادر رشد شرکت‌های Chaebol دارد پیوندهای خاص با حکومت است. پیش از این گفتیم که نظارت دولت بر فعالیت‌های اقتصادی و بازار یکی از متغیرهای مهم در محیط اقتصادی کره در نخستین سال‌های توسعه اقتصادی است. بخش اقتصادی و حکومت به طریق مختلف و متنوعی با یکدیگر تعامل دارند. دولت در مقام یک تنظیم‌کننده^۱ حامی، رقیب، مشتری و کانال ارتباطی مالی^۲ بخش اقتصادی عمل می‌کند. از بین نقش‌های مختلف حکومت، نقش تنظیم‌کنندگی و حمایتی بیشتر از بقیه نقش‌ها رابطه بین بخش اقتصادی و حکومتی کره را مشخص می‌کند.

بالاخص رابطه بین حکومت و Chaebol های بزرگ‌تر صرفاً به چند نشست محدود نمی‌شود و دولت [در رابطه با این Chaebol ها] به اقدامات مختلفی از قبیل حسابرسی ترازنامه بنگاه‌ها موردنظر دست بازیده است. مهم‌ترین ابزار دولت نظارت بر نظام مالی و [میزان] دسترسی بنگاه‌ها به اعتبارات یارانه‌ای، یا «ترجیح و گزینش» در تخصیص منابع مالی است. دولت از طریق نظارت بر دسترسی به اعتبارات بر تصمیمات Chaebol ها در حیطه تخصیص منابع و بدین ترتیب بر الگوی توسعه صنعتی تأثیر گذاشت.

کره کشور در حال توسعه‌ای است که گرفتار توسعه نیافتگی بازارهای سرمایه‌اش است و نقشی را که دولت در این کشور ایفا می‌کند می‌توان به مثابه راه حل بهینه دوم این معضل تفسیر کرد. همان‌گونه که استیگلیتز (۱۹۸۹) نشان داده است، بازارهای سرمایه حتی در کشورهای توسعه یافته هم به علت مشکلات ناشی از انتخاب معکوس^۳ شرکت‌ها و صنایع نازپرورده، مسئله مخاطر اخلاقی^۴ و اجرای نظارت، آن‌گونه که در حول‌های رقابت کامل کتاب‌های درسی توصیف می‌شود، کار نمی‌کنند. در نتیجه، سهمیه‌بندی

1. Regulator.
2. Financial Pipeline.
3. Adverse Selection.
4. Moral Hazard.

اعتبارات و سهام از ویژگی های ذاتی بازارهای سرمایه هستند.

به دلایلی چند معضل بازار ناقص سرمایه در مورد کشورهای در حال توسعه وخیم تر است. در کشورهای در حال توسعه بازارهای سرمایه کمتر توسعه یافته هستند و اقتصاد در معرض دگرگونی های بزرگ تر و عدم اطمینان است. دیگر این که این کشورها معمولاً نهادهای خصوصی ای که بتوانند از عهده معضلات بازار سرمایه برآیند را ایجاد نکرده اند.

به همین جهت، تأثیر سهمیه بندی اعتبارات و سهام در کشورهای در حال توسعه جدی تر است. استیگلیتز (۱۹۸۹) خاطر نشان می کند در کشورهایی که بیشتر توسعه یافته اند بنگاه های بزرگ بازارهای داخلی سرمایه^۱ را ایجاد و گسترش داده اند. بدین ترتیب می توانند منابع مالی و اعتباری را در میان واحدهایی که از حیث اندازه با بسیاری از بنگاه های کشورهای کمتر توسعه یافته برابری می کنند، مجدداً تخصیص دهند. بنابراین کشورهای کمتر توسعه یافته با دو نقیصه دست بگر یابند: نه فقط اطلاعات در این کشورها ناقص است و این نقصان به سهمیه بندی اعتبارات و سهام منجر می شود، بلکه نقصان اطلاعات در این کشورها چشمگیر تر است چرا که فرایند تغییر به مشکلات اطلاعاتی بزرگ تری منجر می شود.

اظهار نظر استیگلیتز در مورد نقطه ضعف دو گانه کشورهای در حال توسعه به جاست اما تا همین اواخر در مورد کره مصداق نداشت. چرا که Chaebol ها (گروه های تجاری چند واحدی) و [خود حکومت] کره بازارهای سرمایه داخلی ای ایجاد کرده اند که با توجه به معیارهای کشورهای توسعه یافته بزرگ به حساب می آیند و بنابراین می توانند بر محدودیت های ناشی از اندازه و مقیاس بنگاه های نوعی مشخص در کشورهای در حال توسعه فائق آیند.

۲- راهبردهای رشد مبتنی بر همبازی

راهبردهای مبتنی بر همبازی از جمله عوامل مهمی هستند که بر ساخت سازمانی و رفتار تجاری تأثیر می گذارند. یکی از برجسته ترین راهبردهای مبتنی بر همبازی که شرکت های کره ای به آن دست یازیده اند، ایجاد تنوع تولیدی است. تنوع تولیدات و بسط مناطق بازاری فرایند های اجتناب ناپذیری هستند که Chaebol ها ناچارند برای نبل به رشد در پیش گیرند. تحقیق یونگ (۱۹۸۸) در مورد ۱۰۸ Chaebol از بزرگ ترین Chaebol های کره نشان می دهد که رابطه ای نزدیک بین حجم کارهای تجاری و راهبردهای مربوط به تنوع تولید وجود دارد. در حالی که بزرگ ترین Chaebol ها راهبرد تنوع تولید اقلام کالاهای غیر مرتبط پی می گیرند، کسب و کارهای کوچک عموماً راهبرد [ایجاد] ساختار «تولید واحد» یا مسلط^۲ را دنبال می کنند. در حد فاصل دو سر این طیف، کسب و کارهای متوسط قرار دارند که پیروی از تنوع تولیدات مرتبط با هم را ترجیح می دهند. تجزیه و تحلیل مقایسه ای کشورهای مختلف، تکیه کره بر تنوع تولید به منظور رشد را به اثبات می رساند. این تجزیه و تحلیل نشان می دهد صاحبان کسب و کار اقتصادی در کره بیش از ژاپن و ایالات متحده از تنوع تولیدات غیر مرتبط استفاده می کنند.

۳- پیوندهای فن شناختی

شرکت های کره ای با شرکت های خارجی در سطح جهانی پیوندهایی راهبردی ای در مورد انتقال فن شناسی

1. Internal Capital Market.

2. Dominant Product Structure.

برقرار کرده‌اند. یکی از قدیمی‌ترین و ماندگارترین پیوندها بین شرکت‌های کره‌ای و ژاپنی، مورد ارتباط بین Hyundai و Mitsubishi است در صنایع مربوط به خودرو که سهم Mitsubishi ۱۰ درصد سهم Hyundai است. وقتی که این ارتباط نخستین بار در سال ۱۹۸۲ برقرار شد، نمونه بارزی بود از انتقال یک سویه فن‌شناسی که طی آن Mitsubishi فن‌شناسی طراحی موتور و دیگر فن‌شناسی‌ها در اختیار Hyundai قرار داد. با گذشت زمان، طبیعت این ارتباط دگرگون شد تا به بهبود ظرفیت مالی و توان فن‌شناختی Hyundai Motors مساعدت شود. اخیراً، این دو شرکت مشترکاً در مورد [اضراحی و] توسعه مدل جدید اتومبیل کلاس متوسط کار می‌کنند و این درحالی است که حجم‌های کوچک‌تر [موتور] در دو کشور، طراحی و توسعه مشترک را به گزینه‌ای جذاب مبدل ساخته است.

مورد دیگری که در صنایع اتومبیل مشاهده می‌شود سرمایه‌گذاری مشترک^۱ بین جنرال موتورز (GM) و Daewoo است. پیوند راهبردی‌ای که با نمونه‌ای بارز از سرمایه‌گذاری مشترک بین یک MNC و یک شرکت داخلی در اوایل دهه ۱۹۷۰ شروع شده بود در ۱۹۹۲ یعنی وقتی که Daewoo پذیرفت سهم GM را بخرد به پایان رسید. یکی از دلایل به پایان رسیدن این سرمایه‌گذاری مشترک آن بود که سرمایه‌گذاری مشترک قادر نبود به دلیل محدودیت‌هایی که GM بر بازارهای صادراتی و [سیاست] کسب فن‌شناسی وضع کرده بود با موفقیت با Hyundai رقابت کند. این پیوند نمی‌توانست از عهده چالش با محیط جدید صنعتی برآید. درحالی‌که دیگر شرکت‌های کره‌ای رقابت در بازارهای جهانی را شروع کرده بودند، سرمایه‌گذاری مشترک عمدتاً به بازارهای داخلی کره محدود می‌شد.

Kia Motors، که سال گذشته اعلام ورشکستگی کرد و از جانب منابع مالی دولتی حمایت می‌شد، پیوند سه جانبه‌ای با فورد و مزدا منعقد کرده بود. مزدا فن‌شناسی و فورد بازار صادراتی را تدارک می‌دیدند. یک تصمیم گرفت در چند سال آخر اتومبیل‌ها را با نام تجاری خودش صادر کند. اما مقتضیات مالی و مدیریتی مستقل شدن بسیار دشوار بودند.

در زمینه میکرو الکترونیک، شرکت‌های کره‌ای در سطح جهانی بازیگرانی توانا هستند. Samsung در سال ۱۹۹۳ به مقام بزرگ‌ترین تولیدکننده تراشه‌های حافظه نائل آمد. Samsung در مسیر کسب این توانایی، فن‌شناسی را از بیش از ۱۵ شرکت امریکایی و ژاپنی کسب کرد، از جمله شرکت‌هایی نظیر Sharp، NTT، Fujitsu، Micron، Intel، NCR، HP، IBM، Mitsubishi. بعضی از این ارتباط‌ها صرفاً بر انتقال یک سویه فن‌شناسی ناظرند. اما اخیراً این تعامیل پیدا شده است که قراردادها صدور گواهی‌نامه متقابل^۲ را شامل شوند که براساس آن هر دو طرف توافق می‌کنند فن‌شناسی را با یکدیگر مبادله کنند.

صنایع الکترونیک LG، دومین شرکت بزرگ صنایع داخلی کره، نیز بر راهبرد برقراری پیوند متکی است. صنایع LG با Hitachi گروهی تشکیل دادند تا فرایند فن‌شناسی تراشه‌های حافظه را طراحی کنند. Hitachi در مقابل [تضمین] عرضه پایدار تراشه‌های حافظه‌ای، فن‌شناسی تولید آنها را ارایه می‌کند. با این کار Hitachi توانست منابعش را برای تولید و توسعه نسل‌های بعدی تراشه‌هایی حافظه‌ای بهتر به کار بگیرد.

صنایع Hyundai Electronics، سومین تولیدکننده بزرگ تراشه‌های حافظه‌ای هم سرمایه‌گذاری سنگینی در ظرفیت تراشه‌های حافظه‌ای کرده است. Hyundai بعد از آن که در نخستین تلاشش برای نفوذ به بازار ایالات متحده در اوایل دهه ۱۹۸۰ شکست خورد، در چند سال گذشته موفق‌تر عمل کرده است. این شرکت

1. Joint Venture.

2. Cross - Licensing

بانیم دو جین MNC قرارداد گواهی نامه فن شناسی، منعقد کرده است. از جمله با Texas S.G.S Thompson و Texas Instrument و Sharp. خلاصه آن که، شرکت های کره ای با استفاده از پیوندهای فن شناختی راهبردی، حداقل در سطح بازار تراشه های حافظه ای، خود را به سطح تولیدکنندگان جهانی رسانیده اند.

۵- نتایج مترتب بر نقش Chaebol ها

۱- تأثیرات اقتصادی Chaebol ها

تأثیرات اقتصادی Chaebol ها به روش رشد آنها، به دامنه و گستره اعمال قدرت اقتصادی و به نظام ارزش جامعه بستگی دارد. ارزیابی های تأثیرات اقتصادی Chaebol های بزرگ بر توسعه اقتصادی تا حدی جور واجور است.

از یک سو، Chaebol ها به واسطه تأثیرات ناشی از همیاری در کارهای تولیدی چندمنظوره، صرفه های اقتصادی ناشی از مقیاس و کارایی مدیریتی به ارمغان آورده اند. جسارت یا کارآفرینی ریسک پذیر لازم بود تا اقتصاد کره از یک اقتصاد صنعتی بدوی به اقتصادی مدرن، صنعتی و سازگار با فن شناسی پیشرفته تبدیل شود. Chaebol هایی که بتوانند کالاهایی بسیار متنوع تولید کنند بهتر می توانند طرح های پر مخاطره ای را که مستلزم سرمایه گذاری سنگین هستند بر عهده بگیرند. برای مثال، Chaebol ها می توانند طرح های سرمایه گذاری سنگین در صنایعی از قبیل نیمه رساناها، هواپیما سازی و کشتی سازی را تعهد کنند.

از دیگر سو، بسیاری از تحلیلگران مدت ها عمیقاً خود را به موقعیت روز افزون مسلط Chaebol ها در اقتصاد کره مشغول کرده اند. لبه انتقادات به سوی وام گیری افراطی، گسترش مرزهای فعالیت اقتصادی آنها، حتی به قلمروهایی که معمولاً در اختیار بنگاه متوسط و کوچک قرار دارد، متوجه شده است. این انتقادات را می توان به دو گروه تقسیم بندی کرد: بحث درباره سهام و بحث در باره کارایی.

از جنبه توزیعی، Chaebol ها مظهر توزیع ناعادلانه درآمد و تمرکز عظیم قدرت اقتصادی اند. از جنبه کارایی، Chaebol ها بعضاً به عنوان اعمال کننده قدرت انحصاری با استفاده از ساختار گروهی شناخته می شوند. بنگاه هایی که به صورت عمودی ادغام شده اند می توانند به طرز غیر منصفانه تبعیض برقرار کنند. علاوه بر این، یک رقیب ضعیف در یک گروه اقتصادی می تواند از دیگر شرکت های عضو گروه از طریق دستکاری قیمت^۱ یارانه دریافت کند.

۲- نتایج مترتب بر سیاست گذاری

شرایط جدید اقتصادی که جهانی شدن^۲ و رشد سریع فن آوری اطلاعات علت آن است، مستلزم دگرگون شدن نقش حکومت است. مداخله مستقیم در صنایع تک^۳، اعتماد بر Chaebol ها به عنوان ابزار اصلی توسعه، حمایت گسترده، تأکید بر عوامل بنیادی، سمت و سو بخشیدن به سرمایه از طریق تصمیمات حکومت، در مراحل نخستین توسعه کره مناسب داشتند.

اما اگر قرار است صنعت کره باز هم پیشرفت کند، چنین سیاست هایی باید جای خود را به مجموعه ای

1. Price Manipulation.

2. Globalization.

3. Individual Industry.

جدید از اولویت‌ها بدهند. باید تصمیم‌گیری اقتصادی را هر چه بیشتر به بخش خصوصی واگذار کرد تا از آن تمرکززدایی شود. نقش اصلی دولت باید از مداخله مستقیم به فراهم آوردن منابع بنیادین برای ارتقا و خلق محیطی هر چه هیجان‌انگیزتر که بنگاه‌ها در آن به رقابت بپردازند تغییر کند. وضع قواعد مستلزم آن است که تصمیم‌گیری جانشین نقش مستقیم دولت شود. تلاش برای به فعالیت و داشتن عوامل پیشرفته و تخصصی، ارتقای تقاضای داخلی، تأسیس محصولاتی در سطح جهانی و معیارهای زیست محیطی، قدرت اقتصادی غیر متمرکز و تشویق رقابت قلمروهای عمده‌ای هستند که حکومت باید در مرحله بعدی توسعه اقتصادی به آنها وارد شود.

۳- استلزامات مدیریتی

با در نظر گرفتن تغییراتی که در جامعه کره روی می‌دهد، Chaebol‌های فعلی در آینده با چالش مواجه خواهند شد. اگر Chaebol‌ها می‌خواهند به حیات خود ادامه دهند، باید راهی بیابند تا خود را با این تغییرات اقتصادی و اجتماعی، همچنین با چالش‌هایی که در سراسر جهان روی می‌دهد، هماهنگ کنند. اکنون وقت آن فرا رسیده است که Chaebol‌ها تصمیم بگیرند. علی‌رغم پیشرفت اقتصادی چشمگیر و در حقیقت تا حدی به علت همین پیشرفت، اقتصاد کره امروزه با چالش‌های فزاینده‌ای در جبهه اقتصادی روبه‌رو است. نخست، چالش‌های سیاسی به شدت بر Chaebol‌ها تأثیر گذاشته‌اند. حرکت به سوی جامعه دموکراتیک و غیر متمرکز تا حد زیادی از قدرت و تأثیر «شبکه برادر بزرگی»^۱ بین مدیران جمعی و مقامات دولتی عالی مقام کاسته است. چنین روابطی بالضروره همچنان مهم‌ترین جنبه کسب و کار اقتصادی در کره خواهند بود. هر چند صمیمیتی که پیش از این بین این دو گروه وجود داشت کمتر مشهود خواهد بود. شرکت‌های Chaebol در آینده باید به طور روزافزونی به مدیران حرفه‌ای اعتماد ورزند تا آنها را از مسیر رقابت جدید صنعتی هدایت کنند.

دوم آن‌که، Chaebol‌ها باید از طریق ابزار انگاری منطقی^۲ توجه خود را به رشد معطوف سازند. در گذشته، Chaebol‌ها با تکیه بر فرصت‌های تصادفی یا دولتی به کسب و کارهای جدید روی می‌آوردند. توسعه بیشتر در مقام بازیگران جهانی یا بین‌المللی مستلزم گذر از تولید متنوع کالاهای نامربوط به راهبردهای یکپارچه‌تر است. هر واحد اقتصادی باید مجموعه‌ای از قلمروهای محدودتر را که فن‌آوری، مجاری و مشتریان آنها را به هم مربوط می‌سازد شناسایی کند و در صدد برآید تا [در آن قلمرو] در سطح جهانی پیش‌تاز شود به ثمن بخش فروختن زائده‌های تجاری لازم می‌آید اگر شرکت می‌خواهد از رقابت مرکزی در یک حوزه مشخص منتفع شود. این تغییر موضع در راهبرد مشترک نه تنها به سود هریک از گروه‌هاست بلکه به نفع اقتصاد کره به مثابه یک کل نیز تمام می‌شود.

کلام آخر آن‌که، باید پای‌بند بودن Chaebol‌ها به اخلاقیات اقتصادی یا تجاری مورد تأکید قرار گیرد. در مورد Chaebol‌ها با توجه به روند تکاملی و رشدشان در گذشته، اخلاق تجاری باید مورد تأکید قرار بگیرد. هر چه قدر کار دست نامریبی بیشتر به برخورداری کارگزاران اقتصادی از حداقلی از اخلاقیات تجاری وابسته باشد، به همان اندازه سیاست اقتصادی خنثی‌تر است. بر همین قیاس تأثیر خط مشی اقتصادی ناچیز خواهد بود اگر گروه‌های Chaebol مسئولیت‌های احتمالی یکدیگر را به رسمیت نشناسند.

1. Old Boy's Network.

2. Logical Instrumentalism.

موضوع سخنرانی:

تکامل صنایع عمده کره: مروری بر
صنایع اتومبیل و شیمیایی

سخنران: * Boun Jun Song

* عضو هیئت علمی مؤسسه اقتصاد صنعتی و تجارت کره.

ریاست محترم! خانم‌ها، آقایان

اینجانب در فرصتی که در اختیارم است مروری بر صنایع خودروسازی و شیمیایی در کره دارم و می‌کوشم از روند تحولات آن درس‌ها و نتایجی را به این جلسه تقدیم دارم.

۱- صنعت اتومبیل

جذب و بومی کردن فرایندهای تولید و تکنولوژی، مشخصه تاریخی صنعت اتومبیل کره بوده است. رشد سریع صنعت اتومبیل کره در دوران آغازین خود شدیداً تحت تأثیر صنعت اتومبیل سازی ژاپن بوده است. تولید اتومبیل در کره از ۱۲۳ هزار واحد در سال ۱۹۸۰ به ۲۸۲۰ هزار واحد در ۱۹۹۷ رسیده است.

جدول ۱-۱- تولید اتومبیل در کره
وژاپن در دوره ۱۹۵۰-۱۹۹۸
(هزار واحد)

سال	کره	ژاپن
۱۹۵۰	۰	۳۲
۱۹۶۰	۰	۴۸۲
۱۹۷۰	۲۹	۵۲۸۹
۱۹۸۰	۱۲۳	۱۱۰۴۳
۱۹۹۰	۱۲۶۹	۱۳۴۸۷
۱۹۹۷	۲۸۲۰	۱۰۹۷۶
۱۹۹۸	۱۹۵۴	۱۰۰۵۰

مأخذ: اتحادیه صنایع اتومبیل سازی کره (KAMA)

۱-۱- فرایند توسعه

فرایند توسعه صنعت اتومبیل کره به سه مرحله اصلی تقسیم می‌شود.

۱-۱-۱- مرحله اول: مونتاژ ساده قطعات مجزا (۱۹۶۲-۱۹۷۳)

در ۱۹۶۲، حکومت کره برنامه پنج ساله توسعه صنعت اتومبیل را تنظیم کرد. متعاقب آن «قانون حمایت از صنعت اتومبیل» در همان سال از طرف دولت اعلام شد. قانون فوق امکان اعضای معافیت گمرکی برای اجزا و قطعات وارداتی و معافیت مالیاتی برای صنایع مونتاژ را فراهم می‌کرد. علاوه بر آن صنایع مونتاژ داخلی در مقابل واردات اتومبیل خارجی مورد حمایت قرار می‌گرفتند. در نتیجه این اقدامات اولین کارخانه مدرن به وسیله شرکت اتومبیل سازی سیانارا^۱ در ۱۹۶۲ تأسیس شد. بنگاه با عقد قرارداد همکاری فنی با کارخانه نیسان موتور ژاپن، کار خود را با اتصال قسمت‌های مختلف وارد شده از این کشور آغاز کرد. متأسفانه بحران ارزی در ۱۹۶۳ شرکت را به تعطیلی کشاند. علت تعطیلی کار نیز آن بود که شرکت نتوانست ارزش کافی برای واردات قسمت‌های مختلف به دست آورد.

مونتاژ ساده قطعات وارداتی مستلزم فرایند، بومی کردن برخی از قسمت‌ها نظیر تایر و باتری بود. به

1. Saenara.

محض تکمیل مرحله اولیه، گام بعدی، وضع مسئولیت بیشتر بر نیروی فنی کار و سرمایه بومی بود. مشکلات فنی در تولید داخلی قطعات موانع بزرگتری را در مرحله واسطه‌ای بومی کردن ایجاد می‌کرد. با افزایش ظرفیت مونتاژ داخلی، حکومت کره مشوق‌هایی را برای تسهیل تولید داخلی اجزا و قطعات فراهم آورد. حکومت کره در تلاش برای شتاب بخشیدن به برنامه‌های تولید داخلی به اعلام «برنامه اساسی برای تشویق صنعت اتومبیل» دست زد. اهداف آن برنامه دستیابی کامل به تولید داخلی اتومبیل‌های سواری کوچک در پایان ۱۹۷۲ و وسایل نقلیه موتوری در ۱۹۷۴ بود.

در این مرحله هزینه بالا، کیفیت پایین و مقیاس محدود تولید مهم‌ترین مشکلات این صنعت بودند. این مسائل عمدتاً ریشه در اندازه محدود بازار، سطح پایین درآمد سرانه و توسعه نیافتگی صنعت قطعه‌سازی اتومبیل داشت.

در ۱۹۷۴ حکومت کره در تلاش برای رفع این مسائل برنامه جدیدی تحت عنوان «برنامه بلندمدت توسعه صنعت اتومبیل» را ارائه داد.

جدول ۱-۲- نرخ ظرفیت داخلی

نسبت (درصد)	۱۹۶۶	۱۹۶۷	۱۹۶۸	۱۹۶۹	۱۹۷۰	۱۹۷۱	۱۹۷۲
	۲۱	۲۳	۲۷	۳۸	۵۲	۵۸	۶۰

منبع: KAMA

۱-۱-۲- مرحله دوم: ایجاد صنایع اساسی برای تولید

هدف اصلی از برنامه جدید توسعه مدل‌های بومی (۱۹۷۴-۱۹۸۲) اتومبیل با استفاده از ظرفیت تولید داخلی بوده بنابر حرکت از مونتاژ ساده به سمت تولید داخلی قطعات توصیف کننده مسیر صنعت اتومبیل کره در این زمان بوده است. هدف نهایی برنامه تشویق صنعت به سمت صادراتی شدن بود.

استراتژی جدید برای تولید، که اصطلاحاً «اتومبیل مردمی»^۱ نامیده می‌شد، توسط سه بنگاه هیوندای^۲، کیا^۳ و سهان^۴ طراحی شد. این بنگاه‌ها در پی تولید مدل‌های جدید طراحی شده با ظرفیت موتور ۱/۵ لیتر بودند. هدف این بنگاه ساخت ۹۵ درصد اتومبیل در داخل و وارد نمودن ۵ درصد از قطعات اتومبیل بود. این تولید از اول سال ۱۹۷۵ با ۵۰ هزار واحد برای هر مدل آغاز شد.

رشد سریع تولید «اتومبیل مردمی» یا تولید قسمت‌های اصلی در داخل همراه شد. این امر موجب شد که ۹۰ درصد از ارزش اتومبیل‌های سواری کوچک در داخل تولید شود. در ۱۹۸۰ همه قسمت‌ها و تجهیزات اتومبیل، هر چند با کیفیت پایین‌تر از استاندارد بین‌المللی، در داخل تولید می‌شد.

در ۱۹۸۱ زمانی که صنعت اتومبیل مجبور به بازسازی شد، حرکت مهم دیگری از طرف حکومت کره رخ داد. در فقدان رقابت خارجی، صنعت اتومبیل سازی کره در دهه ۱۹۷۰ به صورت غیراقتصادی توسعه یافته بود. در صنایع فوق ناکارایی‌های قابل ملاحظه‌ای وجود داشت. این ناکارایی‌ها ناشی از عواملی همچون استفاده کمتر از ظرفیت و شکست در دستیابی به مقیاس بهینه اقتصادی بود. این مسائل

1. People's car.

2. Hyundai.

3. Kia.

4. Saehan.

در صورت وجود شرایط مساعد برای صنایع، نادیده گرفته می‌شد. با وقوع دومین بحران نفتی که ضربه شدیدی بر کلیت اقتصاد ملی وارد کرد، صنایع اتومبیل سازی به تدریج متوجه مشکلات فوق‌الذکر شدند. در ۱۹۸۰ تولید اتومبیل سواری و خودروهای باری به نصف رسید. از این رو حکومت کره قواعدی را برای اطمینان از بقای صنعت وضع نمود.

۱-۱-۳- مرحله سوم: پیشرفت در تولید انبوه و توسعه صادرات اتومبیل (۱۹۸۳ تاکنون).

اقدامات حکومت در ۱۹۸۱ براساس «برنامه منطقی کردن صنعت اتومبیل» بود. در این سال به ناچار میزان تولید اتومبیل سواری به $\frac{2}{3}$ کاهش یافت. در همان زمان به نظر می‌رسید که ارضای تقاضای زیاد اتومبیل در داخل و بازارهای فرامرزی و رقابت با سازندگان خارجی کار اصلی صنایع اتومبیل است. از این رو صنعت به تجدید سازمان خود، جهت دستیابی به سیستم تولید انبوه، پرداخت.

خوشبختانه با بهبود شرایط اقتصادی داخلی و بین‌المللی، پس از ۱۹۸۲ بنگاه‌های کره‌ای توانستند شرایط مناسبی را در بازار داشته باشند و شروع به افزایش سریع ظرفیت خود کردند. ظرفیت تولید از ۳۳۷ هزار واحد در ۱۹۸۳ به ۶۸۳ هزار واحد در ۱۹۸۵ افزایش یافت. دوو در اواخر سال ۱۹۸۶ پروژه T-car خود را به اتمام رساند. امکانات دوو اجازه تولید ۱۶۷ هزار واحد در سال را می‌داد. کیا نیز با همکاری مزدا موتور ژاپن و با ظرفیت ۱۲۰ هزار واحد در سال وارد عرصه تولید شد. در همان سال هیوندای با احداث دومین کارخانه در اولسان^۱ ظرفیت خود را به یک و نیم میلیون واحد افزایش داد.

صنعت اتومبیل سازی کره، با کسب موفقیت توسط هیوندای در امریکای شمالی، پشتتازی خود در بازار جهانی را به دست آورد. فروش هیوندای بالاتر از انتظار بود. در ۱۹۸۴ یعنی اولین سال صادرات اتومبیل کره، پونی^۲ با فروش متجاوز از ۲۴ هزار واحد موفق‌ترین اتومبیل در بازار کانادا بود. در سال بعد این موفقیت در امریکا تکرار شد.

هیوندای با صدور ۳۱۴ هزار واحد به امریکا در ۱۹۸۷، عنوان چهارمین صادر کننده اتومبیل را به خود اختصاص داد. شرکت‌های دوو و کیا موتور نیز از طریق شرکای بازرگانی خود ورود موفقیت آمیزی به بازار امریکا در ۱۹۸۷ را تجربه کردند. موفقیت‌های مذکور در بازارهای جهانی، از اهمیت زیادی برای صنایع اتومبیل کره برخوردار بوده است. این نشان دهنده آن است که اتومبیل‌های کره‌ای هم از نظر کیفیت و هم از نظر قیمت قادر به رقابت در بازار بین‌المللی هستند.

این موقعیت در بازارهای خارجی دیری نپایید. برای اولین بار پس از شروع صادرات در ۱۹۸۶، محموله‌های صادراتی در سال ۱۹۸۹ برگشت داده شد.

جدول ۱-۳- روند فروش داخلی و صادرات

(هزار واحد)

۱۹۹۸	۱۹۹۷	۱۹۸۸	۱۹۸۵	۱۹۷۶	
۷۸۰	۱۵۳۰	۵۲۰	۲۵۰	۳۶	فروش داخلی
۱۳۶۲	۱۳۲۰	۵۸۰	۱۲۰	—	صادرات (A)
۱۹۵۴	۲۸۲۰	۱۰۸۰	۳۸۰	۳۷	تولید (B)
۶۹.۷	۴۶.۸	۵۳.۷	۳۱.۶	—	A/B (درصد)

1. Ulsan.

2. Pony.

اخیراً گرایشی در جهت حرکت از صادرات به سمت بازار داخلی ایجاد شده است. مسلماً بازار ایالات متحده قادر به جذب رشد تولید صنعت اتومبیل کره نخواهد بود. تلاش صنایع برای یافتن بازارهای صادراتی در اروپا و آسیا افزایش خواهد یافت. از طرف دیگر توجه بیشتری معطوف بسط و توسعه بازارهای داخلی خواهد شد که این به معنای ایجاد ضربه گیر و محافظ در مواجهه با نوسانات احتمالی ناشی از بی ثباتی در بازارهای خارجی است.

از بحران پولی در نوامبر گذشته، صنعت اتومبیل کره با موقعیت بی سابقه‌ای مواجه شده است. بر اثر برنامه‌های محدود کننده صندوق بین‌المللی پول، تقاضای داخلی برای اتومبیل به نصف کاهش یافته است. نرخ استفاده از ظرفیت به کمتر از ۵۰ درصد در سال ۱۹۹۸ افت پیدا کرده است. تعدیل وسیع در صنعت اتومبیل کره اجتناب‌ناپذیر است. در سال گذشته هیوندای یعنی بزرگ‌ترین شرکت اتومبیل سازی، با کوبا ادغام شد.

۱-۲- مشخصات صنعت

۱-۲-۱- نرخ پایین تولید در درون کارخانه

به موازات توسعه صنعت اتومبیل سازی کره، صنعت ساخت قطعات و تجهیزات در سال‌های اخیر رشد اساسی یافته است. این صنعت با در برداشتن بیش از ۲۰۰۰ شرکت، بسیار پراکنده و غیر متمرکز است دولت کره توسعه صنعت ساخت قطعات را به خاطر اطمینان از ظرفیت بالای داخلی تشویق کرده است. همان‌طوری که انتظار می‌رود، توسعه بخش قطعات و تجهیزات دچار افت و خیزهایی بوده است.

مسائل متعددی مانع پیشرفت می‌شد. اولین مسئله رسیدن به اقتصاد مقیاس بود. محدودیت امکانات تولیدی، همراه با سطح پایین تقاضای بازار، موجب شد که بسیاری از شرکت‌ها، تولیدی کمتر از حد بهینه داشته باشند. دومین مسئله این که توسعه صنعت اتومبیل در مسیری نامطمئن و بی ثبات قرار داشت. سومین مورد، وجود محدودیت‌های کیفی بود. محدودیت‌های فوق امکانات بخش را به سمت عرضه جهت صادرات سوق می‌داد. چهارمین مسئله وابستگی بیش از اندازه بخش به تکنولوژی ژاپنی بود و وابستگی بیش از حد به یک منبع خطرناک بود و حال آن که کره مصمم بود یک صنعت موتوری مستقل داشته باشد.

به عنوان نتیجه، سیمای قابل توجه صنعت اتومبیل این است که سهم عمده‌ای از لوازم و قطعات به وسیله تولید کنندگان مستقل فراهم می‌شود. اعتقاد بر این است که تولیدات درون کارخانه‌ای پاسخگوی کمتر از ۲۰ درصد کل قطعات مورد نیاز است. ۸۰ درصد باقی مانده قطعات و تجهیزات می‌باید به وسیله تولید کنندگان محلی و خارجی تأمین شود. نسبت پایین تولید درون کارخانه‌ای یادآور این واقعیت است که سیستم مقاطعه کاری کره در صنعت اتومبیل، بیشتر از الگوی امریکایی از الگوی ژاپنی پیروی می‌کند، مشخصات اصلی سیستم مقاطعه کاری ژاپنی به شرح زیر است:

یک شرکت اصلی در رأس مثلث سلسله مراتبی قرار گرفته که خط اصلی آن به وسیله تعداد زیادی از بنگاه‌های فرعی شکل می‌گیرد. هر کدام از بنگاه‌ها وابستگی عمودی نزدیکی با شرکت اصلی دارند.

شرکت اصلی از طریق قسمت بازرگانی خود به طور هم‌زمان همکاری خود با شرکت‌های فرعی را دنبال می‌کند. در ساده‌ترین شکل یک شرکت فرعی معمولاً ارتباط خود را تنها با یک یا دو شرکت اصلی حفظ می‌کند. شرکت اصلی نه تنها سفارشات را به شرکت‌های فرعی می‌دهد، بلکه تشویق‌های خود برای رشد

این بنگاه‌ها را افزایش می‌دهد. درجه ادغام عمودی به قدری شدید است که به تولیدات شرکت‌های فرعی به عنوان نمادی از تغییر تولید درون کارخانه‌ای در شرکت‌های اصلی نگریسته می‌شود.

سیستم کره‌ای کمابیش مشابه سیستم ژاپنی است، با این وجود تفاوت‌های مهمی بین این دو سیستم وجود دارد. در کره هیچ مساعدت اساسی از طرف شرکت اصلی به مقاطعه‌کاران و شرکت‌های فرعی نمی‌شود. دلیل احتمالی آن نیز است که کمبود سرمایه و تکنولوژی در شرکت‌های اصلی، ارائه کمک‌های فنی و مالی به شرکت‌های فرعی را با مشکل مواجه می‌کند. به دلیل مقیاس کوچک تولید و تغییر دائمی در طراحی‌ها و مدل‌ها، شرکت‌های اصلی علاقه چندانی به حفظ ارتباط نزدیک با شرکت‌های فرعی ندارند. بنابراین ساخت قطعات و تجهیزات در یک فضای رقابتی به شرکت‌های فرعی واگذار می‌شود. همچنین بخشی از شرکت‌های فرعی نیز علاقه چندانی به پیوستن به شرکت‌های اصلی ندارند. از آنجایی که شرایط و مدت قرارداد غالباً از طرف شرکت اصلی (و مادر) تعیین می‌شود، شرکت‌ها و بنگاه‌های فرعی مدعی تحمیل خسارت اقتصادی در برخی از موارد بودند.

بنابراین در سال ۱۹۸۷ دولت اقداماتی را برای تغییر سیستماتیک روش‌های مقاطعه‌کاری بر عهده گرفت. در همین رابطه موارد قانونی مهمی که در اولویت قرار داشتند، توسط دولت تعیین شد. حمایت‌های تشویقی به بنگاه‌هایی داده می‌شد که در تولید اقلامی خاص تخصص داشتند. این حمایت‌ها به شکل تسهیلات اعتباری با نرخ بهره پایین با دسترسی آسان به تکنولوژی و سرمایه خارجی، مساعدت‌های فنی شامل خدمات مشاوره‌ای و امکانات کارآموزی بود.

در این رابطه جالب است به این نکته توجه شود که دولت به دنبال توسعه دو شکلی افقی از سیستم قراردادهای مقاطعه‌کاری بوده در این سیستم متخصصان قطعه‌سازی، تولید خود را نه به یک بنگاه اصلی بلکه به چندین بنگاه عرضه خواهند کرد. در سال ۱۹۸۷، ۲۱۱ تولیدکننده قطعات و تجهیزات تحت پوشش سیستم تجدید سازمان یافته به تولید و عرضه محصولات خود پرداختند. سیستم در اصل خود به صورت عمودی و انحصاری بود. به این معنی که مقاطعه‌کاران محصولات خود را به سازندگان مختلف اتومبیل عرضه نمی‌کردند (سیستم ژاپنی). سازندگان اتومبیل رقابتی از استفاده رقبا از فرایندهای اختصاصی تولید خود بیمناک بودند، هرچند تحت شرایط قراردادهای عمودی و انحصاری امکان افزایش بیهوده سرمایه‌گذاری نیز وجود داشت.

در سال ۱۹۸۷ موقعی که در اثر به درازا کشیدن منازعات در برخی از کارگاه‌ها تحویل لوازم و تجهیزات به مونتاژکاران دچار اختلال شد، سازندگان اتومبیل پیشنهاد ایجاد یک سیستم خرید متقابل را کردند. آنها در اوایل ۱۹۸۷ با قراردادهای خرید متقابل برای قسمت‌هایی نظیر موتور و برف پاک‌کن به خاطر اطمینان از تحویل لوازم مورد نیاز و کاهش وابستگی به واردات موافقت کردند. این سیستم نه تنها مقاطعه‌کاران و شرکت‌های فرعی را قادر به استفاده از منافع تولید در مقیاس بزرگ می‌کرد، بلکه امکاناتی را برای افزایش تخصص، که لازمه بهبود کیفیت بود، فراهم می‌کرد. (سیستم امریکایی).

اما سیستم مقاطعه‌کاری افقی موفقیت انحصاری را به عرضه‌کنندگان می‌داد، در نظر داشته باشید که فعالیت بیش از یک بنگاه در هر قلم جنس رقابت بین تولیدکنندگان را افزایش می‌دهد.

بنابراین توسعه سیستم قراردادهای افقی امکان ضربه شدید بر روی توسعه آتی بخش تولید لوازم و تجهیزات کره را داشته است، به علاوه این به معنی آن است که سیستم کره‌ای تلاش می‌کند که مشخصات

سیستم امریکایی را به خاطر حل مسائل مذکور جذب کنند. به عبارت دیگر در صنایع کره، ادغام سیستم امریکایی و ژاپنی انجام شده است.

۱-۲-۲- وابستگی تکنولوژیکی به ژاپن

درست همان طوری که صنایع اتومبیل کره متکی به بازار امریکا است. از نظر توسعه تولید و تکنولوژی وابسته به ژاپن است. اگر صنعت بخواهد به صورت مستقل توسعه یابد، تغییر در این امر ضروری و لازم است. اغراق آمیز نیست که اگر گفته شود، وابستگی به ژاپن یک امر نگران کننده است.

تسلط ژاپنی ها عمدتاً ریشه در قراردادهای فروش امتیاز بین تولیدکنندگان کره ای تجهیزات و شرکت های خارجی دارد، تا سال ۱۹۸۸ شرکت های کره ای ۵۱۶ قرارداد خرید امتیاز با شرکت های خارجی داشته اند که ۲۹۸ قرارداد (۵۹ درصد) مربوط به شرکت های ژاپنی بوده است. در مقابل ۸۵ قرارداد با شرکت های امریکایی ۳۶ قرارداد با شرکت های آلمان غربی منعقد شده است. همین الگو در مورد قراردادهای مشارکتی نیز برقرار است. تعدادی از قراردادهای مشارکتی با امریکا از وسعت زیادی برخوردارند که دلالت بر افزایش نقش کره به عنوان منبع مهم قطعات و تجهیزات در بازار جهانی دارد. همه سه تولیدکننده بزرگ امریکایی، کره را منبع مهمی برای اداره صنعت خود می دانستند و به این کشور به عنوان قسمت کلیدی در قراردادهای شان توجه دارند. ارتباط بین ژاپن و کره رو به تیرگی می رود. این امر موجب رقابت شدیدتر در بازار جهانی خواهد شد. یک سازنده اتومبیل که خواهان آزادی عمل در تجارت بین المللی است، چندان تمایلی به وابستگی بیش از حد به یک منبع تکنولوژی ندارد. این نکته توضیح دهنده افزایش فعالیت تولیدکنندگان کره ای در جهت جستجوی شرکا و فرصت های جدید در اروپای غربی و امریکای شمالی است. در این حالت، در بازارهای اصلی، گرایش مبنی بر قرارداد دادن تولیدکنندگان کره ای در اولویت دوم وجود دارد. البته این یک مانع دائمی نیست ولی وقتی که توجه به سمت حرکت به بازارهای بزرگ است، در تصور بدی را به وجود می آورد.

۱-۲-۳- ساختار انحصاری دولت

قبل از بازگشت مجدد کیا در سال ۱۹۸۷، بازار اتومبیل های سواری صحنه رقابت بین هیوندای و دوو بود. زمانی که کیا تولید اتومبیل سواری خود را از سر گرفت، بازار داخلی اتومبیل تغییر زیادی پیدا کرد. سهم هیوندای در بازار از ۷۰/۱ درصد در سال ۱۹۸۶ به ۵۶/۳ درصد در سال ۱۹۸۷ کاهش یافت. از طرف دیگر سهم دوو از ۲۹/۹ درصد ۳۱/۴ درصد افزایش یافت. با ارائه اتومبیل پراید، سهم کیا در بازار به ۱۲/۳ درصد رسید. در سال ۱۹۹۷ سه شرکت اصلی (هیوندای با ۴۲/۷ درصد، کیا با ۲۳/۴ درصد، دوو با ۱۹/۴ درصد)، در مجموع ۸۵/۵ درصد فروش وسایل نقلیه را از آن خود کرده اند. این نشان دهنده ساختار انحصار چند جانبه در بازار و نتیجه کنترل مستقیم دولت بر روی تعداد بنگاه ها در یک صنعت مشخص است.

رویکرد اصلی دولت تعدیل بازار به صورتی است که هر بنگاه بتواند، بدون نگرانی درباره استراتژی رقابت، به تخصص در بازار دست یابد. در نتیجه بنگاه های کره ای تحت شرایط وجود حمایت دولت، توجه خود را به افزایش ظرفیت تولید و حصول به اقتصاد مقیاس معطوف کرده اند. در طول زمان پیشرفت فنی و سرمایه گذاری به همراه هم به آنها کمک کرده که وارد بازار خارجی شوند.

در زمانی که هیوندای و دوو اجازه یافته بودند صاحب کارخانه وسایل نقلیه سبک شوند، سیاست های

1. Licensing agreement.

2. Joint Venture.

اصلاحی حکومت کره، امکان ورود مجدد کيا به صنعت اتومبيل را فراهم کرد، از آن به بعد رقابت در بازار داخلی فشرده تر شد.

در جولای سال ۱۹۸۹ حکومت کره از میزان محدودیت در تولید وسایل نقلیه داخلی کاست. گروه سامسونگ (یکی از سه مجتمع بزرگ کره ای) جز داوطلبان جدیدی بود که تمایل به آغاز فعالیت تولیدی در بازار اتومبيل داشت.

۱-۲-۴- سیاست های حکومت

سیاست های تشویقی حکومت در صنعت اتومبيل در سه دهه گذشته نشان دهنده چهره های متفاوتی از مراحل مختلف توسعه است. در سال های آغازین صنعت، منابع اقتصادی در جانشینی واردات و ساخت کامل وسایل نقلیه و پس از آن قطعات و تجهیزات متمرکز بود.

وقتی فرایند جانشینی واردات به پایان خود رسید، حکومت از سیاستی که اصطلاحاً به آن «سیاست منطقی کردن» گفته می شد، استفاده کرد. هدف از این سیاست کاهش هزینه ها بود. سیر طبیعی تحول بررسی این مسئله بود که اندازه محدود تولید مانع جدی در رقابت عمیق است. صنعت اتومبيل کره اولین موفقیت خود را در صادرات با مقیاس وسیع وقتی تجزیه کرد که سیاست منطقی کردن هنوز به نتیجه نرسیده بود. گفته می شد اقدامات مختلف حکومت جهت تشویق و توسعه صادرات، سهم زیادی در کسب موفقیت در بازار خارجی دارد.

هم اکنون همه آگاهند که حرکت صادرات کره به سمت آنها به ناچار بازارهای شان را می گشاید. این امر در مورد بازار اتومبيل صحیح است. به این معنی به علت سیاست توسعه صادرات در سال های قبل، سیاست آزادسازی در حال حاضر اعمال شده است.

ما در این فصل ابعاد اصلی سیاست حکومت را مورد بحث قرار می دهیم. اینها شامل سیاست جانشینی واردات، توسعه صادرات، منطقی کردن صنعت و آزادسازی است.

۱-۳- جانشینی واردات

همانطوری که قبلاً گفته شده صنعت اتومبيل کره کار خود را با مونتاژ ساده قطعات وارداتی آغاز کرد. همراه با انباشت دانش و فن لازم برای اتومبيل، سهم تجهیزات و قطعات داخلی در ارزش اتومبيل افزایش پیوسته ای را نشان می دهد.

حکومت با اعلام برنامه اساسی برای توسعه صنعت اتومبيل، تأکید زیادی بر روی تولید داخلی تجهیزات و قطعات می کرد. برنامه معین و زمان بندی شده ای برای ظرفیت تولید داخلی هر یک از اقلام وضع شد. بر طبق برنامه، تولید داخلی هر یک از اقلام به یک تولیدکننده معین واگذار شده این کار از طریق تغییر در تمهیدات تشویقی انجام می شد. حکومت بر اساس عملکرد هر تولیدکننده در سال های گذشته حجم تولید هر یک را مشخص می کرد. معافیت گمرکی برای مواد خام مورد استفاده در تولید داخلی برقرار شد. به صنعت گرانی که به اهداف تعیین شده دست می یافتند، ارز تشویقی جهت واردات اتومبيل سواری داده می شد. سرمایه گذاری در اقلامی نظیر موتور و میل لنگ مورد تشویق قرار گرفت. اعتبارات بانکی تشویقی برای بنگاه هایی که در کارخانه های تولید تجهیزات و قطعات سرمایه گذاری کرده بودند، فراهم بود. در نتیجه این حمایت ها سهم تولید داخلی سریعاً افزایش یافت و به ۶۰ درصد ارزش همه قسمت های

اتومبیل سواری و ۵۰ درصد در وسایل نقلیه باری در اوائل دهه ۱۹۷۰ رسید. موفقی که سهم تولید داخلی به ۸۰ تا ۹۰ درصد رسید. دولت می تواند مبادرت به توسعه مدل های مختلف ماشین سواری کند. همچنین در دهه ۱۹۷۰ توجه قابل ملاحظه ای به ترنیتات درونی اتومبیل شد. اتومبیل های مردمی در این دوران به وجود آمد.

حکومت. شرکت های خصوصی را به شتاب بخشیدن توسعه مدل های اتومبیل تشویق کرد. گرایش حکومت در برنامه توسعه بلندمدت صنعت اتومبیل در ۱۹۷۴ مشخص شد. در اثر تشویق های برنامه. سرمایه گذاری هنگفتی به وسیله صنایع مونتاژ در جهت افزایش ظرفیت انجام شد. در پایان سال ۱۹۸۰ ظرفیت تولید به ۲۳۸ هزار واحد رسید. از سال ۱۹۷۵ به بعد بر اثر تقاضای داخلی. تولید اتومبیل افزایش زیادی یافته و به ۲۰۳ هزار واحد در ۱۹۷۰ رسید و به نظر می رسد که سیاست جانشینی واردات به اندازه کافی تأثیرات خود را بر صنعت اتومبیل گذاشته بود.

با وجود این باید متوجه بود که جانشینی واردات با قربانی کردن مصرف کنندگان به دست آمده بود. قیمت اتومبیل در بازار داخلی بالاتر از بازار بین المللی بوده. مزیت ناشی از دستمزد پایین. به دلیل اثر منفی تولید در مقیاس محدود و تکنولوژی ضعیف تحت فشار قرار می گرفت. از این گذشته قیمت های اتومبیل مستقیماً به وسیله حکومت کنترل می شد. حکومت مالیات فروش سنگینی به میزان بیش از ۴۰ درصد قیمت سایر ماشین های سواری کوچک وضع کرد.

۱-۴- سیاست توسعه صادرات (E-P)

تنظیم مقدماتی استراتژی توسعه صادرات در ۱۹۷۲ صورت گرفت. به دلیل آگاهی از مشکلات این کار. با توسعه الگوهای کمره ای. ماشین های کوچک به عنوان کالاهای صادراتی انتخاب شد. انتخاب ماشین ارزان قیمت «اتومبیل مردمی» منعکس کننده این مطلب بود که تکنولوژی عقب مانده کمره ای می تواند براساس قیمت و نه کیفیت به رقابت بپردازد. به علاوه جهت تمرکز بر روی «اتومبیل مردمی» کره تولید اتومبیل های خارجی بزرگ تر را به ۲۰ درصد تولید کارخانه ها محدود کرد.

به هر حال بزرگترین ابتکار حکومت در دهه ۱۹۷۰ درک این مسئله است که موفقیت استراتژی توسعه صادرات نیازمند گسترش و توسعه مدل های خاص کمره ای است. این کار توسط صنعت گران پیشرو یا انجام ابتکارات مهم در فرایند تولید صورت می گیرد.

اعتقاد بر این است که اتخاذ استراتژی توسعه صادرات حکومت. سهم عمده ای در گسترش صادرات دارد. از طرف دیگر پذیرش استراتژی توسعه صادرات نتیجه معکوسی بر روی بازار داخلی صنعت اتومبیل داشته بود. اگرچه منطق استراتژی توسعه صادرات به معنی ممانعت از تقاضای داخلی نیست. اما اتخاذ این استراتژی تأثیر زیادی در بی میلی حکومت به سوق دادن امکان گسترش بازار داخلی به سمت پتانسیل های کامل خود دارد. بحران نفتی و نگرش اساسی حکومت مبنی بر لوکس بودن اتومبیل. دلیل اساسی وضع مالیات و کنترل کمی توسط اوست. برای مثال در ۱۹۸۱، ۱۲ مالیات عمده بر روی اتومبیل ها قبل از تحویل نهایی به مصرف کننده و ۵ مالیات مختلف در مراحل مختلف عملیاتی تولید اتومبیل وضع شد. انتظار نمی رود که اقتصاد کره به سرعت گذشته رشد پیدا کند. انتظار می رود که رقابت در بازار جهای فشرده تر و سخت می شود. همچنین توجه به کنترل آلودگی. طرح های ابتکاری خاصی را می طلبد. در نتیجه مشکلات

فزاینده‌ای در راه توسعه موفقیت‌آمیز صنعت اتومبیل به عنوان صنعت صادراتی وجود دارد. در نگرشی به مشکلات فراروی صنعت اتومبیل، لازم است که شرکت‌های اتومبیل‌سازی کره تلاش‌های خود را در زمینه تحقیق و توسعه افزایش دهند.

۱-۵- سیاست منطقی کردن

تا سال ۱۹۸۱ سیاست اصلی حکومت حفظ ساختار رقابتی با استفاده از دادن امکان تولید اتومبیل به دو یا چهار بنگاه بود. هدف این کار جلوگیری از سکون انحصاری ساختار تک‌بنگاهی و تشویق توسعه با استفاده از رقابت بود. اثرات مرکب سرمایه‌گذاری‌های مشابه و هنگفت، رشد آرام صادرات، سخت‌تر شدن شرایط محدود بازار داخلی و افزایش تولیدکنندگان نهایی برای توسعه بلندمدت صنعت خطرناک است. اما خطر سیاست‌های گذشته تنها پس از ۹ رکود تجاری در ۱۹۷۹، درک شد. آزمون مجدد سیاست‌های گذشته منجر به کاهش شدید در فروش داخلی اتومبیل و افزایش مشکلات در راه صادرات آن شد.

واکنش حکومت به محدودیت تقاضا، منطقی کردن صنعت بود. از ۱۹۷۵ تعداد تولیدکنندگان اتومبیل به سه تولیدکننده کاهش یافته بود. در ۱۹۸۰ حکومت دو برنامه برای ترکیب هیوندای و همان برای تولید ماشین‌های سواری و وسایل نقلیه با بیش از ۵ تن را اعلام کرد. برنامه اصلی از لحاظ عملی شکست خورد و حکومت نتوانست هیوندای و هیات را به توافق برساند.

در نتیجه حکومت برنامه منطقی کردن صنعت اتومبیل را در فوریه ۱۹۸۱ اعلام کرد. بخش اتومبیل‌های سواری یک ساختار رقابت دوگانه بین بهاق و هیوندای داشت. تولید وسایل نقلیه تجاری نیز به وسیله ترکیبی از کیا و دونگ‌آه انحصاری شده بود. در همان زمان کیا و دونگ‌آه ادغام در یک شرکت را پذیرفتند. منطقی کردن صنعت، که به نظر می‌رسید گام مهمی به سمت رقابت بین‌المللی و اهداف بلندمدت باشد، نتوانست مسائل اساسی صنعت را حل کند. مشکلات صنعت تنها به علت محدودیت تقاضای داخلی به وجود نیامده بود، بلکه دسترسی محدود به تکنولوژی نیز یکی دیگر از علل مشکلات بود. با توجه به سازمان صنعتی، تغییر دیگری در سیاست حکومت ضروری وجود داشته است. حکومت معتقد بود که زمان برای افزایش رقابت در بازار مناسب است. این دیدگاه مطابق با شیوه آزادسازی که اخیراً بر توسعه کشور اثر گذاشته بود. بر این اساس سیاست‌های پیشرو در منطقی کردن بخش در سال ۱۹۸۱ کاملاً معکوس شد. به پیروی از سیاست مقررات‌زدایی صنعت اتومبیل، کیا با داشتن رابطه شدید با مرز و فوراً در ۱۹۸۷ مجدداً وارد بازار اتومبیل سواری شدند.

۱-۶- سیاست آزادسازی

برای مدت طولانی بازار اتومبیل کره شدیداً بر روی اتومبیل‌های خارجی بسته بود. لیکن گشایش بازار داخلی را نمی‌توان دائماً به تعویق انداخت. در جولای ۱۹۸۷ حکومت محدودیت‌های مختلف بر روی واردات اتومبیل‌های ۲ لیتر به بالا را لغو کرد. در ۱۹۸۸ آزادسازی به اتومبیل‌های کمتر از دو لیتر نیز بسط یافت. در ۱۹۹۴ عوارض گمرکی از ده درصد به هشت درصد کاهش یافت. با این وجود فرایند آزادسازی اثر معنی‌داری بر روی بازار کره نداشت. در ۱۹۸۸ تنها ۳۰۰۰ اتومبیل وارد کره شدند.

۱-۲- فرایند توسعه

صنعت شیمیایی کره بر اثر سیاست‌های حکومت از دهه ۱۹۷۰ رشد سریعی پیدا کرد. هم‌اکنون از نظر توسعه در مرحله حرکت به سمت جهانی شدن و تولید با ارزش افزوده بالا همراه با ترتیب مجدد ساختاری است. تغییر تدریجی در استراتژی‌های رشد از جانشینی واردات به سمت استراتژی نگاه به پیروزی ناشی از اشباع بازار داخلی و محدودیت آن است. در این مسیر ساختار تولید در صنعت شیمیایی از تولیدات معمولی پتروشیمی به مواد شیمیایی حساس و خاص که شامل مواد جدید و بیوتکنولوژی‌هاست، تغییر یافته است. صنعت شیمیایی کره از اوایل دهه ۱۹۷۰ رشد سریعی یافته است. در ۱۹۷۲ صنایع پتروشیمی با برپایی مجتمع پتروشیمی اونسان^۱ حرکت وسیعی را آغاز کرد. (۱۵۵ هزار تن اتیلین در سال) که این امر با احداث مجتمع یوچان^۲ در ۱۹۷۹ (۳۵۵ هزار تن اتیلین در سال) دنبال شد. حرکت فوق نتیجه تلاش حکومت در راه‌اندازی برنامه نو سازی صنعت بود. پس از آن به کمک دولت و بسط تقاضا برای تولیدات شیمیایی به موازات رشد بالای اقتصادی، این زیربخش سریعاً رشد یافت. از نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ به بعد، پس از افت قیمت نفت و افزایش تعداد تولیدکنندگان مرحله دوم رشد صنعت رخ داد، برنامه توسعه پتروشیمی، که قیمت‌ها و توسعه ظرفیت را قانونمند می‌کرد، در ۱۹۸۶ لغو شده بود.

با لغو قانون، سرمایه‌گذاران نیاز زیادی به تصویب سرمایه‌گذاری جدید نداشته و استقلال کامل در تصمیم‌گیری را به دست آوردند. عرضه کنندگان نفت که به وسیله خریداران بزرگ جذب شده بودند، شروع به شرکت در تولید مواد پتروشیمی کردند. صاحبان کارخانه که قبلاً دچار مشکل کمبود مواد اولیه بودند، فعالیت خود را به مواد پتروشیمی اصلی گسترش دادند. گذشته از این دو مجتمع بزرگ کره‌ای یعنی سامونگ و هیوندای نیز وارد صنعت پتروشیمی شدند. این تغییرات موجب ایجاد جهش سوم در صنایع پتروشیمی شد که با تولید ۳/۵ میلیون تن اتیلین در هر سال، کره را به مقام پنجم در دنیا رساند.

زیر بخش مواد شیمیایی حساس نیز با توسعه فعال ظرفیت تولیدی به منظور جانشینی واردات، سریعاً رشد یافت.

در دهه ۱۹۷۰، با آغاز صادرات به کشورهای شرق آسیا، ساختار واردات از کالاهای نهایی به مواد خام تغییر یافت. پیشرفت‌هایی در زیر بخش مواد شیمیایی حساس نظیر تولید داخلی فیلم‌های سیاه - سفید، ترکیب موفقیت‌آمیز تولید Ethambutol و برخی مواد واسطه‌ای همچون سموم حاصل شد.

در اواخر دهه ۱۹۷۰، انستیتوهای تحقیقاتی تلاش کردند تا از تکنولوژی ترکیبی مواد پیروی کنند که فرایند اصلی در مواد شیمیایی حساس بود. در نتیجه پیش از نیمی از مواد لازم برای تولیدات شیمیایی کشاورزی در اوایل دهه ۱۹۸۰ در داخل تولید شد. حکومت کره با استفاده از سیاست‌های مختلف برای توسعه صنایع شیمیایی حساس تلاش زیادی کرد.

1. Ulsan.

2. Youchun.

جدول ۱-۲- فرایند توسعه صنعت شیمیایی کره در طول زمان

دوره	زمینه اصلی تولید	پتروشیمی	مواد شیمیایی حساس
دهه ۱۹۶۰	- بالایش نفت - کود شیمیایی	- برنامه برای تولید PVC و مجتمع شیمیایی اولسان - نخستین دوره رشد	- تولید کالای نهایی با تکنولوژی وارداتی
دهه ۱۹۷۰	- پتروشیمی (عمدتاً) مواد اساسی - پتروشیمی، تولیدات عمومی	- مرحله اولیه رشد - تکمیل مجتمع شیمیایی یوچان و اولسان	- تولید کالاهای پیچیده وسیله پردازش مواد وارداتی - تولید مشابه و غیرحلقه مواد با استفاده از تکنولوژی وارداتی
دهه ۱۹۸۰	- پتروشیمی (عمدتاً) شیمیایی - مواد شیمیایی پلیمری	- مرحله رشد زیاد - توسعه واحدهای امکانات جدید در مجتمع ها	- ترکیب ساده مواد - آغاز توسعه تولید پردازش مواد جدید
دهه ۱۹۹۰	- مواد شیمیایی حساس - مواد جدید - بیوتکنولوژی	- مرحله اشباع - تکمیل مجتمع Daesan - توسعه و تکمیل	- مرحله اولیه تولید مواد جدید

بر اثر تلاش های حکومت، شرکت های بزرگ در زیربخش مواد شیمیایی حساس و تحقیق و توسعه در این بخش فعال شده بودند. به خصوص انتشار قانون حق ثبت مواد نقطه عطفی در بخش صنایع شیمیایی حساس است. با معرفی این سیستم، تقلید در تولید این مواد ممنوع شده، به طوری که تلاش های زیادی برای کسب توانایی مستقل توسعه مواد جدید انجام شد. حکومت بخش صنایع شیمیایی حساس را به عنوان صنعت استراتژیک صادراتی را توسعه داد.

این تلاش ها همراه با دورنمای تقاضای زیاد منجر به نرخ بالای رشد ۱۶ درصد در دهه ۱۹۸۰ شده و سرمایه گذاری در این بخش با ورود بنگاه های پتروشیمی به مواد شیمیایی حساس استمرار یافت. هم اکنون محور تولید حرکت از تولید مواد مشابه به توسعه و تولید مواد جدید است.

۲-۲- موقعیت صنعت شیمیایی در اقتصاد کره

تولیدات شیمیایی فراهم کننده تولید پلاستیک، نخ، کود، مواد واسطه ای شیمیایی و حتی مواد خام برای تولیدات صنعتی و مصرفی هستند.

ارتباط با مصرف کنندگان تولیدات صنعتی، صنعت شیمی را نسبت به شرایط داخلی و جهانی اقتصاد حساس می سازد.

در نیمه اول دهه ۱۹۸۰، بر اثر شرایط رکود اقتصاد جهانی و بحران نفتی، صنایع شیمی کره در رشد پایینی از تولید و ارزش افزوده را تجربه کرده است. اما بعد از نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ افزایش شدید تقاضای داخلی

برای تولیدات شیمیایی رشد سریعی را در این صنعت ایجاد کرد. در طی دوره ۱۹۸۳-۱۹۹۶ تولید این صنعت با نرخ ۱۴/۹ و ارزش افزوده با نرخ ۱۷/۲ در صد رشد یافته است. در نتیجه اهمیت صنایع شیمی در بخش صنعتی به تدریج افزایش یافته است.

در سال ۱۹۸۸ سهم صنایع شیمیایی از کل ارزش افزوده کل صنعت ۱۲/۴ درصد بود. این سهم در سال ۱۹۹۶ به ۱۳/۱ درصد افزایش یافته است.

بررسی میزان تولید نیز نشان دهنده افزایش سهم این صنعت به ۱۲/۶ درصد در تولید است.

جدول ۲-۲- با موقعیت صنایع شیمیایی در اقتصاد کره

سال	شیمیایی (D)	صنعتی (A)	سهم به درصد (B/A)	
۱۹۸۳	۳۸۷۹	۳۹۰۲۲	۹/۹	بنگاه (تعداد)
۱۹۸۸	۵۲۴۳	۵۹۷۳۲	۸/۸	
۱۹۹۰	۶۱۶۹	۶۸۶۹۰	۹	
۱۹۹۶	۸۶۹۱	۹۷۱۴۴	۸/۹	
۱۹۸۳	۱۹۱۹۵۶	۲۲۰۵۹۶۴	۸/۷	اشتغال (نفر)
۱۹۸۸	۲۴۹۳۰۳	۳۱۱۱۹۳۰	۸	
۱۹۹۰	۲۶۵۱۲۴	۳۰۱۳۴۶۸	۸/۸	
۱۹۹۶	۲۹۴۱۵۷	۲۸۹۷۶۷۲	۱۰/۱	
۱۹۸۳	۹۸۲۹	۷۷۲۰۶	۱۲/۷	تولید (میلیون دلار)
۱۹۸۸	۲۲۷۷۷	۱۸۲۲۱۳	۱۲/۵	
۱۹۹۰	۳۱۹۶۹	۲۴۹۲۹۳	۱۲/۸	
۱۹۹۶	۶۰۱۹۳	۴۷۶۱۹۰	۱۲/۶	
۱۹۸۳	۳۴۴۰	۲۶۷۸۱	۱۲/۸	ارزش افزوده (میلیون دلار)
۱۹۸۸	۸۱۶۵	۶۵۸۳۶	۱۲/۴	
۱۹۹۰	۱۳۰۸۳	۹۹۹۹۹	۱۳/۱	
۱۹۹۶	۲۶۹۷۳	۲۰۶۳۹۱	۱۳/۱	

منبع: اداره آمار کره، گزارش آماری صنعت.

رشد مذکور در صنایع شیمیایی با افزایش در حجم صادرات این صنعت همراه شد. در سال ۱۹۸۸ زمانی که سرمایه گذاری شروع به تجدید حیات کرد، این صنعت ۶ درصد از کل صادرات کره را به دست آورده است. در دوره ۱۹۸۸-۱۹۹۷ صادرات صنعت شیمیایی کره با نرخ ۱۵/۸ درصد در سال رشد یافته و سهم صنعت به ۹/۱ درصد در سال ۱۹۹۶ رسید.

از طرف دیگر سهم صنعت از کل واردات با ۳/۲ درصد کاهش از ۱۱/۶ درصد در سال ۱۹۸۸ به ۸/۴ درصد در سال ۱۹۹۶ رسید. از سال ۱۹۸۳ به بعد نیز به طور متوسط در هر سال ۳۷۰ واحد به تعداد شرکت ها

افزوده شد و به ۸۶۹۱ واحد در سال ۱۹۹۶ رسید. ساختار صنعت شیمیایی کره را می توان در جدول ۳-۳ مشاهده نمود پس از بحران پولی در نوامبر گذشته، صنعت شیمیایی کره با مشکلات جدی نظیر کاهش فروش داخلی، اضافه ظرفیت و از بین رفتن اعتبار مواجه بوده است.

جدول ۳-۳- ساختار صنعت شیمیایی در ۱۹۹۶
(میلیون دلار، درصد)

B/A	ارزش افزوده B		تولید A		
	سه	سه	سه	سه	
۳۸.۹	۳۴.۲	۹.۲۳۲	۳۹.۴	۲۳۷۴۹	پتروشیمی
۴۳.۲	۲.۲	۵۳۱	۲۳	۱۳۶۷	کود شیمیایی
۵۳	۳۴.۲	۹۲۳۸	۲۸.۹	۱۷۴۳۰	مواد شیمیایی حساسی
۴۴	۲۹.۴	۷۹۱۲	۲۹.۴	۱۷۶۴۷	مواد پلاستیکی و کانوچویی
۴۴.۸	۱۰۰	۲۶۹۷۳	۱۰۰	۶۰۱۹۳	کل مواد شیمیایی

۳-۲- ویژگی های عمده

همان گونه که پیش از این گفته شد، اداره و راهبری صنایع شیمیایی کره به طور متداول بر مرحله سوم خیزش تأکید دارد. ویژگی های عمده این مرحله به شرح زیر است:

۳-۲-۱- تغییرات ساختاری در تقاضا برای تولیدات شیمیایی

هنگامی که تقاضای محصولات پتروشیمی اشباع می شوند، تقاضای کالاهای شیمیایی ویژه ای، به دلیل رشد اتومبیل ها، الکترونیک و جز آنها به طور پیوسته افزایش می یابد.

۳-۲-۲- رقابت سخت و فشرده

بازار داخلی باز و فضای فعال ظرفیت در صنایع شیمیایی (به ویژه در پتروشیمی)، رقابت زیاد را میان شرکت های داخلی مجاز می شمرد. علاوه بر آن، رشد سرمایه گذاری در صنایع شیمیایی در کشورهای رقیب نیز رقابت گسترده بین المللی را می افزاید.

۳-۲-۳- بسط، تکمیل و تنوع

به دلیل عوامل فوق، بسط حوزه فعالیت شرکت برای اقتصاد مقیاس و پیشرفت ظرفیت تحقیق و توسعه رخ می دهد. تکمیل زنجیره تولیدات شیمیایی با کامل سازی مرحله به مرحله صنایع بالادستی و پایین دستی طی می شود. انتظار می رود که تغییرات ساختاری در صنایع شیمیایی به سوی تنوع محصولات پتروشیمی و سایر بخش های این صنعت راهبری شود.

۳-۲-۴- جهانی شدن

اشباع تقاضا، محدودیت در بازار داخلی و تشدید رقابت بین المللی بر جهانی شدن صنعت فشار وارد می آورند. طی سال های دهه ۱۹۹۰، صادرات و سرمایه گذاری مستقیم خارجی در صنایع شیمیایی در حال افزایش هستند.

۳-۲-۵- رقابت های فن آورانه

شرکت های شیمیایی کره ای به دلیل باز شدن بازار داخلی، طرح شدن قانون مثبت مواد^۱ و گرایش های جهانی

برای تقویت رقابت‌های فن‌آورانه، با دوران رقابت سختی روبه‌رو می‌شوند. گذشته از تمام آنها، صنایع شیمیایی کره‌ای هنوز انتظار حل بعضی از مشکلات را دارند. شکاف فن‌شناختی میان صنایع کره‌ای و کشورهای توسعه یافته بسیار بزرگ و بحرانی است. علاوه بر آن، صنایع شیمیایی کره‌ای با کمبود ظرفیت توسعه درونی برای فن‌آوری‌های بالا روبه‌رو هستند و باید فن‌آوری‌های لازم را از کشورهای توسعه یافته وارد کنند.

۴-۲- گرایش‌های اخیر صنعتی

۴-۲-۱- رشد زیاد در تولید

سرمایه‌گذاری در مقیاس وسیع به رشد زیاد تولید در صنایع شیمیایی کره منجر شد. در میان زیربخش‌ها، بخش پتروشیمی اجرای بسیار خوبی را تجربه کرد. همچنان که در جدول شماره ۴-۲ مشاهده می‌شود، در زمینه مواد خام پایه پتروشیمی، محصول سال ۱۹۹۷، ۱۳/۴ مرتبه بیش از سال ۱۹۸۰ است. برای مثال، محصول اتیلن نیز که مهم‌ترین محصول بخش پتروشیمی است، افزایش قابل توجهی از ۱/۰۶ میلیون تن در سال ۱۹۹۰ به ۳۹۸ میلیون تن در سال ۱۹۹۶ یافته است.

جدول ۴-۲- تقاضا و عرضه تولیدات صنایع پتروشیمی (۱۰۰۰ تن)

۱۹۹۷	۱۹۹۵	۱۹۹۰	۱۹۸۵	۱۹۸۰	
۱۳۰۴۰	۱۰۳۴۹	۳۱۱۹/۲	۱۵۵۲/۵	۹۰۸/۹	محصولات پایه‌ای پتروشیمی ^(۱)
۱۷۳۹	۸۲۷	۷۹۲/۲	۱۸۸/۳	۶۰/۹	میزان محصول واردات
۲۰۴۸	۲۰۴۱/۵	۳۳۱/۵	۱۶۴/۸	۵۷/۴	صادرات
۴۵۴۸	۲۷۶۱	۱۱۰۱/۵	۳۶۰/۸	۲۸۱/۰	مواد فیبر ترکیبی ^(۲)
۱۱۵۳	۱۰۸۶	۹۹۸/۶	۷۶۹/۱	۳۳۱/۸	میزان محصول واردات
۹۷۳	۳۲۸	۴۶/۵	۶/۰	۱/۲	صادرات
۷۵۴۰	۶۱۵۵	۲۶۸۹/۰	۱۲۷۷/۸	۶۴۸/۶	رزین‌های ترکیبی ^(۳)
۱۲۱	۱۴۲	۲۷۵/۹	۱۱۵/۹	۶۶/۵	میزان محصول واردات
۳۷۰۰	۲۶۷۰	۴۴۵/۵	۲۵۳/۲	۱۲۲/۷	صادرات
۴۰۲	۲۷۲	۱۷۵/۸	۹۸/۸	۷۵/۵	لاستیک ^(۴)
۲۳	۲۶	۴۳/۹	۱۴/۰	۳۲/۴	میزان محصول واردات
۲۱۸	۹۱	۴۷/۰	۱۳/۰	۰/۳	صادرات

۱- Basic Petrochemicals: اتیلن، پروپیلن، بوتادین، بنزن، تولوئن، زایلن

۲- TPA, AN, Synthetic Fiber: کاپرو لاکتام، EGT, DMT

۳- ABS, ppc, PP, LDPE, HDPE: Synthetic Resins

۴- BR, SB-LATEX, SBR: Synthetic Rubber

۵- Net Exports

منبع: سازمان پتروشیمی کره

گرایش: شیمی در تولیدات عمده پتروشیمی، همچون مواد خام فیبر ترکیبی، رزین ترکیبی و لاستیک

ظاهر شده است. تولید پنج ماده خام برای فیبر ترکیبی از ۲۸۱ هزار تن در سال ۱۹۸۰ به ۴۵۴۸ هزار تن در سال ۱۹۹۷ افزایش یافت. رزین ترکیبی، که در اوایل دهه ۱۹۹۰ در ظرفیت‌های اضافی ذخیره شده بود، در سال‌های اخیر، به دلیل کیفیت قابل توجه‌اش، توانست قیمت‌های بالایی را در بازارهای جهانی به دست آورد. در خلال سال‌های ۱۹۸۰ - ۱۹۹۷، حجم تولید رزین‌های ترکیبی، بر پایه ۶ قلم اصلی، تقریباً ۱۲ مرتبه بیشتر رشد یافت و نسبت صادرات آن بخش ۴۹ درصد در سال ۱۹۹۷ بود. بخش لاستیک نیز با نرخ رشد بالایی صادرات از کیفیت خوبی بهره‌مند شد.

با نرخ رشد بالای تولید، بیشتر تولیدات پتروشیمی جایگزین واردات شدند و به عنوان یک نتیجه، میزان واردات در زمینه محصولات پایه‌ای پتروشیمی در سال ۱۹۹۷ تنها ۱۷۳۹ هزار تن بود. گرایش ذکر شده در بالا، مستلزم آن است که بخش تولیدات پتروشیمی کره تقریباً اشباع شوند و باید نقطه توجه خود را از شیوه‌های تولیدی عمومی و متداول به تولید فن‌آورانه بالا همچون پلاستیک سازی مهندسی ارتقا دهند.

بخش تولیدات شیمیایی حساس نیز رشد سریعی داشت. تا سال ۱۹۸۶ تولید سالانه با نرخ ۱۴/۷ درصد افزایش یافت و تا سال ۱۹۹۶ ارزش تولیدات این بخش به ۱۴۹ میلیارد دلار رسید. ارزش افزوده نیز به سرعت و با رشد سالانه ۱۵/۹ درصد از ۱/۸ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۶ به ۷/۸ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۶ افزایش یافت. به ویژه، در خلال سال‌های ۱۹۸۶ - ۱۹۹۶ ارزش افزوده بسیاری از زیربخش‌های صنایع شیمیایی حساس رشد سریع‌تری نسبت به تولیدات داشته‌اند.

در نتیجه نرخ بازده (ارزش افزوده به تولید) طی آن دوره به ۶/۴ درصد افزایش یافت و گویای آن است که بخش تولیدات شیمیایی حساس، هم به صورت کیفی و هم به صورت کمی در حال توسعه یافتن است. در ترکیب زیربخشی تولیدات شیمیایی حساس، مواد دارویی تفوق بیشتری دارند، به طوری که در سال ۱۹۹۶ حدود ۳۶/۴ درصد از کل این تولیدات را تشکیل می‌داد. پس از آن مواد آرایشی و پاک‌کننده با ۲۱/۲ درصد و رنگ نقاشی و جوهر با ۱۶/۰ درصد قرار دارند.

(میلیون دلار، درصد)

جدول ۵-۲- تولید صنایع شیمیایی حساس

نرخ رشد سالانه		۱۹۹۶			۱۹۸۶			
ارزش افزوده	میزان محصول	نسبت (B/A)	ارزش افزوده (B)	میزان تولید (A)	نسبت (B/A)	ارزش افزوده (B)	میزان تولید (A)	
۱۶۵	۱۵۷	۴۲۳	۳۹۸	۹۴۰	۳۹۴	۸۶	۴۱۸	مواد رنگی و رنگ دانه‌ها
۱۰۳	۷۰	۴۱۲	۳۱۶	۷۶۷	۳۰۵	۷۸	۳۸۷	سموم دفع آفات و حشرات
۱۸۸	۱۶۶	۳۸۵	۹۱۷	۳۳۷۸	۳۲۱	۱۶۴	۵۱۱	رنگ نقاشی و جوهر
۱۴۴	۱۳۳	۶۱۲	۳۳۱۸	۵۴۲۲	۵۵۹	۸۶۴	۱۵۴۵	مواد دارویی
۱۹۵	۲۰۰	۵۳۶	۱۶۹۲	۳۱۵۶	۵۵۷	۲۸۴	۵۱۰	مواد آرایشی و پاک‌کننده
۱۶۲	۱۴۰	۵۳۲	۷۶۵	۱۴۳۷	۴۴۱	۱۷۰	۳۸۵	مواد واسطه ثبت نشده
۱۷۰	۱۴۲	۴۱۷	۲۴۸	۵۹۴	۳۳۱	۵۲	۱۵۷	چسب‌ها
۱۵۰	۱۱۶	۵۸۰	۱۲۲	۲۱۰	۴۲۸	۳۰	۷۰	مواد محترقه و منفجره
۱۵/۹	۱۴/۷	۵۲/۱	۷۷۷۶	۱۴۹۰۴	۴۶/۷	۱۷۶۸	۳۷۸۳	جمع (شامل سایر موارد)

محدودکننده که جدول شماره ۲-۲

انتظار می‌رود که نرخ رشد تولیدات شیمیایی حساس، افزایش مداومی را تا نایل به خود بسندگی در تولیدات شیمیایی تخصصی در آینده داشته باشد. دلایل این امر به شرح زیرند:

- الف- توسعه زمینه‌های واسطه با گسترش هزینه تحقیق و توسعه.
- ب- الحاق صنایع شیمیایی حساس به صنایع پتروشیمی.
- پ- سیاست‌های پیشرفتی که دولت کره اتخاذ کرده است، همچون ایجاد پارک صنعتی برای تولیدات شیمیایی حساس.

رشد تولید زیربخش‌های لاستیک و پلاستیک در دهه ۱۹۸۰ تا حدودی سریع‌تر شده است. به‌طوری‌که نرخ‌های رشد دو رقمی برای آنها به ثبت رسیده و ارزش آن در سال ۱۹۹۶ به رقم ۲۰۶ میلیارد دلار بالغ شده است. در این بخش، در خلال سال‌های ۱۹۸۶-۱۹۹۶، تولیدات پلاستیک سالانه ۱۷۷ درصد رشد داشته‌اند و بازده تولیدات لاستیک با رشد سالانه ۱۵/۳ درصد به ۴/۸ میلیارد دلار افزایش یافت. اما این بخش، پس از پایان دهه ۱۹۸۰، مشکلات زیادی را تجربه کرد. دلایل آن به شرح زیرند:

- الف- توانایی ضعیف برای توسعه تولیدات جدید.
- ب- اشباع تقاضای داخلی.
- پ- وخیم شدن شرایط کسب و کار داخلی با بالا رفتن دستمزد و کمبود نیروی کار.
- ت- دستیابی کشورهای در حال توسعه به تولیدات با قیمت پایین.

جدول ۶-۲- اوضاع عمومی صنایع لاستیک و پلاستیک^(۱)

تعداد کارگاه		تعداد کارکنان		ارزش تولیدات		ارزش افزوده	
		(۱۰۰۰ نفر)		(میلیون دلار)		(میلیون دلار)	
۱۹۸۶	۱۹۹۶	۱۹۸۶	۱۹۹۶	۱۹۸۶	۱۹۹۶	۱۹۸۶	۱۹۹۶
۲۴۹۶	۵۱۲۲	۷۶/۶	۱۰۸/۳	۲۵۲۴	۱۲۸۱۱	۸۶۷	۵۴۹۷
۴۹۰	۸۹۷	۲۲/۸	۳۵/۵	۱/۵۰	۴۷۶۸	۴۰۰	۲۴۱۶
۵۵	۸۲	۱۰/۳	۱۵/۴	۸۰۳	۲۹۷۰	۳۰۷	۱۵۰۹
۳۰۴۱	۶۱۰۱	۱۰۹/۷	۱۵۹/۲	۴۴۸۸	۲۰۶۱۹	۱۵۷۴	۹۴۲۲
جمع							

واردات شیمیایی در کل واردات از ۱/۶ درصد به ۸/۴ درصد کاهش یافت.

صنایع پتروشیمی کره قادر است محصولات خود را به کشورهای آسیایی و چین صادر کند. بنابراین می تواند سرمایه گذاری بیشتری را اختصاص دهد. نرخ رشد سالانه صادرات تولیدات اصلی در این بخش در طی سال های ۱۹۸۸-۱۹۹۷ بیش از ۲۳-۳۸ درصد و کل بخش پتروشیمی رقم ۳۱ درصد را ثبت شده است. سهم این بخش از کل صادرات شیمیایی از ۱۸/۹ درصد در سال ۱۹۸۸ به ۵۷/۱ درصد در سال ۱۹۹۷ افزایش یافت.

به عبارت دیگر، صنایع شیمیایی حساس در طی سال های ۱۹۸۸-۱۹۹۷ تنها ۹/۳ درصد از نرخ رشد سالانه را به خود اختصاص داده است که در همان حال، واردات ۱۱ درصد بود. این نرخ رشد بالای واردات شیمیایی حساس در سال های اخیر، بیشتر متأثر از باز بودن بازار داخلی است. اما مشخصات بخش شیمیایی حساس، همچون بازار در مقیاس کوچک، این بخش را بیرون گراتر می سازد.

زیر بخش تولیدات لاستیک و پلاستیک، که در سال های ۱۹۸۰ به عنوان صنایع صادراتی اصلی رشد موفقی داشته است، هنوز تا سال ۱۹۹۷ سهم ۲۹/۴ درصد در کل صادرات شیمیایی را در اختیار دارد. مع هذا کیفیت صادرات این بخش در کره به دلیل شرایط نامساعد کسب و کار، نامناسب بود.

جدول ۷-۲- واردات و صادرات صنایع شیمیایی کره (میلیون دلار - درصد)

نرخ رشد سالانه ۱۹۸۸-۱۹۹۷		۱۹۹۷		۱۹۸۸		
		صادرات	واردات	صادرات	واردات	
۳/۶	۳۱/۰	۴۳۸۱	۶۸۱۹	۳۲۰۰	۶۰۰	مواد پتروشیمی
۱۰/۸	۲/۵	۲۱۰/۰	۲۵۰۰	۸۳/۵	۳۱۵۰۰	مواد شیمیایی - کشاورزی
۱۱/۰	۹/۳	۴۵۲۹	۱۳۶۱	۱۷۶۵/۵	۶۱۰۰	مواد شیمیایی حساس
۱۲/۴	۱۰/۰	۸۷۵	۱۶۲۲/۶	۳۰۵/۷	۶۸۳/۹	تولیدات پلاستیک
۲۰/۵	۸/۹	۸۸۷/۵	۱۸۹۳/۵	۱۶۵/۰	۸۷۹/۰	تولیدات لاستیک
۶/۶	۱۵/۸	۱۰۶۷۲/۵	۱۱۹۴۶/۱	۶۰۱۷/۶	۳۱۷۶/۳	جمع

مأخذ: سازمان تجارت کره

بیش از ۵۰ درصد از صادرات کره در تولیدات شیمیایی حساس، پلاستیک و تایر و تیوب توسط بخش ها به کشورهای توسعه یافته صورت می گیرد. از سوی دیگر، رزین ترکیبی و کودها شخصاً به کشورهای در حال توسعه صادر می شوند.

۲-۳-۴- وابستگی شدید در واردات مواد خام

زیر بخش تولیدات شیمیایی حساس کره، علی رغم رشد سریع در سال های اخیر، شدیداً به واردات مواد خام یا تولیدات با کیفیت بالا وابسته است. این زیر بخش نسبت به سطح توسعه یافتگی اش، همچون کشورهای توسعه یافته، دارای ساختار عمودی تخصصی یافتگی است. مواد خام برای تولید مواد دارویی و سمی، که نیازمند سطح بالای فن شناسی همچون صرف تحقیق و توسعه زیاد و ظرفیت سرمایه گذاری است.

به طور انحصاری در کشورهای توسعه یافته تولید می شوند.

تولید کالاهای نهایی در شرکت های کره ای با مساعدت مواد خام یافن شناسی وارداتی انجام می شود. در مواد رنگی، رنگ دانه ها و رنگ ها، نوع تخصص یافتگی بین کره و کشورهای توسعه یافته در تفاوت ترکیب تولیدات، تجلی می یابد. به طوری که کره به طور مشخص به سوی تولیدات معمولی و متداول و کشورهای توسعه یافته به تولیدات با کیفیت بالا تمایل دارند.

بنابراین، کره به مواردی از واردات تکنولوژی متمرکز، همچون بسیاری از مواد، مواد واسطه برای داروهای ویژه و سموم، مواد رنگی با کیفیت بالا، اسانس های معطر، مواد ظهور در عکاسی، مواد خام شیمیایی در صنایع الکترونیک و تولیدات سیلیکونی وابسته است.

۲-۴-۴- افزایش سرمایه گذاری مستقیم برون گرای خارجی

تا ابتدای سال های دهه ۱۹۸۰ شرکت های شیمیایی کره ای به ارائه سرمایه گذاری مستقیم خارجی برای مشارکت در فروش محلی و به منظور پشتیبانی از صادرات می پرداختند و تنها تعداد کمی از آنها در تولیداتی همچون کارخانه رزین ترکیبی در عربستان سعودی و کارخانه تولید لاستیک در مالزی به صورت محلی سایر کشورها سرمایه گذاری می کردند. به هر حال شرکت های شیمیایی کره ای تا اواخر دهه ۱۹۸۰، سرمایه گذاری مستقیم خارجی خود را با هدف ارزش دهی؛ پول کشور، افزایش دستمزدها، رقابت تجاری و کوشش برای جانشینی کشورهای که دیرتر به راه توسعه گام نهاده اند، انجام داده اند. اخیراً سرمایه گذاری مستقیم خارجی در بخش تولید رشد سریع تری نسبت به کل این سرمایه گذاری ها داشته است.

سرمایه گذاری مستقیم خارجی در صنایع شیمیایی کره تا پایان سال ۱۹۹۵ به ۴۹۷ میلیون دلار بالغ شد و تعداد سرمایه های مستقیم خارجی به عنوان موافقت اصولی به ۳۰۲ مورد رسید. میزان سرمایه گذاری مستقیم خارجی در چین به عنوان یکی از کشورهای هدف سرمایه گذاری به ۴۸ درصد بر حسب مورد رسید. پس از آن کشورهای آسیایی با ۸۷ مورد و ایالات متحده با ۱۹ مورد در رده های بعدی قرار دارند. اخیراً صنایع شیمیایی کره، چین را به عنوان مقصد سرمایه گذاری مستقیم خارجی انتخاب کرده اند.

۲-۵- چشم اندازهای صنعت

صنایع شیمیایی کره، گرچه مزیت های نسبی اش به دلیل کمبود تکنولوژی بالا و کمیابی منابع طبیعی همچون نفت و گاز طبیعی، ضعیف است، اما انتظار می رود با گسترش مطمئن تقاضا به طور مداوم رشد کند. به ویژه، بخش صنایع شیمیایی حساس که رشد خود را در کل صنایع شیمیایی به تازگی آغاز کرده، دارای توان نهفته ای برای رشد آینده است. البته انتظار نمی رود که این بخش رشد قابل ملاحظه ای داشته باشد. زیرا، همچون صنایع پتروشیمی، تقاضا اشباع شده و عرصه های فعالیت به وسیله تازه واردان تصرف می شود. در طرف تقاضا، تولیدات شیمیایی حساس کره از توان نهفته زیادی بهره مند خواهند بود. تقاضا برای تولیدات شیمیایی حساس با افزایش درآمد و رشد ناشی از تقاضای صنعتی همچون اتومبیل و الکترونیک به طور مداوم گسترش می یابد.

در طرف عرضه، پاسخگویی به موقعیت طرف تقاضا، همچون توان نهفته برای دوره طولانی توسعه عرضه، کارکرد خواهد داشت. علاوه بر آن، کوشش برای غلبه بر چندین شکلی که صنایع شیمیایی کره با آن روبه روست، همچون شکاف فن شناسی میان کره و کشورهای توسعه یافته، مقیاس کوچک اقتصاد، ضعف

ساختار صنعتی، از دیگر توان‌های نهفته برای رشد آینده است. برای مثال سطح توسعه فن‌شناسی در صنایع شیمیایی حساس‌کره هنوز عقب‌تر از کشورهای توسعه یافته است. البته مهم‌ترین عامل در رشد آینده، توسعه فن‌شناسی همراه با تأثیر مزیت نسبی و رقابت‌های بین‌المللی است.

صنایع شیمیایی کره تا سال ۲۰۰۳ سالانه با نرخ ۵/۱ درصد رشد خواهند کرد، ارزش تولید ۸۱ میلیارد دلار با احتساب ۱۵-۱۶ درصد تولید در بخش صنایع خواهد بود.

در پیش‌بینی‌های بخشی تا سال ۲۰۰۳، بخش تولیدات شیمیایی عمومی، شامل پتروشیمی، کود، لاستیک و پلاستیک تنها به نرخ رشد سالانه ۴ درصد خواهند رسید. اما انتظار بر آن است که بخش صنایع شیمیایی حساس، شامل داروها، سموم، رنگ، مواد واسطه ثبت نشده، مواد آرایشی و جز آنها از نرخ بالای ۷ درصد برخوردار شوند.

با در نظر گرفتن صادرات، صنایع شیمیایی کره نه تنها به رشد بالا، بلکه به سطح پیشرفته‌ای از ساختار صنعتی دست می‌یابد، تا به تعدیل ساختار و پیشرفت رقابت بین‌المللی کمک کند. انتظار می‌رود صادرات شیمیایی سالانه به ۶ درصد رشد یابد و تا سال ۲۰۰۳ به مبلغ ۱۷ میلیارد دلار برسد. به ویژه پیش‌بینی می‌شود که سهم تولیدات شیمیایی حساس در صنایع شیمیایی به ۲۷/۳ درصد و رشد سالانه آن به ۱۷/۸ درصد و بسیار جلوتر از تولیدات شیمیایی عمومی، برسد.

جدول شماره ۸- چشم‌انداز رشد برای صنایع شیمیایی کره (میلیون دلار: درصد)

نرخ رشد سالانه ۱۹۹۷-۲۰۰۳	۲۰۰۳		۱۹۹۷		
	سهم	ارزش	سهم	ارزش	
۴/۰	۶۹.۴	۵۶۲۷۲	۴۷.۲	۴۴۴۷۲	تولیدات عمومی
۷/۰	۳۰.۶	۲۴۷۴۹	۲۵.۸	۱۵۴۲۴	شیمیایی حساس
۵/۱	۱۰۰	۸۱۰۲۱	۱۰۰	۵۹۸۹۷	جمع
۳.۹	۷۸.۵	۱۳۳۵	۸۸.۶	۱۰۵۸۴	صادرات تولیدات عمومی
۱۷/۸	۲۱.۵	۳۶۳۶	۱۱/۴	۱۳۶۱	شیمیایی حساس
۶/۰	۱۰۰	۱۶۹۵۱	۱۰۰	۱۱۹۴۵	جمع

مأخذ: تخمین KIFT

موقعیت آینده صنایع شیمیایی کره در جهان بالاتر از حالا خواهد بود. انتظار بر آن است که مقام کره در تولیدات شیمیایی جهان، که در مقایسه با سال ۱۹۹۰، نهم است، به ششم یا هفتم برسد. بخش پتروشیمی که مقام پنجم را در ظرفیت تولیدی اتیلن دارد، به دلیل کاهش تدریجی سرمایه‌گذاری در پایان دهه ۱۹۹۰، تا سال ۲۰۰۳ به مرحله‌ای پایین‌تر خواهد رفت.

مطابق با انتظار، پیش‌بینی می‌شود که صنایع شیمیایی کره به دلیل صادرات با کیفیت فعال‌تر نسبت به بیشتر کشورهای عضو OECD بتواند به مقام دهم برسد. در آینده، کشورهای اروپایی کاهش نرخ رشد تولید و صادرات را در این صنایع تجربه می‌کنند. علاوه بر آن، آنها با مشکلات سرمایه‌گذاری‌های جدید ناشی از فشارهای شرایط محیطی رو به رو خواهند شد. به هر حال، اگر اقتصاد کره برای بهبود جریان عمیق رکود یا انجام تعدیل بخش‌ها در صنایع عمده دچار شکست شود، باید در این چشم‌انداز خوش‌بینانه تجدیدنظر صورت پذیرد.

موضوع سخنرانی:

تحولات اقتصادی ایران

سخنران*: محمدحسین ملایری

*. معاون پژوهشی و عضو هیئت علمی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

ریاست محترم، خانم‌ها، آقایان

ایران کشوری نفت خیز در منطقه خاورمیانه می باشد. جمعیت آن در حال حاضر حدود ۶۳ میلیون نفر بوده و از موقعیت ژئوپلیتیک بسیار مهمی در منطقه برخوردار است.

اقتصاد این کشور در ۴۰ سال اخیر مواجه با ۲ مشکل اساسی بوده است. این دو مشکل یکی وابستگی به درآمدهای نفتی و دیگری حجم وسیع دولت در فعالیت های اقتصادی است که عمدتاً از مشکل اول ناشی می گردد. بعد از خاتمه جنگ ایران و عراق در سال ۱۹۸۸ میلادی که دوران -سازی کشور آغاز گردید، حل این دو معضل همواره مورد توجه برنامه ریزان اقتصادی جهت تحرک و هدایت پذیری بیشتر اقتصاد بوده است. گام های اساسی در قالب دو برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اول و دوم در جهت کاستن این مشکلات برداشته شده است.

آمارها و شاخص هایی که در زیر ارائه می گردد نشانگر برقراری نظام انگیزشی به جای نظام اداری و دستوری می باشد.

۱- شاخص های کلان اقتصادی

جدول زیر شامل برخی شاخص هایی است که عملکرد اقتصاد ایران را طی دوره زمانی ۱۳۷۲-۱۳۷۶ نشان می دهد.

جدول ۱- شاخص های اقتصادی (میلیارد ریال)

۱۹۹۷*	۱۹۹۶	۱۹۹۵	۱۹۹۴	۱۹۹۳	
۱۵۱۲۱/۳	۱۴۶۹۴/۰	۱۳۸۸۴/۰	۱۳۲۸۰/۴	۱۳۰۷۱/۰	GDP واقعی
۱۵۱۲۶/۰	۱۴۶۳۳/۹	۱۳۷۱۰/۷	۱۳۱۶۳/۵	۱۳۳۷۰/۸	GNP واقعی
۳/۴	۶/۷	۴/۲	-۱/۶	۳/۰	نرخ رشد (%)
۱۷/۳	۲۸/۹	۴۹/۷	۳۱/۵	۲۱/۲	نرخ تورم (%)

* برآورد است.

جدول ۲- نیروی کار: اشتغال بخش های مختلف اقتصادی

۱۹۹۲ - ۱۹۹۱		۱۹۸۷ - ۱۹۸۶		
هزار نفر	درصد از کل	هزار نفر	درصد از کل	
۸۸/۹	۱۳.۰۴۴	۸۵/۹	۱۱.۰۳۷	فعال از نظر اقتصادی
۲۱/۸	۳.۲۰۹	۲۵/۱	۳.۲۲۳	کشورزی
۲۴/۵	۳.۶۰۴	۱۵/۵	۱.۹۹۸	صنایع کارخانه ای - معدن - ساختمان
۳۸/۸	۵.۷۰۱	۳۶/۱	۴.۶۳۵	خدمات عمومی
۳/۸	۵.۴	۹/۲	۱.۱۸۱	سایر
۱۱/۱	۱.۶۰۰	۱۴/۱	۱.۸۱۹	غیر شاغل
۱۰۰/۰	۱۴.۰۳۵	۱۰۰/۰	۱۲.۸۵۶	کل نیروی کار

منبع - بانک مرکزی

شاخص های فوق بیانگر وجود ثبات نسبی ناشی از اعمال سیاست های تثبیتی در طی این دوران بوده در

توجه به سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی انجام شده حرکت اقتصاد به سمت اهداف مورد نظر تسهیل گردد.

جدول ۴- جاده‌های آسفالت شده

(بر حسب نوع) (کیلومتر)

۵۰۳	آزادراه‌ها
۲۰.۱۴۸	راه‌های اصلی
۳۷.۰۶۲	راه‌های فرعی
۱.۲۶۴	راه‌های منتهی به جاده‌های اصلی
۵۸.۹۷۷	کل

منبع: سازمان برنامه و بودجه، آینه آماری

جدول ۵- ورود مسافران و عزیمت آنها از طریق فرودگاه (نفر)

۱۹۹۲-۱۹۹۱	۱۹۹۱-۱۹۹۰	۱۹۹۰-۱۹۸۹	۱۹۸۹-۱۹۸۸	۱۹۸۸-۱۹۸۷	
۵.۹۱۸	۵.۶۸۰	۵.۱۳۹	۴.۶۷۶	۴.۹۱۲	ورود
۵.۹۲۰	۵.۷۳۱	۵.۱۶۱	۴.۶۸۱	۴.۹۶۳	عزیمت

منبع: سازمان برنامه و بودجه، آینه آماری

جدول ۶- مسافرت از طریق راه‌آهن (نفر)

۱۹۹۲-۱۹۹۱	۱۹۹۱-۱۹۹۰	۱۹۹۰-۱۹۸۹	۱۹۸۹-۱۹۸۸	۱۹۸۸-۱۹۸۷	
۲۱۲	۲۴۱	۲۳۶	۲۰۶	۳۰۱	لوکوموتیو
۸.۱۳۸	۷.۸۰۹	۶.۶۷۲	۶.۷۹۹	۵.۲۷۴	مسافر
۱۶,۹۷۹	۱۴,۸۸۱	۱۲,۳۳۴	۱۲,۹۵۷	۱۴,۷۸۸	بارخالص

منبع: سازمان برنامه و بودجه، آینه آماری

جدول ۷- تولید برق (میلیون کیلووات ساعت)

۱۹۹۷-۱۹۹۶	۱۹۹۶-۱۹۹۵	۱۹۹۵-۱۹۹۴	۱۹۹۴-۱۹۹۳	۱۹۹۳-۱۹۹۲	*
۸۵.۸۲۵	۸۰.۰۴۴	۷۷.۰۸۶	۷۱.۳۳۵	۶۳.۷۸۲	عمومی
۷.۳۷۶	۷.۲۷۵	۷.۴۴۵	۹.۸۲۳	۹.۳۳۰	نیروی برق حاصل از آب پائین
۶۲.۳۶۴	۵۵.۹۰۱	۵۳.۳۷۶	۴۸.۱۶۶	۴۲.۳۶۲	نفت سوز
۱۵.۴۷۵	۱۶.۱۴۵	۱۵.۴۰۲	۱۲.۴۱۹	۱۰.۸۶۶	گازسوز
۶۱۰	۷۲۳	۸۶۳	۹۲۷	۱.۲۲۴	دیزلی
۵.۰۲۶	۴.۹۲۵	۴.۹۳۳	۴.۶۷۹	۴.۶۳۷	خصوصی
۹۰.۸۵۱	۸۴.۹۶۹	۸۲.۰۱۹	۷۶.۰۱۴	۶۸.۴۱۹	کل

منبع: بانک مرکزی

۳- نقش دولت در اقتصاد

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ به دلیل شرایط سیاسی و نیز بعد از آن به دلیل بروز جنگ تحمیلی با عراق در سال ۱۹۸۱، دولت نقشی بیشتر از قبل و بیشتر از حد متعارف در اقتصاد ایفا نموده است. همان طوری که یاد شد یکی از اهداف عمده برنامه‌های اول و دوم کاهش حجم تصدی و دخالت‌های دولت در شئون اقتصادی می‌باشد و همراه با آن تغییر ساختار بودجه دولت به ویژه تغییر در سهم درآمدهای مالیاتی نسبت به کل درآمدهای دولت نیز از دیگر اهداف بوده است. جداول زیر گویای چنین تغییراتی است:

جدول ۸- شاخص‌های نقش دولت (درصد)

۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸*	
-	۶۶	۴۲	۲۸	سهم درآمد نفتی
-	۲۲	۲۸	۳۷	سهم درآمد مالیاتی
۲۱/۳	۲۱/۵	۲۱/۲	-	G/GNP

* نیمه سال

جدول شماره ۸- گویای این مطلب است که از حجم دولت و در نتیجه نقش آن در اقتصاد کاسته نشده است، اما در راستای اصلاح ساختار بودجه به ویژه کاهش سهم درآمدهای نفتی و افزایش سهم درآمدهای مالیاتی از کل درآمدهای دولت موفقیت نسبی حاصل شده است.

۴- بخش صنعت

اینجانب در سخنرانی بعدی ميسو طاکار کرد صنعت در ایران را در سی سال اخیر مورد توجه قرار خواهم داد و تنها در اینجا به برخی شاخص‌های تحولات صنعتی ایران در سال‌های اخیر اشاره می‌نمایم. بخش صنعت در برنامه اول به عنوان محور توسعه انتخاب گردید. استراتژی قالب در برنامه اول توسعه صادرات همراه با تغییر در ساختار بخش صنعت به نفع افزایش سهم تولیدات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای بود. جداول زیر امکان ارزیابی میزان موفقیت در حصول به اهداف مورد نظر را فراهم می‌آورند.

جدول ۹- سهم تولیدات مصرفی، واسطه‌ای و سرمایه‌ای

از کل تولیداتی که ارزش افزوده ایجاد می‌کنند

۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	
۳۰/۲	۲۸/۹	۲۸/۵	تولیدات سرمایه‌ای
۵۲/۴	۵۳/۱	۵۲/۵	تولیدات واسطه‌ای
۱۷/۴	۱۸/۰	۱۹/۰	تولیدات کالاهای مصرفی

جدول ۱۰- تولید صنعتی در بنگاه‌های بزرگ

(درصد تغییرات شاخص، سال پایه ۱۹۸۳-۱۹۸۲)

۱۹۹۴-۱۹۹۳	۱۹۹۳-۱۹۹۲	۱۹۹۲-۱۹۹۱	۱۹۹۱-۱۹۹۰	۱۹۹۰-۱۹۸۹	
-۴/۰	۴/۲	۱۰/۷	۱۶/۰	۱/۲	مواد غذایی، نوشابه و دخانیات
-۶/۸	-۲/۵	۱۳/۱	۱۰/۳	-۲/۸	منسوجات، پوشاک و جرم
-۱۳/۶	۹/۶	۰/۸	۰/۳	۱۵/۱	چوب و تولیدات چوبی
-۴/۲	۲/۶	-۸/۴	۴۸/۸	۲/۴	کاغذ، کابینت و محصولات وابسته
-۵/۱	-۵/۲	۹/۵	۳۷/۳	۲۳/۰	مواد شیمیایی
-۳/۸	۷/۵	۶/۵	۱۲/۴	۱۰/۹	تولیدات معدنی غیر فلزی (بدجز نفت و زغال سنگ)
-۱۱/۰	۱/۴	۲۵/۷	۶۴/۴	۱۴/۰	فلزات اولیه
-۱۹/۲	۳/۱	۴۵/۸	۵۷/۴	۲/۱	ماشین آلات و ابزار آلات فلزی
-۹/۸	۱/۳	۱۹/۱	۲۹/۳	۵/۹	شاخص عمومی

منبع: گزارش اقتصادی بانک مرکزی.

همان طور که ملاحظه می‌گردد پس از اتمام جنگ تحمیلی و آغاز دوران بازسازی اقتصادی، صنایع مختلف از قبیل فلزات اساسی، ماشین آلات و تجهیزات، کاغذ و کارتن سازی و محصولات شیمیایی از رشد به نسبت بالایی برخوردار بوده است.

در راستای استراتژی‌های متخذه تا حدودی آزادسازی تجاری صورت گرفت که در این رابطه لیست کالاهای وارداتی مجاز افزایش یافت و واردات در قبال صادرات با شرایط سهل تری امکان پذیر گردید که این امر خود موجب افزایش صادرات غیرنفتی را فراهم آورد که در قسمت تجارت خارجی توضیح بیشتری ارائه خواهد شد.

همچنین خصوصی سازی نیز در چارچوب اصلاح ساختار مدیریت صنعت در جهت اهداف مورد نظر صورت گرفت و بخش عمده‌ای از آن توسط بورس اوراق بهادار عمل گردید. عملکرد بورس در جدول شماره ۱۱ ارائه می‌گردد.

جدول ۱۱- شاخص فعالیت‌های تغییرات سهام در تهران

۱۹۹۷-۱۹۹۶	۱۹۹۶-۱۹۹۵	۱۹۹۵-۱۹۹۴	۱۹۹۴-۱۹۹۳	۱۹۹۳-۱۹۹۲	
۹۰۱,۸۶۸	۲۳۲,۱۳۸	۱۲۹,۲۳۸	۹۱,۳۲۸	۲۹,۸۵۶	تعداد سهام در بورس (میلیون سهم)
۹,۳۸۱/۶	۱,۸۸۰/۶	۷۹۳/۲	۵۱۵/۷	۳۵۲/۱	ارزش سهام در بورس (میلیون ریال)
۳۰۶/۸	۸۶۱/۱	۳۹۶/۳	۳۷۶/۴	۱۲۰/۰	سرمایه گذاری سهامی (میلیون ریال)
۱,۹۳۶/۸	۱,۵۲۹/۲	۶۹۲/۲	۲۰۳/۵	۲۳۵/۱	شاخص قیمت سهام در آخر سال
۳۰۶	۱۹۹	۱۶۳	۱۳۸	۱۲۱	تعداد شرکت‌های ثبت شده

سال پایه ۱۹۹۱-۱۹۹۰

منبع: بانک مرکزی.

مشکلات عمده بخش صنعت عبارتند از:

- ۱- ضعف بازار سرمایه؛
 - ۲- مشکلات کارگری و قانون کار؛
 - ۳- وجود انحصارات به خصوص انحصارات دولتی؛
 - ۴- مشکلات ناشی از مالکیت و مدیریت دولتی؛
 - ۵- عدم استفاده از تکنولوژی پیشرفته؛
 - ۶- مشکلات مربوط به بازاریابی.
- همان گونه که گفته شد در حل بسیاری از این مشکلات گام های اساسی برداشته شده است و اصلاحات حقوقی و نهادی نیز در دستور کار دولت قرار دارد. بخش صنعت در برنامه اول به عنوان محور توسعه انتخاب گردید. استراتژی قالب در برنامه اول توسعه صادرات همراه با تغییر در ساختار بخش صنعت به نفع افزایش سهم تولیدات کالاهای سرمایه ای و واسطه ای بود.

۵- تجارت خارجی

همان گونه که یاد شد در رابطه با حذف محدودیت های تجاری، گام های اساسی از قبیل کاهش تعدد نرخ های ارز، کاستن از کنترل های ارزی و اصلاح ساختار تعرفه ای و کاستن از محدودیت های غیر تعرفه ای برداشته شد. نتیجه این سیاست ها موجبات افزایش صادرات غیر نفتی و نیز بهبود ترکیب واردات را فراهم آورده است. به طوری که شاخص های تجارت دو طرفه به ویژه در رابطه با کالاهای مصرفی حکایت از مبادلات دو طرفه را دارد. جداول شماره های ۱۲ الی ۱۴ حجم و ارزش صادرات نفتی و غیر نفتی و نیز واردات اساسی را نشان می دهد.

جدول ۱۲- صادرات ناخالص نفت خام و تصفیه شده (روزانه) (هزار بشکه)

۱۹۹۶	۱۹۹۵	۱۹۹۴	۱۹۹۳	۱۹۹۲	
۲,۶۳۰	۲,۶۲۱	۲,۶۵۰	۲,۶۰۰	۲,۵۲۸	نفت خام
۹۰	۱۱۰	۹۰	۷۰	۷۰	تولیدات تصفیه شده
۲,۷۲۰	۲,۷۳۱	۲,۷۴۰	۲,۶۷۰	۲,۵۹۸	کل

جدول ۱۳- صادرات غیرنفتی مهم (میلیون دلار)

۱۹۹۷-۱۹۹۶	۱۹۹۶-۱۹۹۵	۱۹۹۵-۱۹۹۴	۱۹۹۴-۱۹۹۳	۱۹۹۳-۱۹۹۲	
۱.۶۴۵/۸	۱.۹۰۱/۰	۳.۲۵۸/۶	۲.۵۱۶/۱	۱.۹۹۵/۶	کالاهای سنتی و کشاورزی شامل:
۶۴۲/۵	۹۸۱/۱	۲,۱۳۲/۹	۱,۳۸۴/۰	۱,۱۰۵/۶	فرش
۶۳۹/۲	۵۸۰/۰	۶۲۸/۳	۶۷۴/۵	۵۷۷/۶	میوه تازه و خشک، خشکبار
۹۸/۴	۱۱۵/۰	۱۳۴/۶	۱۱۵/۰	۷۸/۰	چرم
۲۳/۸	۳۰/۶	۲۷/۵	۳۲/۳	۳۱/۱	خاویار
۴۶/۸	۷۳/۴	۵۵/۹	۳۹/۰	۲۱/۱	سنگ‌های فلزی *
۱.۴۱۳/۱	۱.۲۷۶/۳	۱.۵۱۰/۰	۱.۱۹۱/۷	۹۷۰/۹	کالاهای صنعتی شامل:
۶۹/۹	۱۶۸/۹	۳۴۰/۵	۳۹۸/۸	۱۴۲/۶	قالب‌های آهن، فولاد
۷۶/۷	۷۱/۴	۳۵/۳	۲۹/۵	۱۷/۷	مواد شیمیایی
۷۵/۳	۷۵/۰	۹۶/۱	۳۶/۵	۵۵/۶	منسوجات
۴۰/۶	۶۴/۲	۱۰۶/۸	۱۴۰/۶	۱۳۱/۶	قالب، سیم، صفحه و شمش مسی
۳,۱۰۵/۷	۳,۲۵۰/۷	۴,۸۲۴/۵	۲,۹۸۷/۷	۲,۶۴۸/۷	کل

جدول ۱۴- واردات اصلی (میلیون دلار- سیت)

۱۹۹۴*	۱۹۹۴-۱۹۹۳	۱۹۹۳-۱۹۹۲	۱۹۹۲-۱۹۹۱	۱۹۹۱-۱۹۹۰	
۶۴۳	۲,۴۴۶	۲,۲۷۶	۲,۱۲۴	۲,۱۳۸	مواد غذایی و حیوانات زنده
۲۱	۸۰	۹۵	۱۰۹	۴۷	نوشابه و دخانیات
۶۲۴	۲,۰۲۳	۲,۶۸۹	۲,۸۹۲	۲,۸۷۶	مواد شیمیایی و دارویی
۷۹۰	۳,۳۴۴	۵,۵۰۷	۷,۰۷۵	۵,۱۵۳	آهن، فولاد و تولیدات کارخانه‌ای
۲,۵۳۴	۱۰,۰۳۶	۱۶,۴۹۸	۱۴,۹۲۴	۶,۲۶۴	ماشین و وسایط نقلیه جاده‌ای
۵,۲۹۴	۲۰,۰۳۷	۲۹,۸۷۰	۲۹,۶۷۷	۱۸,۷۲۲	کل (شامل بقیه)

* ۶ ماهه اول سال.

جدول ۱۵- سهم واردات، صادرات نفتی و صادرات

(درصد)

غیرنفتی در کل تجارت

۱۹۹۸*	۱۹۹۷	۱۹۹۶	
۵۳/۱	۴۳/۴	۴۰/۱	سهم واردات
۳۷/۵	۴۷/۶	۵۱/۶	سهم صادرات نفتی
۹/۴	۹/۰	۸/۳	سهم صادرات غیرنفتی

* ۶ ماهه

سهم واردات ارزش کل مبادلات افزایش یافته و این افزایش همراه با افزایش سهم صادرات غیرنفتی از کل مبادلات بوده است. جدول شماره ۱۶ طرف های عمده تجاری ایران را همراه با سهم هریک از آنها در صادرات و واردات نشان می دهد.

جدول ۱۶- طرف های عمده تجاری ایران (درصد از کل)

۱۹۹۶	۱۹۹۵	۱۹۹۴	۱۹۹۳	۱۹۹۲	
صادرات					
۱۳/۵	۱۳/۸	۱۴/۴	۱۲/۳	۱۲/۷	ژاپن
۸/۱	۸/۶	۵/۴	۷/۰	۴/۱	ایتالیا
۶/۸	۶/۱	۶/۷	۵/۵	۲/۸	کره جنوبی
۶/۱	۶/۳	۰/۰	۰/۰	۰/۰	آفریقای جنوبی
۵/۳	۶/۸	۵/۳	۷/۲	۳/۱	فرانسه
۴/۰	۲/۷	۳/۵	۳/۰	۰/۸	اسپانیا
۳/۱	۳/۴	۵/۳	۶/۰	۰/۱	هلند
۳/۰	۴/۰	۴/۴	۴/۰	۴/۰	آلمان
۲/۶	۲/۸	۲/۵	۱/۷	۱/۹	هند
واردات					
۱۴/۹	۱۴/۷	۱۴/۹	۱۶/۴	۲۴/۳	آلمان
۸/۳	۷/۹	۸/۰	۶/۶	۵/۰	امریکا
۷/۱	۳/۲	۲/۵	۲/۸	۲/۷	کره شمالی
۶/۰	۵/۹	۸/۶	۹/۶	۱۲/۶	ژاپن
۵/۸	۴/۵	۲/۲	۱/۶	۱/۵	آرژانتین
۵/۱	۵/۰	۷/۸	۴/۸	۳/۵	فرانسه
۴/۸	۴/۷	۴/۲	۴/۹	۴/۸	انگلستان
۴/۷	۴/۶	۶/۸	۸/۶	۹/۸	ایتالیا
۲/۶	۳/۲	۱/۷	۱/۷	۱/۶	برزیل

همان گونه که از جدول فوق بر می آید، طی سال های ۱۹۹۲-۱۹۹۶ سهم مبادلات با کره جنوبی از هر دو جنبه واردات و صادرات رو به افزایش بوده است. ارزش مبادلات با کشورهای طرف عمده تجاری نیز به کمک جدول فوق و جدول شماره ۳ امکان پذیر است.

موضوع سخنرانی:

تحولات صنعت ایران
در طول دو برنامه توسعه
(۱۹۸۹-۱۹۹۷)

سخنران*: محمدحسین ملایری

*. معاون پژوهشی و عضو هیئت علمی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

ریاست محترم، خانم‌ها، آقایان

توسعه صنعتی از زمان گسترش ظرفیت واحدهای مصنوع در اروپا با انقلاب در فن و دانش آغاز گردید. افزایش رو به فزون بهره‌وری ابزار کار و گسترش توانایی تولید، به گونه‌ای شکل گرفت که به آن عنوان انقلاب صنعتی داده شد. در این رابطه کشورهای دیگر که از قافله عقب مانده بودند در صدد دستیابی به این فنون و تکنیک‌ها برآمدند و سعی نمودند تا فاصله ایجاد شده را پر نمایند و در این مسیر تلاش پیگیری برای ورود و استفاده و گسترش صنایع مختلف صورت گرفت.

این رویکرد گرچه در ابتدا برای کشورهای در حال توسعه، بسیار ساده می‌نمود و نی در حین اجرای آن دچار مشکلات عدیده‌ای گردیدند. رویکرد اول تنها به سرمایه‌گذاری یک جا و روابط میان صنایع و ارزیابی‌های جزئی محدود می‌گردید، در حالی که پس از آن توجه به روابط انسانی نیز رویه رشد گذاشت و تا آنجایی پیش رفت که ارزش‌ها و نهادهای فرهنگی رسمی و غیررسمی نیز مورد تحلیل قرار گرفت. اما با توجه به تمام اینها تجربیات ناموفق کشورها هنوز ادامه دارد و هر روز نگاهی جدید با سؤالاتی متفاوت در این زمینه مطرح می‌گردد. این سؤالات همه نشانگر پیچیده و ظریف بودن این مسئله می‌باشد.

در مورد توسعه صنعتی ایران نیز تلاش‌های زیادی صورت گرفته است و به طور توأمان کامیابی‌ها و ناکامی‌هایی وجود داشته است. برای ارزیابی درجه کامیابی یا دستیابی به ریشه‌های ناکامی لازم است سؤالات مشخصی پاسخ داده شود. از این قبیل:

- در برنامه‌ریزی توسعه صنعتی (از دیدگاه برنامه‌های کلان) آیا منابع انسانی، مالی و فیزیکی کشور قبلاً شناسایی شده‌اند؟ آیا به گونه‌ای متناسب با توقعات برنامه بوده‌اند؟

- با توجه به نوع برنامه‌ریزی متمرکز برای کشور آیا از منظر کلان و استراتژیک به ساختار اقتصادی و محیط آن نگاه شده است؟ آیا از میان تعداد زیادی انتخاب، منابع کمیاب در یک جهت سازمان یافته است؟ آیا وضعیت اقتصادی رقبا و توانایی بالقوه ما با دید کلان و استراتژیک ارزیابی شده است؟

- آیا روشی برای کنترل اطلاعات و سپس تصحیح مشکلات، براساس بازخوردها و اولویت‌بندی‌ها شکل گرفته است؟ چگونه نظام اقتصادی از رفتار، حوادث و تبعات خود مطلع می‌گردد؟

از طرف دیگر مسائل سازمانی نیز باید مورد توجه قرار گیرد و باید پرسید آیا سازمان‌ها، روابط و رفتار افراد در آنها متناسب با توسعه صنعتی کشور هست؟ در این زمینه می‌توان برخی متغیرها را برشمرد:

الف - متغیرهای اقتصادی: ارزش افزوده، اشتغال، صادرات و میزان استفاده از ظرفیت کارخانه‌ها؛

ب - سازمان‌ها، مدیریت، ساختار کنترل و ارتباطات و تعاملات؛

ج - فرهنگ و نهادهای (که عوامل درونی می‌باشند) شامل متغیرهایی مانند: عوامل مسلط در روابط اقتصادی، قوانین و مقررات، شفافیت و تناسب قوانین، تناسب میان برنامه و ارزش‌ها.

روشی که در این مقاله به کار رفته است، براساس شناسایی و مطالعه رفتار اقتصادی در طول دو برنامه می‌باشد. برای آشنایی حضار محترم در ابتدا، تاریخچه مختصری از صنعت در ایران ارائه می‌گردد، سپس به وضعیت صنعت در سال‌های قبل از برنامه اول توجه می‌شود و بعد برنامه اول مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در ادامه به ارائه برنامه دوم و تحلیل آن می‌پردازیم. لازم به ذکر می‌دانم که تهیه مقاله حاضر به دلیل کمبود اطلاعات دچار محدودیت‌هایی بود که امیدوارم شرایط خاص جامعه ما از نظر تولید منظم اطلاعات و داده‌ها و شفافیت آنها، مورد توجه قرار گیرد.

● آغاز راه

فعالیت های صنعتی در ایران به دوران صفویه باز می گردد. از آن زمان تاکنون صنعت ایران روند پرنشیب و فرازی داشته است. در اینجا اشاره ای گذرا به صنعت از ابتدای پیدایش تا برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی جمهوری اسلامی ایران خواهد شد.

در قرن ۱۶ و ۱۷ ریشه های فعالیت های صنعتی پا گرفته است. از ویژگی های صنعت آن دوران به کارگیری شمار بالای کارگران بوده است.^۱ صنایع ایران در دوران افشاریه، زندیه چندان رشد و پیشرفتی از خود نشان نداد و در زمان قاجاریه که پای صنایع خارجی به ایران باز شد، صنعت ایران با رکود گسترده ای همراه شد و حتی تلاش های میرزا تقی خان امیرکبیر که تا حدودی باعث رونق صنعت شده بودند نیز نتوانست صنعت را دچار تحول نماید.^۲ لازم به ذکر است که آن زمان صنعت ایران را تنها صنایع دستی تشکیل می داد. بعد از صادرات امیرکبیر همکاری های صنعتی ایرانیان و خارجی ها در قالب احداث کارخانه تجلی یافت و نمونه آن کارخانه ابریشم تابی گیلان بود که با همکاری فرانسوی ها به توسط حاج امین الضرب در رشت احداث گردید. جدول ۱ مشخصات کارخانه ها و کارگاه های ایرانی را در اواخر دوره قاجاریه نشان می دهد.

جدول ۱- شمایی از وضعیت صنعت در اواخر دوره قاجاریه

نام کارخانه یا کارگاه	محل	تعداد	تعداد کارگران	درصد کارگران
کارخانه ابریشم تابی حاج امین الضرب	گیلان	۱	۱۵۰	۲۸/۶
کارگاه های پنبه پاک کنی	مازندران - خراسان	۹	۱۴۴	۲۷/۵
کارخانه کاغذسازی	تهران	۱	۶۰	۱۱/۴
کارخانه نخ ریزی قزوینی	تبریز	۱	۴۵	۸/۶
کارخانه برق	تبریز - مشهد - تهران	۳	۴۵	۸/۶
کارخانه بلورسازی امین الضرب	تهران	۱	۲۰	۳/۸
کارخانه صابون پزی نظافت	تهران	۱	۲۰	۳/۸
کوره آجر پزی حاج امین الضرب	تهران	۱	۲۰	۳/۸
کارخانه فشنگ سازی	تهران	۱	۱۰	۱/۹
کارخانه آجور سازی	تهران	۱	۱۰	۱/۹
جمع		۲۰	۵۲۴	۱۰۰

منبع: اقتصاد ایران، مؤسسه مطالعات پژوهش های بازرگانی، ۱۳۷۱، ص ۲۹۲.

بعد از دوره قاجاریه رضاخان یک سیستم صنعتی دولتی را پایه گذاری نمود. در این دوران عمده صنایع دولتی و وابسته به دولت و شاه وقت بودند. عمده صنایعی که در این دوران به وجود آمد صنایع سبک مثل جرم سازی، نساجی، مواد غذایی و مصالح ساختمانی بود. جانشین رضاشاه دست به توسعه اقتصادی

۱. آذوقه سوره داری در ایران، محمدرضا شاه، ۱۳۶۰، ص ۱۹۹.

۲. منابع بررسی سوره داری در ایران، احمد الشرف، ۱۳۵۹، ص ۹۱.

بالاخص صنعتی از طریق اجرای برنامه‌های عمرانی زد و تأسیس صنایع سنگین را در کشور آغاز نمود. این مهم با ایجاد صنایع سنگین مانند ذوب آهن آغاز شد و تا سال ۱۳۵۷ سیاست‌های صنعتی عمدتاً عبارت بودند از سرمایه‌گذاری در برخی از صنایع سنگین مانند فولاد و ماشین ابزار و تشویق تولیدکننده‌های مصرفی با دوام وارداتی نظیر اتومبیل و وسایل خانگی و در مراحل بعدی کوشش‌های چندی در ایجاد صنعت پتروشیمی و حمایت از صناعات و هنرهای دستی و سنتی به عمل آمد.^۱ ولی بنا به دلایلی چون وابستگی سیاسی، فقدان بخش خصوصی مبتکر و خلاق، ضعف فرهنگ و آموزش پیشرفته، کمبود نیروی انسانی متخصص بومی و داخلی نبودن تکنولوژی این صنایع و فقدان الگوی توسعه صحیح در نیل به اهداف، موفقیت‌های چشمگیری طی این دوره حاصل نشد و وابستگی در عرصه صنعت همچنان حفظ شد.^۲

● صنعت و معدن پس از انقلاب اسلامی

پس از انقلاب اسلامی ساختار عمده مالکیت صنایع تغییر یافت و عمده صنایع دولتی شدند ولی مشکلات اصلی آن از جمله وابستگی تکنولوژی و مواد مورد نیاز به خارج باقی ماندند. به دلیل همین وابستگی و به دلیل محاصره اقتصادی از سوی ایالات متحده آمریکا و عدم تأمین مواد اولیه و مواد واسطه‌ای مورد نیاز صنعت، قسمت عمده‌ای از صنایع بعد از انقلاب به وضعیت رکودی کشیده شدند. گفتنی است که دولت در سال ۱۳۵۸ قانون ملی کردن بخشی از صنایع تولیدی را به تصویب رساند و در قالب قانون حدود ۵۰۰ شرکت و مؤسسه تولیدی ملی اعلام شد و سازمان صنایع ملی ایران جهت اداره و سازماندهی آنها تأسیس گردید. در این قسمت می‌کشیم مروری بر تحولات بخش صنعت و معدن ایران تا سال ۱۳۶۸ که زمان آغاز اولین برنامه توسعه جمهوری اسلامی ایران است، بپردازیم.

۱- سهم صنعت در تولید ناخالص داخلی یکی از معیارهایی است که معمولاً مورد توجه قرار می‌گیرد. آمار نشان می‌دهد که سهم این بخش در کل اقتصاد در طول سال‌های قبل از انقلاب اسلامی همیشه کمتر از ۲۰ درصد بوده است. جدول ۲ تولید ناخالص داخلی کشور و سهم بخش صنعت و معدن را نشان می‌دهد. همان‌طور که دیده می‌شود سهم صنعت در طی سال‌های پس از انقلاب - اگرچه باکندی - افزایش داشته است، البته دلیل کاهش نسبی پس از سال ۱۳۶۴ به مسئله تشدید مسائل تحریم اقتصادی و جنگ میهنی باز می‌گردد.

۲- بخش عمده صنایع (مقیاس متوسط) بعد از انقلاب ملی شدند و تحت پوشش سازمان دولتی صنایع ملی ایران درآمدند و نیز با توجه به وضعیت اشتغال در صنعت که قسمت عمده آن در بخش دولتی محقق شده بود لذا سرمایه‌گذاری ثابت دولت از محل اعتبارات عمرانی در بخش‌های مختلف تا حدود زیادی منعکس کننده عمده سرمایه‌گذاری در بخش صنعت می‌باشد (به دلیل این که صنعت در طی این دوره تا حد زیادی دولتی بوده است). البته حتی قبل از انقلاب اسلامی نیز صنایع بزرگ نظیر پتروشیمی‌ها و صنایع ذوب فلز همچنان دولتی بودند. مثلاً در طی دوره (۱۳۵۳-۱۳۶۵) ۵۰ درصد سرمایه‌گذاری‌های ثابت دولتی را صنایع ذوب فلزات به خود اختصاص دادند و صنایع شیمیایی و پتروشیمی با بیش از

۱. اقتصادی ایران، مرکز پژوهش‌های بررسانی، ص ۳۰۳.

۲. پیشین، ص ۳۰۱.

۳. پیش از انقلاب اسلامی صنایع بزرگ همچنان در اختیار دولت بودند اما، صنایع متوسط و کوچک در اختیار بخش خصوصی بود. با پیروزی انقلاب اسلامی، بخش عمده صنایع مقیاس متوسط نیز به کنترل دولت درآمدند.

متوسط سالانه ۱۰ درصد در رتبه دوم قرار داشتند. البته در طی این دوره توجه به امور تحقیقاتی در بخش صنعت بسیار کم بوده و امور تحقیقاتی تنها یک درصد از سرمایه‌گذاری‌های ثابت را به خود اختصاص داده بودند.^۱

۳- ناچیز بودن سرمایه‌گذاری‌های دولتی با توجه به وجود جنگ، ناتوانی‌های صنعت را در این دوره بیش از انتظار مورد افزایش قرار داد. جدول ۴ سرمایه‌گذاری ثابت دولت از محل اعتبارات عمرانی در بخش‌های مختلف را از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۶۵ نشان می‌دهد. چنانچه مشهود است، در امر سرمایه‌گذاری بخش دولتی، آنچه که بیشتر حاکم بوده، توان‌مندی مالی دولت و نه خط‌مشی توسعه صنعتی است، زیرا که روند سرمایه‌گذاری دولتی گروه‌های مختلف بخش صنعت بعضاً با افت و خیزهای شدیدی مواجه شده که منعکس‌کننده فقدان روند منطقی در توسعه این بخش می‌باشد.

۴- وضعیت صنعت از دید میزان وابستگی به مواد اولیه خارجی نیز نکته قابل توجهی است. در سال ۱۳۶۶ حدود ۱۹ درصد از ارزش کل مواد مصرفی کارگاه‌های صنعتی کشور را مواد اولیه خارجی تشکیل می‌داده‌اند که این نسبت برای صنایع شیمیایی با حدود ۴۲ درصد از همه صنایع دیگر بیشتر بوده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که هرچه تعداد کارکنان یک کارگاه افزوده شده وابستگی آنها هم بیشتر گردیده است. بدین معنی که رابطه مستقیمی بین بزرگی واحد تولیدی و مقیاس تولید از یک سو و میزان وابستگی از سوی دیگر وجود دارد، یعنی صنایعی که از ماشین‌آلات بیشتری استفاده می‌کنند و تشکیلات وسیعی دارند بیش از صنایع کوچک‌تر وابسته هستند.

۵- یکی از عوامل اصلی تغییر مبانی علمی و فنی تولید، نیروی انسانی است که خود معلول آموزش پیشرفته می‌باشد. اطلاعات موجود در این رابطه تا قبل از اجرای قانون برنامه پنج‌ساله توسعه حاکی از آن است که به‌طور کلی بخش صنعت کشور از ۱/۷ درصد دارندگان تحصیلات عالی بهره‌مند بوده است. این رقم برای دارندگان تحصیلات متوسط در حد ۱۱/۹ درصد گزارش شده است.^۲ در این راستا، گروه صنایع شیمیایی و پالایش نفت از بیشترین دارندگان تحصیلات عالی با رقم ۶/۳ درصد و صنایع چوبی و محصولات چوبی با رقم ۰/۹ درصد در کمترین حد از دارندگان تحصیلات عالی برخوردار بوده است. براساس تحقیقی که در این رابطه صورت پذیرفته شاخص نسبی سرمایه‌انسانی در کل بخش صنعت ۱۳/۶ درصد بوده که صنایع کاغذ، مقوا و چاپ و انتشار با ۳۳/۸ درصد و صنایع نساجی، پوشاک و چرم با ۸/۲ درصد به ترتیب بیشترین و کمترین سهم‌ها را داشته‌اند.^۳

۶- میزان برون‌نگری بخش‌های اقتصادی و به ویژه بخش صنعت (به مفهوم توجه به بازارهای خارجی و تلاش در جهت دستیابی به سهم مناسبی از آن در کنار تأمین نیازهای داخلی کشور) از دیگر مقولاتی است که می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

چنانچه ارقام جدول ۶ مشخص می‌سازد، در اوایل دهه ۱۳۵۰، حجم صادرات غیرنفتی روند نزولی یافته است که این مسئله تا حدود زیادی تشأت گرفته از افزایش درآمدهای نفتی و کم توجهی کلی به صادرات غیرنفتی است. صادرات کالاهای صنعتی نیز از این نزول بی‌نصیب نبوده و به رغم حفظ نسبت ۲۰ الی ۳۰ درصدی خود از کل صادرات غیرنفتی طی سال‌های ۱۳۵۳ الی ۱۳۵۷، بارشد نزولی مواجه شده است. پس از

۱. اقتصاد ایران، مرکز پژوهش‌های اقتصادی، فصل‌آور بررسی صنعت تا قبل از برنامه اول.

۲. اقتصاد ایران، مرکز پژوهش‌های اقتصادی، مرداد ۱۳۶۱، ص ۳۲۵.

۳. برپید، مردوخ، نقش سرمایه‌انسانی در توسعه صنعتی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۳۰، شهریور ۱۳۶۱.

○ مجموعه مقالات سمینار

(میلیارد ریال)

جدول ۲- تولید ناخالص داخلی و سهم بخش صنعت و معدن (به قیمت ثابت ۱۳۵۳)

سال	۱۳۵۳	۱۳۵۴	۱۳۵۵	۱۳۵۶	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷
شرح															
GDP به قیمت عوامل	۳۰۲۶/۴	۳۴۳۲/۳	۴۵۷۰/۶	۳۷۴۲/۶	۳۱۹۸/۵	۳۰۶۹/۵	۲۵۶۳/۴	۲۶۱۹/۹	۳۰۴۰/۳	۳۴۱۷/۸	۳۳۷۴/۵	۳۵۱۷/۱	۳۲۳۰/۸	۳۰۶۴/۳	۲۹۲۸/۶
سهم بخش صنعت (درصد)	۷/۴	۷/۵	۶/۵	۸/۶	۸/۸	۸/۲	۸/۵	۸/۷	۱۲/۸	۱۳/۶	۱۳/۴	۱۲/۵	۱۲/۷	۱۰/۹	۱۱
سهم بخش صنایع و معادن (درصد)	۱۲/۷	۱۳/۸	۱۳/۱	۱۵/۸	۱۵/۷	۱۳	۱۵/۸	۱۵/۷	۱۹/۴	۲۰	۲۰/۳	۱۹/۱	۱۹/۶	۱۷/۴	۱۷/۷

منبع:

۱- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارش اقتصادی سالانه

۲- سازمان برنامه و بودجه، سری رسمی و گزارش های آماری

(هزار نفر)

جدول ۳- تعداد شاغلان کارگاه های بزرگ صنعتی به تفکیک فعالیت

سال	۱۳۵۵	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵
شرح									
کل صنایع	۳۹۶	۴۱۵	۴۷۴	۴۸۶	۵۳۸	۵۶۷	۵۹۳	۵۷۸	۵۵۹
مواد غذایی، آشامیدنی ها و دخانیات	۶۷	۶۵	۷۷	۷۵	۸۵	۸۸	۸۸	۸۵	۸۹
نساجی، پوشاک و چرم	۱۱۰	۹۸	۱۱۵	۱۳۶	۱۳۷	۱۴۲	۱۴۵	۱۴۴	۱۴۴
چوب و محصولات چوبی	۸	۱۰	۱۲	۹	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴
کاغذ، مقوا، چاپ و صحافی	۱۱	۱۲	۱۴	۱۶	۱۵	۱۶	۱۶	۱۵	۱۵
صنایع شیمیایی	۴۳	۵۴	۵۸	۴۴	۴۷	۴۸	۵۲	۵۳	۵۲
کانی غیر فلزی به جز نفت و زغال سنگ	۶۰	۶۵	۷۱	۷۹	۹۹	۹۷	۹۷	۹۱	۸۴
ساخت فلزات اساسی	۱۸	۲۲	۲۱	۲۳	۲۷	۳۳	۳۹	۴۰	۳۹
ماشین آلات، تجهیزات و ابزار	۷۸	۸۹	۹۹	۱۰۳	۱۱۵	۱۲۹	۱۴۱	۱۳۵	۱۲۱
صنایع متفرقه	۰/۷	۰/۴	۰/۶	۰/۸	۱	۱	۱	۱	۱

منبع: مرکز آمار ایران

جدول ۴- سرمایه گذاری ثابت دولت از محل اعتبارات عمرانی در بخش های مختلف

(میلیون ریال)

سال	شرح	۱۳۵۳	۱۳۵۴	۱۳۵۵	۱۳۵۶	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵
	غذایی	۱۰۵۹	۱۵۲۰	۳۷۹۲	۲۰۳۴	۳۱۰۱	۴۴۱۸	۳۲۱	۲۴۹۵	۵۱۷۶	۵۰۴۵	۳۵۳۳	۳۹۱۸	۴۴۴۸
	نساجی، چرم و صنایع دستی	۲۴۶	۱۰۰۶	۳۷۰۷	۲۲۱۴	۱۹۴۳	۹۷۳	۹۷۶	۸۹۲	۲۷۸۶	۳۴۶۴	۵۰۶۸	۵۱۱۶	۳۳۳۱
	سلولزی و چاپ	۳۷۶۳	۴۷۵۲	۶۱۷۵	۹۲۹۰	۷۳۶۶	۵۹۵۸	۴/۹۹۶	۳۲۷۰	۳۴۰۶	۱۹۵۷	۱۰۶۵	۹۴۰۰	.
	شیمیایی و پتروشیمی	۶۱۱۹	۱۸۳۴۱	۸۳۳۳	۱۵۳۵۸	۶۷۴۰	۸۹۹۷	۷/۷۶۴	۱۰۸۸۱	۱۹۶۴۹	۳۳۰۳۰	۲۲۲۵۴	۹۵۶۹	۷۱۱۱
	معدنی غیر فلزی	۲۰۰۰	۳۵۰۴	۴۷۰۲	۶۹۳۰۹	۴۰۴۴	۳۸۷۳	۳۸۹۰	۴۶۳۳	۴۸۳۲	۴۲۴۸	۳۰۶۳	۳۱۴۴	۵۳۳
	فلزی و ذوب فلز	۱۴۷۱۸	۲۲۶۹۶	۲۸۶۸۹	۴۸۷۴۲	۳۳۷۵۹	۳۹۹۳۴	۲۳۱۶۲	۴۵۳۸۵	۶۵۱۱۹	۸۶۹۲۴	۵۵/۷۱۹	۵۹/۱۹۵	۷۰/۲۶۵
	مکانیکی	۲۵۵۲	۶۱۵۵	۵۷۱۱	۵۹۴/۹	۲۹۳۳	۱۸۶۹	۲۸۲۳	۳۳۳۵	۵۶۶۴	۷۹۵۹	۵۵۴۹	۳۴۷	۳۱۰۰
	الکتریکی و الکترونیکی	۱۰۰۰	۲۴۱۰	۱۶۵۰	۱۵۹۹	۱۴۰۰	۳۴۳۱	۵۷۱	۷۴۴	۳۶۵	۱۳۶۲	۱۵۹۵	۱۲۵۰	۳۹۷۰
	وسایط نقلیه	۳۱۵۴	۴۲۴۸	۵۷۱۶	۹۳۹۳	۶۹۸۱		۲۴۵۵	۴۹۹۴	۹۶۹۷	۱۲۳۴۹	۶۵۰۵	۲۰۴۰	۴۲۰۰
	تأسیسات صدمه دیده	.	.	.	.	.	.	۵۸	.	.	.	.	.	.
	نظارت بر امور صنفی و	.	.	.	۱۸۳	۱۲۵	-	.	۸۳	۱۴۳	۱۰۸۹	۴۳۶	۵۵۸	۷۱۱
	بررسی و تحقیق													
	کمک های فنی	۴۲۰	۴۰۴	۵۱۲	۷۸۳	۲۸۶	۴۸۱	۷۰۸	۹۹۳	۱۷۱۸	۲۲۹۱	۱۳۱۵	.	.
	جمع	۳۵۰۳۱	۶۵۰۴۲	۶۹۳۷۴	۱۰۲۴۸۴	۷۸۶۷۸	۶۹۹۳۴	۷۰۵۶۶	۷۷۲۰۵	۱۱۸۵۵۵	۱۵۹۷۱۸	۱۰۶۱۰۲	۸۹۶۶۰	۹۴۶۶۹
	رشد (درصد)	-	۸۵/۶۷	۶/۶۶	۴۷/۷۳	-۲۳/۲۳	-۱۱/۱۱	۱۰/۰۹	۹/۴۱	۵۳/۵۶	۳۴/۷۲	-۳۳/۵۷	-۱۵/۵۰	۵/۵۹

مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی

جدول ۵- درصد ارزش مواد اولیه خارجی مصرف شده نسبت به کل مواد مصرفی در کارگاه‌های صنعتی کشور برحسب طبقات

کارکن و فعالیت در سال ۱۳۶۶

طبقه کارکن	فعالیت						جمع
	۹-۱	۱۰-۴۹	۵۰-۹۹	۱۰۰-۴۹۹	۵۰۰-۹۹۹	۱۰۰۰ و بیشتر	
کل صنایع	۱۰/۲	۱۸/۷	۳۰/۶	۲۹/۱	۲۱/۱	۳۰/۹	۱۹/۴
صنایع مواد غذایی، آشامیدنی‌ها و دخانیات	۳/۶	۱۵/۲	۲۴/۶	۲۱/۳	۱۱	۱۳/۷	۱۲/۵
صنایع نساجی، پوشاک و چرم	۹/۲	۸/۳	۱۸/۲	۱۶/۵	۲۰/۵	۲۵/۱	۱۴/۵
صنایع چوب و محصولات چوبی	۱۳	۵/۵	۲/۶	۱۲/۳	۰	۲۸/۳	۱۲/۹
صنایع کاغذ و مقوا و چاپ و انتشار	۳۸	۳۶/۶	۱۸/۴	۴۸	۱۵/۴	۳۸/۶	۳۷/۸
صنایع شیمیایی نفت، زغال سنگ و پلاستیک	۲۱/۹	۳۷	۴۶/۸	۵۳/۷	۱۰/۱	۳۹/۲	۴۱/۸
صنایع محصولات کانی غیرفلزی	۳/۴	۵/۱	۷/۵	۱۲/۸	۱۱/۴	۱۱/۸	۶/۵
صنایع تولید فلزات اساسی	۶/۷	۳۲/۸	۴۳/۹	۵۸/۶	۵۰/۲	۳۸/۷	۳۶/۳
صنایع ماشین‌آلات، تجهیزات، ابزار و محصولات فلزی	۱۳/۱	۳۲/۳	۴۶/۹	۴۹/۲	۳۱/۴	۳۷/۴	۲۲/۹
صنایع متفرقه	۱۰/۱	۶۰/۲	۲۳/۷	۶۰/۵	-	-	۲۳/۲

منبع: مرکز پژوهش‌های - زرنگی، ۱۳۶۱، ص ۳۲۲

(واحد: میلیون دلار)

جدول ۶- ارزش صادرات گمرکی کشور (بدون نفت)

۱۳۵۳	۱۳۵۴	۱۳۵۵	۱۳۵۶	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷
۵۸۱/۵	۵۹۲/۲	۵۲۹/۹	۶۲۵/۲	۵۲۲/۸	۸۱۱/۸	۶۴۵/۲	۳۳۹/۵	۲۸۳	۳۵۶/۶	۳۶۱/۱	۴۶۵	۹۱۵/۵	۱۱۶۰/۸	۱۰۳۵/۸
۱۶۳/۱	۱۴۵/۷	۱۵۲/۶	۱۳۵/۶	۱۶۳	۶۶/۲	۲۴	۱۳/۲	۲۱/۳	۲۶	۲۷/۳	۶۰	۱۰۹/۹	۱۳۱/۸	۲۳۲/۷
-	۱۰/۶۴	۴/۷۴	۱۱/۱۲	۲۰/۲۱	۵۹/۲۶	۶۳/۸۵	۶۱/۱۰	۶۱/۳۶	۲۲/۰۷	۵	۱۳۲/۴۳	۷۱/۷۲	۱۹/۹۳	۷۶/۵۶
۲۸/۰۵	۲۴/۶	۲۸/۸۰	۲۱/۶۹	۳۰/۰۳	۸/۱۸	۳/۷۲	۳/۸۹	۷/۵۳	۷/۲۹	۷/۵۶	۱۳/۷۶	۱۲/۰۰	۱۱/۳۵	۲۲/۴۷
غیرنفتی (درصد)														

منبع: تحولات اقتصادی کشور بعد از انقلاب، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۶۰.

پیروزی انقلاب اسلامی، بخش صنعت به دلیل افزایش مشکلات و به ویژه به علت فرار صاحبان و مواجهه بادهی‌های کلان دچار رکود و فترت شد و به شدت از سهم تولیدات این بخش در ایجاد درآمد ارزی کاسته شد. بروز جنگ تحمیلی، مشکلات ناشی از کمبود منابع ارزی، نحوه مالکیت واحدهای صنعتی، کمبود مواد اولیه یا واسطه‌ای وارداتی برای تغذیه این بخش، عدم سرمایه‌گذاری کافی جهت حفظ شرایط موجود در این بخش و حداقل در حد نرخ استهلاك سرمایه‌گذاری‌های انجام شده، کمبود نیروی متخصص مشکلات موجود بر سر راه بازاریابی کالاهای صنعتی در بازارهای جهانی، توجه بیشتر به استراتژی جانشینی واردات و... از جمله مواردی هستند که تا حدودی توجیه‌کننده روند نزولی سهم صادرات کالاهای صنعتی طی آخرین سال‌های دهه ۱۳۵۰ و ثبات این نسبت در حد عدد یک رقمی در آغاز دهه ۱۳۶۰ می‌باشد. پس از بروز شوک نفتی در سال‌های ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵ و کمبود درآمد ارزی، مجدداً به صادرات غیرنفتی توجه بیشتری شد.

لذا حجم صادرات غیرنفتی و نیز صادرات صنعتی روندی صعودی یافت. طی سال‌های ۱۳۶۴ الی ۱۳۶۷ که سهم صادرات صنعتی از کل صادرات غیرنفتی رو به فزونی گذارده است، متوسط نرخ رشد صادرات صنعتی از کل صادرات بیشتر بوده است.

به طور کمی در رابطه با وضعیت صنعت قبل از انقلاب اسلامی و بعد از آن یعنی تا ابتدای برنامه اول می‌توان سیمای زیر را ارائه داد:

الف- سهم تولیدات صنایع سرمایه‌ای، واسطه‌ای و مصرفی در کل تولیدات صنعتی ترکیب نامناسبی داشت.

ب- صنعت وابستگی شدیدی به خارج و اتکای فراوانی به درآمدهای ارزی داشت.

ج- سهم صنعت در صادرات غیرنفتی کم بوده است.

د- صنعت از ضعف نیروی انسانی متخصص و مدیریت کارا رنج می‌برده است.

ه- سهم تحقیقات و پژوهش در بخش صنعت بسیار اندک بوده است.

و- مراکز تصمیم‌گیری مربوط به صنعت بسیار زیاد بوده و این باعث ایجاد نارسایی‌های فراوانی بوده است.

ز- در بخش صنعت یک برنامه‌ریزی منسجم و کارا وجود نداشته است.

۲- صنعت در برنامه پنج‌ساله اول

● مقدمه

برنامه پنج ساله اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران که در سال ۱۳۶۷ تدوین گردید سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ را دربرگرفت. در این بخش از مقاله، ساختار این برنامه در بخش صنعت و معدن مورد توجه قرار می‌گیرد.

در تصویر کلان برنامه، رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت ۱۳۶۷ سالانه به طور متوسط معادل ۸/۱ درصد پیش‌بینی شده بود. چارچوب رشد اقتصادی موردپیش‌بینی، رشد سالانه بخش صنعت در مقاطع ۱۳۶۸-۱۳۷۲ معادل ۱۴/۲ درصد ذکر شد. در رشد بخش صنعت، تأکید عمده بر توسعه صنایع سرمایه‌ای و واسطه‌ای از طریق تکمیل پروژه‌های نیمه تمام در چارچوب اولویت‌های برنامه بخش صنعت بود. در این راستا، رشد صنایع سرمایه‌ای معادل ۲۴ درصد، صنایع واسطه‌ای معادل ۲۰ درصد و رشد صنایع مصرفی معادل ۴/۲ درصد پیش‌بینی گردید. بدین طریق پیش‌بینی شد که ترکیب رشد بخش صنعت به نحوی باشد تا سهم ارزش افزوده صنایع سرمایه‌ای در کل ارزش افزوده صنعت از ۵/۶ درصد به ۸/۵ درصد افزایش، سهم صنایع واسطه‌ای از ۴۹/۴ درصد به ۶۳ درصد افزایش و سهم صنایع مصرفی از ۴۵ درصد به ۲۸/۵ درصد کاهش یابد.^۱

رشد بخش معدن نیز در طول برنامه اول با توجه به استفاده از ظرفیت‌های معدنی کشور در جهت توسعه صادرات غیرنفتی و همچنین ایجاد ارتباط منطقی با فعالیت‌های بخش صنعت تعیین شد.^۲ تصویر اهداف بخش صنعت و معدن در ترکیب تولید ناخالص داخلی به شرح جدول ۷ می‌باشد.

برای دستیابی به اهداف کمی مورد نظر در تصویر کلان برنامه اول، اهداف و برنامه‌هایی برای بخش صنایع تدوین شد که در ادامه به آن اشاره می‌شود:

۱. مأموریت‌ها و اهداف توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۳۶۸-۱۳۷۲، ص ۲۰ و ۲۱.
۲. همان.

جدول ۷- اهداف برنامه اول بخش صنعت و معدن (ثابت ۱۳۶۷) (میلیارد ریال)

شرح	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	متوسط نرخ رشد (۱۳۶۸-۱۳۷۲)
۱- صنایع و معادن	۱۸۶۴	۲۱۴۸/۱	۲۴۶۱/۶	۲۸۶۶	۳۲۶۲	۱۵
۱-۱- صنعت	۱۶۲۳	۱۸۳۴/۱	۲۰۸۹/۶	۲۴۱۵	۲۷۵۰	۱۴/۲
۲-۱- معدن	۲۴۱	۳۱۴	۳۷۲	۴۵۱	۵۱۲	۱۹/۵
۲- تولید ناخالص داخلی به قیمت عواما	۲۴۲۸۹/۵	۲۶۵۳۳	۲۸۳۴۵/۹	۳۰۷۴۶/۷	۳۳۳۱۴/۶	۸/۱
سهم صنایع و معادن از تولید ناخالص داخلی (درصد)	۷/۶۷	۸/۱۰	۸/۶۸	۹/۳۲	۹/۷۹	

مأخذ: سازمان برنامه و بودجه، بیست قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۳۶۱-۱۳۷۲، ص ۲-۱۲

۱- هدف های کلی بخش صنایع در برنامه پنج ساله اول

الف - حرکت در جهت خودکفایی صنعتی با عنوان وسیله ای برای تحکیم استقلال سیاسی و اقتصادی کشور

از طریق:

- تأکید بر ایجاد و توسعه صنایع متکی با منابع اولیه داخلی؛
- تأکید بر گسترش توان تکنولوژیکی کشور و حصول رشد صنعتی از این طریق.
- ب- حرکت در جهت خودکفایی از لحاظ نیازهای اساسی کشور از طریق:
- تأکید بر صنایع تولیدکننده نیازهای ضروری داخلی؛
- تأکید بر همزیستاری تولید صنعتی در صنایع دفاعی و غیردفاعی؛
- تأکید بر صنایع تولیدکننده کالاهای صادراتی؛
- بازسازی و نوسازی ظرفیت های تولیدی خسارت دیده در طول جنگ در چارچوب الویت های این برنامه؛
- اصلاح سازمان و مدیریت اجرایی بخش.

۲- هدف های کمی در بخش صنعت و معدن

رشد بخش افزوده در بخش های مختلف تولیدی بخش صنعت ملی این برنامه در بخش های مختلف و صنایع موجود در صنعت به شرح جدول ۸ بوده است.

جدول ۸- ساختار تولیدی بخش صنعت (ثابت ۱۳۶۷) (میلیارد ریال)

رشد متوسط سالانه	۱۳۷۲		۱۳۶۷		
	درصد	ارزش افزوده	درصد	ارزش افزوده	
۱۴/۲	۱۰۰	۲۷۵۰	۱۰۰	۱۴۱۴	بخش صنعت
۴/۲	۲۸/۴	۷۸۰	۴۵	۶۳۶/۳	صنایع مصرفی
۲۰		۱۷۳۵	۴۹/۳	۶۹۷/۷	صنایع واسطه‌ای
(۲۴/۳)	(۷۴)	(۱۲۸۵)	(۶۲)	(۴۳۲/۵)	صنعتی
(۱۱/۱)	(۲۶)	(۴۵۰)	(۳۸)	(۲۶۵/۲)	غیرصنعتی
۲۴	۸/۵	۲۳۵	۵/۷	۱۰	صنایع سرمایه‌ای

مأخذ: سازمان برنامه و بودجه، پیوست قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۳۶۹-۱۳۷۲، ص ۱۰-۹

استراتژی توسعه صنعتی در طی برنامه پنج ساله اول در بخش صنعت به تفکیک موارد مورد نظر از جمله سرمایه‌گذاری، تولید، صادرات، واردات و... در جدول ۹ ارائه شده است.

جدول ۹- جهت‌گیری توسعه صنعتی در برنامه پنج ساله اول

۱- تکمیل طرح‌های نیمه تمام الویت‌دار (عمدتاً در صنایع واسطه‌ای)	سرمایه‌گذاری
۲- ایجاد صنایع سرمایه‌ای مولد و موجود	
۳- ایجاد صنایع تولیدکننده اجزای اصلی و پر مصرف ماشین آلات سرمایه‌ای	
۱- افزایش سهم کالاهای سرمایه‌ای	تولید
۲- حداکثر بهره‌داری از صنایع واسطه‌ای	
۱- افزایش صادرات کالاهای صنعتی	صادرات
۱- افزایش سهم کالاهای سرمایه‌ای	واردات
۲- کاهش سهم کالاهای مصرفی	
۳- تثبیت سهم کالاهای واسطه‌ای	
۱- حرکت در جهت جذب و انطباق تکنولوژی‌های صنعتی موجود در کشور	تحقیق و توسعه
۲- ایجاد زمینه‌های لازم جهت شروع فعالیت‌های تحقیق و توسعه	
۳- انجام تحقیقات لازم برای ارتقای تکنولوژی‌های تولید در صنایع دستی	

در عین حال در بخش صنعت، وضعیت اشتغال در طی پنج سال اول برنامه به شرح جدول ۱۰ در نظر گرفته شده بود.

جدول ۱۰- اشتغال در برنامه اول (هزار نفر)

اشتغال جدید	۱۳۷۲	۱۳۶۷	شرح
۱۱۰۶	۳۹۰۲	۲۷۹۷	- صنایع و معادن*
۳۴۲	۱۸۲۲	۱۴۸۰	- صنعت و معدن
۱۹۶۹	۱۳۴۱۹	۱۱۴۵۰	جمع کل اشتغال
۱۷/۳۷	۱۳/۵۸	۱۲/۹۳	سهم صنعت و معدن از کل اشتغال (درصد)

* صنایع و معادن شامل صنعت و معدن، آب و برق و گاز و ساختمان است.
مأخذ: سازمان برنامه و بودجه، پیوست قانون برنامه اول توسعه ۱۳۶۹-۱۳۷۲، ص ۲۱-۲۰

همچنین هزینه ارزی تولید در بخش صنعت برای برنامه پنج ساله اول به شرح در جدول ۱۱ (براساس هر دلار معادل ۷۰ ریال) برآورد گردید:

جدول ۱۱ - هزینه ارزی تولید در بخش صنعت (ثابت ۱۳۶۷) (واحد: میلیون ریال)

شرح	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	جمع کل	میلیون دلار
صنایع مصرفی	۶۰۸۵۱	۶۲۸۵۸	۶۸۵۵۳	۷۱۹۶۹	۷۳۷۰۹	۳۳۷۹۲۰	۴۸۲۱۰
صنایع واسطه‌ای	۸۳۹۶۰	۹۳۸۷۹	۱۱۳۷۶۶	۱۴۸۲۱۱	۱۸۱۵۹۲	۶۲۱۴۰۸	۸۸۷۷۰۳
صنایع سرمایه‌ای	۵۸۱۹۹	۶۶۷۰۳	۸۴۱۷۱	۱۰۰۴۹۰	۱۰۳۰۸۹	۴۱۲۶۵۲	۵۸۹۵۰
جمع بخش صنعت	۲۰۳۰۱۰	۲۲۳۴۴۰	۲۶۶۴۹۰	۳۲۰۶۷۰	۳۵۸۳۹۰	۱۳۷۲۰۰۰	۱۹۶۰۰

مأخذ: سازمان برنامه و بودجه، بیست و نهمین قانون برنامه اول توسعه ۱۳۶۸-۱۳۷۲، ص ۷-۲۷.

و علاوه بر آن اعتبارات عمرانی امور اقتصادی طی برنامه پنج ساله اول در بخش صنعت و معدن به شرح جدول ۱۲ مشخص شد:

جدول ۱۲ - تصویر اعتبارات عمرانی طی برنامه اول (واحد: میلیارد ریال)

	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	جمع دوره ۱۳۶۸-۱۳۷۲
صنایع	۱۴۷/۳	۱۶۱/۷	۱۵۹/۷	۱۲۱/۳	۸۳/۶	۶۷۳/۶
معدن	۲۱/۱	۴۷/۴	۶۹/۳	۷۹/۶	۷۲/۲	۲۸۹/۶

مأخذ: سازمان برنامه و بودجه، بیست و نهمین قانون برنامه اول توسعه، ص ۲-۱۱.

به دنبال برنامه‌ریزی‌های انجام شده در بخش صنعت و معدن و سعی در حل معضلات آنها، تلاش شد تا این گروه اقتصادی، رویکردی برون‌گر داشته و سهم قابل توجهی از تأمین منابع ارزی را عهده‌دار گردد. به این ترتیب مقرر شد صادرات کالاهای صنعتی با روندی صعودی طی دوره مورد بررسی به طور متوسط ۴۸ درصد از کل صادرات غیرنفتی را به خود اختصاص دهد (جدول ۱۳).

جدول ۱۳ - پیش‌بینی صادرات بخش صنعت و معدن در برنامه اول (واحد: میلیون دلار)

شرح	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲
صادرات کالاهای غیرنفتی	۱۷۳۹/۵	۲۳۸۳/۵	۳۱۴۹/۶	۴۲۴۷/۹	۶۳۱۵/۵
صادرات کالاهای صنعتی	۷۴۹	۱۰۲۸	۱۴۴۰	۲۰۴۳	۳۷۴۰
صادرات محصولات معدنی	۸۳	۲۰۶	۲۶۰	۳۶۰	۳۹۱
سهم صادرات صنعتی از کل صادرات غیرنفتی (درصد)	۴۳	۴۳/۱۳	۴۵/۷۲	۴۸/۰۹	۵۹/۲۲
سهم صادرات معدنی از کل صادرات غیرنفتی (درصد)	۴/۷۷	۸/۶۴	۸/۲۵	۸/۴۷	۶/۱۹

مأخذ: سازمان برنامه و بودجه، بیست و نهمین قانون برنامه اول توسعه ۱۳۶۸-۱۳۷۲، ص ۹-۲۶.

توجه به اهداف منظور شده در بخش معدن معلوم می سازد شناسایی ذخایر و منابع معدنی کشور در زمینه های دارای برتری نسبی با اولویت تأمین نیازهای داخلی نسبت به صادرات، ایجاد ارتباط اکتشاف ذخایر معدنی و صنایع کشور و تأمین مواد اولیه مورد نیاز آنها و تأکید بر همزیستاری در صنعت و معدن، توسعه صادرات در زمینه هایی که متضمن حداکثر ارزش افزوده در ستانده معدنی باشد، از جمله مهم ترین اهداف کیفی این بخش در برنامه اول تعیین شده بود.^۱

استراتژی های برگزیده این بخش شامل: رشد سریع و جهشی در تولید به منظور افزایش سهم معدن در محصول ناخالص ملی، دگرگون ساختن ساختار تولیدات معدنی به نفع تولید کانی های صنعتی و افزایش صادرات در زمینه های دارای برتری نسبی با ارزش افزوده هرچه بیشتر می باشند.

هدف های کمی منظور شده برای بخش معدن شامل: دستیابی به متوسط رشد سالانه ۱۹/۵ درصد در ارزش افزوده بخش معدن (به قیمت ثابت ۱۳۶۷) می شد. برای این بخش منابع مالی معادل ۵۳۷ میلیارد ریال است که ۲۰۵۰ میلیون دلار آن ارزی بود، در نظر گرفته شد.^۲

● کارکرد صنعت و معدن در برنامه اول

۱- نخستین گام در بررسی عملکرد بخش صنعت و معدن به جهت مقایسه آن با اهداف برنامه و قدرت این بخش در برآورده ساختن انتظارات مشهود با استفاده از استراتژی ها و سیاست گذاری های انجام شده، توجه به حجم تولید یا ارزش افزوده این بخش می باشد.^۳

اطلاعات جدول ۱۴ نشان می دهد که گروه صنعت در سال های اول، چهارم و پنجم، کاستی در عملکرد داشته و در سال های دوم و سوم برنامه فراتر از برنامه عمل کرده است. درباره گروه معدن، اتفاق نظر توسط نهادهای ارائه دهنده آمار وجود ندارد. به نحوی که آمار بانک مرکزی و وزارت معادن و فلزات افتراق قابل توجهی دارند و لذا به هر دو مورد در جدول شماره ۱۴ اشاره کرده ایم، گزارش می شود. آنچه که در مورد گروه معدن بارز است، عملکرد کمتر این گروه نسبت به هدف برنامه است. البته کاستی عملکرد این گروه نسبت به برنامه در آمار گزارش شده توسط بانک مرکزی بسیار مشخص تر است.

۲- مقرر شده بود که در طول برنامه اول توسعه، در مقایسه با ارزش افزوده کل بخش صنعت، ارزش افزوده صنایع مصرفی (۱۴/۲ درصد)، صنایع واسطه ای (۲۰ درصد) و صنایع سرمایه ای (۲۴ درصد) باشد. هرچند آمار و اطلاعات مربوط به ارزش افزوده صنایع به تفکیک صنایع مورد اشاره موجود نیست، لکن برآوردهای دستگاه های اجرایی نشان می دهد که در طول ۴ سال اول برنامه سهم صنایع مصرفی بیش از اهداف مورد نظر در برنامه اول افزایش یافته است و سهم صنایع واسطه ای کمتر از اهداف پیش بینی شده بوده است که البته شرایط تقاضای جامعه پس از جنگ باید در این رویکرد مؤثر بوده باشد.

۱. «آمار صنعت و معدن و خدمات، پیوست قانون برنامه اول توسعه، ۱۳۶۹-۱۳۷۲، ص ۶-۸.

۲. همان، ص ۶-۱۰.

۳. «جدید این ارائه تقریری است که، می اطلاعات ذکر شده به منبع ثبت در قانون برنامه اول، براساس سال پایه ۱۳۶۹ می باشد. در حالی که ارائه مشابهی از بخش سال پایه در گزارش های رسمی وجود دارد. لذا در این رابطه به اطلاعات گزارش شده، توسط سازمان برنامه، که در مورد برج رشد ارزش افزوده گروه صنعت و معدن می باشد، استناد می شود.

جدول ۱۴- رشد ارزش افزوده بخش صنعت و معدن (واحد درصد)

۱۳۷۲	۱۳۷۱	۱۳۷۰	۱۳۶۹	۱۳۶۸	
برنامه عملکرد درصد تحقق	برنامه عملکرد درصد تحقق	برنامه عملکرد درصد تحقق	برنامه عملکرد درصد تحقق	برنامه عملکرد درصد تحقق	صنعت
۱۲/۱ ۰/۹ ۶/۴	۱۵/۶ ۵/۸ ۳۷/۲	۱۸ ۱۳/۹ ۱۲۹/۵	۱۳ ۱۵/۹ ۱۲۲/۳	۸/۹ ۷۸/۸ ۱۱/۳	معدن
۱۳/۵ ۰/۹ ۶/۷	۲۱/۲۴ ۵/۸ ۲۷/۳	۸/۴ ۱۸/۲۷ ۴۵/۴۸	۷/۷ ۳۰/۳ ۲۵/۶	۱۴/۹۸ ۳/۵ ۲۳/۴	گزارش بانک مرکزی
۱۳/۵	۲۹/۶ ۸/۴۲ ۲۱/۲۴	۷۰/۸ ۱۳/۰۸ ۱۸/۲۷	۲۱/۳۴ ۳۰/۳ ۱۰/۶	۱۴/۹۸ ۱۳/۵۹ ۹۰/۷	گزارش وزارت معدن

* برآورد سازمان برنامه و بودجه.

مأخذ: سازمان برنامه و بودجه، مستندات برنامه دوم توسعه اقتصادی ۱۳۶۳-۱۳۷۱، جلد یازدهم، اسفند ۱۳۷۲.

۳- آمار مندرج در جدول اول ۱۵ نشان می دهد که تحقق عملکرد در زمینه صادرات کالاهای صنعتی نتوانست به ۵۰ درصد هدف مورد نظر برسد.

جدول ۱۵- صادرات گروه صنعت در دوران برنامه اول

واحد: میلیون دلار

۱۳۷۲	۱۳۷۱	۱۳۷۰	۱۳۶۹	۱۳۶۸	سال شرح
۳۷۴۰	۲۰۲۳	۱۲۴۰	۱۰۲۸	۷۴۹	برنامه
۱۱۹۱/۷	۹۷۰/۹	۶۶۰/۰	۲۴۱/۵	۱۲۲/۶	عملکرد
۳۱/۸۶	۴۷/۵	۴۵/۸۳	۲۳/۴۹	۱۶/۳۷	نسبت تحقق عملکرد به برنامه (درصد)

مأخذ: سازمان برنامه و بودجه، بیست قانون برنامه اول ۱۳۶۹-۱۳۷۲ و گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی سال های ۱۳۶۲ و ۱۳۶۵.

البته براساس ارقام گزارش شده، در سال اول اجرای برنامه، نرخ رشد صادرات معدن در حد قابل توجهی بوده است به نحوی که نسبت تحقق عملکرد به برنامه ۳۶۷/۶ گزارش شده است. اما از سال دوم برنامه به رغم رشد ۴۲/۴ درصدی در میزان صادرات و به دلیل عدم توان برابری بار رشد منظور شده در برنامه (در سال دوم برنامه، رشد صادرات گروه معدن ۴۰ درصد منظور شده بود)، نسبت تحقق عملکرد به برنامه به حد ۱۰/۶ درصد محدود شد. (جدول ۱۶).

جدول ۱۶- صادرات گروه معدن طی دوران برنامه اول

۱۳۷۲	۱۳۷۱	۱۳۷۰	۱۳۶۹	۱۳۶۸	سال شرح
۱۶/۶	۲۸/۶	۲۰	۴۰۰	۱۱/۱	برنامه
-۱۶/۹	-۱۲/۴	-۲/۹	۲۲/۰	۴۰/۸	عملکرد
			۱۰/۶	۳۶۷/۶	نسبت تحقق عملکرد به برنامه (درصد)

مأخذ: سازمان برنامه و بودجه، مستندات برنامه دوم توسعه اقتصادی ۱۳۶۳-۱۳۷۱، جلد یازدهم، اسفند ۱۳۷۲، فرم شماره ۱.

۴- از دیگر موضوعاتی که در قانون برنامه اول توسعه مورد اشاره واقع شده هزینه ارزی صنایع به تفکیک صنایع مصرفی، صنایع واسطه‌ای و صنایع سرمایه‌ای است (از آنجایی که اطلاعات در مورد سال ۱۳۷۲ گزارش نشده است دوره بررسی به سال‌های ۱۳۶۸ الی ۱۳۷۱ محدود می‌شود). بررسی ارزش تخصیص یافته به صنایع مصرفی نشانگر عملکردی فراتر از برنامه بوده و سپس با نزول قابل توجهی، نسبت عملکرد به برنامه در حد ۱۱/۴ و ۱۸/۸ درصد تحقق یافته است. از سوی دیگر ارزش تخصیص یافته به صنایع واسطه‌ای صنعتی اگرچه در سال چهارم برنامه کمتر از اهداف برنامه بوده، لکن در طی سه سال اول برنامه بیشتر از اهداف بوده است. این روند در مورد صنایع واسطه‌ای غیر صنعتی به صورت معکوس بوده و در اکثر سال‌های بررسی (به استثنای سال ۱۳۶۹) کمتر از ارقام هدف تحقق یافته است. ارزش تخصیص یافته به صنایع سرمایه‌ای به طور نسبی در دوران مورد بررسی همواره فراتر از برنامه بوده است (به استثنای سال ۱۳۷۰). جدول ۱۷، موارد فوق الذکر را نشان می‌دهد.

جدول ۱۷ - هزینه ارزی تولید به تفکیک صنایع (واحد: هزار دلار)

شرح	صنایع مصرفی	صنایع واسطه‌ای صنعتی	صنایع واسطه‌ای غیر صنعتی	کل صنایع واسطه‌ای	صنایع سرمایه‌ای
برنامه	۸۶۹۳۰۰	۸۰۵۷۴۳	۳۹۳۶۷۱	۱۱۹۹۴۲۸	۸۳۱۴۱۴
عملکرد	۹۶۰۴۱۲	۷۱۴۰۳۹	۲۹۲۱۳۷	۱۳۸۲۹۱۵	۹۰۰۴۸۱
درصد تحقق	۱۱۰/۵	۸۸/۶	۷۴/۲	۱۱۵/۳	۱۰۸/۳
برنامه	۸۹۱۹۱۱	۸۹۷۸۰۰	۴۴۳۳۲۸	۱۳۴۱۱۲۸	۹۵۲۹۰۰
عملکرد	۲۴۶۲۹۵۴	۲۴۲۳۲۹۶	۴۴۵۳۸۰	۴۲۸۷۴۷۲	۲۱۴۰۴۵۶
درصد تحقق	۲۷۴/۳	۲۶۹/۹	۱۰۰/۵	۳۱۹/۷	۲۲۴/۶
برنامه	۹۹۱۹۳۲۸	۱۰۲۷۲۱۵	۵۹۷۹۴۳	۱۶۲۵۲۲۸	۱۲۰۲۴۴۳
عملکرد	۱۱۳۳۱۲۸	۱۰۳۳۰۱۵	۳۲۶۵۱۱	۱۱۶۴۰۶۱	۵۹۱۷۸۱
درصد تحقق	۱۱/۴*	۱۰۰/۶	۵۴/۶	۱۰۸/۵	۴۹/۲
برنامه	۱۰۲۸۱۲۸	۱۲۷۸۷۱۴	۸۳۸۵۸۶	۲۱۱۷۳۰۰	۱۴۳۵۵۷
عملکرد	۱۹۳۱۰۱	۲۹۵۲۰۰	۴۷۷۷۹	۴۳۶۱۷۹	۲۳۱۲۹۴
درصد تحقق	۱۸/۱	۲۳/۱	۵/۷	۲۰/۶	۱۶۱/۱

مأخذ: سازمان برنامه و بودجه، مستندات برنامه دوم توسعه ۱۳۷۳-۱۳۷۱، جلد یازدهم، اسفند ۱۳۷۲، فرم شماره ۳.

۵- توجه به سرمایه‌گذاری‌ها (ارزی یا ریالی) از جمله مواردی است که به عنوان ابزار مورد نیاز جهت در تحقق اهداف تولیدی بخش مورد نظر از بُعد در اختیار بودن نهاده سرمایه بسیار مهم می‌باشد. در رابطه با کل سرمایه‌گذاری بخش صنعت، اطلاعات موجود نشانگر فراتر بودن نسبت عملکرد به اهداف برنامه است. لازم به اشاره است که این فزونی عملکرد به برنامه حداقل ۱۲۴/۴ درصد (۱۳۶۸) و حداکثر ۶۱۰/۴ درصد (۱۳۷۱) می‌باشد. مسئولان عالی مقام دولتی به این نتیجه رسیدند که با پایان یافتن جنگ تحمیلی، توجه خاصی را به این بخش معطوف دارند. شواهد گویای آن است که پوزیدنت هاشمی رفسنجانی شخصاً در کمک به تزریق مالی به این بخش نظارت و تأکید خاص داشته است و می‌توان گفت که به نحو انبساطی با صنایع خفته دوران جنگ، برخورد گردید.

جدول ۱۸- ارزیابی سرمایه‌گذاری انجام شده بخش صنعت

شرح	کل سرمایه‌گذاری میلیارد ریال	ارز کل بخش صنعت میلیون دلار	ارز جاری (تولید) میلیون دلار	ارز سرمایه‌گذاری (عمرانی) میلیون دلار
برنامه	۴۷۹/۹	۳۹۷۰/۱۴	۲۹۰۰/۱۴	۱۰۷۰
عملکرد	۵۹۷	۶۱۰۴/۲	۳۷۱۸	۲۳۸۶/۲
درصد تحقق	۱۲۴/۴	۱۵۳/۸	۱۲۸/۲	۲۲۳
برنامه	۵۲۶/۸	۴۴۰۲	۳۱۹۲	۱۲۱۰
عملکرد	۱۶۹۰	۱۱۲۸۸	۷۹۲۵/۴	۳۳۶۲/۶
درصد تحقق	۳۲۰/۸	۲۵۶/۴	۲۴/۸	۲۷۷/۹
برنامه	۴۵۲/۶	۵۱۹۰	۳۸۰۷	۱۳۸۳
عملکرد	۲۴۸۱	۸۷۳۳/۹	۵۱۷۶/۱	۳۵۵۷/۸
درصد تحقق	۵۴۸/۲	۱۶۸/۳	۱۳۶	۲۵۷/۳
برنامه	۳۰۴/۷	۶۰۲۴	۴۵۸۱	۱۴۴۳
عملکرد	۱۸۶۰	۵۳۵۱/۳	۹۶۷/۶	۴۳۸۳/۷
درصد تحقق	۶۱۰/۴	۸۸/۸	۲۱/۱	۳۰۳/۸
برنامه	۱۶۸/۲			
عملکرد	۹۰۰			
درصد تحقق	۵۳۵/۱			

مأخذ: سازمان برنامه و بودجه، مستندات قانون برنامه دوم توسعه ۱۳۷۳-۱۳۷۱، جلد یازدهم، فرم شماره ۳.

جدول ۱۹- ارزیابی سرمایه‌گذاری انجام شده در بخش معدن

شرح	اعتبارات طرح‌های عمرانی (میلیون ریال)	کل سرمایه‌گذاری بخش معدن (میلیون ریال)	ارز سرمایه‌گذاری (تقدی و تعهدی) (میلیون دلار)	ارز جاری (میلیون دلار)
برنامه	۲۱۱۰۰	۲۳۸۰۰	۲۰۰	۱۰۰
عملکرد	۲۴۹۱۶	۴۶۵۶۷	۱۶۰/۸	۴۳/۳
درصد تحقق	۱۱۸/۱	۱۹۵/۷	۸۰/۴	۴۳/۳
برنامه	۲۷۴۰۰	۷۷۴۰۰	۴۲۰	۱۲۵
عملکرد	۲۵۵۴۳	۱۰۶۴۹۲	۳۷۷/۲	۲۶۸/۹
درصد تحقق	۹۶/۱	۱۳۷/۶	۸۹/۸	۲۱۵/۱
برنامه	۶۹۳۰۰	۱۱۸۳۰۰	۵۴۵	۱۶۰
عملکرد	۳۵۵۷/۸	۳۰۸۰۹۰	۵۷۸/۴	۷۸/۳
درصد تحقق	۵/۱	۲۶۰/۴	۱۰۶/۱	۴۸/۹
برنامه	۷۹۶۰۰	۱۵۰۶۰۰	۵۴۵	۵۹۵
عملکرد	۲۳۸۳/۷	۴۱۰۶۴۶	۴۵۶/۲	۲۱/۳
درصد تحقق	۵/۵	۲۷۲/۷	۸۳/۷	۳/۶
برنامه	۷۲۲۰۰	۱۶۶۹۰۰		
عملکرد	۱۱۹۶۸۸	۳۰۰۰۰۰		
درصد تحقق	۱۶۵/۸	۱۷۹/۷		

مأخذ: سازمان برنامه و بودجه، مستندات قانون برنامه دوم توسعه ۱۳۷۳-۱۳۷۷، جلد یازدهم، فرم شماره ۳.

جدول ۲۰- ارزیابی سرمایه‌گذاری ثابت دولت از محل اعتبارات عمرانی در

(میلیون ریال)

بخش صنعت

شرح	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲
برنامه	۱۲۷/۳	۱۶۱/۷	۱۵۹/۷	۱۲۱/۳	۱۳/۶
عملکرد	۱۳۷/۰۳	۲۱۲/۶۱	۲۱۶/۲۳	۲۱۵/۴۲	۱۹۳/۵۳*
درصد تحقق	۹۳/۰۳	۱۳۲/۷۲	۱۳۵/۴۰	۱۷۷/۵۹	-

* شامل اعتبارات استانی مقصود قانون اعتبارات می‌شود. عملکرد بودجه می‌شود.
 مأخذ: سازمان برنامه و بودجه، بیوست جدول برنامه اول توسعه، ص ۱۱-۳ و بانک مرکزی
 جمهوری اسلامی ایران، گزارش فنّعدی و توازن-مؤسسه ۱۳۷۲، ص ۲۳۸

۳- صنعت در برنامه پنج‌ساله دوم

● مقدمه

با توجه به آنکه شرایط اجرای برنامه دوم با در نظر گرفتن مقتضیات موجود اقتصادی برای سال ۱۳۷۳ فراهم نبود، برنامه دوم اقتصادی با اندکی تغییرات در بخش‌های مختلف تنظیم مجدد شده و برای سال ۱۳۷۴ الی ۱۳۷۸ تقویم گردید. اما از آنجایی که در قانون برنامه دوم جدید، اهداف کمی به تفصیل آورده نشده در این بخش از گزارش از جداول تفصیلی اولیه این برنامه که برای سال‌های ۱۳۷۳ الی ۱۳۷۷ تنظیم شده بود، استفاده می‌شود.

۱- هدف‌های کلی بخش صنعت و معدن و برنامه پنج ساله دوم

- افزایش تولیدات صنعتی و معدنی؛
- بهبود تراز تجاری بخش صنعت و ارتقای کیفیت و توان رقابتی تولیدات صنعتی و معدنی کشور در بازارهای جهانی؛
- بهبود و توسعه تکنولوژی در این بخش؛
- بهره‌برداری از ظرفیت‌های موجود صنعتی به طور اقتصادی؛
- توسعه و دستیابی به بازدهی مطلوب سرمایه‌گذاری‌های صنعتی به خصوص در رشته‌های صنایع معدنی، صنایع وابسته به پتروشیمی، صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی و الکترونیک.
- نکته قابل توجه این است که این اهداف کیفی باید راه کارهای عملی داشته باشند در غیر این صورت تکرار آنها در ابتدای هر برنامه مشکلی را حل نمی‌کند.

۲- هدف‌های کمی در بخش صنعت و معدن

- تحقق ۸/۸ میلیارد دلار صادرات صنعتی و ۳۰۰ میلیون دلار صادرات معدنی؛
- نسبت صادرات صنعتی به ارزش تولیدات صنعتی سالانه ۱۱ درصد رشد نماید؛
- افزایش نسبت نیروی انسانی متخصص شاغل در بخش صنعت از ۳ درصد به ۴ درصد و در پایان برنامه؛
- افزایش سهم کانی‌های صنعتی در تولیدات بخش معدن از ۵۴ درصد در سال ۱۳۷۲ به ۵۹ درصد در سال

اهم خط مشی اساسی و سیاست‌ها در بخش صنعت و معدن:

۱- جهت‌گیری تولید و سرمایه‌گذاری بخش صنعت و معدن براساس استفاده از مزیت‌های نسبی در بازارهای داخلی و خارجی؛

۲- تعیین تعرفه‌های مناسب جهت حمایت منطقی از تولیدات داخلی؛

۳- اصلاح قوانین مالیاتی این بخش؛

۴- اصلاح قوانین مشارکت در این بخش به طوری که فرصت‌های مساوی برای همه افراد پدید آید؛

۵- حمایت از سرمایه‌گذاران خارجی در جهت جذب تکنولوژی؛

۶- اصلاح قوانین معدن؛

۷- افزایش بهره‌وری در این بخش.

در برنامه دوم توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی که سال‌های ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸ را در بر می‌گیرد هدف‌های مربوط به متغیرهای کلان اقتصادی در دو سناریوی مختلف تحقق درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت ۶۹۳۱۲ میلیون دلار یا ۷۳۵۷۸ میلیون دلار برای جمع دوره تعیین شده و بر این اساس برای کلیه بخش‌ها نیز دو سناریو تعریف شده است. در بخش صنعت و معدن هم این دو سناریو مصداق دارد جدول ۲۱ ارزش افزوده بخش صنعت و معدن را طی برنامه دوم براساس دو سناریو ارائه می‌دهد.

جدول ۲۱- ارزش افزوده بخش صنعت و معدن (میلیارد ریال- ثابت سال ۱۳۶۱)

سناریوی اول	۱۳۷۰	۱۳۷۱	سال پایه ۱۳۷۲	۱۳۷۷	نرخ رشد متوسط برنامه
صنعت و معدن	۲۰۴۳	۲۱۶۲	۲۱۸۲	۲۹۳۱/۵	۶/۰۸ (درصد)
سناریوی دوم	۱۳۷۰	۱۳۷۱	سال پایه ۱۳۷۲	۱۳۷۷	نرخ رشد متوسط برنامه
صنعت و معدن	۲۰۴۳	۲۱۶۲	۲۱۸۲	۳۰۲۵/۶	۶/۷۶ (درصد)

منبع: پیوست لایحه برنامه دوم، اردیبهشت ۱۳۷۳، صص ۲۰-۰ و ۲۱-۰.

براساس این دو سناریو، سرمایه‌گذاری ناخالص بخش صنعت و معدن در جدول ۲۲ مشاهده می‌شود:

جدول ۲۲- سرمایه‌گذاری ناخالص بخش صنعت و معدن (میلیارد ریال- ثابت ۱۳۶۱)

شرح	۱۳۷۰	۱۳۷۱	سال پایه ۱۳۷۲	۱۳۷۷	جمع دوره	متوسط رشد برنامه
سناریوی اول	۲۰۳	۲۰۲	۱۸۰/۱	۲۳۵/۸	۱۱۴۱/۴۵	۵/۵۴
سناریوی دوم	۲۰۳	۲۰۲	۱۸۰/۱	۲۷۱/۱	۱۴۵۲/۹۶	۸/۵۲

منبع: پیوست لایحه برنامه دوم، اردیبهشت ۱۳۷۳، صص ۲۴-۰ و ۲۵-۰.

در برنامه دوم پیش‌بینی شده که بخش صنعت و معدن نزدیک به ۸۳۰ هزار نفر تا ۹۰۰ هزار نفر به عنوان شغل جدید به کارگیرد. جدول ۲۳ هر دو سناریوی اشتغال بخش صنعت و معدن را در برنامه دوم نشان می‌دهد.

جدول ۲۳- اشتغال در بخش صنعت و معدن (واحد هزار نفر)

شرح	۱۳۷۰	۱۳۷۱	سال پایه ۱۳۷۲	۱۳۷۷	میزان اشتغال جدید	میانگین رشد برنامه
سازایی اول	۳۳۵۲/۶۰۰	۳۴۴۶/۹۴۸	۳۶۲۳/۹۵۴	۴۴۵۳/۷۴۰	۸۲۹/۷۸۶	۴/۲۱۰
سازایی دوم*	۳۳۵۲/۶۰۰	۳۴۴۶/۹۴۸	۳۶۲۳/۹۵۴	۴۵۱۸/۵۰۳	۸۹۴/۵۴۹	۴/۵۱۱

* شامل صنعت و معدن، نفت و ساختمان
مأخذ: بیوست لایحه برنامه دوم اردیبهشت ۱۳۶۳، ص ۳۵-۰ و ۳۶-۰

پیش‌بینی شد که جمع صادرات صنعتی در کل برنامه به ۱۵/۸۰۰ میلیارد دلار برسد و جدول ۲۴ این صادرات را در طی سال‌های برنامه نشان می‌دهد.

جدول ۲۴- ارزش صادرات بخش صنعت (میلیون دلار)

شرح	عملکرد ۱۳۷۲	برنامه					جمع برنامه
		۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	
صادرات صنعتی	۲۰۱۴/۰۱۲	۲۳۶۰	۲۷۴۰	۳۱۴۰	۳۵۸۰	۳۹۸۰	۱۵۸۰۰

مأخذ: بیوست لایحه برنامه دوم، ۱۳۷۳-۱۳۷۷، اردیبهشت ۱۳۷۳، ص ۲-۲۸.

همچنین پیش‌بینی ارزش افزوده گروه‌های صنعتی در بخش صنایع در برنامه دوم در جدول شماره ۲۵ ارائه گردیده است.

جدول ۲۵- ارزش افزوده گروه‌های صنعتی (میلیارد ریال)

صنایع	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	جمع	متوسط رشد (درصد)
غذایی، دارویی و بهداشتی	۱۴۰۲۱	۱۵۱۲۱	۱۶۴۷۲	۱۷۵۴۷	۱۸۰۴۰	۸۱۸۰۱	۶/۵
کانی غیرفلزی	۱۲۷۳	۱۶۴۳	۱۶۷۳	۱۶۹۲	۱۷۴۲	۸۰۲۳	۸/۱
فلزی	۷۱/۱	۷۴۵	۷۸۱	۸۲۹	۸۷۷	۳۰۵۱	۵/۳
نساجی و پوشاک	۲۰۱۲	۲۰/۱۴	۲۲۱۵	۲۲۹۶	۲۴۴۱	۱۱۰۴۸	۵
برق و الکترونیک	۴۵۵	۴۸۴	۵۲۲	۵۶۴	۶۱۳	۲۶۳۸	۷/۳
شیمیایی و سلولزی	۸۱۸۲	۹۴/۱	۱۰۱۹	۱۰۸۱	۱۲۱۷	۵۱۴۷	۸/۵
جمع کل	۱۹۳۶۱	۲۱۶۲۵	۲۲۶۸۲	۲۴۰۰۹	۲۴۹۳۰	۱۱۲۶۰۸	۷

مأخذ: وزارت صنایع، گزارش اهداف کمی سیاست‌ها و برنامه‌ها و تبصره‌های مربوط به برنامه دوم.

از دیگر مقولاتی که در قانون برنامه دوم توسعه مورد توجه قرار گرفت، اختصاص سهمی به بخش معدن جهت تأمین نیازهای ارزی بود. ارقام مندرج در اهداف کمی بخش دولتی بخش معدن و بیوست لایحه برنامه دوم حاکی از آن است که متوسط نرخ رشد صادرات این بخش ۱۳ درصد پیش‌بینی شد. به این معنی که از ۵۰ میلیون دلار در سال ۱۳۷۳ به ۸۰ میلیون دلار در سال ۱۳۷۷ برسد.

● کارکرد صنعت و معدن در برنامه دوم

۱- برنامه دوم نسبت به برنامه اول کم حجم تر و کوچک تر تهیه گردید. این برنامه باتوجه به تجربه ناکامی های برنامه اول، اهداف و شرایط واقع بینانه تر و کمتر جاه طلبانه ای را در نظر گرفت. از طرفی شرایط محدود و در تنگنای کشور در آن زمان همراه با کمبود ارز و بدهی ها عاملی بود بر این که این برنامه با دید استقرار و تکمیل پروژه های قبلی و اهداف موجود در آن دیده شود و نه به عنوان یک حرکت جنودار توسعه مانند برنامه اول. بنابراین می توان انتظار داشت که تفاوت میان عملکرد و برنامه چندان زیاد نباشد.

۲- در مورد بررسی کلی عملکرد گروه صنعت در چارچوب توان تولیدی این گروه، توجه به ارزش افزوده آن مفید است. در این راستا لازم به توضیح است از آنجایی که این شاخص به صورت سالانه در قانون برنامه دوم مورد اشاره واقع نشده، لذا با استفاده از متوسط نرخ رشد برنامه و رقم ذکر شده به عنوان هدف سال ۱۳۷۷، ریز ارقام ارزش افزوده صنعت و براساس دو سناریوی ذکر شده برآورد شده اند. ارقام جدول ۲۶ بر این اساس تنظیم شده است.

چنانچه مشهود است، عملکرد گروه صنعت نسبت به هر دو سناریوی تولیدی این گروه نزدیک بوده و مهم تر آنکه برخلاف برنامه اول توسعه، روند طی شده تا حدودی با ثبات و جهت حرکت رو به افول بوده است. توجه به مضایق شدید ارزی طی سال های ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ و کمبودهای تسهیلاتی گروه های صنعتی، (به دلیل سیاست های انقباضی اعتباری دولت)، ثبات روند ذکر شده را از اهمیت بیشتری برخوردار می کند و می تواند نشانگر به بار نشستن سرمایه گذاری های انجام شده قبلی در این بخش باشد. سهم ارزش افزوده بخش صنعت در تولید ناخالص داخلی در جدول ۲۷ می باشد. همان طور که مشاهده می شود سهم ارزش افزوده صنعت در تولید ناخالص ملی افزایش یافته است.

جدول ۲۶- ارزش افزوده گروه صنعت (ثابت ۶۱) (واحد: میلیارد ریال)

شرح	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	متوسط نرخ رشد (۱۳۷۷-۱۳۷۳)
۱- برنامه (سناریوی اول)	۲۴۲۸/۶۴	۲۵۸۵/۸۶	۲۷۵۳/۲۶	۲۹۳۱/۵	۶/۰۸ درصد
۲- برنامه (سناریوی دوم)	۲۴۵۲/۵۵	۲۶۳۰/۳۷	۲۸۲۱/۰۷	۳۰۲۵/۶	۶/۷۶ درصد
۳- عملکرد	۲۱۸۰/۶	۲۳۲۰/۱	۲۵۱۰/۳		
۴- نسبت ۳ به ۱ (درصد)	۸۹/۷۹	۸۹/۷۲	۹۱/۱۸		
۵- نسبت ۳ به ۲ (درصد)	۸۸/۹۱	۸۸/۲۰	۸۸/۹۸		

مأخذ: سازمان برنامه و بودجه، پیوست لایحه برنامه دوم و بانک مرکزی، گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۷۶، ص ۱۲۱.

جدول ۲۷- سهم ارزش افزوده صنعت، در تولید ناخالص داخلی

(به قیمت ثابت ۶۱) (واحد: درصد)

۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶
۱۵/۲	۱۵/۵	۱۵/۷	۱۵/۸	۱۶/۶

مأخذ: بانک مرکزی، گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۷۶، ص ۱۲۱.

۳- در خصوص اشتغال جدید در برنامه دوم باید گفت که در مجموع دوره ۵ ساله برنامه قرار بوده است که جمعاً ۸۳۸ هزار شغل جدید در بخش صنعت به وجود آید که شامل صنعت، معدن، نفت و ساختمان می باشد که براساس آمارهای مندرج در پروانه های بهره برداری صادره از سوی وزارت صنایع در سال ۱۳۷۴، ۹۹۰۵۴ شغل جدید ایجاد شده است. شایان ذکر است که در سال ۱۳۷۳ براساس آمارهای مذکور ۱۰۰۸۲۱ شغل ایجاد شده است. در صورتی که روند به همین منوال بوده باشد قاعدتاً حدود ۶۰۰ هزار شغل جدید ایجاد شده که ۲۳۸ هزار یعنی ۲۸ درصد پایین تر از پیش بینی برنامه می باشد. البته از آنجایی که تعداد شاغلان بخش های مختلف مورد اشاره برنامه به تفکیک ذکر نشده اند، نمی توان تصویر صحیح و روشنی از موفقیت یا عدم موفقیت این بخش در برآورد ساختن اهداف برنامه به دست آورد.

۴- چنانچه ارقام برنامه ریزی شده جهت صادرات در گروه صنعت نشان می دهد مقرر شده بود که حجم صادرات این گروه به طور متوسط ۱۴/۵ درصد در طول دوره رشد پیدا کند. در صورتی که توان بالفعل صادراتی گروه صنعت رقم و روند مشابهی نشان نمی دهد. به عبارتی پس از اتخاذ سیاست های تثبیتی در خرداد ۱۳۷۴ و حاکم شدن قانون مندی های خاص بر سیستم ارزی و تجاری کشور، صادرات صنعتی بلافاصله عکس العمل متضاد نشان داد به طوری که در مورد حجم صادرات در اولین سال اجرای قانون برنامه دوم بارشد منفی ۱۵/۴۸ درصد مواجه شدیم. البته این رقم برای سال های بعدی ترمیم شد ولی عدد گزارش شده برای صادرات مربوطه در آخرین سال بررسی (۱۳۷۶) به رقم تقویم شده در سال ۱۳۷۳ نزدیک شده است. جدول ۲۶ تصویری از وضعیت صادراتی گروه صنعت را نشان می دهد.

جدول ۲۸- ارزیابی وضعیت صادراتی بخش صنعت (واحد: میلیون دلار)

۱۳۷۷	۱۳۷۶	۱۳۷۵	۱۳۷۴	۱۳۷۳	
۳۹۸۰	۳۵۸۰	۳۱۴۰	۲۷۴۰	۲۳۶۰	برنامه
۱۱/۱۷	۱۴/۰۱	۱۴/۶	۱۶/۱	۱۷/۱۸	رشد برنامه (درصد)
-	۱۵۷۹/۸	۱۴۱۳/۱	۱۲۷۶/۳	۱۵۱۰/۰	عملکرد
	۱۱/۱۸	۱۰/۷	-۱۵/۴۸	۲۶/۷۱	رشد عملکرد (درصد)
	۲۴/۱۳	۲۵/۰	۲۶/۵۸	۶۳/۹۸	درصد تحقق عملکرد

مأخذ: سازمان برنامه و بودجه، بیست و یکمین برنامه دوم ۱۳۷۳-۱۳۷۷، ص ۲-۲۱ و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۷۶، ص ۱۷۰.

چنانچه مشهود است، بخش صنعت در طول برنامه دوم در زمینه صادرات نتوانسته حداقل به نیمی از اهداف برنامه پوشش لازم را بدهد و با اهداف تعیین شده فاصله بسیار دارد. (از آنجایی که قانون برنامه دوم رسماً از ۱۳۷۴ آغاز شده است، لذا آمار گزارش شده برای سال ۱۳۷۳ به عنوان آمار برنامه دوم به شمار نمی آید).

در این راستا مشکلات برونزا از جمله کاهش شدید قیمت جهانی محصولات پتروشیمی، بحران مالی در کشورهای جنوب شرقی آسیا و در نتیجه کاهش تقاضا برای محصولات صادراتی ایران، در کنار مسائل درونی از قبیل پایین بودن کیفیت تولیدات داخلی و در نتیجه مشکل اخذ شرایط استاندارد کالاها، مشکل بازاریابی کالاها در بازارهای جهانی، افزایش قیمت تمام شد تولیدات داخلی به دلیل تورم ناشی از هزینه

تولید و... می‌توانند در عدم تحقق برنامه‌های صادراتی بخش صنعت مؤثر باشند.

● مروری در کلیات اهداف و عملکرد برنامه دوم توسعه در بخش صنعت

- ۱- قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی در هنگامه‌ای به اجرا گذارده شد که حجم بدهی‌های معوق روندرو به رشدی داشت و حساب سرمایه تراز پرداخت‌ها در شرایط چندان مساعدی نبود. تولید ناخالص داخلی که در سال‌های میانی اجرای برنامه اول روندرو به رشد مناسب و حتی فراتر از برنامه داشت، رو به نقصان گذارد از این مهم اجزای آن نیز بی‌نصیب نماند. حجم صادرات غیر نفتی گرچه از نظر کمی افزایش یافته بود ولی میزان بازگشت ارز حاصله به داخل کشور معادل آن نبود و بر کمبودهای ارزی می‌افزود. در این رابطه نرخ برابری اسعار خارجی در مقابل پول ملی روند فزاینده‌ای را دنبال می‌کرد تا حدی که در دومین ماه اجرای قانون برنامه دوم و به رغم ذکر پیروی از نظام ارزی شناور در قانون برنامه، سیستم اجرایی کشور به جهت تنظیم مشکل تراز پرداخت‌ها و حفظ ارزش پول ملی ناچار به اعلام پیروی از سیاست‌های تثبیتی در کلیه شئون به ویژه بخش خارجی و ارزی کشور شد.
 - ۲- به دلیل دستیابی به بیان کاری اقتصاد کشور طی برنامه اول توسعه، برنامه ریزان کشور در طول تنظیم برنامه دوم توسعه سعی نموده بودند که تا حدود زیادی به سمت توانایی‌های واقعی و با در نظر گرفتن توانمندی‌های بالقوه اقتصادی حرکت کنند. برای مثال متوسط رشد ۸/۱ درصدی برای تولید ناخالص داخلی در طول برنامه اول را به رقم ۵/۳۹ یا ۵/۸۹ درصد (سناریوی اول و دوم) در طول برنامه دوم تغییر دادند. همچنین از آنجایی که متوسط نرخ رشد ۱۴/۲ درصد برای بخش صنعت معدن در طول برنامه اول دست نیافتنی بود (متوسط نرخ رشد عملکرد ۹/۹ درصد می‌باشد)، متوسط نرخ رشد این بخش در طول برنامه دوم بر اساس دو سناریوی تنظیم شده معادل ۶/۰۸ یا ۶/۷۶ درصد تدوین گردید.
 - ۳- طی برنامه اول مقرر بود که صادرات بخش صنعت و معدن نزدیک به ۵۰ درصد کل صادرات غیر نفتی را تشکیل دهد، در حالی که عملکرد موجود حدود ۲۵ درصد را نشان می‌دهد. اما از آنجایی که طی برنامه اول، این بخش از نظر تزریق منابع مالی (ارزی - ریالی) با کمترین تضییقاتی مواجه بود و انتظار به بار نشستن سرمایه‌گذاری‌ها در طول برنامه دوم می‌رفت، لذا سهم این بخش در تأمین درآمد ارزی ناشی از صادرات غیر نفتی در طول برنامه دوم به طور متوسط ۶۶ الی ۶۸ درصد تعیین گردید. در همین راستا به دلیل تأکید قابل توجهی که به بخش صنعت و معدن در قانون برنامه اول شده بود، سهم صنعت و معدن از تولید ناخالص داخلی در طول برنامه اول در حدود ۱۷ درصد تنظیم شده، در حالی که این رقم برای ۵ سال قبل نزدیک به ۹ درصد بیشتر نبود.
 - ۴- مشهود است که برنامه ریزان با توجه به سرمایه‌گذاری‌های مادی - نیروی انسانی و تأمین نهاده‌های تولیدی که در طول برنامه اول صورت گرفته بود، انتظار داشتند هم‌زمان با منطقی کردن انتظارات از بخش‌های مختلف اقتصادی این بخش مشارکت بیشتری را در بخش ارزش افزوده، صادرات، اشتغال و... کل اقتصاد پیدا کند.
- توجه به عملکرد کلان بخش صنعت نشانگر آن است که گرچه کمبودهایی نسبت به ارقام مطلق برنامه دوم وجود دارد، ولی به واسطه سرمایه‌گذاری‌های قبلی و نیز منطقی‌تر و واقع‌گرایانه‌تر شدن اهداف برنامه دوم، افتراق عملکرد بخش صنعت از اهداف برنامه دوم بسیار کمتر از موارد مشابه در طول برنامه اول بوده است.

به عنوان نمونه متوسط سهم ارزش افزوده بخش صنعت از تولید ناخالص داخلی که در برنامه ۱۷ درصد پیش بینی شده بود، طی سه سال ۱۳۷۴ الی ۱۳۷۶، به حدود ۱۶ درصد رسید. همچنین متوسط عملکرد رشد ارزش افزوده بخش صنعت طی سال های مورد بررسی (۸/۶ درصد) تقریباً معادل متوسط رشد این متغیر در طول برنامه است. سهم صادرات صنعتی نیز از کل صادرات غیر نفتی با دنبال نمودن روند به نسبت فراینده به ۵۰ درصد نزدیک شده است.^۱

مطالب فوق الذکر نمایانگر بهبود شرایط تولیدی بخش صنعت در ایران محسوب می شوند، اگرچه وضعیت کلی این بخش با توجه به سرمایه گذاری های کلان انجام شده به دلیل مشکلات ساختاری، دانش فنی، کمبود نیروی متخصص و وابستگی نسبی به درآمدهای نفتی همچنان از معضلاتی در رنج است و تا غایت مطلوب هنوز فاصله بسیار دارد.

۱. طی دوران بررسی، ارزش صادرات غیر نفتی روندی نزولی به حداقل تاریخی را دنبال نموده ولی در عین حال صادرات صنعتی همراه با روند کاهش سهم صادرات ذلالتی سنتی و کشاورزی، تا حدودی متحول شده است.

ضمیمه ۱- ارزیابی اهداف و عملکرد بخش صنعت و معدن و بازرگانی داخلی در برنامه اول طی سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۷۲

شماره ردیف	عنوان هدف کمی	شاخص اندازه گیری هدف	واحد شاخص	متوسط سهم عملکرد دولت در تحقق هدف درصد	میزان هدف در طی سال های برنامه					عملکرد شاخص در طی سال های برنامه					درصد تحقق هدف					ارائه دلایل (عدم تحقق یا تحقق) اهداف	
					۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲		
	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲
۱	الف- زیربخش صنعت:	رشد	درصد	-	-	۱۱/۲	۱۳	۱۳/۹	۱۵/۶	۱۴/۱	۸/۹	۱۵/۹	۱۸	۵/۸	۰/۹	۷/۸	۱۲۲/۳	۱۲۹/۵	۳۷/۲	۶/۴	در متن گزارش آورده شده است
	صادرات	حجم صادرات	میلیون دلار	-	-	۵۲۳/۸	۶۹۲/۹	۹۵۰/۹	۱۳۱۰/۹	۳۷۲۰	۱۵۴/۷	۲۳۲/۲	۷۲۲/۳	۱۰۴۵/۲	۱۲۲۳/۴	۲۸/۴	۳۳/۸	۷۶/۰	۷۹/۷	۲۳/۲	در متن گزارش آورده شده است
۲	صادرات وزارت صنایع	حجم صادرات	میلیون دلار	-	-	۲۲۸	۲۸۱	۳۶۲	۴۶۴	-	۶۰	۷۰	۳۲۷	۴۰۰	۲۲۰	۲۶/۳	۲۴/۹	۹۲/۸	۸۶/۲	-	
۳	صادرات وزارت صنایع سنگین	حجم صادرات	میلیون دلار	-	-	۱۲۹	۲۰۶	۳۳۱	۵۲۹	-	۱۶/۸	۲۰/۵	۱۴۱/۹	۱۶۶/۸	۱۸۰	۱۳/۰	۱۰/۰	۴۲/۹	۳۱/۵	-	
۴	صادرات وزارت معادن و فلزات	حجم صادرات	میلیون دلار	-	-	۱۲۰	۱۲۵	۱۲۵	۱۵۰	-	۴۹/۶	۱۰۷/۷	۱۱۳/۱۲	۳۴۹/۴	۴۵۹/۹	۴۱/۳	۸۶/۲	۹۰/۵	۲۳۲/۹	-	
۵	صادرات پتروشیمی	حجم صادرات	دلار	-	-	۶۶/۸	۸۰/۹	۱۳۱/۹	۱۶۷/۹	-	۲۸/۳	۳۶	۱۳۰	۱۲۹	۱۸۳/۵	۴۲/۴	۴۴/۵	۹۸/۶	۷۶/۸	-	
۱	تولید قند و شکر	حجم تولید	هزار تن	-	۶۲۴	۶۵۰	۶۵۵	۶۶۵	۷۸۰	۸۵۲	۵۶۲/۲	۵۷۱/۱	۵۷۸/۲	۵۸۵/۲	۸۴۴/۸	۸۶/۵	۸۷/۲	۱۳۳/۱	۱۰۶/۲	۹۹/۲	
۲	تولید روغن بانی	حجم تولید	هزار تن	-	۳۵۷	۳۷۰	۳۸۰	۳۹۰	۴۰۵	۴۲۰	۴۸۶/۳	۵۳۹/۵	۵۸۹/۵	۶۰۸/۲	۶۱۶/۷	۱۳۱/۴	۱۴۲/۰	۱۵۱/۲	۱۵۰/۲	۱۴۶/۸	
۳	تولید سیبزمینی	حجم تولید	هزار تن	-	۱۲	۱۳	۱۴	۱۶	۱۸/۵	۲۱	۱۲	۱۵/۱	۱۵/۱۵	۱۵/۱۴	۱۰/۳	۱۰۰/۰	۱۰۷/۹	۹۲/۷	۸۱/۸	۷۷/۶	
۴	تولید شیشه	حجم تولید	هزار تن	-	۱۶۲/۳	۱۶۵	۱۶۷	۱۶۸	۱۶۸	۲۵۰	۱۶۲/۳	۱۹۴/۳	۱۸۹/۶	۲۴۴/۶	۲۵۶/۲	۹۸/۴	۱۱۶/۳	۱۱۲/۹	۱۴۵/۶	۱۰۲/۵	
۵	تولید لاستیک	حجم تولید	هزار تن	-	۲۹/۴	۵۵	۶۰	۶۵	۶۸	۱۶۰	۶۱	۸۶	۹۳/۶۸	۹۳/۲۶	۸۳/۳	۱۱۰/۹	۱۴۳/۳	۱۴۲/۱	۱۳۷/۱	۵۲/۱	
۱	تولید فولاد	حجم تولید	هزار تن	-	۱۴۹۳	۱۴۹۳	۱۸۶۴/۳	۲۲۶۳/۷	۲۹۷۳/۲	۵۲۰۰	۱۶۲۲/۳	۱۹۰۴/۸	۲۸۹۱/۶	۳۴۵۲	۳۹۶۱	۱۰۸/۶	۱۰۲/۲	۱۰۹/۶	۱۱۶/۱	۷۶/۲	
۲	تولید مس (آندمن)	حجم تولید	هزار تن	-	۵۷/۹۵	۶۷/۳۹	۷۸/۳۷	۹۱/۱۴	۱۱۰/۹۸	۱۳۰	۷۶/۰۵	۹۲/۲	۱۲۵/۹۵	۱۲۸	۱۰۱/۴	۱۱۲/۹	۱۱۷/۶	۱۳۸/۲	۱۱۵/۳	۷۸/۰	
۳	تولید آلومینیوم (احد)	حجم تولید	هزار تن	-	۲۸/۱۸	۳۰/۶۳	۳۳/۲۹	۳۶/۱۹	۶۱/۸۳	۶۵	۳۵/۶۸	۶۶/۶۲	۷۳/۲۳	۷۷	۹۰/۱	۱۱۶/۵	۲۰۰/۱	۲۰۲/۹	۱۲۴/۵	۱۳۸/۶	
	تولیدات محصولات واسطه ای																				
۱	مواد شیمیایی اساسی صنعتی	حجم تولید	هزار تن	-	۱۹/۵	۱۰۱۳	۱۴۱۳	۱۶۶۰	۲۲۷۹	۳۲۶۸	۵۳۵/۲	۱۸۶۲/۵	۲۱۸۵	۲۵۱۱	۲۶۲۵	۱۵۱/۰	۱۵۳/۵	۱۳۱/۶	۱۱۰/۲	۷۵/۷	
۲	کودها و سموم دفع آفات	حجم تولید	هزار تن	-	۲۲۶/۲	۱۱۲۳	۱۶۲۴	۱۶۲۹	۱۶۸۱	۱۶۸۱	۷۶۲/۴	۹۳۷/۵	۱۲۰۱/۵	۱۱۸۶	۱۰۵۸	۶۶/۷	۶۵/۳	۷۴/۰	۷۱/۹	۶۲/۹	

واحد: هزار تن برآمده و وجوده، مستندات: برنامه دوم توسعه ۱۳۷۱-۱۳۷۲، چند برآمده، فرد شماره ۳

ضمیمه ۱- ارزیابی اهداف و عملکرد بخش صنعت و معدن و بازرگانی داخلی در برنامه اول طی سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۷۲

شماره ردیف	عنوان هدف کمی	شاخص اندازه‌گیری هدف	واحد شاخص	متوسط سهم عملکرد دولت در تحقق هدف درصد	میزان هدف در طی سال‌های برنامه					عملکرد شاخص در طی سال‌های برنامه					درصد تحقق هدف					ارائه دلایل (عدم تحقق یا تحقق) اهداف
					۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	
					۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲
	الیاف مصنوعی و مواد پلاستیکی	حجم تولید	هزار تن		۲۵	۶۲	۶۵	۳۸۱	—	۱۱	۳۱	۲۸	۴۹/۵	۳۸	۲۴/۴	۵۰/۰	۴۳/۱	۱۳/۰	—	
	سایر انواع محصولات شیمیایی	حجم تولید	هزار تن	۹	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	—	۱۰/۴	۲۱	۲۰/۵	۲۰	۲۸	۱۸۴/۰	۲۱۰/۰	۲۰۵/۰	۲۰۰/۰	—	
	حجم محصولات پتروشیمی	حجم تولید	هزار تن	۴۳۰/۹	۲۲۱۱	۲۲۲۱	۲۳۵۹	۲۳۱۹	۵۵۰۰	۲۳۲۷/۴	۲۸۵۲	۳۴۳۵	۳۷۶۶/۵	۵۴۱۴	۱۰۵/۳	۱۰۴/۸	۱۴۵/۶	۸۷/۲	۹۸/۴	
	مواد سوختی (گاز مایع)			۳/۱	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰		۹۱/۷	۱۳۰	۸۹۵	۱۲۸۴		۹۱۷/۰	۱۳۰۰/۰	۸۹۵۰/۰	۲۸۴۰/۰		
	جمع			۳/۱	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰		۹۱/۷	۱۳۰	۸۹۵	۱۲۸۴		۹۱۷/۰	۱۳۰۰/۰	۸۹۵۰/۰	۲۸۴۰/۰		
	جمع کل			۲۳۴	۲۲۲۱	۲۷۳۱	۲۳۶۹	۲۳۲۹		۲۴۱۹/۱	۲۹۸۲	۴۳۳۰	۵۰۵۰/۵		۱۰۸/۹	۱۰۹/۲	۱۲۸/۵	۱۱۶/۷		
	ب- زیربخش معدن:																			
۱	ارزش افزوده (بانک مرکزی)	رشد	درصد	—	۱۲/۹۸	۳۰/۳	۱۸/۲۷	۲۱/۲۲	۱۳/۵	۳/۵	۷/۷	۸/۲	۵/۸*	۰/۹*	۲۳/۲	۲۵/۲	۰/۰	۲۷/۳	۶/۷	
	ارزش افزوده (وزارت معادن)	رشد	درصد	—	۱۲/۹۸	۳۰/۳	۱۸/۲۷	۲۱/۲۲	۱۳/۵	۱۳/۵۹	۲۱/۳۴	۱۳/۰۸	۸/۲۲	—	۹۰/۷	۷۰/۲	۷۰/۸	۲۹/۶		
۲	صادرات	رشد	درصد	—	۱۱/۱	۲۰	۲۰	۲۸/۶	۱۶/۶	۲۰/۸	۲۲/۴	۲۲/۹	۱۲/۲	۱۶/۹	۳۶۷/۶	۱۰/۶				
۱	پوشش کشور با نقشه‌های زمین‌شناسی ۱/۲۵۰۰۰۰	نسبت	درصد	—	۶۹	۷۴	۸۰	۸۷	۹۴	۱۰۰	۸۷	۹۸	۹۹	۱۰۰	۱۱۷/۶	۱۲۲/۵	۱۱۳/۸	۱۰۶/۴	۰/۰	
۲	پوشش کشور با نقشه‌های زمین‌شناسی ۱/۱۰۰۰۰۰	نسبت	درصد	—	۳۵	۲۷	۳۳	۳۹	۴۵	۵۰	۳۷	۴۴	۵۴		۱۱۱/۱	۱۱۲/۱	۱۱۲/۸	۱۲۰/۰	۰/۰	
۳	تولید سنگ آهن	حجم تولید	میلیون تن	—	۱/۸۵	۱/۹۶	۲/۰۸	۲/۳۵	۳/۹۸	۵/۴	۲/۳	۲/۶۱	۳/۹۹	۵/۶۷	۶/۵	۱۱۷/۳	۱۲۵/۵	۱۶۹/۸	۱۴۲/۵	۱۲۰/۴
۴	تولید سنگ مس	حجم تولید	میلیون تن	—	۵/۱۳۲	۶/۱	۷/۳	۸/۸	۱۰/۵۷	۱۳/۵	۵/۶۸	۶/۸۳۳	۹/۱۶۳	۸/۹۸۸	۱۱/۹۴	۹۳/۱	۹۳/۶	۱۰۴/۱	۸۵/۰	۸۸/۴
۵	تولید زغال سنگ (کسانترد)	هزار	هزار تن	—	۷۵۸	۸۵۷	۹۶۹	۱۴۷۷	۱۷۵۱	۱۶۴۵	۸۳۷	۸۰۹	۸۶۲	۷۱۰/۹	۷۴۰/۳	۹۷/۷	۸۳/۵	۵۸/۴	۲۰/۶	۲۵/۰
۶	تولید سنگ آهن	رشد	درصد	—	۵/۹	۵۷	۸/۸	۸/۸	۱۸/۸	۳۵/۷	۲۴	۱۳/۵	۱۰/۵	۲۲	۱۴/۶	۴۰/۶	۲۳/۷	۱۱۹/۳	۲۲۳/۴	۴۰/۹
۷	تولید سنگ مس	رشد	درصد	—	۱۸/۹	۱۹/۷	۲۰/۵	۲۰/۱	۲۷/۷	۱۰/۷	۲۰/۳	۳۲	۱۰/۹	۳۲/۸	۵۶/۶	۱۰۳/۰	۱۶۵/۹			
۸	تولید زغال سنگ	رشد	درصد	—	۱۳	۱۳	۵۲/۴	۱۸/۵	—	۱۰/۲	۳/۳	۶/۵	۱۷/۵	۴	۸۰/۰		۱۲/۴	۹۴/۶	۶۶/۷	

• برآورد سازمان برنامه و بودجه برای بخش صنعت و معدن

بخش صنعت:

ضمیمه ۲- ارزیابی سیاست‌های پیش‌بینی شده و اتخاذ شده بخش صنعت و معدن و بازرگانی داخلی در برنامه اول طی سال‌های (۱۳۶۸-۱۳۷۲)

ردیف	عنوان هدف	سیاست‌های پیش‌بینی شده جهت تحقق هدف بر طبق برنامه	سیاست‌های اتخاذ شده در طی سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۷۲	زمان اتخاذ سیاست سال	ارزیابی در مورد کارایی سیاست‌های پیش‌بینی شده در سال‌های برنامه	ارزیابی در مورد کارایی سیاست‌های اتخاذ شده در سال‌های برنامه
۱	الف- زیربخش صنعت: (خوداتکایی صنعتی) تأکید بر ایجاد و توسعه صنایع متکی به مواد اولیه داخلی	- تقویت توان داخلی برای گسترش مناسب ظرفیت‌های تولیدی و بهره‌گیری کامل از امکانات و ظرفیت‌های داخلی. - اولویت در اتمام سرمایه‌گذاری‌های نیمه تمام. - ساخت و تولید قطعات برای بازسازی و بهره‌برداری از ماشین‌آلات و کارخانه‌های موجود. - تکمیل و اجرای طرح‌های تولیدکننده کالاهای واسطه‌ای مورد نیاز صنایع سرمایه‌ای. - افزایش ظرفیت‌های تولید و بهره‌برداری کامل از امکانات داخل. - تنظیم مقررات بازرگانی در مقابل واردات و ایجاد قدرت رقابتی برای محصولات تولیدی کشور متناسب با هدف‌های صادراتی برنامه.	- تأمین ارز مورد نیاز واحدهای تولیدی. - لغو تدریجی قیمت‌گذاری محصولات. - تدوین ضوابط و قوانین جدید جهت تشویق و به‌کارگیری امکانات ساخت داخل. - تخصیص ارز رقابتی جهت کار در شیفت دوم - تخصیص ارز رقابتی جهت کار در شیفت دوم با هدف صادرات - انتخاب واحدهای صادراتی نمونه.	۶۹-۷۰	مناسب بوده است	مناسب نامناسب کافی نبوده است

ساخت: سازمان برنامه و بودجه، مستندات برنامه دوم توسعه ۱۳۶۳-۱۳۶۱، جلد یازدهم، فرم شماره ۲.

بخش صنعت:

ضمیمه ۲- ارزیابی سیاست‌های پیش‌بینی شده و اتخاذ شده بخش صنعت و معدن و بازرگانی داخلی در برنامه اول طی سال‌های (۱۳۶۸-۱۳۷۲)

ردیف	عنوان هدف	سیاست‌های پیش‌بینی شده جهت تحقق هدف بر طبق برنامه	سیاست‌های اتخاذ شده در طی سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۷۲	زمان اتخاذ سیاست سال	ارزیابی در مورد کارایی سیاست‌های اتخاذ شده در سال‌های برنامه	ارزیابی در مورد کارایی سیاست‌های اتخاذ شده در سال‌های برنامه
۱	تأکید بر گسترش توان تکنولوژیکی کشور و حصول رشد صنعتی از این طریق. حرکت در جهت خوداتکایی از لحاظ نیازهای اساسی	- به کارگیری عواید حاصل از صادرات نفت و دیگر کانی‌ها در سرمایه‌گذاری انتقال تکنولوژی. - توسعه تحقیقات و تکنولوژی در جهت بالابردن بهره‌وری کمی و کیفی و اعمال نظارت کامل بر کیفیت کالاهای تولیدی و رعایت استانداردها. - تقویت توانایی‌های طراحی و تکنولوژیکی کشور - تمرکز و تأکید بر طراحی و ساخت ماشین‌آلات و مجموعه‌های صنعتی با تکنولوژی‌های قابل جذب	- تأسیس مراکز تحقیق و توسعه تحت پوشش وزارت صنایع - صدور پروانه برای ایجاد مراکز تحقیق غیردولتی - ایجاد واحدهای مهندسی و بهبود کیفیت جهت استاندارد و کنترل تولیدات - ایجاد واحدهای طراحی مهندسی - ایجاد واحدهای طراحی - مونتاژ	۱۳۶۸ ۱۳۶۸ ۱۳۶۸ ۱۳۶۸ ۱۳۶۸	مناسب مناسب مناسب مناسب مناسب	مناسب مناسب مناسب مناسب مناسب
۳	تأکید بر صنایع تولیدکننده نیازهای ضروری داخلی.	رشد تولیدات سرمایه‌ای و واسطه‌ای با تأکید بر تأمین نهاده‌های کشاورزی، آب و خاک	سیاست‌های اتخاذ شده همسو با سیاست پیش‌بینی شده نبوده است.	۱۳۶۸	مناسب	نامناسب
۴	بازسازی و نوسازی ظرفیت‌های تولیدی خسارت دیده	بازسازی طرح‌های خسارت دیده از جنگ تحمیلی	قسمت اعظم طرح‌های خسارت دیده طی سال‌های اجرای برنامه بازسازی شده است	۱۳۶۸	مناسب	موفقیت آمیز بوده است
۵	اصلاح سازمان و مدیریت اجرایی بخشی	- تشویق و حمایت از ایجاد شکل‌های صنعتی و معدنی و تخصصی به منظور ایجاد امکانات مشارکت آنها در روندهای برنامه‌ریزی صنعتی و معدنی.	- تشویق مردم و خصوصاً صنعتگران به سرمایه‌گذاری در بخش صنعت سنگین - واگذاری سهام شرکت‌های تحت پوشش دولت به مردم.		مناسب	سیاست اتخاذ شده مناسب بوده است لکن به دلیل نارسایی‌های دیگر موفقیت آن قابل ملاحظه نبوده است.

بخش صنعت:

ضمیمه ۲- ارزیابی سیاست‌های پیش‌بینی شده و اتخاذ شده بخش صنعت و معدن و بازرگانی داخلی در برنامه اول طی سال‌های (۱۳۶۸-۱۳۷۲)

ردیف	عنوان هدف	سیاست‌های پیش‌بینی شده جهت تحقق هدف بر طبق برنامه	سیاست‌های اتخاذ شده در طی سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۷۲	زمان اتخاذ سیاست سال	ارزیابی در مورد کارایی سیاست‌های اتخاذ شده در سال‌های برنامه	ارزیابی در مورد کارایی سیاست‌های اتخاذ شده در سال‌های برنامه
۱	ب- زیربخش معدن توسعه سریع فعالیت‌های معدنی به عنوان یکی از اصلی‌ترین راه‌های وصول به استقلال اقتصادی	بهره‌برداری هر چه بیشتر از معادن جهت تأمین مواد اولیه کارخانجات تولیدی کشور و جایگزین کردن مواد خام و نیمه ساخته به جای مواد وارداتی برداشتن کلیه موانع و ایجاد همه گونه تسهیلات برای مشارکت معدنکاران غیردولتی در انجام فعالیت‌های اکتشافی تولیدی.	بهره‌برداری هر چه بیشتر از معادن جهت تأمین مواد اولیه معدنی مورد نیاز کشور. تفویض اختیارات وسیع به ادارات کل استان‌ها جهت واگذاری معادن به بخش غیردولتی. حذف موانع قانونی و اقدام در جهت واگذاری‌ها از معادن کوچک تا بزرگ. مصوبه شورای اقتصاد در خصوص نوع ارز تولیدات داخلی نظام قیمت‌گذاری نحوه توزیع و کنترل قیمت و پرداخت مابه‌التفاوت که در جهت برنامه‌های دولت و به منظور رسیدن به تعدیل اقتصادی تنظیم گردید. تعیین وضعیت ماده ۲۲ قانون معادن در خصوص ضوابط تعیین نوع معادن کوچک و بزرگ توسط شورای عالی معادن. صدور مجوز اکتشافات سنگ‌های تزئینی به جای موافقت اصولی اکتشاف و حذف مورد مربوط به ارائه طرح اکتشاف توسط متقاضی.	۱۳۶۸ ۱۳۷۰ ۱۳۷۰ ۱۳۷۱	مناسب بوده است مناسب بوده است مناسب بوده است هر چند که این مصوبه در کوتاه مدت سبب افزایش سریع قیمت‌ها و موجب کندی سرمایه‌گذاری در بخش معدن و صنعت گردید لکن در درازمدت انتظار می‌رود که در تخصیص بهینه منابع مؤثر باشد. این قانون در تعیین نوع معادن از نقطه نظر کوچک و بزرگ می‌تواند کمک مؤثری باشد و به این ترتیب برخی از موانع را رفع نماید. بر این اساس زمان لازم جهت انجام کلیه مراحل مربوط به اکتشاف سنگ‌های تزئینی از مرحله ارائه درخواست تا صدور گواهینامه کشف به مدت یک سال کاهش داده شده است.	مناسب بوده است مناسب بوده است مناسب بوده است هر چند که این مصوبه در کوتاه مدت سبب افزایش سریع قیمت‌ها و موجب کندی سرمایه‌گذاری در بخش معدن و صنعت گردید لکن در درازمدت انتظار می‌رود که در تخصیص بهینه منابع مؤثر باشد. این قانون در تعیین نوع معادن از نقطه نظر کوچک و بزرگ می‌تواند کمک مؤثری باشد و به این ترتیب برخی از موانع را رفع نماید. بر این اساس زمان لازم جهت انجام کلیه مراحل مربوط به اکتشاف سنگ‌های تزئینی از مرحله ارائه درخواست تا صدور گواهینامه کشف به مدت یک سال کاهش داده شده است.

مخازن: سازمان برنامه و بودجه، مستندات برنامه دوره توسعه ۱۳۶۳-۱۳۶۸، جدول یادنامه، فرم شماره ۲.

بخش صنعت:

ضمیمه ۲- ارزیابی سیاست‌های پیش‌بینی شده و اتخاذ شده بخش صنعت و معدن و بازرگانی داخلی در برنامه اول طی سال‌های (۱۳۶۸-۱۳۷۲)

ردیف	عنوان هدف	سیاست‌های پیش‌بینی شده جهت تحقق هدف بر طبق برنامه	سیاست‌های اتخاذ شده در طی سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۷۲	زمان اتخاذ سیاست سال	ارزیابی در مورد کارایی سیاست‌های پیش‌بینی شده در سال‌های برنامه	ارزیابی در مورد کارایی سیاست‌های اتخاذ شده در سال‌های برنامه
۱		گسترش تحقیقات و افزایش توان تکنولوژیک (دانش فنی، اطلاعات، مهارت‌ها و کارایی) و سازماندهی بخش طراحی و مهندسی در معدن، تشویق و حمایت از ایجاد تشکلات صنعتی و معدنی و تخصصی و واگذاری سهام صنایع دولتی و منطبق شده به مرده (به استثنای صنایع بزرگ و نادر).	این سیاست تا حدودی انجام شده است. در این راستا تا حدودی سیاست پیش‌بینی شده در عمل نیز انجام شده است.	۱۳۶۸ -	مناسب بوده است. -	متناسب با میزان تحقیقات انجام شده، تا حدودی مؤثر بوده است. هنوز قابل ارزیابی نیست.
۲	اقتصادی کردن فعالیت بنگاه‌های معدنی	کوشش در جهت خودانکسایی شرکت‌های زیان‌ده دولتی و حذف تدریجی هزینه‌های جاری مربوط به کمک زیان شرکت‌ها و مؤسسات وابسته، به دولت.	سیاست پیش‌بینی شده در حد لازم اتخاذ نگردیده است.	-	سیاست مناسبی است.	-
۳	ایجاد ارتباط مطمئن بین اکتشاف دخابر و تولیدات معدنی و صنایع کشور و تأمین مواد اولیه مورد نیاز آنها و تأکید بر همزیستاری تولید در صنعت و معدن	اصلاح ساختار تولید معدنی از طریق افزایش مستمر سهم کانی‌های صنعتی تبدیل مواد معدنی استخراجی به مواد اولیه صنعتی توسعه جهشی عملیات تفصیلی اکتشاف و تجهیز و آماده‌سازی معادن مورد نیاز کشور.	سیاست پیش‌بینی شده تا حدودی اعمال شده است. سیاست پیش‌بینی شده تا حدی اعمال شده است. در جهت سیاست برنامه سیاست‌ها اتخاذ نشده‌اند.	۱۳۶۸ ۱۳۶۸ ۱۳۶۸	مناسب بوده است. مناسب بوده است.	سیاست‌های اتخاذ شده در این زمینه، در زمینه تأمین برخی از مواد اولیه صنایع موفق بوده است در عین حال لزوم تأکید بر همزیستاری صنعت و معدن نبوده است. سیاست اتخاذ شده برخوردار از برخوردی مستقل با بخش معدن و صنعت بوده است.

بخش صنعت:

ضمیمه ۲- ارزیابی سیاست‌های پیش‌بینی شده و اتخاذ شده بخش صنعت و معدن و بازرگانی داخلی در برنامه اول طی سال‌های (۱۳۶۸-۱۳۷۲)

ردیف	عنوان هدف	سیاست‌های پیش‌بینی شده جهت تحقق هدف بر طبق برنامه	سیاست‌های اتخاذ شده در طی سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۷۲	زمان اتخاذ سیاست سال	ارزیابی در مورد کارایی سیاست‌های اتخاذ شده در سال‌های برنامه	ارزیابی در مورد کارایی سیاست‌های اتخاذ شده در سال‌های برنامه
۴	توسعه صادرات در زمینه‌هایی که منظم حد اکثر ارزش افزوده معدنی است.	توسعه صادرات با ارزش افزوده هر چه بیشتر.	تجدید کمیته استرداد حقوق گمرکی و سود بازرگانی تصویب قانون معافیت مالیاتی کالاهای صنعتی تولید شده متوسط واحدهای تحت پوشش وزارت معادن به میزان صد در صد و در سایر موارد پنجاه درصد. اعلام موافقت کلی با صدور ۴۹ قلم مواد معدنی و فلزی که صدور آنها موکول به اخذ مجوز موردی از وزارت معادن و فنرژات می‌باشد.	۱۳۷۱ ۱۳۷۰	گاهی مثبت در جهت تشویق صادرات است. این موضوع بابت افزایش درآمد واحدهای مذکور است و به صورت مستقیم کمک به بخش صادرات کالاها می‌باشد. سبب سرفه جویی در زمان و در نتیجه حضور کشور در بازارهای مواد معدنی جهانی بوده است.	مناسب بوده است.
۵	شناسایی ذخایر و منابع معدنی کشور در زمینه‌های دارای برتری نسبی.	توسعه عملیات زمین‌شناسی، اکتشاف معدنی و تجهیز معادن مورد نیاز و دارای اولویت کشور.	توسعه عملیات زمین‌شناسی و اکتشاف معدنی.		به نسبت مناسب بوده است.	مناسب بوده است.
۶	افزایش میزان بازاریابی ذخایر و رشد منظم نرخ بهره‌برداری از ظرفیت‌ها و بهره‌وری در معادن					

ضمیمه ۳- ارزیابی سرمایه گذاری انجام شده بخش صنعت و معدن و بازرگانی داخلی در برنامه اول طی سال های ۱۳۶۸-۱۳۷۲

شماره ردیف	عنوان هدف کمی	شاخص اندازه گیری هدف	واحد شاخص	عملکرد ۱۳۶۷	کل سرمایه گذاری طبق برنامه اول					کل عملکرد سرمایه گذاری در طول برنامه اول					درصد تحقق سرمایه گذاری پیش بینی شده در برنامه				
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
	سرمایه گذاری کل:																		
	الف- زیربخش صنعت:																		
۱	کل سرمایه گذاری	حجم سرمایه گذاری	میلیارد ریال	—	۲۷۹/۹	۵۲۶۸	۲۵۲۶	۳۰۶۷	۱۶۸۲	۵۹۷	۱۶۹۰	۲۶۸۱	۱۸۶۰	۹۰۰	۱۲۶۶	۳۲۰۸	۵۹۸۲	۶۱۰۶	۵۳۵۱
۲	ارز کل بخش صنعت	حجم سرمایه گذاری	میلیون ریال	—	۳۹۷۰/۱۶	۲۲۰۲	۵۱۹۰	۶۰۲۶	—	—	—	۸۷۳۳/۹	۱۱۲۸۸	۶۱۰۶۲	—	۱۵۳۸	۲۵۶۶	۱۶۸۳	۸۸۸
	ارز جاری (تولید)	حجم سرمایه گذاری	میلیون ریال	—	۲۹۰۰/۱۶	۳۱۹۲	۳۸۰۷	۲۵۸۱	—	—	—	۵۱۷۶/۱	۷۹۲۵۲	۳۷۱۸	—	۱۲۸۲	۲۶۸۳	۱۲۶۰	۲۱۱
	ارز سرمایه گذاری (عمرانی)	حجم سرمایه گذاری	میلیون ریال	—	۱۰۷۰	۱۲۱۰	۱۳۸۳	۱۲۶۳	—	—	—	۳۵۵۷/۸	۳۳۶۲۶	۲۳۸۶۲	—	۲۲۳۰	۲۷۷۹	۲۵۷۳	۳۰۳۸
	ب- زیربخش معدن:																		
۱	اعداط طرح های عمرانی	حجم سرمایه گذاری	میلیون ریال	—	۲۷۴۰۰	۹۴۳۰۰	۷۹۶۰۰	۷۷۲۰۰	—	—	—	۳۵۵۷/۸	۲۵۵۶۳	۲۶۹۱۶	۱۱۹۶۸۸	۱۱۸۱	۹۶۱	۵۱	۵۵
۲	سرمایه گذاری طرح های عمرانی	حجم سرمایه گذاری	میلیون ریال	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
۳	ار محل سایر منابع	حجم سرمایه گذاری	میلیون ریال	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
	سرمایه گذاری جدید در معدن	حجم سرمایه گذاری	میلیون ریال	۲۵۲۶۰	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
	فعال کشور	حجم سرمایه گذاری	میلیون ریال	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
۲	سرمایه گذاری انحصار شده جهت	حجم سرمایه گذاری	میلیون ریال	۶۰	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
	محبور های اکتشاف	حجم سرمایه گذاری	میلیون ریال	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
۵	سرمایه گذاری طرح های غیر دولتی	حجم سرمایه گذاری	میلیون ریال	۳۲۸۱	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
	صدای فراوری	حجم سرمایه گذاری	میلیون ریال	—	۲۳۸۰۰	۷۷۴۰۰	۱۱۸۳۰۰	۱۵۰۶۰۰	۱۶۶۹۰۰	۲۶۵۶۷	۳۰۸۰۹۰	۱۰۶۶۹۲	۳۰۸۰۹۰	۲۱۰۶۶۶	۳۰۰۰۰۰	۱۹۵۷	۲۶۰۶	۲۷۲۷	۱۷۹۷
۶	کل سرمایه گذاری بخش معدن	حجم سرمایه گذاری	میلیون ریال	—	۲۰۰	۲۲۰	۵۶۵	۵۶۵	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
۸	ارز سرمایه گذاری (تولیدی و تعهدی)	حجم سرمایه گذاری	میلیون دلار	—	۱۰۰	۱۲۵	۱۶۰	۵۹۵	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
	ارز جاری	حجم سرمایه گذاری	میلیون دلار	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
	هزینه ارزی تولید نه تکمیل صدای	هزینه ارزی	هزار دلار	—	۱۶۹۳۰۰	۱۹۱۹۱۱	۹۹۱۹۳۲	۱۰۳۹۱۲۹	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
۱	صدای مصرفی	هزینه ارزی	هزار دلار	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
۲	۳۱۱۱- کشتار تهیه و نگهداری گوسفند	هزینه ارزی	هزار دلار	—	—	۲۲۸۶	۲۳۵۷	۲۸۵۷	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
۴	۳۱۱۳- کسرو میوه و سبزی	هزینه ارزی	هزار دلار	—	۸۰۲۳	۸۰۲۳	۹۰۱۶	۹۵۱۶	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—

مجموع سرمایه گذاری در معدن و بازرگانی داخلی در برنامه اول طی سال های ۱۳۶۸-۱۳۷۲، حجم سرمایه گذاری، رقم شماره ۱

ضمیمه ۳- ارزیابی سرمایه گذاری انجام شده بخش صنعت و معدن و بازرگانی داخلی در برنامه اول طی سالهای ۱۳۶۸ - ۱۳۷۲

شماره ردیف	عنوان هدف کمی	شاخص اندازه گیری هدف	واحد شاخص	عملکرد ۱۳۶۷	کل سرمایه گذاری طبق برنامه اول					کل عملکرد سرمایه گذاری در طول برنامه اول					درصد تحقق سرمایه گذاری پیش بینی شده در برنامه				
۱	۲	۳	۴	۵	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
	سرمایه گذاری کل:																		
۵	۳۱۱۲- کنسرو گوشت	هزینه ارزی	هزار دلار	—	۳۴۴۳	۳۴۴۳	۳۵۴۳	۴۱۲۸	—	۱۵۳۷	۹۷۶۳	—	—	—	۲۴/۶	۲۸۳/۶	۰/۰	۰/۰	۰/۰
۶	۳۱۱۵- روغن نباتی	هزینه ارزی	هزار دلار	—	۲۸۳۸۶	۲۸۳۵۷	۳۰۰۱۴	۳۰۶۰۰	—	۳۲۸۰۶	۷۴۰۱۶	۴۱۵۶۷	۲۸۱۹۲	—	۱۱۵/۶	۲۵۷/۴	۱۳۸/۵	۹۲/۱	۹۲/۱
۷	۳۱۱۷- نان، بیسکویت، ماکارونی	هزینه ارزی	هزار دلار	—	۱۱۴۳	۱۱۴۳	۱۱۷۱	۱۳۷۱	—	—	—	—	—	—	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰
۸	۳۱۱۸- قند و شکر	هزینه ارزی	هزار دلار	—	۹۱۲۸	۱۰۳۲۳	۱۲۰۰۰	۱۳۷۴۳	—	۹۳۱۶	۱۹۴۱۷	۱۶۹۲۰	۶۰۵۰	—	۱۰۲/۱	۱۸۸/۴	۱۴۱/۰	۲۴/۰	۲۴/۰
۹	۳۱۱۹- کاکائو، شکلات، شیرینی	هزینه ارزی	هزار دلار	—	۵۷۴۳	۵۷۵۷	۶۴۷۱	۶۴۷۱	—	۱۳	۱۵۷۲۸	۱۷۳۲۲	—	—	۰/۲	۲۷۳/۲	۲۶۷/۷	۰/۰	۰/۰
۱۰	۳۱۲۱- سایر محصولات غذایی	هزینه ارزی	هزار دلار	—	۹۱۲	۱۷۲۸	۱۷۵۷	۲۲۲۸	—	—	۷	۶۹۳	—	—	۰/۰	۰/۲	۳۹/۲	۰/۰	۰/۰
۱۱	۳۱۳۴- مشروبات غیر الکلی	هزینه ارزی	هزار دلار	—	۳۴۴۳	۳۴۴۳	۴۳۵۷	۴۹۲۸	—	—	۲۶۹۵	۱۲۵۱۹	—	—	۰/۰	۷۸/۳	۲۸۷/۳	۰/۰	۰/۰
۱۲	۳۱۴۰- توتون و تنباکو	هزینه ارزی	هزار دلار	—	۱۱۵۰۰	۱۱۵۰۰	۱۱۷۷۱	۱۱۷۷۱	—	—	—	۱۵۲۲	—	—	۰/۰	۰/۰	۱۲/۹	۰/۰	۰/۰
۱۳	۳۲۱۳- تصفیه و جویاب	هزینه ارزی	هزار دلار	—	۱۱۲	۱۱۲	۱۱۲	۱۱۲	—	۱۱	۱۴۵۱	۱۵۳۷۰	—	—	۱۳۱	۱۷۹/۸	۵۲۰/۳	۰/۰	۰/۰
۱۴	۳۲۱۴- قالی و قالیچه ماشینی	هزینه ارزی	هزار دلار	—	۴۳۱۰۰	۴۵۹۸۶	۴۷۰۷۱	۴۷۰۷۱	—	۴۲۹۱۳	۱۱۹۹۰۵	۲۳۲۰۲	—	—	۹۹/۶	۹۴/۰	۲۵۴/۷	۰/۰	۰/۰
۱۵	۳۲۳۰- پوشاک	هزینه ارزی	هزار دلار	—	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۱	۱۸۲۴۳	۲۴۷۲۳	—	—	۱۲۸۸	۱۶۲	—	—	۰/۰	۱۰/۷	۸/۹	۰/۰	۰/۰
۱۶	۳۲۳۳- محصولات چرم	هزینه ارزی	هزار دلار	—	۲۲۸	۳۴۳	۵۸۶	۵۸۶	—	—	۴۰	—	—	—	۰/۰	۱۱/۷	۰/۰	۰/۰	۰/۰
۱۷	۳۲۴۰- کفش چرمی	هزینه ارزی	هزار دلار	—	۲۳۷۱	۲۶۰۰	۴۸۱۲	۲۷۱۲	—	۲۹۰۳۹	۲۸۴۸۹	۲۱۲۵۷	۱۷۳۴۱	—	۱۱۲۱/۹	۱۰۵۲/۱	۲۵۰/۹	۳۶۰/۲	۳۶۰/۲
۱۸	۳۲۱۲- ظروف و جعبه کاغذی	هزینه ارزی	هزار دلار	—	۱۷۸۱۲	۱۹۵۴۲	۲۰۰۰۰	۲۰۰۴۳	—	۲۰۶۳۵	۱۵۰	۳۰۹۹۳	—	—	۱۱۵/۸	۰/۸	۱۵۵/۰	۰/۰	۰/۰
۱۹	۳۲۲۲- ظروف	هزینه ارزی	هزار دلار	—	۳۹۱۵۱۱	۴۰۲۴۴۳	۳۰۱۱۰۰	۳۱۵۱۶	—	—	۵۲۶	۳۹۷	—	—	۰/۰	۰/۸	۰/۸	۰/۸	۰/۸
۲۰	۳۲۲۳- ظروف و ظروف دیگر	هزینه ارزی	هزار دلار	—	۱۱۲۴۲۸	۱۱۰۵۱۴	۱۹۳۰۰۰	۱۹۱۱۱۴	—	۱۵۰۵۲۹	۲۰۰۴۲۲	۱۵۱۲۰۵	۱۹۰۰۶	—	۱۱/۳	۱۱۱/۸	۸۷/۳	۰/۰	۰/۰
۲۱	۳۲۲۹- سایر محصولات شیمیایی	هزینه ارزی	هزار دلار	—	۴۱۷۷۱	۴۴۵۷۱	۴۷۳۷۱	۴۷۸۸۱	—	۲۵۲۸۷	۱۸۶۱۲	۱۶۱۶۶	—	—	۶۰/۵	۴۱/۸	۳۴/۱	۰/۰	۰/۰
۲۲	۳۲۵۹- سایر محصولات لاستیکی	هزینه ارزی	هزار دلار	—	۴۱۴۳	۴۶۱۲	۴۷۵۷	۵۲۱۴	—	۴۷۹۱	۸۲۹۲	۶۲۰۲	—	—	۱۱۵/۶	۱۷۹/۷	۱۳۰/۴	۰/۰	۰/۰
۲۳	۳۲۶۰- محصولات پلاستیکی	هزینه ارزی	هزار دلار	—	۱۲۰۴۳	۳۱۰۰	۳۲۷۱	۳۴۴۳	—	۲۹۰۷	۱۷۵۸۰۰	۳۸۰۲۵	—	—	۲۴/۱	۵۶۷۱/۰	۱۱۶۲/۵	۰/۰	۰/۰
۲۴	۳۲۶۱- ظروف چینی و سفالی	هزینه ارزی	هزار دلار	—	۱۰۸۶	۱۱۴۳	۱۲۸۶	۱۲۵۷	—	۴۵۸۸	۱۲۶۴۸	۵۳۰۵	۷۴۳	—	۲۲۲/۵	۱۱۰۶/۶	۴۱۲/۵	۵۱/۰	۵۱/۰

ضمیمه ۳- ارزیابی سرمایه گذاری انجام شده بخش صنعت و معدن و بازرگانی داخلی در برنامه اول طی سال های ۱۳۶۸-۱۳۷۲

شماره ردیف	عنوان هدف کمی	شاخص اندازه گیری هدف	واحد شاخص	عملکرد ۱۳۶۷	کل سرمایه گذاری طبق برنامه اول					کل عملکرد سرمایه گذاری در طول برنامه اول					درصد تحقق سرمایه گذاری پیش بینی شده در برنامه				
۱	۲	۳	۴	۵	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲
۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۲۵	سرمایه گذاری کل:	هرینه انرژی	هزار دلار	-	۱۶۱	۹۱۱	۱۰۱۴	۱۰۲۹	۱۰۰	۶۹۵	۲۳۰۱	۱۰۵	۱۱۴/۱	۱۱۴/۱	۱۱۴/۱	۱۱۴/۱	۱۱۴/۱	۱۱۴/۱	۱۱۴/۱
۲۶	۳۱۱۲- مثل و اثاثیه معدنی	هرینه انرژی	هزار دلار	-	۱۳۵۱	۱۰۲۳	۱۲۲۱	۱۵۱۶	۱۱۹۱	۶۰۰۵۶	۲۱۱۱۴۰	۱۸۱۳۴	۲۴۶/۵	۲۴۶/۵	۲۴۶/۵	۲۴۶/۵	۲۴۶/۵	۲۴۶/۵	۲۴۶/۵
۲۷	۳۱۳۲- رادیو و تلویزیون	هرینه انرژی	هزار دلار	-	۱۱۴۰۰	۱۹۵۲۳	۲۲۰۰	۲۳۲۵۱	۵۰۲۹	۱۱۶۰۱۶	۲۴۰۱۵۱	۳۵۱۳۱	۱۹۲/۸	۱۹۲/۸	۱۹۲/۸	۱۹۲/۸	۱۹۲/۸	۱۹۲/۸	۱۹۲/۸
۲۸	۳۱۳۳- لوازم خانگی برقی	هرینه انرژی	هزار دلار	-	۳۰۲۵۱	۳۲۵۰۰	۳۶۱۱۶	۴۱۹۲۳	۴۵۳۱۴	۲۳۴۵۳۰	۱۱۹۶۴۲	۲۴۶۱۲۵	۱۹۲/۸	۱۹۲/۸	۱۹۲/۸	۱۹۲/۸	۱۹۲/۸	۱۹۲/۸	۱۹۲/۸
۲۹	۳۱۴۴- وسایل نقشه برداری	هرینه انرژی	هزار دلار	-	۲۲۳۸۶	۲۱۱۱۴	۲۱۱۴۳	۳۶۶۵۱	۱۵۹	۱۴۱۳۱۱	۳۳۷۱۴۰	۹۷۴۹۲	۲۳۵/۵	۲۳۵/۵	۲۳۵/۵	۲۳۵/۵	۲۳۵/۵	۲۳۵/۵	۲۳۵/۵
۳۰	۳۱۴۴- موتورسیکلت و دوچرخه	هرینه انرژی	هزار دلار	-	۱۱۹۹۲۷	۱۳۲۱۱۳	۱۶۴۵۲۳	۲۱۱۳۰	۲۲۶۱۱۹	۱۱۶۰۱۶	۲۳۸۷۷۳	۱۳۸۲۹۱۵	۱۱۵/۳	۱۱۵/۳	۱۱۵/۳	۱۱۵/۳	۱۱۵/۳	۱۱۵/۳	۱۱۵/۳
۳۱	۳۱۴۴- وسایل نقشه برداری	هرینه انرژی	هزار دلار	-	۱۰۵۷۲۳	۱۹۱۱۰۰	۱۹۱۱۰۰	۱۲۱۱۱۱۱	۲۹۵۲۰۰	۱۰۳۳۰۱۵	۲۳۲۳۹۶	۷۱۴۰۳۹	۱۱۴/۱	۱۱۴/۱	۱۱۴/۱	۱۱۴/۱	۱۱۴/۱	۱۱۴/۱	۱۱۴/۱
۳۲	۳۱۴۴- وسایل نقشه برداری	هرینه انرژی	هزار دلار	-	۱۴۸۶	۱۴۱۶	۹۴۲۱	۱۰۹۱۶	۱۹۴۲۳	۶۳۴۵	۲۶۲۸۹	۱۱۳۴۱	۱۳۳/۶	۱۳۳/۶	۱۳۳/۶	۱۳۳/۶	۱۳۳/۶	۱۳۳/۶	۱۳۳/۶
۳۳	۳۱۱۶- آزاد سازی بروج پاک کنی	هرینه انرژی	هزار دلار	-	۶۴۶۴۳	۹۰۲۱۴	۹۲۱۰۰	۱۳۶۶۵۱	۳۱۰۳۵	۲۳۶۹۱۰	۱۷۱۸۱۳	۱۹۸۰۹۰	۳۰۶/۴	۳۰۶/۴	۳۰۶/۴	۳۰۶/۴	۳۰۶/۴	۳۰۶/۴	۳۰۶/۴
۳۴	۳۲۱۱- ریسندگی و رنگدانی و تکمیل	هرینه انرژی	هزار دلار	-	۱۰۸۲۸	۱۴۸۵۱	۱۵۴۰۰	۲۱۶۱۶	۲۱۰۹	۱۵۲۴۹	۳۱۷۵۴	۱۸۱۹۱	۱۶۱/۱	۱۶۱/۱	۱۶۱/۱	۱۶۱/۱	۱۶۱/۱	۱۶۱/۱	۱۶۱/۱
۳۵	۳۲۳۱- دهنی و تکمیل جرم	هرینه انرژی	هزار دلار	-	۲۹۶۱۱	۵۰۱۵۱	۵۴۳۵۱	۱۳۲۲۲	۱۳۵۱۶	۲۰۲۴۵	۱۰۵۱۱۵	۵۲۲۲۱	۱۰۵/۱	۱۰۵/۱	۱۰۵/۱	۱۰۵/۱	۱۰۵/۱	۱۰۵/۱	۱۰۵/۱
۳۶	۳۴۱۱- کد عدد و مثلاً	هرینه انرژی	هزار دلار	-	۴۵۶۰۰	۴۱۹۱۱	۱۲۴۲۱	۹۲۶۱۱	-	-	-	-	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰
۳۷	۳۵۱۱- میراث شیمیایی اندکی صنعتی	هرینه انرژی	هزار دلار	-	۱۴۵۰۰	۲۶۳۵۱	۲۶۶۵۱	۳۰۰۱۴	۳۱۶۲	۶۵۱۱	۳۱۱۹۶	۲۳۳۵۱	۱۰/۴	۱۰/۴	۱۰/۴	۱۰/۴	۱۰/۴	۱۰/۴	۱۰/۴
۳۸	۳۵۱۳- آلیاف مصنوعی و مواد پلاستیکی	هرینه انرژی	هزار دلار	-	۱۵۰۰	۱۶۹۱۶	۱۱۳۵۱	۱۹۳۱۱	۳۱۶۲	۶۵۱۱	۳۱۱۹۶	۲۳۳۵۱	۲۱۳/۶	۲۱۳/۶	۲۱۳/۶	۲۱۳/۶	۲۱۳/۶	۲۱۳/۶	۲۱۳/۶
۳۹	۳۵۲۱- رنگ و لاک	هرینه انرژی	هزار دلار	-	۵۲۰۳۰۰	۵۴۶۰۲۱	۶۱۳۳۱۶	۱۰۲۰۱۱	۱۹۶۱۰۰	۵۲۱۶۰۰	۱۴۵۰۰	۳۳۱۵۰۰	۶۳/۱	۶۳/۱	۶۳/۱	۶۳/۱	۶۳/۱	۶۳/۱	۶۳/۱
۴۰	۳۶۱۰- آهن و فولاد	هرینه انرژی	هزار دلار	-	۲۶۶۴۳	۲۹۶۲۳	۳۳۵۱۴	۲۴۱۱۱	۵۲۰۰	۱۰۳۰۰	۲۱۵۰۰۰	۵۱۰۰	۲۱/۱	۲۱/۱	۲۱/۱	۲۱/۱	۲۱/۱	۲۱/۱	۲۱/۱
۴۱	۳۶۲۰- قدامت حراقی	هرینه انرژی	هزار دلار	-	۲۶۶۴۳	۲۹۶۲۳	۳۳۵۱۴	۲۴۱۱۱	۵۲۰۰	۱۰۳۰۰	۲۱۵۰۰۰	۵۱۰۰	۲۱/۱	۲۱/۱	۲۱/۱	۲۱/۱	۲۱/۱	۲۱/۱	۲۱/۱
۴۲	۳۶۱۹- محمولات معدنی و غیر معدنی	هرینه انرژی	هزار دلار	-	۳۹۳۶۱۱	۴۴۳۳۲۱	۵۹۱۹۲۳	۱۳۱۵۱۶	۴۱۱۱۹	۳۳۴۵۱۱	۴۴۵۳۱۱	۲۹۲۱۳۱	۱۱۶/۲	۱۱۶/۲	۱۱۶/۲	۱۱۶/۲	۱۱۶/۲	۱۱۶/۲	۱۱۶/۲
۴۳	صنایع و اسفندی غیر صنعتی	هرینه انرژی	هزار دلار	-	۲۱۴	۲۱۴	۲۱۴	۲۱۶	-	۶۴۰۰	۱۱۱۰	-	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰
۴۴	۳۱۲۲- حرارت کد و ضریب	هرینه انرژی	هزار دلار	-	۲۱۴	۲۱۴	۲۱۴	۲۱۶	-	۶۴۰۰	۱۱۱۰	-	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰
۴۵	۳۵۱۴- کد و مثلاً	هرینه انرژی	هزار دلار	-	۵۱۱۱۱	۶۶۱۱۱	۱۱۰۰۰	۱۴۱۴۳	-	۲۴۵۹	۱۲۴۵	-	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰

ضمیمه ۳- ارزیابی سرمایه گذاری انجام شده بخش صنعت و معدن و بازرگانی داخلی در برنامه اول طی سال های ۱۳۶۸-۱۳۷۲

شماره ردیف	عنوان هدف کمی	شاخص اندازه گیری هدف	واحد شاخص	عملکرد ۱۳۶۷	کل سرمایه گذاری طبق برنامه اول					کل عملکرد سرمایه گذاری در طول برنامه اول					درصد تحقق سرمایه گذاری پیش بینی شده در برنامه				
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
	سرمایه گذاری کل:																		
۱۳	۳۵۳۰- سود سوختی و غیر سوختی نفت	هرینه انرژی	هزار دلار	—	۲۳۳۲۳	۲۶۵۲۸	۳۰۲۷۱	۳۲۳۱۶	—	۱۵۶۳۱	۲۳۶۹۵	۱۷۰۹۹	۵۵۹۵	—	۶۷۰۰	۱۶۲۷	۵۶۱	۱۷۳	—
۱۶	۳۵۶۰- محصولات متفرقه نفت و ذغال	هرینه انرژی	هزار دلار	—	—	—	۵۲۳	۱۰۷۱	—	۲۹۶	—	—	—	—	—	—	—	—	—
۱۵	۳۵۵۱- لاستیک روسی و نوین	هرینه انرژی	هزار دلار	—	۹۸۱۰۰	۱۰۲۵۲۸	۱۷۹۵۲۳	۱۸۹۵۲۸	—	۱۹۸۵۵۷	۱۶۰۰۸۰	۱۱۵۶۲	۲۷۳۰۶	—	۱۵۱۰۴	۱۳۶۶	۶۶	۱۶۲	—
۱۶	۳۶۲۰- شیشه و محصولات شیشه	هرینه انرژی	هزار دلار	—	۱۰۶۲۸	۱۱۶۷۱	۲۹۳۸۶	۳۶۹۸۶	—	۲۲۸۹۰	۲۷۲۶۰	۱۶۲۶۵	۱۶۱۱	—	۲۱۵۰۴	۲۰۶۶	۲۸۵	۲۰	—
۱۷	۳۶۹۰- آجر	هرینه انرژی	هزار دلار	—	۱۱۲	۲۲۸	۳۵۷	۴۵۷	—	—	—	—	—	—	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	—
۱۸	۳۶۹۱- محصولات کاشی ساختمانی	هرینه انرژی	هزار دلار	—	۲۸۵۷	۷۶۲۳	۱۳۲۸۶	۱۶۵۲۳	—	۶۸۳۱	۱۶۱۳۹	۱۹۵۵۵	—	—	۲۳۹/۱	۲۱۱۲	۱۶۷۲	۰/۰	—
۱۹	۳۶۹۲- سیمان، آهک و گچ	هرینه انرژی	هزار دلار	—	۵۷۰۰۰	۶۱۳۲۲	۵۹۵۰۰	۶۶۱۸۶	—	۲۷۶۹۳	۶۶۶۸۸	۵۶۰۱۷	۲۲۱۳	—	۸۳۸/۷	۱۰۳۸	۹۶۱	۳۳	—
۲۰	۳۶۹۹- سوازیلیک و سنگبری	هرینه انرژی	هزار دلار	—	۶۶۸۶	۷۳۲۸	۷۶۱۶	۱۳۲۲۲	—	۹۰۶۷	۳۱۰۷۳	۱۲۱۲۶	۱۱۱۲۶	—	۱۳۵۰۶	۲۲۰	۱۵۹۲	۸۲۲	—
۲۱	۳۸۱۱- کارد و چنگال و ابزار دستی	هرینه انرژی	هزار دلار	—	۳۶۲۳	۳۸۱۲	۲۰۸۶	۲۹۵۷	—	۶۹۲۶	۱۵۶۰۳	۳۱۹۰۲	۱۱۲	—	۱۹۰/۶	۲۰۹۱	۷۸۰۸	۲۳	—
۲۲	۳۸۱۳- محصولات فلزی ساختمانی	هرینه انرژی	هزار دلار	—	۱۳۴۹۲۲	۱۳۵۲۷۱	۱۵۸۲۷۱	۲۶۹۵۱۶	—	—	—	—	—	—	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	—
۲۳	۳۸۳۹- سایر دستگاه ها و لوازم برقی	هرینه انرژی	هزار دلار	—	۲۳۷۱	۲۰۳۵۷	۲۳۵۲۸	۱۶۵۲۵۷	—	۳۳۲۶۰	۸۵۲۷۷	۵۵۱۲۶	—	—	۷۸۳/۳	۲۱۶۹	۱۲۶۶	۰/۰	—
	صنایع سرمایه ای																		
	۳۸۲۱- موتور و نوزبین	هرینه انرژی	هزار دلار	—	۱۳۱۱۴	۳۳۹۲۸	۲۹۹۲۳	۷۷۹۲۳	—	۷۰۸۲۳	۲۳۷۳۹۶	۱۱۷۷۲۲	۳۲۱۶۶	—	۵۲۰/۲	۶۹۹۷	۲۳۵۵۸	۶۱۲	—
۲	۳۸۲۲- ماشین آلات و وسایل کشاورزی	هرینه انرژی	هزار دلار	—	۱۲۲۵۱۶	۱۰۲۷۸۶	۱۲۶۲۱۶	۱۲۳۵۲۸	—	۱۹۵۵۳۲	۲۹۹۷۶۳	۲۲۰۷	۷۶۵۳۲۷	—	۱۵۹۰۶	۲۹۱۶	۳۶۹	۲۵۵	—
۳	۳۸۲۳- ماشین آلات چوببری و فلزکاری	هرینه انرژی	هزار دلار	—	۱۳۱۱۲	۱۵۹۰۰	۱۸۱۸۶	۲۱۸۷۱	—	۲۴۶۵۲	۷۱۱۰۰	۲۹۲۹۵	۸۵۶۸	—	۱۸۸/۰	۲۶۷۲	۱۶۱۱	۳۹۲	—
۴	۳۸۲۴- ماشین آلات صنعتی	هرینه انرژی	هزار دلار	—	۲۳۶۱۲	۲۶۵۰۰	۳۲۶۸۶	۶۲۷۷۱	—	۳۸۷۸۹	۶۲۳۳۸۲	۵۶۱۲۳	۵۸۰۸۸	—	۱۶۲۳	۱۶۷۳۱	۱۶۵۶	۱۳۵۸	—
۵	۳۸۲۹- سایر ماشین های صنعتی	هرینه انرژی	هزار دلار	—	۷۶۵۸۶	۹۱۱۲۳	۱۸۵۶۸۶	۲۱۹۵۱۱	—	۲۲۲۹۸	۱۵۸۸۱۰	۲۸۰۶۲	۳۲۷۸	—	۲۹۱	۱۷۲۲	۱۵۱	۱۵	—
۶	۳۸۳۱- ماشین آلات کامل برقی	هرینه انرژی	هزار دلار	—	۱۶۲۲۸	۲۳۳۱۶	۲۵۶۶۱	۲۹۲۷۱	—	۶۶۶۹۱	۷۸۰۶۳	۲۶۶۲۶	۷۸۳۶	—	۳۲۲۲	۳۳۰۸	۹۶۰	۲۵۶	—
۷	۳۸۴۱- کشتی سازی و تعمیرات	هرینه انرژی	هزار دلار	—	۲۱۹۵۸	۲۳۶۷۱	۲۷۲۱۶	۲۹۲۲۸	—	۲۳۰۸۰	۲۶۳۲۰	۱۷۲۶۶	۱۳۶۲	—	۵۵۰	۱۰۶۶	۲۷۰	۱۶۹	—
۸	۳۸۴۲- وسایل راه آهن و تعمیر	هرینه انرژی	هزار دلار	—	۷۱۰۲۸	۸۱۶۱۲	۹۰۰۰۰	۱۰۳۶۱۶	—	۲۹۰۶۲	—	۱۷۸۹۸	۱۷۹۵	—	۲۰۹	۰/۰	۱۹۹	۱۱	—
۹	۳۸۴۳- وسایل نقلیه موتوری	هرینه انرژی	هزار دلار	—	۲۸۵۵۲۳	۵۲۴۱۱۶	۶۰۷۶۲۸	۱۲۵۲۵۷	—	۲۴۳۱۶۱	۷۸۹۵۳۵	۲۳۳۳۳۳	۲۵۳۸۲	—	۹۱۳	۱۵۰۶	۳۸۶	۶۳	—
۱۰	۳۸۵۱- وسایل حرفه ای و اندازه گیری	هرینه انرژی	هزار دلار	—	۸۵۷۱	۱۰۱۲۳	۲۰۱۸۶	۲۲۱۱۶	—	۶۵۶۹	۱۶۰۸۵	۲۵۳۳۷	۱۵۱۰	—	۷۶۶	۱۵۸۶	۱۲۵۵	۶۸	—

منبع: گزارش سازمان برنامه و بودجه

بخش: صنعت

ضمیمه ۴- سرمایه‌گذاری از محل منابع بودجه عمومی و منابع داخلی شرکت‌های دولتی طی سال‌های برنامه دوم (سناریوی ۱)

(میلیارد ریال)

هدف کمی بخش دولتی	۱۳۷۱		۱۳۷۲		۱۳۷۳		۱۳۷۴		۱۳۷۵		۱۳۷۶		۱۳۷۷		جمع دوره	
	بودجه عمومی	از محل منابع داخلی شرکت‌ها	بودجه عمومی	از محل منابع داخلی شرکت‌ها	بودجه عمومی	از محل منابع داخلی شرکت‌ها	بودجه عمومی	از محل منابع داخلی شرکت‌ها	بودجه عمومی	از محل منابع داخلی شرکت‌ها	بودجه عمومی	از محل منابع داخلی شرکت‌ها	بودجه عمومی	از محل منابع داخلی شرکت‌ها	بودجه عمومی	از محل منابع داخلی شرکت‌ها
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷
برنامه ایجاد و توسعه صنایع غذایی			۱		۰/۴		۰		۰		۰		۰		۰/۲	
برنامه ایجاد و توسعه صنایع - حی‌دستی - روشنی و چرم			۶/۴		۰/۲۵		۶/۶		۲/۴		۸/۲		۹/۲		۲۱/۶	
برنامه ایجاد و توسعه صنایع شیمیایی			۲۰		۹۴/۵		۸۰		۲۲/۱		۸۲/۶		۸۴/۶		۴۱۹/۸	
برنامه ایجاد و توسعه صنایع نساجی فبری و ذوب فلز			۵۰		۲۲/۵		۷۲/۲		۸۵/۶		۸۵		۸۰		۲۶۶/۴	
برنامه ایجاد و توسعه صنایع مکانیکی			۱		۰		۱/۸		۰/۵		۰		۰		۲/۲	
برنامه کمک‌های فنی			۱۵		۱۱/۶		۶/۲		۷		۲/۲		۸/۲		۲۱/۰	
برنامه تعقیب و بررسی			۸/۵		۱۵/۲		۱۵		۱۵/۲		۱۶/۷		۱۸/۲		۸۰/۵	
جمع سرمایه‌گذاری مستقیم دولت در بخش صنعت			۱۵۱/۹		۱۶۵/۷		۱۸۱/۹		۱۹۲/۸		۲۰۱/۲		۲۰۰/۴		۹۲۱/۹	
سویسد اعتبارات بانکی *			-		-		-		-		۱۵۲/۵		۲۲۸/۶		۴۸۲/۴	
جمع اعتبارات عمرانی فصل صنعت			۱۵۱/۹		۱۶۵/۶		۱۸۱/۹		۱۹۲/۸		۲۵۴/۷		۵۲۹/۴		۱۴۲۴/۲	

را حده سرمایه‌گذاری بودجه، پیوست لایحه برنامه دوم توسعه قرار شماره ۲

بخش: صنعت

ضمیمه ۴- سرمایه گذاری از محل منابع بودجه عمومی و منابع داخلی شرکت های دولتی طی سال های برنامه دوم (سناریوی ۱)

(میلیارد ریال)

هدف کمی بخش دولتی	۱۳۷۱		۱۳۷۲		۱۳۷۳		۱۳۷۴		۱۳۷۵		۱۳۷۶		۱۳۷۷		جمع دوره	
	بودجه	از محل منابع داخلی	بودجه	از محل منابع داخلی	بودجه	از محل منابع داخلی	بودجه	از محل منابع داخلی	بودجه	از محل منابع داخلی	بودجه	از محل منابع داخلی	بودجه	از محل منابع داخلی	از محل بودجه عمومی	از محل بودجه عمومی
	دولت	شرکت ها	دولت	شرکت ها	دولت	شرکت ها	دولت	شرکت ها	دولت	شرکت ها	دولت	شرکت ها	دولت	شرکت ها	دولت	شرکت ها
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷
برنامه کشفیات معدنی			۱.۸/۲		۱۲/۷		۱۲/۷		۱۲		۱۲/۵		۱۵/۵		۶.۸/۴	
برنامه تجهیز و راه اندازی معدن			۱۲.۱/۸		۱۵.۸/۸		۱.۸۲/۴		۱.۸۲/۲		۱۹۹/۱		۲۷۵/۸		۱۰۰۰/۴	
برنامه تحقیق و بررسی و آموزش			۱۲/۲		۲/۲		۸/۲		۶		۴/۸		۵		۲۱/۲	
جمع اعتبارات عمرانی			۱۲.۸/۲		۱۲۹/۷		۲۰۲/۳		۲۰۲/۳		۲۱۷/۴		۲۹۶/۳		۱۱۰۰	
جمع اعتبارات جاری			۷/۸		۸/۹		۱۰		۱۰/۸		۱۱/۷		۱۲/۴		۵۴/۸	

بخش: صنعت ضمیمه ۵- کالاها و خدمات قابل صدور طی برنامه پنج ساله ۱۳۷۳-۱۳۷۷ (میلیون دلار)

نام کالا و خدمات	عملکرد						جمع دوره برنامه
	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
صنایع نساجی و پوشاک	۵۰	۸۴	۸۸	۹۵	۱۱۶	۱۴۲	۵۲۴
صنایع شیمیایی و صنایع	۱۱۶	۱۸۴	۱۹۵	۲۰۹	۲۵۴	۳۱۵	۱۱۵۷
صنایع غذایی و درزی و بهداشتی	۲۱	۵۰	۵۴	۶۰	۷۲	۸۸	۳۲۴
صنایع کانی غیر فلزی	۱۶	۲۰	۲۰	۲۲	۲۰	۵۹	۲۲۳
صنایع برق و الکترونیک	۳	۱۲	۱۲	۲۶	۲۸	۲۲	۱۱۶
صنایع فلزی	۱۰۶	۱۶۱	۱۵۶	۱۵۵	۲۱۰	۲۶۳	۹۵۶
پتروشیمی	۱۲۰	۱۶۰	۳۴۰	۵۰۰	۶۰۰	۶۲۰	۲۲۳۰
فلزات	۲۵۰	۲۵۰	۴۰۰	۴۲۰	۵۰۰	۵۵۰	۲۲۴۰
فروش و صنایع دستی	۱۰۹۲	۱۲۰۰	۱۲۰۰	۱۲۰۰	۱۵۰۰	۱۶۰۰	۲۰۰۰
پروفیل، نشی و بوم آهنی	۵/۶۸۸	۸/۵	۸/۷	۹/۷	۱۱/۲	۱۲/۴	۵۱/۶
ورق، پروفیل و قطعات آلومینیومی	۲/۲۹۲	۱۰	۱۰	۱۳/۲	۱۲/۸	۱۵/۷	۶۱/۲
فراورده های مسی	۲/۳۶۸	۲/۲	۲/۵	۸/۵	۱۰	۱۲/۳	۴۵/۶
پل و اسکلت فلزی	۱/۴۶۳	۷/۲	۲/۵	۶/۱	۱۱/۲	۱۲/۵	۴۹/۳
قطعات ریخته گری چدنی	۰/۰۵۲	۰/۲	۰/۹	۱/۲	۱/۶	۲	۶/۴
قطعات ریخته گری فولادی	۰/۲۲۲	۰/۶	۰/۷	۰/۸	۱	۱/۲	۴/۳
آچار و ابزار دستی	۰/۱۰۸	۰/۴	۰/۶	۰/۸	۱	۱/۲	۴
جرقه گیری	۰/۰۱۵	۲/۵	۲	۲/۹	۵	۶/۲	۲۱/۱
ماشین آلات پخت نان و بیسکویت سازی و همانند	۰/۱۱۹	۰/۶	۰/۷	۰/۸	۱	۱/۲	۴/۳
قالب های صنعتی	۰/۰۱	۰/۲	۰/۸	۱	۱/۳	۱/۵	۵/۳
پرس های صنعتی	۰/۱۱۱	۰/۷	۰/۲۵	۰/۹	۱	۱/۲	۴/۵۵
تراکتور	۰/۵۶۸	۴	۴/۲	۵/۲	۶/۵	۸	۲۲/۹
کامیون	۲۲/۸۹۶	۲۱	۲۲/۴	۲۷/۲	۲۰/۸	۲۴/۱	۱۲۵/۶
اتوبوس	۱۲/۶۲۵	۸/۵	۹/۱	۱۱/۶	۱۵	۱۸/۴	۶۲/۶
سواری (معمومی، جیب، آمبولانس و غیره)	۲۹/۵۱	۶	۶/۵	۲/۶	۸/۸	۹/۲	۲۸/۶
مینی بوس	۲۲/۲۷۸	۶	۶/۳	۲	۷/۵	۸/۶	۲۵/۴
ماشین آلات راه سازی	۱/۱۲۳	۱۲	۱۲/۵	۱۶/۱	۱۸/۲	۲۰	۲۸/۸
واگن	۰	۲/۵	۴	۵/۳	۲	۷/۸	۲۷/۶
دو چرخه و موتورسیکلت	۰	۰/۲	۰/۲۵	۰/۴	۰/۵	۰/۶	۲/۱۵
کمیابین	۰/۱۸۲	۱/۵	۱/۶	۴/۶	۳/۲	۲/۸	۱۲/۵
قطعات و لوازم خودرو و موتورسیکلت	۲/۵۶۵	۲/۵	۴/۶	۵/۸	۸/۱	۱/۲	۲۴/۲
دستگاه تزریق پلاستیک، پاکالیز آلومینیوم	۰/۰۶۸	۰/۶	۰/۶	۰/۸	۱	۱/۲	۴/۳
ماشین آلات مختلف از جمله ماشین آلات	۰/۸۷	۲	۲	۲/۵	۴/۸	۵/۸	۲۰/۱
مواد غذایی	۶/۲۱	۸/۸	۹/۵	۱۱/۷	۱۲/۸	۱۵/۹	۵۹/۶
موتورهای دیزلی و بنزینی	۰/۲	۲	۱۹/۲	۲۸/۸	۵۲	۸۴/۱	۲۰۶/۱
تأسیسات کارخانجات و انجام پروژه های عمرانی	۲/۰۸۲	۴	۵	۲	۹/۵	۱۱	۳۶/۵
در خارج							
ضایعات و متفرقه							
جمع	۲۰۱۴/۰۱۲	۲۳۶۰	۲۷۴۰	۲۱۴۰	۲۵۸۰	۲۹۸۰	۱۵۸۰۰

بخش: معدن

ضمیمه ۶- بررسی عملکرد تغییرات شاخص های هدف و تعیین اهداف کمی بخش دولتی

(بودجه عمومی و شرکت های دولتی)

ردیف	هدف کمی بخش دولتی	واحد شاخص اندازه گیری	عملکرد ۱۳۷۲	هدف					متوسط نرخ رشد سالانه درصد
				۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
	تعداد درات	میلیون دلار	-	۵۰	۵۰	۵۵	۶۵	۸۰	
	سهم کانی های صنعتی در تولیدات معدنی	درصد	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۱/۸
	درصد پوشش کشور با نقشه های	درصد	-	۶۸	۷۵	۸۴	۹۲	۱۰۰	
	استخراج سنگ آهن	میلیون تن	۵/۶	۲	۲	۸	۹	۱۰/۵	۱۳/۴
	تولید کنسنتره مس	هزار تن	۲۲۵	۲۴۰	۲۶۰	۲۶۰	۲۲۰	۵۱۰	۹/۴
	تولید کنسنتره زغال سنگ	هزار تن	۹۲۰	۹۲۰	۹۲۰	۹۲۰	۹۲۰	۹۲۰	۰/۰
	تولید مصالح ساختمانی	میلیون تن	۴۴	۴۵	۴۸	۵۰	۵۲	۵۴	۴/۲